

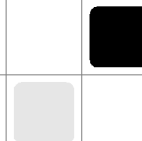


## فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس



سال هشتم □ شماره سی و یکم □ زمستان ۱۳۸۸

|                      |                                                                                                                                                                                                                                                     |
|----------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| صاحب امتیاز          | مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران                                                                                                                                                                                                        |
| مدیر مسئول           | سرلشکر پاسدار محمدعلی جعفری                                                                                                                                                                                                                         |
| معاون مدیر مسئول     | دکتر حسین اردستانی                                                                                                                                                                                                                                  |
| هیأت تحریریه         | دکتر حسین اردستانی (دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )؛ دکتر غلامعلی رشید (دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )؛ دکتر حسین علایی (دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )؛ دکتر محمود یزدان فام (پژوهشکده مطالعات راهبردی)؛ سردار سرتیپ پاسدار حمید اصلانی |
| مدیر اجرایی          | سید مسعود موسوی                                                                                                                                                                                                                                     |
| طرح جلد و صفحه آرایی | سیدعباس امجدزنجانی                                                                                                                                                                                                                                  |
| حروفچینی             | زهرا طالعی                                                                                                                                                                                                                                          |
| ناظر چاپ             | محمد بهروزی                                                                                                                                                                                                                                         |
| مدیر پشتیبانی        | احمد عوض آبادیان                                                                                                                                                                                                                                    |
| نشانی                | تهران، میدان هفت تیر، خیابان مفتاح جنوبی، خیابان شهید ورکش، نبش کوچه برومند، پلاک ۸/۱، تلفن و دورنگار: ۸۸۳۰۷۲۸۲                                                                                                                                     |
| پست الکترونیکی       | neginiran@gmail.com                                                                                                                                                                                                                                 |
| مرکز فروش            | تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، مجتمع ناشران فخر رازی، انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تلفن: ۶۶۴۹۵۵۷۲-۶۶۴۹۷۲۲۷                                                                                                                      |
| قیمت                 | ۱۲۰۰ تومان                                                                                                                                                                                                                                          |



## مشاوران علمی

- دکتر محسن رضایی (دانشگاه امام حسین<sup>(ع)</sup>)
- دکتر رحیم صفوی (دانشگاه امام حسین<sup>(ع)</sup>)
- امیر دریابان علی شمشانی (مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی)
- سردار سرتیپ پاسدار حسین سلامی
- دکتر امیر محمد حاجی یوسفی (دانشگاه شهید بهشتی)
- دکتر علی اکبر کجباف (دانشگاه اصفهان)
- سردار سرتیپ پاسدار جمال آبرومند
- سردار سرتیپ پاسدار محمد پاکپور
- سردار سرتیپ پاسدار مرتضی صفاری
- محمد درودیان
- محسن رخصت طلب

مقاله ها و مطالب درج شده در فصلنامه نگین ایران بیانگر دیدگاه نویسندگان آنهاست.

استفاده از مطالب این فصلنامه با ذکر مأخذ آزاد است.

## سر مقاله

جامعه و جنگ ۵

## مقاله ها

میراث جنگ ۹ دکتر سید عبدالامیر نبوی

واکاوی جنگ عراق علیه ایران از منظر رهیافت جامعه شناسی تاریخی ۲۳ کنی اله ابراهیمی

تحلیل محتوای روزنامه کیهان در رابطه با جنگ ایران و عراق ۳۵ زهرناظری  
از تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱ تا ۱۳۵۹/۹/۳۰

بررسی آثار و تبعات جنگ شهرها در ایران ۵۳ زهرارحیمی

بررسی مواضع فرانسه در قبال جنگ تحمیلی ۷۱ زهراریبی

## اسناد و گزارش ها

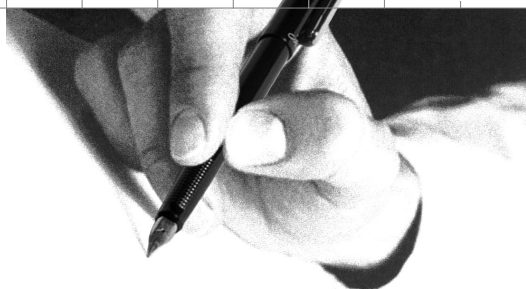
بهداری سپاه و جنگ شیمیایی عراق در آینه اسناد جنگ ۹۵ محمدصادق درویشی

## معرفی و نقد کتاب

نظام دوقطبی و جنگ ایران و عراق ۱۴۱ دکتر ابراهیم متقی  
معرفی و نقد: دکتر عبدالله فنیروگسترش سلاح های هسته ای و جنگ در خاورمیانه: رقابتی راهبردی ۱۴۷ دکتر ریچارد ال. راسل  
معرفی و نقد:  
دکتر محمود یزدان فامویتنام در عراق؛ تاکتیک ها، درس ها، میراث و اشباح ۱۵۷ دکتر جوهان دومبرل و  
دیوید دین  
معرفی و نقد:  
دکتر غلامرضا خسرویطراحی عملیات های اطلاعاتی ۱۶۷ دکتر پاتریک د. آلن  
معرفی و نقد:  
دکتر حیدرعلی بلوچی







## جامعه و جنگ

در جهان امروز جنگ میان کشورها به مناطق جنگی محدود نمی شود. جنگ های مدرن تفاوت های اساسی با جنگ های سنتی دارند. جنگ های مدرن هر چقدر هم محدود باشند، به حدی گسترده هستند که اغلب ابعاد حیات اجتماعی شهروندان را تحت تأثیر قرار دهند. تأثیرگذاری این جنگ ها متأثر از چند عامل است: نخست اینکه پیشرفت های فنی و تسلیحاتی موجب افزایش برد حملات، و افزایش تلفات و خسارات جنگ شده است. جنگ دیگر به مناطق جنگی محدود نمی شود. در جنگ های امروزس شهرها هدف حملات هوایی و موشکی واقع شده و زندگی عادی مردم در خطر قرار می گیرد.

دوم اینکه جنگ های صرفاً جنگ میان نیروهای حرفه ای جدا از جامعه نیست. دولت ها برای رسیدن به پیروزی و غلبه بر دشمن نیازمند بسیج همه نیروها و توان صنعتی، اقتصادی و اجتماعی خود و هدف قرار دادن تمام اهداف نظامی، اقتصادی، صنعتی و شهری دشمن هستند. آنها همه ظرفیت نظامی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور را برای مقابله با دشمن بسیج می کنند. سوم اینکه جنگ های امروزی همراه با بعد نظامی دارای ابعاد روانی است که خود متأثر از گسترش نقش مردم در حکومت ها از یک طرف و گسترش ارتباطات از سوی دیگر است که به راحتی نه تنها مردم کشور خود بلکه مردم کشور طرف دیگر جنگ و مردمان سایر کشورهای جهان را نیز مورد خطاب قرار داده و متأثر می سازد.

در مورد جنگ ایران و عراق علاوه بر عوامل فوق چند عامل دیگر نیز در گسترش ابعاد اجتماعی جنگ موثر بود. این موارد به اختصار به شرح زیر است: عراق زمانی جنگ را علیه ایران آغاز کرد که هنوز حکومت برخاسته از انقلاب اسلامی نتوانسته بود پایه های حکومتی خود را تحکیم بخشد و بر بحران های پس از انقلاب غلبه کند. اما در همین حال جمهوری اسلامی ایران حکومتی مردمی و برخاسته از انقلاب گسترده مردم بود. مردم ایران در شکل گیری و پیروزی انقلاب، سرنگونی رژیم شاه و تاسیس جمهوری اسلامی نقش اساسی داشتند. آنها خود را مسوول حفظ و تحکیم نظام می دانستند و به صورت گسترده حاضر به پرداخت هزینه های این اقدام جمعی بودند. مردم ایران در طول جنگ در قالب دو نهاد سپاه پاسداران و بسیج در مقابله با دشمن و پیروزی در میادین جنگ نقش اساسی ایفا کردند. همچنین آنها به شیوه های دیگر از جمله کمک های مالی و

مادی و تحمل خسارت های مستقیم و غیرمستقیم در جنگ مشارکت می کردند و جنگ در همه سطوح و ابعاد زندگی ایرانیان کم و بیش حضور داشت.

همچنین ماهیت ایدئولوژیک انقلاب اسلامی از یک سو و تعارضات مذهبی، زبانی، و قومی بین ایران و عراق از سوی دیگر که در تشویق رژیم بعثی عراق در حمله به ایران و بسیج مردم دو کشور به ویژه ایرانیان برای مقابله با تجاوز عراق نقش اساسی داشتند، موجب گسترش تأثیرات و پیامدهای اجتماعی جنگ بر جامعه ایران شد. ایدئولوژیک و مردمی بودن نظامی سیاسی ایران و تلاش قدرت های بزرگ برای منزوی کردن آن باعث شد تا جمهوری اسلامی ایران راهبرد نظامی خود را در مقابله با توان عراق و حمایت گسترده کشورهای منطقه و ابر قدرت ها از آن، بر توان و ظرفیت های مردمی خود استوار سازد. توان جمهوری اسلامی ایران در جنگ بر حمایت مردم و پشتیبانی مادی و معنوی آنها از جنگ استوار بود. بدون حمایت مردمی، جمهوری اسلامی ایران نمی توانست در برابر عراق که از هر سو مورد حمایت بود، مقاومت کرده و آن را به عقب نشینی وادار کند.

بدین ترتیب جنگ ایران و عراق علاوه بر اینکه جنگی مبتنی بر توان و برنامه ریزی نظامی دو طرف جنگ بود، جنگی اجتماعی هم محسوب می شد. جامعه ایران و عراق در سطوح گوناگون درگیر آثار مستقیم و غیرمستقیم جنگ بود. جنگ بر حیات اجتماعی مردم تأثیر گذاشت و آن را به سمت و سویی هدایت کرد و مردم ایران هم با کمک ها و اقدامات خود به روند تحولات جنگ شکل دادند. تأثیر متقابل جنگ بر نگرش و رفتار اجتماعی مردم ایران و تأثیر مردم بر روند تحولات جنگ موضوعی ملموس در تاریخ جنگ است اما این روند تنها به هشت سال محدود نمی شود و پیامدهای آن بعد از آن هم به نحوی دیگر تداوم یافت.

ابعاد نظامی و سیاسی جنگ ایران و عراق در طول سال های اخیر مورد توجه صاحب نظران بوده و کم و بیش مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. اما ابعاد و آثار و پیامدهای اجتماعی جنگ کمتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته و از شیوه جامعه شناختی برای تجزیه و تحلیل رویدادها و تحولات آن کمتر استفاده شده است. این بی توجهی به ابعاد اجتماعی جنگ و یا تجزیه و تحلیل جامعه شناسانه آن به معنی بی اهمیت بودن این بُعد از جنگ و یا کم تأثیر بودن آن در حیات اجتماعی ایران نیست. فقدان توجه به بعد اجتماعی از جنگ را در چند عامل می توان خلاصه کرد: نخست اینکه بررسی های جامعه شناسانه در جمع آوری داده ها عموماً از روش میدانی استفاده می کنند. این روش اغلب در خصوص تحولات و مسایلی است که در حال وقوع هستند. در دوره جنگ ها خطرات ناشی از جنگ بررسی های میدانی را با مشکلات و مسایل غیرقابل حلی روبرو می سازد و امکان جمع آوری داده های میدانی را با مشکلات اساسی روبرو می کنند.

در دوره جنگ مسایل جاری و حل و فصل آنها در اولویت مراکز تصمیم گیری و سیاست گذاری قرار دارد. در حالیکه بررسی های جامعه شناسانه عموماً بر مسایلی تأکید دارند که گستره آنها سطح جامعه و رفتار و نگرش مردم عادی است. این موضوعات عموماً مسایلی با اهمیت فوری نیستند و در نتیجه مخاطبان اندکی می توان برای این نوع بررسی ها یافت. بررسی های جامعه شناسانه بر موضوعاتی تأکید دارند که کمتر مورد نیاز مراکز تصمیم گیری است.

فقدان داده های اولیه جامعه شناسانه از زمان جنگ کار تحقیق جامعه شناختی را با مشکل روبرو می کند. در این نوع بررسی ها، جامعه شناس ناگزیر است از منابع دست دوم استفاده کند که معمولاً ناقص هستند. نقص داده های میدانی موجب مخدوش شدن نتایج تحقیق می شود. بنابراین معمولاً جامعه شناسان علاقه اندکی به این حوزه پژوهشی نشان می دهند. با وجود این دست کم بررسی جامعه شناسانه پیامدهای جنگ با استفاده از همان شیوه ها همچنان عملی و میسر است.

در نهایت بررسی های جامعه شناسانه به دلیل ماهیت این روش پرهزینه است و موقعی که بحث تاریخی است، هزینه آنها فزون تر هم می شود. روش های میدانی نیازمند تربیت و تأمین نیروهای آموزش دیده زیادی است که در مورد جنگ ایران و عراق به دلیل تاریخی بودن آن بیشتر هم می شود. اما در عمل این حوزه کمتر مورد توجه قرار گرفته و هزینه اندکی برای آن در نظر گرفته شده است.

به طور کلی نیاز به اتخاذ تصمیمات فوری در جنگ، نوعی بیزاری اولیه اجتماعی از جنگ در دوره بعد از پایان جنگ، یافته های اندک و محدود روش جامعه شناختی، کمبود منابع و هزینه های زیاد این روش موجب فقر تحقیقات جامعه شناسانه از جنگ ایران و عراق شده است.

اما دلایل فوق به معنی بی نیازی از این تحقیقات و عدم امکان عملی آن نیست. نیاز به بررسی های جامعه شناختی جنگ و تأثیر ماندگار مردم در جنگ ایران و عراق و نقش تعیین کننده مردم در تحولات ملی، لزوم توجه به نقش مردم در جنگ های آینده، ایجاب می کند که توجه ویژه ای به این بعد از جنگ صورت بگیرد. برخی از داده های مورد نیاز این نوع بررسی ها در اسناد، کتاب ها، روزنامه ها، گزارش ها و خاطرات آن دوره قابل جستجو و دستیابی است. این داده ها با توجه به ابزارها و برنامه های رایانه ای جدید قابل پردازش هستند و می توان به نتایج قابل قبولی دست یافت. آغاز این نوع بررسی ها ضروری است و با شروع کار «خود راه نشان خواهد داد که چگونه باید رفت».

این شماره فصلنامه نگین ایران بررسی جامعه شناسانه جنگ ایران و عراق را مورد توجه قرار داده و به رغم همه کاستی ها و مشکلات موجود، در این مسیر پر سنگلاخ گام گذاشته و امیدوار است که به همت نویسندگان، جامعه شناسان و صاحب نظران گام های بزرگ تری در این راه برداشته شود. مقاله نخست به پیامدهای جامعه شناسانه جنگ بر زندگی اجتماعی مردم ایران در دوره پس از پایان جنگ ایران و عراق می پردازد. در این مقاله با نگاه به جنگ ایران و عراق دو موضوع و پدیده اجتماعی درباره دوره پس از جنگ، مورد توجه و تأکید قرار گرفته است: اول، پدیده روزمره شدن مرگ که در صورت تداوم و تعمیق می تواند به نهادینه شدن جایگاه مرگ در زندگی (مرگ اندیشی) منتهی شود و آثار خاص خود را به همراه دارد؛ دوم، تقسیم بندی ناراضیان از منطق و روند حاکم بر زندگی در دوره صلح و آرامش، به ویژه کسانی که می کوشند به نحوی آرمان ها و ارزش های دوره گذشته را احیا کنند.

مقاله دوم با استفاده از رهیافت جامعه شناسی تاریخی به بررسی و واکاوی جنگ ایران و عراق می پردازد. جامعه شناسی تاریخی به عنوان یک شاخه ترکیبی و حوزه میان رشته ای، نقطه تلاقی دو علم تاریخ و جامعه شناسی است که امروزه تحت عنوان رویکرد جامعه شناسی تاریخی به خصوص در روابط بین الملل شناخته می شود. نویسنده این مقاله تلاش دارد از منظر جامعه شناسی تاریخی به دو عنصر مهم شکل گیری کشور و هویت در چارچوب قلمرو سرزمینی ایران، بپردازد و کاستی نظریه های تقلیل گرایانه (جریان اصلی) در روابط بین الملل به مسئله مذکور را برطرف نماید. برخلاف مقاله اول که نگرش خرد به موضوع جنگ دارد و به پیامدهای بعدی از جنگ می پردازد، مقاله دوم نگرشی کلان به جنگ دارد و موضوع شکل گیری هویت کشور در یک بستر اجتماعی را در دوره جنگ بررسی می کند.

یکی از منابع مهم بررسی جامعه شناسانه جنگ ایران و عراق بررسی اسناد و نشریه های برجای مانده از آن دوره است. مقاله سوم مطالب روزنامه کیهان در سه ماهه اول آغاز جنگ را بررسی کرده است. در این مقاله اخبار منتشر شده در روزنامه درباره جنگ ایران و عراق از ابعاد مختلف با استفاده از روش کمی مورد تحلیل محتوایی قرار گرفته است. موضوعات اخبار منتشره در این برهه زمانی، منابع تأمین کننده خبر، سبک مطلب و همچنین واکنش احزاب و گروه های سیاسی متفاوت نسبت

به اخبار جنگ مورد تحلیل قرار گرفته تا در حد امکان بتوان به نگرش و چگونگی و نحوه ارائه خبر در این روزنامه دست یافت. یکی از آثار مستقیم جنگ بر زندگی اجتماعی مردم، حملات عراق علیه شهرها بود. حمله به مناطق مسکونی و غیرنظامی و آنچه به عنوان جنگ شهری معروف است، به دلیل آثار و تبعات گسترده خود همواره در متون مربوط به جنگ، دارای جایگاه خاصی بوده است. این مقاله به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که جنگ شهرها چه آثار و تبعاتی را برای جامعه ایران به دنبال داشت؟ در این راستا، هدف اصلی این تحقیق بررسی تبعات جنگ شهری از جنبه های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و روان شناختی می باشد. رهیافت مورد استفاده در این پژوهش، ترکیبی از رهیافت های فرهنگی، روانشناختی و جامعه شناختی است.

مقاله پایانی این مجموعه به مناسبات ایران با فرانسه، موضع، سیاست و عملکرد آن در برابر جنگ ایران و عراق می پردازد. جدا کردن عراق از اردوگاه شرق و تسلط بر سیاست های آن و کاهش نفوذ شوروی در این کشور، محور سیاست خارجی آمریکا در دوره جنگ سرد بود که عمدتاً توسط فرانسوی ها دنبال می شد. از دیگر مسائلی که جهت گیری فرانسه را رقم می زد حفظ و گسترش منافع اقتصادی اش در عراق بود که در این مقاله به آن اشاره شده است. فروش سلاح های پیشرفته به عراق، اقدامات آن در جریان جنگ نفت کش ها، جنگ سفارت خانه ها و پایان جنگ ایران و عراق محورهای اساسی دیگر این نوشته است.

یکی از جلوه های اجتماعی تلاش مردم در جنگ ایران و عراق کمک به مجروحین جنگ است که از سوی جامعه پزشکی و بهداری انجام می گرفت. بخش اسناد این شماره از مجله به چگونگی شکل گیری یگان بهداری سپاه و عملکرد آن در طول جنگ ایران و عراق می پردازد. بی شک یکی از نتایج ارزشمند جنگ، سازماندهی تدریجی سپاه پاسداران به عنوان یک سازمان کارآمد نظامی در طول ۸ سال دفاع مقدس بوده است. یگان ها و رسته های مختلف سپاه، از جمله واحد بهداری سپاه به طور تدریجی و در طول جنگ شکل گرفته و آبدیده شدند. در این سال ها در هر کجا که نیروهای رزمنده سپاه بودند، کمی عقب تر واحد بهداری نیز مستقر شده و به مداوای مجروحین جنگ می پرداخت. در طول جنگ تعدادی زیادی از کارکنان واحد بهداری به شهادت رسیدند و به رغم همه مشکلاتی که داشتند، خدمات ارزشمندی به رزمندگان ارائه دادند. استفاده گسترده عراق از سلاح های شیمیایی که هر بار موجب مجروح شدن تعداد زیادی از رزمندگان می شد، کار واحد بهداری را بسیار دشوار کرده بود. اسناد این شماره به بررسی عملکرد بهداری سپاه می پردازد.





می سازد و زبان و ادبیات پس از این رویداد، بی تردید، هیچ گاه مانند زبان و ادبیات پیش از آن نخواهد شد.

در طول جنگ، چنانکه قابل انتظار است، ابعاد گوناگون زندگی به سرعت تحت تأثیر قرار می گیرد و در نتیجه همه چیز معنا و مفهوم دیگری پیدا می کند، بخش های خاصی از خاطرات، باورها و اسطوره ها برجسته می گردد و حتی رفتارهایی از انسان ها

«مسئولیت ناپذیری» شده است. به همین خاطر، برخی مواقع شاید تداوم جنگ به صورت هدفی مهم تر از نتیجه جنگ برای جناح هایی از طبقه حاکم درآید. از اینرو به قول بوتول، «جنگ موجبات آسایش خاطر دولت ها را فراهم می آورد. جنگ حتی به دولت های دموکراتیک اجازه می دهد تا سکوت، اطاعت، فرمانبرداری انفعالی و محرومیت های گوناگونی را به شهروندانشان که عملاً به صورت رعیت در آمده اند، تحمیل کنند. انتخابات به حالت تعلیق در می آید و رهبران به دولتمردان غیرقابل انفصال و عزل در می آیند.»<sup>(۱)</sup> از اینجاست که می توان ادعا کرد «جنگ انسان را در فضای مادی و روانی غیر متعارفی قرار می دهد... و ما را به جهان اخلاقی نوینی وارد می کند»<sup>(۲)</sup> زیرا به ویژه برخی از قید و بندهای اخلاقی موجود تغییر می کند؛ برخی اعمال در قبال دشمنان مجاز و برخی ممنوع دانسته می شود و گاه توصیه و تحمیل می گردد.

ویژگی های مذکور را این گونه می توان جمع بندی و بیان کرد که در زمان جنگ، جامعه به وضعیت «دفاعی» وارد می شود چرا که احساس می کند تمامیت آن از سوی

بروز می کند که با شیوه حاکم بر زندگی در دوره صلح قابل مقایسه یا توضیح نیست. اگر پیگیری منافع فردی و تلاش برای معاش معمولاً قوی ترین انگیزه افراد در دوره آرامش است، در دوران جنگ منطق دیگری بر رفتار اعضای جامعه حاکم می شود و اولویت های زندگی، به طور طبیعی، تغییر می کند. احساس خطر در شکل گیری این اولویت بندی، نقش مهمی را بازی می کند. از اینرو صبر، قناعت و فداکاری از همگان مورد انتظار است تا خطر رفع شود. ضمن آنکه شکست دشمن می تواند در نهایت، شهرت و ثروت را هم به ارمغان بیاورد.

با توجه به وجود خطری بیرونی، اختلافات داخلی - حتی در سطح روابط فردی - موقتاً کنار گذاشته می شود و انسجام بی سابقه ای پدیدار می گردد و البته گهگاه همین انسجام مردمی و وجود خطر بیرونی، دستاویزی برای حاکمان جهت سرکوب رقیبان یا محدود کردن انتقادات و اختلاف نظرهای موجود می شود. همچنین طبق منطق این دوره، شرکت فعالانه در جنگ - به ویژه برای جوانان - نوعی «ارزش» و «وظیفه» به شمار می رود که اگر کسی از آن شانه خالی کند، مرتکب «ناهنجاری» و

وقایع نگاران هم وظیفه ثبت و توصیف پیروزی ها را به عهده می گیرند تا این افتخار، جاودانه شود و حاکم - یا حاکمان - جایگاهی در معبد خدایان بیابند. در واقع، سخنوران می گویند و وقایع نگاران می نویسند تا آیندگان از یاد نبرند که دفتر تاریخ چگونه و بادست چه کسی ورق خورده است. بی دلیل نیست که در حافظه تاریخی عموم جوامع، نام بسیاری از ناموران دوره های گذشته با جنگ و پیروزی و کشور گشایی پیوند خورده است.

در مقابل، چنانچه نبردها با شکست و ناکامی پایان

بپذیرد، نوعی سرخوردگی و یأس بر طرف مغلوب مستولی می گردد و این بار بذر کینه و پی جویی فرصت مناسب برای انتقام کاشته می شود. از این پس، صبر و انتظار در هم می آمیزد تا مجالی مناسب برای جنگی دیگر پدیدار شود و جنگاوری به خونخواهی خون های

**در طول جنگ،  
چنانکه قابل انتظار است،  
ابعاد گوناگون زندگی  
به سرعت تحت تأثیر  
قرار می گیرد و در نتیجه  
همه چیز معنا و مفهوم  
دیگری پیدا می کند**

ریخته شده برخیزد. ادبیاتی که به طور معمول از این پس شکل می گیرد، صرفاً ادبیات «شکست» نیست بلکه ادبیات «انتظار» نیز هست؛ انتظار بروز فرصتی مناسب و گاه انتظار ظهور یک ابرمرد. در این وضعیت می توان اتخاذ نوعی سازوکارهای جبرانی توسط جامعه مغلوب را مشاهده کرد تا آن گاه که امکان جبران عملی شکست فراهم شود. با این حال، هر چه زمان انتظار طولانی تر شود، احساس شکست و ناتوانی بیشتر رسوب می کند و در نتیجه آرزوی ظهور یک ابرمرد - آنکه باید بیاید تا جبران کننده تمام عقده ها و ناکامی ها باشد - بیشتر پرورش پیدا می کند. طولانی شدن زمان انتظار، قدرت

«دیگری» در خطر قرار گرفته است. از اینرو - چنانکه گفته شد - اولویت های جامعه دگرگون می شود و این توقع ایجاد می شود که در درجه نخست، همگان خود را «سرباز» بدانند و برای رفع خطر بشتابند. اما پایان جنگ به معنای آغاز دوره دیگری است. چرا که «آرام آرام از دردها کاسته می شود و... جنگ به جرگه میراث مشترک ملت ها در بطن تاریخ می پیوندد.»<sup>(۳)</sup> به عبارت دیگر، جامعه از وضعیت دفاعی خارج می شود، زندگی به تدریج به حالت عادی پیش از نبرد باز می گردد و بازسازی خرابی ها مورد توجه قرار می گیرد. این تغییرات به معنای دگرگونی دگرباره اولویت های جامعه و تنظیم رفتار در چارچوب منطق دوره صلح و آرامش - و در یک کلام، ورود به دنیای روانی دیگری - است.

### پیامدهای جنگ

فارغ از هر گونه ارزش گذاری، جنگ پیامدهای کوتاه مدت و بلند مدت فراوانی به دنبال دارد. بنابراین خطا نیست اگر بگوییم که جنگ همانند پدیده «انقلاب» به کلافی می ماند که در طول زمان باز می شود و تبعات آن به مرور آشکار می گردد؛ تبعاتی که لزوماً با اهداف و انگیزه های رهبران و جنگجویان، هماهنگ و همسو نیست.

بخشی از پیامدهای جنگ، آشکارا با نتیجه آن در ارتباط است. روشن است که پیروزی یا شکست سبب می شود که پیامدهای جنگ شکل خاصی پیدا کند؛ حالات و احساسات طرف مغلوب به هیچ روی مشابه با حالات و احساسات طرف غالب نیست. اگر جنگ قرین پیروزی باشد، نمادهای خاصی به میان می آید که بیانگر و یادآور این کامیابی باشد و اغلب این موفقیت به عنوان دلیلی بر کیاست، شجاعت و حتی حقانیت حاکمان مطرح می شود. در این هنگام است که جشن هایی پرشکوه برگزار و مجسمه های افتخار برپا می شود تا یادآور این رخداد فراموش ناشدنی باشد. سخنوران و

تخیل را بیشتر به کار می‌اندازد و توانایی‌های بیشتری را برای آن ابرمرد می‌سازد.

همچنین حقارت ناشی از شکست می‌تواند زمینه‌ساز توبه و استغفار در میان بازماندگان جنگ باشد. اینان که خود را در بروز شکست مقصر می‌دانند، می‌کوشند با توبه، خود را پاک کنند تا بار دیگر شایستگی دریافت لطف و حمایت آسمان را بیابند. به عنوان نمونه، پس از شکست کشورهای عربی از اسرائیل در سال ۱۹۶۷ «اندیشه توبه در میان علمای الازهر گسترش پیدا کرد. شکست در جنگ، این

فرصت را برای آنان به وجود آورد تا به طور کلی نظریه رجعت به مذهب و احیای حافظه مذهبی جمعی را مطرح سازند... در حقیقت، شکست باید همانند پیروزی نوعی رحمت تفسیر می‌شد که از طرف خداوند فرستاده شده بود.»<sup>(۴)</sup>

جدا از چنین

مواردی، ممکن است راه‌ها و عرصه‌های دیگری برای قدرت‌نمایی و جبران ناکامی انتخاب شود؛ همانند ژاپن پس از جنگ جهانی دوم که بعد از چند دهه توانست به عنوان یک قدرت اقتصادی در سطح جهان ظهور کند و فاتحان پیشین را به رقابت بطلبد.

پدیده جنگ، مستلزم رهاوردهایی نیز هست که چندان به پیروزی یا شکست ربط ندارد و هر جامعه‌ای ناچار از مواجهه با آنهاست. به عنوان مثال، جنگ باعث می‌شود دخالت دولت در عرصه اقتصاد بیشتر شود، نخبگان نظامی از حاشیه به در آیند و بیش از گذشته بر روند سیاستگذاری اثر بگذارند، مشکلات معیشتی

افزایش یابد، ترکیب جمعیتی بخش‌های مختلف یک کشور بر هم بخورد، عده‌ای آسیب جانی و مالی ببینند و ... . طبیعی است که این تحولات برآمده از جنگ، زنجیره‌ای از تحولات ریز و درشت دیگر را به دنبال می‌آورد که مسیر یک جامعه را، چه غالب و چه مغلوب، تا سال‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد.<sup>(۵)</sup> از همه مهم‌تر، آسیب‌های روانی است که به سادگی قابل محاسبه و التیام نیست؛ چه بسا برای بسیاری از بازماندگان، در هر ویرانه بر جای مانده از جنگ، دهها و صدها خاطره دفن است. ذهن اینها تا مدت‌ها درگیر اولین‌ها و آخرین‌ها خواهد بود؛ اولین کلام یا آخرین نگاه، اولین لبخند یا آخرین فریاد...

یکی از مهم‌ترین پیامدها برای هر جامعه جنگ زده، در همان دوره جنگ و به طور آشکارتر از زمان پایان جنگ، مسأله بازگشت سربازان و جنگجویان به شهرها و روستاهاست. این بازگشت، یک بازگشت ساده نیست. آنان که خواسته یا ناخواسته به استقبال مرگ رفته بودند، حال به محیطی بر می‌گردند که به رغم آشنایی، اندکی غریب می‌نماید. اگر در طول نبردها اظهار امیدواری می‌شد که «سرانجام یک روز این جنگ تمام خواهد شد و دلاوران از جان گذشته مومن باز خواهند گشت... آنها صاف و زلال و شفافند و ناگزیر با خود هر آنچه را که صاف، زلال و شفاف است هدیه خواهند آورد»،<sup>(۶)</sup> اینک که گرد و غبار درگیری‌ها فرو می‌نشیند، گرد و غبار دلگیری‌ها، چه جدید و چه بایگانی شده، به تدریج سر بر می‌آورد. دلگیری‌ها زمانی بیشتر رخ می‌نماید که فرد رزمنده، حضور در جنگ را، به هر دلیلی، مستلزم «حذف خانواده» دیده باشد. توضیح آنکه در وضعیت جنگی، نخبگان می‌کوشند پیوند میان جبهه و پشت جبهه را تحکیم کنند و سنگرها را تداوم فضای خانواده - در مقیاسی دیگر - معرفی نمایند. بنابراین تلاش می‌شود حضور سرباز و داوطلب جنگ در منطقه نبرد به معنای

**در دوران جنگ**  
**منطق دیگری بر رفتار**  
**اعضای جامعه حاکم می‌شود**  
**و اولویت‌های زندگی،**  
**به طور طبیعی، تغییر می‌کند**



در رفت و آمد است که در هر دو، مسئله مرگ جایگاه محوری دارد. او می تواند هم قاتل و هم مقتول باشد، بکشد یا کشته شود. پس بایستی چنان شرایطی، به ویژه به لحاظ اخلاقی، فراهم گردد که فرد تنش های ناشی از این دوگانگی را رفع کند و باروی گشاده هم جسارت کشتن و هم آمادگی برای کشته شدن را بیابد. در عین حال، شرایط جنگی موجب شکل گیری وضعیتی به نام «روزمره شدن مرگ» می شود؛ یعنی مقوله مرگ برای سربازان، و حتی افراد پشت صحنه نبرد، به دلیل برخورد مداوم با خطرات و

مشاهده مستمر کشته شدگان و مجروحان، حالت عادی و روزمره به خود می گیرد و با زندگی آنان آمیخته می شود. اگر در زمان صلح و آرامش، مرگ دوستان و آشنایان یک رخداد غافلگیر کننده - و معمولاً تلخ - در مسیر زندگی است، این رخداد

**جنگ همانند  
پدیده «انقلاب»  
به کلافی می ماند که  
در طول زمان باز می شود و  
تبعات آن به مرور  
آشکار می گردد**

در زمان جنگ به یک حادثه مستمر تبدیل می شود. برخی اوقات این مقوله چنان عادی و از تلخی تهی می شود که با زندگی روزانه عجین می گردد و چندان احساسی را بر نمی انگیزاند، به خصوص در مناطق جنگی که دیدن گاه به گاه «فرشی از اجساد» - چه از نیروهای خودی و چه از دشمن - بیش از آنکه ارزش زنده ماندن را بیشتر کند، بی تفاوتی نسبت به مرگ را به بار می آورد. به تعبیری، تجربیاتی که باید در فراز و فرود یک عمر اندوخته می شد، اینک به صورت فشرده در مدتی کوتاه - گاه حتی در طی یک روز - رخ می دهد.

اگر چه برخورد با خطر برای جنگاوران و داوطلبان

خداحافظی با خانواده نباشد و مواردی چون نامه نگاری دانش آموزان یا کمک های مردمی، به او یادآوری کند که فراموش نشده است. در مقابل، آنکه با فرار از خانه خواسته نارضایتی، توانایی، استقلال شخصیت یا هر چیز دیگری را نشان دهد، به زمان بیشتری برای بازگشت ذهنی نیاز دارد. چنین فردی به جایی برمی گردد که آگاهانه برای مدت زمانی هر چند کوتاه، کنار گذاشته شده بود؛ شاید در این مدت هر چند کوتاه، شرایط تغییر کرده باشد، اما پایان یک تبعید خودخواسته و بازسازی روابطی ترک خورده، زمان بیشتری می طلبد.

از سوی دیگر، کوله بار خاطرات سربازان، سرشار از لحظات باورنکردنی و غیرقابل توصیف است: «واقعاً نمی توانی توصیف کنی، نمی توانی، حس می کنی که هرگز نخواهی توانست به آنها بگویی جنگ چگونه بود.»<sup>(۷)</sup> روشن است که سربازان و داوطلبان - که عموماً هم جوان هستند - در مدت حضور در میدان های نبرد، به شیوه های خاصی زندگی می کنند، با مشکلات رویارو می شوند و حتی سخن می گویند. به عبارت دیگر، آنان تحت تأثیر عوامل مختلفی از قبیل اقتضائات سنی، فرهنگ جامعه، ایدئولوژی حاکم و از همه مهم تر شرایط سخت ناخواسته و تحمیلی، به گونه خاصی به دنیا نگاه می کنند. این شرایط به روش ویژه آنان برای مواجهه با زندگی و مسایل و مشکلاتش شکل می دهد. مفهوم مرگ در این نگاه به زندگی، جایگاه ویژه ای دارد. در اینجا می توان از تعبیر گیدنز یاد کرد که می گوید در جنگ «افراد می باید برای کشتن تربیت شوند»<sup>(۸)</sup> و البته باید «کشته شدن» را نیز به جمله وی افزود: «افراد می باید برای کشتن و کشته شدن تربیت شوند.»

### روزمره شدن مرگ

گفتیم که جنگ ایجاب می کند فرد برای کشتن و کشته شدن تربیت شود. در واقع، او به طور مداوم میان دو فضا

و همزمان، از دو زاویه و دو سطح با آن برخورد می کنند. نتیجه این حالت معمولاً به ریشخند گرفتن زندگی عادی، لاقیدی و حتی تلخ اندیشی و نگاه بدبینانه به زندگی است. چرا که آنان به سختی می توانند از رویدادهای شادی آفرین، همچون دیگران لذت ببرند یا به طور جدی به چیزی دل ببندند. در چنین افرادی خاطرات - چه واقعی و چه بازسازی شده - حضوری بسیار جدی در زندگی پیدا می کنند و به صورت ملاکی برای ارزیابی زمان حال در می آیند. هر مکانی و هر رویدادی می تواند خاطره ای را به یاد آورد و اغلب هم از خلال این خاطرات، سایه رفتگان بر دنیای زندگان پهن می شود. وضعیت توصیف شده چه به یأس و رخوت ختم شود و چه نوعی سرخوشی سطحی را به دنبال آورد، فاقد عنصر «جدیت» است.

حالت مرگ اندیشی و تبعات آن در میان جوامعی که در جنگ شکست خورده اند یا احساس ناکامی و ناتوانی می کنند، به خوبی قابل مشاهده است. البته چنین روحیه ای در طول زمان و با برنامه ریزی دقیق فرهنگی - اجتماعی قابل کنترل است و کاهش می یابد، به ویژه آنکه عرصه های دیگری برای پیشرفت و عرض اندام تعریف شود، همچنان که نمونه ژاپن قبلاً مثال زده شد. در واقع، تشخیص و تعریف عرصه های دیگر به معنای آن است که نخبگان حاکم حس تحقیر ناشی از شکست را به اهرمی برای پیشرفت و جبران ناکامی تبدیل می کنند. با این حال، مشکل اساسی آنجاست که آن وضعیت ناخوشایند تداوم یابد، و به تعبیری «منجمد» گردد و مشکل اساسی تر اینکه روحیه مرگ اندیشی به ابزاری برای تداوم و افزایش قدرت نخبگان حاکم درآید.<sup>(۳۲)</sup> عمق یافتن مرگ اندیشی و نهادینه شدن روحیه تسلیم لاقیدی می تواند به مانعی در مسیر بازسازی - هر نوع بازسازی - تبدیل شود.<sup>(۳۳)</sup> آیا وضعیتی که توصیف شد، به جوامع شکست خورده اختصاص دارد؟ پاسخ منفی است. پدیده روزمره شدن

جوان هیجان آور است و جذابیت دارد، از اینرو ممکن است که آنان خود، به استقبال حوادث بروند و بخواهند از این طریق دنیای ناشناخته «خطر» را کشف کنند، اما تبعات استقبال از خطرات و برخورد مداوم با مرگ در همین حد متوقف نمی ماند. جنگ به دلیل آنکه زندگی عادی و روزمره را درهم می ریزد و نقطه پایانی بر قواعد تخطی ناپذیر آن می گذارد، برای بسیاری جذابیت و حتی شادی ایجاد می کند، چنانکه جولین گرنفل، شاعر، در ۲۴ اکتبر ۱۹۱۴ به مادرش نوشت: «ما شب و روز در جنگ بوده ایم، پس از چهار روز، تازه امروز استراحت داشتیم... من جنگ را تحسین می کنم. جنگ مانند پیک نیک بزرگی است بدون داشتن جنبه مادی و بی هدفی آن. هرگز در عمرم تا این حد شاد یا خوشحال نبودم.»<sup>(۳۴)</sup> روشن است که افراد در این لحظات احساس برتری و شغف می کنند. چرا که به جای آنکه منتظر آینده ای محتوم بمانند، در حال ساختن آن هستند و به جای آنکه اسیر جریان زمانه شوند، سرنوشت را می توانند به دنبال خود بکشانند. بی دلیل نیست که بسیاری برای رسیدن به منطقه نبرد شوق و شتاب دارند، گویی در آنجا رمز و رازی هست یا حقیقت به تمامی انتظارشان را می کشد. حال، مسئله این است که هم زمان مرگ نیز در دسترس قرار دارد و همواره همراه می گردد. مواجهه بیشتر و عریان تر با لحظات خطر و یا فرسایشی شدن جنگ سبب می شود دنیای شادی و احساس توانایی تغییر، به تدریج رنگ ببازد و در یک دوره بلند مدت، این وضعیت روانی اغلب به صورت «مرگ اندیشی» درآید. یعنی مفهوم مرگ در زندگی، و عدم توانایی - یا حتی میل - افراد به تفکیک دوباره این دو نهادینه شود.<sup>(۳۵)</sup> لذا آنان که بارها و بارها دیده اند در «هر لحظه دهها تن به خاک و خون می غلطند، می کشند و کشته می شوند، قلب ها تندتر می تپند، قلب ها از تپش باز می مانند، زندگی تفسیر می شود، زندگی به کام مرگ در می غلطد»،<sup>(۳۶)</sup> اینک در برخورد با هر پدیده ای، ناخودآگاه

آن تلقی می شود. به نظر می رسد واژه «جبران» به خوبی بیانگر این هدف باشد. بسیاری در پی «جبران» زمان و فرصت هایی هستند که از دست رفته است. روشن است که با تغییر اولویت ها، آن گروه از قواعد غیررسمی نیز که تاکنون بر گفتار و رفتار مردم حاکم بوده، توانایی خود را برای نظام بخشی از دست می دهد و جای خود را به قواعد جدید، برآمده از شرایط جدید، می دهد.

در چنین شرایطی، افراد جامعه از جمله سربازان و داوطلبان زمان جنگ به دو گروه تقسیم می شوند: عده ای که به این وضعیت عادت می کنند و تلاش خود را برای پیشرفت بیشتر متمرکز می نمایند، و کسانی که به هر دلیلی از این وضعیت رضایتی ندارند و خواهان تغییراتی در مناسبات تازه پدیدار شده هستند. اینان ممکن است اساساً هدف (توفیق اقتصادی) را قبول نداشته باشند و آن را رد کنند، یا به رغم پذیرش هدف و تلاش جدی در این باره، موفقیتی کسب نکرده و در مراتب پایین اقتصادی مانده باشند. پس باید دقت کرد که نارضایتی و هماوایی اینان، به یک دلیل بر نمی گردد.

#### ۱. همراهان شرایط جدید

تقسیم بندی فوق بدین معنا نیست که افراد گروه نخست (کسانی که با شرایط جدید سازگار شده اند) با جنگ بیگانه بوده اند. در میان آنان بسیاری را می توان یافت که مستقیماً در جنگ حضور داشته و از آثارش تأثیر پذیرفته اند، اما اینک در چارچوب منطق جدید رفتار می کنند. برخی از این افراد حتی موفقیت در دوره جدید را به آرمان های خود در دوره جنگ گره می زنند و میان این دو، ناسازگاری و تناقضی نمی بینند. از دید این گونه افراد، آنچه عوض شده است، صحنه مبارزه است، نه خودشان؛ اینان همچنان سرباز هستند، منتها در عرصه ای دیگر و با دشمنی دیگر. به همین دلیل گاه نام شرکت، مغازه یا فعالیتی به گونه ای انتخاب می شود که یادآور

مرگ را می توان در سربازان جوامع پیروزمند هم مشاهده کرد، منتها در غیاب عوامل مساعد و تکمیلی بعید به نظر می رسد که این پدیده به وضعیتی همچون روحیه حاکم بر جوامعی که شکست خورده اند یا به هر دلیلی احساس عدم موفقیت می کنند، منتهی شود. در واقع، پیروزی و شور و شغف ناشی از آن بدان معناست که «زندگی باید کرد».

پس، تا اینجا، می توانیم از دو منطق زندگی، دو دنیای روانی یا، با تسامح، دو هویت سخن بگوییم: یکی در زمان جنگ شکل می گیرد و صبر، از خود گذشتگی، ساده شدن مسایل، فراموشی موقت مشکلات و اختلافات و روزمره شدن مرگ از عناصر و ویژگی های آن است. شکل گیری این حالت مدیون جنگ و شرایط ناشی از آن است. دیگری پس از پایان درگیری ها و به تدریج نمایان می شود که تا اندازه ای از نتیجه جنگ و استلزامات آن متأثر شده است. جامعه هر چه از دوره جنگ دورتر می شود، با منطق دوره آرامش - با تمامی مختصات و ویژگی های آن - بیشتر خو می گیرد. به عبارت دیگر، فاصله زمانی موجب می شود که مناسبات دوره جدید تثبیت شود و حوادث و وقایع جنگ صرفاً به صورت خاطراتی تلخ و شیرین درآید.

#### دنیای جدید، رویکردهای جدید

در این زمان، با توجه به آرامش ناشی از عدم وجود خطر بیرونی و اولویت یافتن بازسازی ها و نوسازی ها، معمولاً فردگرایی شدیدی در جامعه حاکم می شود و پیشرفت و موفقیت فردی - به ویژه در امور اقتصادی - به عنوان هدف در می آید. در این زمینه میان جوامع پیروز و شکست خورده چندان تفاوتی نیست، هر چند این وضعیت در جوامع ناکام بیشتر به چشم می آید. در این دوره، کوشش برای جبران عقب ماندگی ها مورد توجه بسیاری قرار می گیرد؛ عقب ماندگی هایی که غالباً جنگ به عنوان علت

گرفته می شود، باز کشف «تن» است. برخی از اینان چه دگرگونی در منطق تصمیم گیری و قواعد رفتاری خود را طبیعی و به دلیل تغییر جبهه نبرد، و چه تعمدی و جهت گسست از گذشته بدانند میل به آزادسازی خواسته ها و نیازهایی پیدا می کنند که پیشتر به آن توجهی نمی کردند. به عبارت دیگر، فرد می کوشد با قدرت طلبی شگفت انگیز، مصرف گرایی فزاینده، جمع آوری دیوانه وار ثروت، لذت جویی های مکرر و زمان و موقعیت های مادی از دست رفته اش را جبران کند. در واقع آسایش تن، این تن تازه کشف شده، بدون هیچ احساس گناهی در کنار یا بجای رستگاری روح می نشیند. این دگردیسی از آن جهت جلب نظر می کند که پیشتر برای چنین افرادی چیزی به جز رستگاری روح مهم نبود و تن جز برای قربانی شدن ارزش دیگری نداشت.<sup>(۱۶)</sup>

## ۲. ناراضیان کیستند؟

در مقابل، چنانکه گفتیم، عده ای چندان با وضعیت جدید هماهنگی ندارند و خواهان دگرگونی مناسبات تازه پدیدار شده هستند. با کمک از تقسیم بندی «مرتون» می توان این گروه ناراضی را در چند زیر گروه جای داد:

۱. تعدادی ممکن است ضمن پذیرش اهداف، ابزارها و وسایل موجود برای دسترسی به آن اهداف را رد کنند، در نتیجه نوآوری صورت می گیرد؛ یعنی روش ها و وسایل جدیدی برای پیشرفت و موفقیت به کار برده می شود، اعم از اینکه قانونی یا غیرقانونی باشد.

۲. ممکن است عده ای ابزارها و وسایل موجود را بپذیرند، اما اهداف را قبول نکنند. پس به سراغ گروه ها و فرقه های خاص می روند و اهداف و ارزش های آنها را بر اهداف و ارزش های جامعه مقدم می دارند. این گونه خرده فرهنگ ها خصلت

رویدادها و خاطرات «سال های افتخار» باشد، و گاه گفته می شود: «زمانی بسیجی کسی بود که برای دفاع از کشور به جبهه می رفت، ولی امروز بسیجی کسی است که بتواند تولید ثروت کند؛ یعنی به سرمایه گذاری خصوصاً در کارهای مولد اقدام کند.»<sup>(۱۷)</sup>

با این حال، همه این گونه نیستند و سازگاری عده ای دلیل دیگری دارد. در واقع، اثرپذیری از وضعیت زمانه ممکن است ناشی از احساس خطا و پشیمانی برخی از افراد باشد؛ یعنی گمان کنند در گذشته مرتکب اشتباه شده اند و اینک باید جبران مافات کنند. این عده نه تنها با وضعیت جدید سازگارند، بلکه آگاهانه به دنبال گسست از گذشته و فراموشی آن هستند:

چه بسا برای بسیاری  
از بازماندگان، در  
هر ویرانه بر جای مانده  
از جنگ، دهها و صدها  
خاطره دفن است

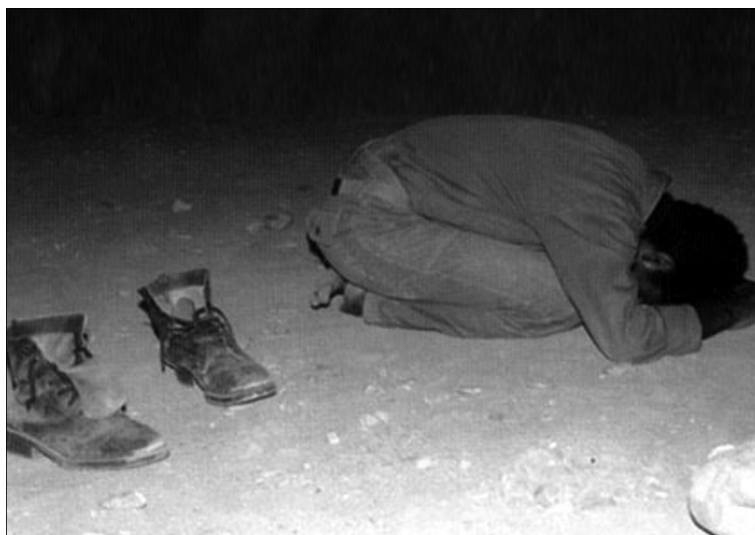
«پانزده ساله بودم که تصمیم گرفتم برای مردن به جنگ بروم تا در بهشت جایی برای خود پیدا کنم. خانواده ام خیلی فقیر بود

... اگر افسری که والدینم را می شناخت، مرا به خانه نمی فرستاد، من هم به جبهه رفته بودم و فهرست شهدای جوانی را که برای مردن به میدان های مین در جبهه های جنگ با عراق فرستاده شده بودند، طولانی تر می کردم. با عصبانیت عضو بسیج شدم ... دوازده سال در آنجا بودم و همه چیز را دیدم ... یک روز چشمانم را باز کردم ... شروع به خواندن تاریخ کشورم کردم ... به مذهب کهن زرتشتی خودمان نزدیک شدم. سپس به اینجا [جزیره کیش] آمدم تا بهشت زمینی خود را پیدا کنم.»<sup>(۱۵)</sup>

مسئله ای که در این میان، اغلب، در بررسی منطق و قواعد رفتاری بعضی از همراهان شرایط جدید نادیده

حالا که به شهر برگشته ایم  
«می بینیم همه جا آسمان همین  
رنگ است»<sup>(۱۸)</sup>

درواقع همین احساس دور  
شدن از مناسبات و شرایط زمان  
جنگ و بریدن جامعه از گذشته  
است که آنها را آزار می دهد.  
حال، هر چه فاصله زمانی با  
جنگ بیشتر شود و اعضای  
جامعه بیشتر در مسایل و منافع  
شخصی درگیر شوند، احساس  
گسست برای این عده جدی تر  
و ملموس تر می گردد. در این



میان، برخی ممکن است گوشه عزلت برگزینند، زیرا  
ضمن دلبستگی به دوره پیشین و ناخرسندی از وضعیت  
جدید زمانه، به بهبود اوضاع امیدی ندارند (زیر گروه  
سوم). این «جماعت خاموش» حتی اگر برای مدتی نیز  
راوی قصه های از یاد رفته باشد، باز خود را ناتوان از هر  
گونه اقدام مؤثری می بیند. پس سکوت این جماعت  
خاموش از سر ناتوانی و نه از سر رضایت است. تداوم و  
تشدید روحیه ناتوانی می تواند به تردید و پرسش از  
درستی گذشته نیز بینجامد که در این صورت، فرد احتمالاً  
به گروه نخست می پیوندد و رفتارارش را طبق منطق جدید  
تنظیم خواهد کرد و - هر چند با تأخیر نسبت به دیگران -  
رنگ دوره پس از جنگ را می گیرد. با این حال، حالت  
دیگری نیز ممکن است اتفاق بیفتد و فرد مأیوس از  
دگرگونی اوضاع به افسردگی و حتی خودکشی کشیده  
شود. انسان در این وضعیت احساس می کند به نهایت راه  
رسیده است. او «خسته از خاطرات گذشته»<sup>(۱۹)</sup>  
گذشته ای که نمی گذرد، خود را از جا کنده شده می بیند.  
خودکشی این افراد، پایان خودخواسته ای بر خشم آنها از  
وضع موجود و ناامیدی از دگرگونی آن، اعتراضی به

محافظه کارانه دارند، چراکه راهی برای دگرگونی  
اهداف جامعه توصیه نمی کنند.

۳. برخی افراد نیز ممکن است با کناره گیری کامل از  
جامعه، گوشه عزلت بگزینند. اینان نه اهداف و نه  
وسایل دسترسی به آنها را را قبول دارند، در ضمن  
هیچ گونه امیدی به بهبود کلی اوضاع ندارند.  
۴. اقدام برای انجام تغییرات راه دیگری است که در  
صورت رد و نفی توأم اهداف و وسایل موجود رخ  
می دهد و حتی ممکن است به صورت سرکشی و  
شورش ظاهر شود، به شرط آنکه هنجارها و  
ارزش های بدیلی مورد پذیرش باشد و برای تحقق  
آنها تلاش شود.<sup>(۱۷)</sup>

توجه این نوشته از این پس، به زیرگروه های سوم و  
چهارم است؛ یعنی کسانی که رویکرد جامعه را  
نمی پذیرند و اهداف جدید و ابزارهای تحقق این اهداف  
را رد می کنند. این افراد، پیش از هر چیز، احساس می کنند  
نوعی گسست از گذشته روی داده است:

آن روز که گوشه سنگر بودیم،

فکر می کردیم «همه جا آسمان همان رنگ است»

رهاشدگی و واکنشی به احساس مداوم بیهودگی است. همچنان که در نوشته ای از جرال دین بروکس آمده است: «یک روز صبح او [استاد ادبیات انگلیسی] متوجه هیاهویی در راهروی دانشکده شد، هنگامی که از کلاس بیرون آمد بدن تاول زده آن جوان دانشجو را دید که به سرعت از ساختمان بیرون می برند. وی با بنزین خود سوزی کرده و در حالی که فریاد می زد: آنان به ما دروغ گفته اند، آنان به ما خیانت کرده اند» به داخل یک کلاس دویده بود.<sup>(۳۰)</sup> برخلاف این عده، عده ای دیگر به تلاش برای تغییر وضع موجود دست

می زنند، زیرا احساس می کنند که مردم ارزش های یک دوره «مقدس» را به فراموشی سپرده اند و در وضعیت ناپسندی گرفتار آمده اند. احساس می کنند دیگران دچار غفلت و خاموشی شده اند و بایستی بیدار شوند. احساس می کنند که رسالت احیای

ارزش ها و هویت آن دوره و حفظ و ترویج نمادهای مربوطه را بر عهده دارند و باید کاری انجام دهند، پس خشم اینان نه معطوف به خود که متوجه دنیای بیرون می شود:

«بیا به آینه، به قرآن، به آب برگردیم  
بیا به اسب، حماسه، رکاب برگردیم  
بیا دوباره مروری کنیم خاطره ها را  
به روزهای خوش التهاب برگردیم  
به دست های پراز پینه، سفره های تهی  
به حرف اول این انقلاب برگردیم  
کنون که موعظه در کاخ ها نمی گیرد

بیا به سرب، به سرب مذاب برگردیم»<sup>(۳۱)</sup>  
تعداد این عده مهم نیست و لزوماً همان کسانی نیستند که در میدان های نبرد حضور داشته اند؛ ممکن است از سربازان و داوطلبان گذشته باشند و یا کسانی که به هر دلیلی به هویت دوره جنگ دل بسته اند. ممکن است اینان حتی از نسل های بعدی باشند؛ یعنی «دیرآمدگانی» که می خواهند با احیای آن گذشته طلایی، جبران تأخیر ناخواسته خود را بکنند. به همین خاطر اغلب تندتر و رؤیایی تر از کسانی هستند که روزگاری را در میدان های نبرد گذرانده اند و چون فاقد خاطره هستند، بیش از آنان به نمادهای فیزیکی دل می بندند. احساسات و اهداف مشابه و گاه پیشینه طبقاتی و اجتماعی مشابه، موجب گرد آمدن این افراد در کنار هم می شود و به تدریج گروه هایی کوچک و همدل پدید می آید. پیدایش این گروه ها باعث می شود که فعالیت برای «غفلت زدایی از جامعه» و احیای ارزش ها و هویت دوره جنگ با حداقلی از تمرکز و برنامه ریزی صورت گیرد.

تلاش این گروه های کوچک و همدل، به بازسازی آن آرمان شهر از طریق تزریق شرایط گذشته به زمان حال معطوف است و حتی با عینک آن دوره به تحلیل شرایط جدید می پردازند، ضمن آنکه به جذب اعضا و نیروهای جدید توجه خاصی دارند. از این رو برای بالا رفتن تعداد و افزایش وزن اجتماعی شان، تلاش می کنند افراد زیرگروه سوم (ناراضیان ناامید) را هم جذب کنند و آنها را به فعالیت جدی وادارند.

کوشش برای بازسازی فضای گذشته به این معناست که ملاک ها و معیارهای تقسیم بندی در زمان جنگ بار دیگر زنده شود و به میان آید؛ به عنوان نمونه، شهر و جبهه به عنوان دو «نمونه ایده آل» در برابر یکدیگر قرار می گیرند. شهر چون زندانی مخوف و خفقان آور توصیف می شود که در آن، فضای تنفسی نیست و همزمان برای «سنگرهای به ظاهر تاریک و در معنا

بود. شلمچه مقتل هزاران عاشق صادق بود. شلمچه آزمون امتحان اعتقاد بود... شلمچه درس اول و آخر عشق بود. آمده ایم بگویم: رزمنده دیروز، برخیز. ای کربلای پنجمی، ای بدر دیده؛ نهران در پیش است؟! نکند دیر شود، نکند مکر بنی ساعده تکرار شود.»<sup>(۲۷)</sup>

با چنین دیدگاهی طبیعی است که هر گونه اقدامی برای جلوگیری از انحراف موجود در جامعه و یاد دست کم کُند کردن آن، با «شبهای عملیات» مقایسه شود:

«همسنگران سلام! باز هم اعزام گرفتیم. نبردی دیگر و جبهه ای دیگر... آمدیم در این خاکریز بر سر اعتقادات مان بجنگیم... در این شب های عملیات ذکر چند نکته ضروری است...»<sup>(۲۸)</sup>

یاد در جای دیگر اظهار می شود:

«بیاید راه را گم نکنیم، خاکریز جنگ و جبهه را به شهر بکشیم... امروز کربلای ۱ در تهران است. دیروز مهران و امروز تهران.»<sup>(۲۹)</sup>

با مروری ساده مشخص می شود که دو گروه، مدعی حفظ و تداوم آرمان های گذشته هستند:

- در یک سو، کسانی هستند که وضعیت موجود را نمی پسندند و برای تغییر آن و احیای آرمان ها و مناسبات فراموش شده جدید به خرج می دهند.

- در سوی دیگر، چنانکه پیشتر گفته شد، کسانی قرار دارند که با شرایط جدید هم سو و هماهنگ شده اند، فعالیت های معیشتی خویش را به معنای خداحافظی از گذشته نمی دانند و اتفاقاً خود را همچنان سرباز - این بار در جبهه ای دیگر - می نامند. نکته اینجاست که هر دو گروه، خود را میراث دار گذشته می بینند، اما یکی خواهان تغییر وضعیت موجود و دیگری خواستار حفظ آن است. موضوع دیگر آنکه در تلاش دستجمعی هواداران تغییر، مرثیه سرایی جایگاه ویژه ای دارد. این مرثیه سرایی معمولاً برای معصومیتی از دست رفته است، سوگ یاد دوره ای سراسر نیکی و فداکاری که به هر دلیلی تداوم

نورانی «اظهار دلتنگی می شود. پس در اینجا شاهدیم که شهر - و در واقع هویت و ارزش های دوره بعد از جنگ - به عنوان مظهر غفلت و انحراف توصیف می شود و جبهه به عنوان آرمان شهر و نماد همه پاکی ها تلقی می گردد: «هیچ کس دلش برای شهر تنگ نمی شد؛ شهرها پر از فسق و فجور بود، ولی ما در میدان جنگ در کنار خدا می جنگیدیم.»<sup>(۳۰)</sup> از این منظر، پایان جنگ نیز نقطه ناخوشایند پایان این پاکی ها در نظر گرفته می شود:

«امروز از اخبار شنیده شد که دبیر کل سازمان ملل روز اجرای آتش بس را اعلام خواهد کرد؛ و این یعنی خداحافظ شهادت، خداحافظ جبهه، خداحافظ فاو، شلمچه، مهران... خداحافظ سنگرهای به ظاهر تاریک و در معنا نورانی، خداحافظ ای همه خوبان که در اجتماعی به نام گردان و در خانه ای به نام گروهان و در اتاقی به نام دسته و زیر چادری در کنار هم بودید و در این اجتماع کوچک به سوی... سیر می کردید.»<sup>(۳۱)</sup>

طرح چنین توصیفاتی، یعنی آنکه نمی توان این دو را با هم جمع کرد. می توان گفت این دو گانه انگاری و ترسیم تصویری سیاه و سفید از شهر و جبهه، چندان جدید و نا آشنا نیز نیست، و در واقع باز تولید تقابل قدیمی میان شهر و روستا در سال های پیش از انقلاب است. توصیف پاکی جبهه به جای اغراق در تحسین روستا می نشیند و در هر دو حالت «شهر عرصه خطر و ناپاکیزگی، یا محیط خفقان آور، یا مکانی از هم گسیخته و غیر عادی، و از این قبیل قلمداد می شود.»<sup>(۳۲)</sup> اگر در گذشته امکان «کناره گیری در قالب فرار از شهرهای فساد زده» به سوی روستا یا جبهه وجود داشت، باز آفرینی آرمان شهر این بار مستلزم نظارت بر جامعه است<sup>(۳۳)</sup> تا «شهرها به لباس ارزش های مقدس پوشیده شوند».<sup>(۳۴)</sup> از این رو فعالیت گروه های یاد شده به صورت مرحله ای دیگر از جنگ و مبارزه در می آید و گفته می شود:

«شلمچه کربلای جبهه ها بود. شلمچه مرز ماندن و رفتن

نیافته است و اینک چاره‌ای جز حسرت و افسوس نیست:

رفیقانم دعا کردند و رفتند

مراتنها را کردند و رفتند

سواران از سر نعشم گذشتند

فغان‌ها کردم، اما برنگشتند

رها کردند در زندان بمانم

دعا کردند سرگردان بمانم

من آخر طاقت ماندن ندارم

خدایا! تاب جان کندن ندارم<sup>(۳۰)</sup>

×××

شب است و سکوت است و ماه است و

فغان و غم و اشک و آه است و من...

مرا کشت خاموشی لاله‌ها

دریغ از فراموشی لاله‌ها

کج‌رفت تأثیر سوز و دعا

کج‌بند مردان بی‌ادعا...

هلا! دین فروشان دنیا پرست

سکوت شما پشت ما را شکست<sup>(۳۱)</sup>

در خلال این مرثیه‌سرایی‌ها اغلب تصویر به دلخواه

بازسازی شده و کاملاً سپیدی از گذشته عرضه می‌گردد

که به سرعت به نقاط عاطفی چون حادثه کربلا نیز پیوند

می‌خورد. مشاهدات نشان می‌دهد احساسی که در این

فرآیند نزد مخاطب پدید می‌آید، آمیخته‌ای از حسرت و

اعتراض است؛ حسرت از دست رفتن فرصت مرگ پاک،

و هم‌زمان اعتراض به روند موجود و فراموشی گذشته.

همچنین در این اظهار دلتنگی‌ها و اعتراض‌ها، بعضی

زمان‌ها، مکان‌ها، اشیاء و چهره‌ها حالت نمادین پیدا

می‌کنند:

«در یکی از بخش‌های مسجد، مکانی برای یاد بود ۵۸ تن

از کسانی که در زمان جنگ ایران و عراق کشته شده‌اند،

وجود دارد. در یک جعبه شیشه‌ای، تابلویی از شن،

چکمه‌ها، فانوس، کارت‌های هویت، ساعت و یک کلاه

نظامی سوراخ سوراخ شده ساخته شده است.»<sup>(۳۲)</sup>

تأکید بر این نمادها سبب می‌شود که برخی اشیاء، به

نشان پیوستگی با سایر اعضای گروه تبدیل شوند، برخی

زمان‌ها تقدس یابد و یا برخی مکان‌ها، به ویژه مراکز

تدفین قهرمانان جنگ یا سربازان گمنام، به صورت

میعادگاهی برای شستشوی گاه به گاه روح از زنگار

زندگی روزانه درآید. تمامی اینها، واجد معنا و نشان

همبستگی و یادآور تمام آن چیزهایی است که باید زنده

بماند. حتی ممکن است هر از گاهی بر تعداد این نمادها،

زمان‌ها و مکان‌ها افزوده شود، بلکه «دل‌های کسانی که

می‌رفت در غبار مادیت و زرق و برق و جلوات دنیایی به

غفلت خو کند با این تذکار معنوی متنبه» شود، به ویژه

آنکه «مرقد و تربت شهیدان ما در هر کجا که قرار گیرد

برای انسان‌های آزاده‌ای که می‌خواهند طالب حق و

حقیقت باشند الها بخش و حرکت آفرین است و مرهمی

بر دل‌های سوخته آنها خواهد بود.»<sup>(۳۳)</sup> به هر صورت در

برخورد با این اشیاء و مکان‌های پرخاطره است که اغلب

باورمندان، حسی از اطمینان و اعتماد به نفس برای

رویارویی با حال و آینده پیدا می‌کنند. آشکار است که

مرثیه‌سرایی و دلبستگی به برخی نمادها به اعضای چنین

گروه‌هایی «احساس مظلومیت» و البته انرژی تازه‌ای

برای فعالیت بیشتر و عوض کردن منطق بازی در جامعه

می‌بخشد:

«اگر چه نیستی ولی، همیشه زنده‌ای شهید راهت ادامه

می‌دهد، برادر دلاور!»<sup>(۳۴)</sup>

### فرجام سخن - آرمان‌گرایی: هدف یا ابزار؟

نکته قابل توجه آن است که فعالیت‌های یاد شده اغلب

صبغه فرهنگی - اجتماعی دارد، لزوماً هماهنگ شده و

سازماندهی شده نیست و حتی اعتراض برخی از جنگ

برگشتگان به وضعیت جدید، نه شورش یا چانه‌زنی برای

پاداش و امتیاز، که برای به دست آوردن یک احترام ساده -



## یادداشت‌ها

۱. گاستون بوتول، جامعه‌شناسی جنگ، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹، صص ۸۵-۸۴.
۲. همان، صص ۶۶ و ۶۸.
۳. اریک بوتل، به سوی قرائتی نو از شهادت از منظر انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی، فصلنامه نامه پژوهش، شماره ۹، ۱۳۷۷، ص ۱۹۲.
۴. ملیکه زغال، دین و سیاست در مصر: علمای الازهر، اسلام افراطی و دولت (۹۴-۱۹۵۲)، بخش اول، ترجمه عباس کاظمی نجف‌آبادی، فصلنامه اندیشه صادق، شماره ۴-۳، تابستان و پائیز ۱۳۸۰، صص ۱۲۳-۱۲۲.
۵. یکی از بحث‌انگیزترین پیامدهای جنگ، به همسران کشته شدگان و آسیب دیدگان در جنگ و انتظارات جامعه و نیز ایدئولوژی حاکم از آنان مربوط است. به نظر می‌رسد این موضوع که طرح آن فرصت دیگری می‌طلبد، همچنان نیازمند مطالعه‌ای جدی و تطبیقی است.
۶. نادر ابراهیمی، با سرودخوان جنگ، در خطه نام و ننگ، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۶، ص ۵۷.
۷. سوزان سونتاک، واقعیت مهیب جنگ، ترجمه سهراب محبی، ماهنامه گلستانه، شماره ۴۸، اردیبهشت ۱۳۸۲، ص ۱۸.
۸. آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، ۱۳۷۴، ص ۴۰۷.
۹. آنتونی استور، نسل کشی و انگیزه ویرانگری در انسان، ترجمه پروین بلورچی (رستم‌کلایی)، تهران: نشر روایت، ۱۳۷۳، ص ۳۳.
۱۰. باید دقت داشت این وضعیت روانی متفاوت از «مرگ اندیشی» مصطلح در فلسفه یا مرگ‌خواهی (زنده باد مرگ!) مورد نظر ایدئولوژی‌هایی چون فاشیسم است.
۱۱. محمدرضا بایرامی، هفت روز آخر، تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۹.

اما واقعی - است که معمولاً به سادگی فراموش می‌شود. در واقع، بسیاری از اوقات، اینان نه به خاطر خود که برای «آنچه گذشت» دل می‌سوزانند و حال، امکان دارد برخی از چنین گروه‌هایی که اینک به صورت خرده فرهنگی منتقد نسبت به روند کلی جامعه در آمده‌اند، به اقدامات سیاسی دست بزنند تا وزن اجتماعی بیشتری پیدا کنند و نکته اساسی این رویکرد، بیشتر از سوی دیرآمدگان دامن زده می‌شود.

به هر صورت، ورود به فاز سیاسی، تغییر کیفی محسوب می‌شود و این گروه‌ها، خواه ناخواه، تحت تأثیر استلزامات دنیای سیاست قرار می‌گیرند. یعنی اعضاء ناچار خواهند شد که در چارچوب منطق حاکم بر سیاست فعالیت کنند. این دگرگونی به معنای خداحافظی عملی با دنیای آرمانی گذشته و ورود به واقع‌گرایی خاص دنیای سیاست است، هر چند ممکن است که بعضی رفتارها و تعبیر از گذشته به یادگار بماند. این نکته زمانی بیشتر رخ می‌نماید که آرمان‌ها و اهداف یا نوع فعالیت‌های چنین گروه‌هایی با منافع و راهبردهای بعضی احزاب یا بازیگران حرفه‌ای سیاست همسو شود. جالب آنجاست که هر یک از این خرده گروه‌ها، در میان جزر و مد رقابت‌های سیاسی، خرده گروه‌ها یا احزاب دیگر را به استفاده هدفمند و غیرصادقانه از ارزش‌ها و نمادها متهم می‌کنند و می‌کوشند خود را میراث‌دار صادق و امین معرفی کنند و انحصار تفسیر آنها را به دست آورند.

با افزایش جایگاه و اهمیت دوره دفاع مقدس و تأکید بر ارزش‌ها و آرمان‌های آن دوره، تلاش گروه‌ها برای پیوند زدن خود به آن دوره افزایش خواهد یافت. تبدیل ارزش‌ها و آرمان‌های آن دوره به عنصر فراگیر، می‌تواند آن را به عامل مؤثری برای وحدت بخشی میان گروه‌ها و شکل دادن به هویت جمعی میان ایرانیان تبدیل کند.

۱۸. احمد م.، «آن روز که گوشه سنگر بودیم...»، *روزنامه اطلاعات*، شماره ۱۸۷۵، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۸.
۱۹. تعبیری برگرفته از: حبیب غنی پور، *سفر جنوب*، تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۲، ص ۱۹۳.
20. Brooks, GERALD, (1995); 20. "Teen - Age Infidels Hanging out", *New York Times*, April 30.
۲۱. شعری از مصطفی محدثی خراسانی، به نقل از: غلامرضا کافی، «ویژگی های معنایی و جان مایه شعر انقلاب پس از جنگ»، *فصلنامه شعر*، شماره ۳۴، زمستان ۱۳۸۲، ص ۴۱.
22. Christopher De Bellague, "The Martyrdom of Hossein Kharrazi", *London Review of Books*, Jan., 3, 2003.
۲۳. گل علی بابایی، *نقطه رهایی*، تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۱۳۷.
۲۴. بری ریچاردز، *روانکاوی فرهنگ عامه*، ترجمه حسین پاینده، تهران: طرح نو، ۱۳۸۲، ص ۱۰۹.
۲۵. بوتل البته این دو راهکار را در کنار یکدیگر و در متن بزرگ تر تحولات فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی می بیند، رک: اریک بوتل، *پیشین*، ص ۲۰۳.
۲۶. محمد جواد غلامرضا کاشی، *جادوی گفتار: ذهنیت فرهنگی و نظام معانی در انتخابات دوم خرداد*، تهران: موسسه فرهنگی آینده پویان، ۱۳۷۹، ص ۳۴۰.
۲۷. *شلمچه*، شماره ۱، ۱۳۷۵.
۲۸. *هفته نامه جبهه*، پیش شماره ۸، ۱ اسفند ۱۳۷۷.
۲۹. *هفته نامه یالثارات الحسین (ع)*، شماره ۱۰، ۱۳ دی ۱۳۷۳.
۳۰. شعر از فرید طهماسبی، به نقل از: غلامرضا کاشی، *پیشین*، ص ۴۰.
۳۱. علیرضا قزوه، *از نخلستان تا خیابان (مجموعه شعر)*، تهران: نشر همراه، ۱۳۶۹، ص ص ۷۵-۷۸.
32. Tim Judah, "The Sullen Majority", *New York Times*, Sep., 1, 2002.
۳۳. *هفته نامه یالثارات الحسین (ع)*، شماره ۱۶۰، ۱۲ دی ۱۳۸۰.
۳۴. شعری از حمیدرضا شکارسری.
12. Rasool Nafisi, "Education and the culture of Politics in the Islamic Republic of Iran, In Iran: Political culture in the Islamic Republic", edited by Samih Farsoun and Mehrdad Mashayekhi; London: Routledge, 1992, PP 160-177.
۱۳. اشاره به یک تجربه در اینجا شاید مناسب و حتی ضروری باشد. تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه آمریکا در دهه ای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ نشان می دهد که محافظه کاری آهنین و جدیت بیمارگونه یک نسل برای تحقق هدف /اهدافی خاص و تأکید بر ابزارهایی خاص، موجب عک العمل نسل بعدی می شود، به گونه ای که عقاید و رفتار آنها واکنشی در برابر وضعیت انعطاف ناپذیر حاکم به شمار می رود. اعضای نسل هیپی در آمریکا با این باور که «زندگی خود را به هدر می دهند»، آگاهانه به نافرمانی روی آوردند و کوشیدند با لاقیدی، ارزش ها و هنجارهای نسل گذشته را به ریشخند بگیرند. آنان «جوانانی بودند که از زندگی فقط نهایت لذت را جستجو می کردند»، به ویژه آنکه اصرار سیاستمداران به تداوم جنگ ویتنام، فرسودگی و دلسردی فزاینده ای نیز به دنبال آورده بود. برای آگاهی، رک: «ستیز یک نسل با جنگ»، ترجمه شروین شهامی پور، ماهنامه گلستانه، شماره ۵۷، تیر ۱۳۸۳، ص ۱۰-۱۱. لذا فراگیری روحیه لاقیدی و فقدان جدیت می تواند واکنشی در برابر یک روند باشد و البته در ترکیب با دیگر عوامل مساعد اجتماعی، مانند دلسردی از دستیابی به هدف یا آرمانی، ارزش ها و هنجارهای نسل پیشین را کاملاً زیر سوال ببرد.
۱۴. روزنامه اعتماد، شماره ۱۸۶۷، ۲۶ دی ۱۳۸۷.
15. Nascetti, Dina, "Dolce Vita All' Iranian", *L'Espresso*, April 27, 2000.
- با تشکر از دوستی که این متن را معرفی و سپس برایم ترجمه کرد.
۱۶. به عنوان بحثی مقدماتی در این زمینه، رک: امیر هوشنگ افتخاری راد و امین بزرگیان، «در باره میان سالگی و ابژه میل؛ لیبیدوی پولیس»، ص ص ۱-۱۲، در: [www.Nilgoon.Org/articles](http://www.Nilgoon.Org/articles)
17. Robert K. Merton, *Social Theory and Social Structure*, New York: Free Press, 1968, PP 230-246.





حوزه‌ای میان رشته‌ای، نقطه تلاقی دو علم تاریخ و جامعه‌شناسی محسوب می‌شود. در واقع این رشته، جامعه‌شناسی جوامع پیشین را براساس اسناد و گزارش‌های تاریخی بر جای مانده بررسی می‌کند.

جامعه‌شناسی تاریخی به جای یک الگوی ایستا بیشتر بر فرایند و تغییر، تأکید می‌کند و مستقیماً تمایز میان تبیین‌های مبتنی بر ساخت و مبتنی بر کارگزار<sup>۱</sup> را منظور نظر دارد.<sup>(۱)</sup> اسکاکپل، یکی از

صاحب‌نظران جامعه‌شناسی تاریخی، این علم را این گونه تعریف می‌کند:

«یک پژوهش سنتی پیوسته و همواره نوین‌سازی شده که برای درک ساختارهای کلان و روندهای دگرگونی بکار می‌رود.»

این رشته متفاوت از جامعه‌شناسی سنتی است؛ زیرا نگرش بنیادی آن به محتوای دگرگونی و محتوای تاریخ است. همچنین این رشته متفاوت از رشته تاریخ سنتی است، زیرا به ساختارهای اجتماعی می‌نگرد و به بازگویی داستان‌های افراد و تعریف رخدادها در قالب تاریخ سنتی نمی‌پردازد.<sup>(۲)</sup>

در این راستا، هالیدی می‌گوید: «جامعه‌شناسی تاریخی، یک دستور دوم را برای روابط بین‌الملل نیز فراهم می‌آورد، زیرا کشور را همچون یک رشته از نمادها به شمار می‌آورد و پارامترهای بسیار بیشتری را برای نظریه‌پردازی فراهم می‌کند. جامعه‌شناسی تاریخی نه تنها به نگرش آینده کشور می‌پردازد، بلکه چگونگی شکل‌گیری و دگرگونی کشورها را نیز بررسی می‌کند.»

اسکاکپل، چهار ویژگی زیر را برای مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی بر می‌شمرد:

۱. این مطالعات با پرسش‌هایی در خصوص ساخت‌ها

یا فرایندهای اجتماعی که به صورت پدیده‌های عینی در زمان و مکان فهم می‌شود، مواجه است.  
۲. این مطالعات، فرایندهای فرا زمان را مورد توجه قرار می‌دهد و رشته‌های گذرا و موقت را با هدف دستیابی به نتایج، جدی تلقی می‌کند.  
۳. این مطالعات، ارتباط متقابل میان کنش معنی‌دار و هدفمند و بسترهای ساختی به منظور معقول‌سازی پیامدهای آشکار و پنهان در زندگی فردی و اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد.  
۴. این مطالعات، جنبه‌های ویژه و مهمی از ساخت‌ها و الگوهای تغییر اجتماعی را برجسته و نمایان می‌سازد.<sup>(۳)</sup>

با این رویکرد نو و بدیع و بهره‌گیری از منابع در نوشته‌های جامعه‌شناسان تاریخی نظیر اسکاکپل، تیلی و والرش‌تاین که در کتاب‌ها و مقالات انتشار یافته، توجه صاحب‌نظران روابط بین‌الملل را نسبت به آن جلب کرده است. رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی در روابط بین‌الملل موضوعی نو در این رشته محسوب می‌شود و مطالعات و تحلیل‌های زیادی درباره آن انجام شده است. پژوهشگران این عرصه‌ها می‌کوشند رهیافت نظریه‌پردازی جامعه‌شناسی تاریخی را به عنوان مدخلی برای تحلیل و واکاوی تحولات مختلف مورد

1. Agency

استفاده قرار دهند.<sup>(۴)</sup>

در این مقاله تلاش شده دو عنصر شکل گیری دولت و تأثیر جنگ بر هویت ایرانی، مورد کند و کاو قرار گیرد. به عبارتی هدف اصلی مقاله تبیین تأثیر جنگ عراق علیه ایران بر شکل گیری دولت مدرن در ایران یا تسریع آن می باشد.

جنگ ها که اغلب از منظر واقع گرایی و در چارچوب گفتمان سود و زیان یا برد و باخت مورد بررسی قرار می گیرند، می توانند از منظرهای متفاوتی همچون جامعه شناسی تاریخی، نمود یافته و تأثیر آن بر شکل گیری کشور، سامانه بین الملل جنگ و هویت ملی یا جنگ و تغییر، سنجیده شوند. در این مقاله، ابتدا مفهوم جنگ در روابط بین الملل از منظر واقع گرایی و نواقع گرایی بررسی خواهد شد، سپس جنگ و تأثیر آن بر شکل گیری کشور از دیدگاه جامعه شناسی تاریخی "چارلز تیلی" مورد کند و کاو قرار گرفته و آن گاه رویکرد فوق در مورد جنگ عراق علیه ایران در قالب شکل گیری دولت مدرن یا به تعبیری دولت - ملت سازی و هویت ایرانی از منظر جامعه شناسی تاریخی، تبیین می کند.

### جنگ در روابط بین الملل

مطالعه جنگ و منازعه یکی از موضوعات مهم روابط بین الملل است. جنگ یکی از خشونت های سازمان یافته است که توسط واحدهای سیاسی علیه همدیگر رخ می دهد. دو پیامد مهم برای تعریف این رخداد وجود دارد، نخست آن که هر خشونتی جنگ قلمداد نمی شود مگر آن که به نام یک واحد سیاسی رخ دهد. دوم آن که، خشونت یک واحد سیاسی با یک واحد سیاسی دیگر باشد.<sup>(۵)</sup> در سامانه بین المللی نوین، کارکردهای جنگ به مثابه کنش اجتماعی است که ممکن است دارای سه کارکرد یا نگرش زیر باشد:

۱. اهداف کشور ممکن است با جنگ به عنوان کنش اجتماعی تحقق پیدا کند.

۲. در سامانه کشورها جنگ یکی از مکانیسم ها اصولی آن است که، همانطور که والتز گفته، عامل "توزیع ظرفیت ها" و مولفه های "توزیع قدرت" کشوری در

قبال کشورهای دیگر در یک سامانه یا ساختار است. به بیان دیگر، موقعیت آن کشور در سطح سامانه بین المللی به عوامل فوق بستگی دارد. ۳. در جامعه کشورها، جنگ دارای رویکردی دو جانبه است از سویی جنگ، مانفیسست بی نظمی یا تهدیدی در راستای ساخت و تشکیل جامعه خود کشورها یا بازگشت کشورها به وضعیت ما قبل مدرن است و از سوی دیگر، جنگ ابزار دستیابی کشورها به اهداف شان و به نوعی ابزار شکل دهی به سامانه بین المللی نیز محسوب می شود.<sup>(۶)</sup> از این منظر، جنگ نقش دوگانه ای دارد. چرا که از

یک طرف، تهدیدی برای کشورها و از طرفی، ابزار حمایتی آن نیز هست یا به زبان ساده تر، جنگ نقشی شمشیر دو لبه ای را برای جامعه بین المللی بازی می کند.<sup>(۷)</sup> به هر حال، جنگ از منظر واقع گرایی و نواقع گرایی، عنصر مهمی برای رسیدن به منافع عالیه کشور و ثبات در سامانه بین المللی است. از منظر مکتب

از منظر رویکرد ایرانی،  
جنگ نمی تواند قاعده یا  
هنجار یا نهاد مطلوبی برای  
توازن قدرت یا اعاده نظم در  
جامعه بین الملل باشد

انگلیسی، جنگ به مثابه هنجارها و نهادی است که به کشورها و جامعه بین الملل کمک می کند نظم را به واحدهای جامعه مذکور برگرداند. در ارتباط میان جنگ با لیبرالیسم، مفهوم فوق در نولیرالیسم، بیشتر به عنوان «بازسازی پسمانازه»<sup>(۸)</sup> همانند تجربه های هائیتی، کامبوج و عراق توسط ایالات متحده آمریکا تداعی پیدا می کند.

ورود پارادایم اقتصادی نولیرال و الگوی لیبرال دموکراسی ایالات متحده به صورت نرم یا سخت از مصداق های جنگ های نولیرال در روابط بین الملل است. جنگ در نولیرالیسم، برای جلوگیری از شکست حکمرانی<sup>(۹)</sup> در کشورهای ضعیف است. تعبیری که از

1. Post - Conflict Reconstruction

2. Governance Fail

رویکرد دیگری می‌تواند این جنگ را به خوبی تحلیل، تبیین و تفسیر کند؟ آیا رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی روابط بین‌الملل می‌تواند به درستی آرمان ما را برای درک بهتر و مفیدتر نتایج و پیامدهای جنگ عراق علیه ایران به فرجام برساند؟

### جنگ و جامعه‌شناسی تاریخی

یکی از مولفه‌های اصلی جهان کنونی، تغییر است. این تغییر در طول تاریخ و با کمک جامعه‌شناسی تاریخی حاصل می‌شود. به عنوان مثال، جامعه‌شناسی تاریخی تفسیر عصر طلایی سرمایه‌داری و هژمونی ایالات متحده آمریکا و تحولات و تغییر آن را منوط به بررسی ضمنی و آشکار رخداد‌های قبل و بعد از جنگ جهانی دوم می‌داند. در واقع آن را منوط به بررسی وقوع تحول اساسی در روابط بین‌کشورها، روابط بین دولت و سرمایه و روابط بین کشور، سرمایه و کار می‌داند. به چنین رویکردی، که گذشته را می‌شکافد و به شکلی خاص، تحول و تغییر را با رویکرد اجتماعی مورد کند و کاو قرار می‌دهد، جامعه‌شناسی تاریخی می‌گویند.

به رغم بعضی نقاط افتراق جامعه‌شناسی با روابط بین‌الملل، بسیاری از علمای جامعه‌شناسی تاریخی نقاط اشتراک فراوانی با علمای روابط بین‌الملل دارند. به عنوان مثال، ماکس وبر، به رابطه تنگاتنگی بین جنگ و سرمایه و جنگ و دولت در قرن نوزدهم و قرن بیستم قائل است. ماکس وبر، اصول و روش‌شناسی مهمی را در زمینه پژوهش جنگ و تغییرات ساختارهای جهان ارائه داد که با نظرات چارلز تیلی در جامعه‌شناسی تاریخی شباهت‌های بسیار زیادی دارد. در عین حال این رویکرد، گواهی بر تناقض‌های آشکار با واقع‌گرایی سیاسی است. از این رو که اولاً جامعه‌شناسی تاریخی، کشور را نوعی ساخت اجتماعی می‌داند و به عناصر داخلی و خارجی و ارتباط آن با جنگ می‌پردازد و ثانیاً، بر تاریخی بودن کشور تأکید دارد.<sup>(۸)</sup>

در حدود پنجاه سال قبل، استنلی هافمن، پیشنهاد داد مطالعه روابط بین‌الملل براساس "روش‌شناسی جامعه‌شناسی تاریخی" پایه‌گذاری شود. "جانستین روزنبرگ" در پاسخ به این پرسش که چرا ما

مفهوم جنگ در نولیبرالیسم می‌شود آن را نیز «جنگ خاموش» نام نهاده‌اند. به عبارت دیگر، جنگ‌ها بیشتر تحت عنوان مداخلات بشردوستانه یا برنامه گسترش دموکراسی با ایدئولوژی و برنامه‌های خاص در این زمینه واقع می‌شوند.

جنگ در نولیبرالیسم، جنگ با شر، یا محور شر تلقی می‌شود و برنامه‌های بازسازی، ترمیم و توسعه اقتصادی و آموزشی، به عنوان یک پارادایم لیبرالی، در گفتمان جنگ، محدود و محصور می‌شوند.<sup>(۸)</sup>

با این توضیحات، با رویکرد ایرانی نمی‌توان جنگ عراق علیه ایران را از منظر واقع‌گرایی و دستیابی به منافع مادی یا از منظر نواقع‌گرایی، به عنوان پدیده‌ای که ثبات را به سامانه بین‌المللی برگرداند، توجیه کرد. چرا که مدت کوتاهی پس از پایان جنگ عراق علیه ایران، شاهد فروپاشی سامانه دو قطبی و پایان جنگ سرد بودیم. از منظر مکتب انگلیسی، که جنگ را به عنوان یکی از نهاد‌های نظم جامعه بین‌المللی

می‌شناسد، رویکرد ایرانی هیچ‌گاه جنگ را ابزار نیل به هدف یا نظم در جامعه بین‌الملل به رسمیت نمی‌شناسد. از منظر رویکرد ایرانی، جنگ نمی‌تواند قاعده یا هنجار یا نهاد مطلوبی برای توازن قدرت یا اعاده نظم در جامعه بین‌الملل باشد. از منظر نولیبرالیسم نیز ماهیت جنگ عراق علیه ایران در دوران جنگ سرد، گفتمان متفاوت و متضادی با جنگ‌های خاموش یا مداخلات بشردوستانه و نرم داشت. به عبارت دیگر، جنس جنگ عراق علیه ایران، سخت و غیر بشردوستانه، کلاسیک و همراه با تخریب و ویرانگری تفسیر می‌شود. بنابراین این پرسش‌ها مطرح می‌شوند که این مسئله از منظر روابط بین‌المللی چگونه تبیین می‌شود؟ آیا

از منظر نولیبرالیسم، ماهیت جنگ ایران و عراق در دوران جنگ سرد، گفتمان متفاوت و متضادی با جنگ‌های خاموش یا مداخلات بشردوستانه و نرم داشت

## چارلز تیلی، جامعه‌شناسی تاریخی و جنگ عراق علیه ایران

دولت شبه مدرن ایران در سال ۱۹۷۹، بایک تغییر گفتمان انقلابی جای خود را به دولت شبه مدرن اسلامی داد. این تغییر، بستر حرکت به سوی مدرنیته را تسهیل ساخت و به نحوی ساخت دولت - ملت سازی را در ایران تشدید نمود. سیاست مدرنیزاسیون محمدرضا پهلوی در ایران به خاطر تشنگ آرام و کند بودن آهنگ دولت - ملت سازی به نتایج مشخصی منجر نشد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، آهنگ دولت ملت سازی تسریع شد.<sup>(۱۲)</sup> انقلاب اسلامی ایران، برای نخستین بار،

روحانیون مسلمان را در برابر اقتدار سکولار شاه به قدرت رساند. دولت شبه مدرن شاه به یک ساختار دینی و به نوعی، گفتمان دینی در چارچوب احیای اسلام شیعی مبذل شد. به اعتقاد کارشناسان، گفتمان امام خمینی (ره)، به دلیل ساختار مذهبی ایران، باعث ترکیب گفتمان مدرنیسم و اسلام و تشدید فرایند دولت - ملت سازی در ایران شد.<sup>(۱۵)</sup>

با حمله عراق به ایرن، پرسش‌های بسیاری در اذهان کارشناسان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل شکل گرفت از جمله اینکه، جنگ چه تأثیری بر شکل‌گیری ساخت دولت مدرن در ایران داشته است؟ آیا جنگ باعث تشدید یا انسداد ساخت دولت - ملت در ایران شد؟ اهمیت راهبردی "استان خوزستان" برای عراق، دسترسی این کشور به آب‌های خلیج فارس، خطر "نظام سیاسی شیعه ایرانی" برای عراق و حمایت صدام از "بی‌ثباتی ایران" به خصوص در منطقه کردستان ایران، از جمله دلایل حمله به ایران بود. از منظر جامعه‌شناسی تاریخی، پاسخ‌های روشنی

جامعه‌شناسی تاریخی روابط بین‌المللی نداریم؟ به نقل از "مارتین وایت" که می‌گوید: «چرا نظریه روابط بین‌الملل نداریم».<sup>(۱۱)</sup>

در واقع مشکل هافمن، که بعدها والتز نواواقع‌گرا نیز به این مشکل دچار شد، این بود که عقیده داشت محققین روابط بین‌الملل می‌بایست نظریه‌های داخلی و خارجی را در مطالعه سیاست بین‌الملل در نظر بگیرند. در نظر والتز، جنگ صرفاً مولود ساختار سامانه بین‌المللی است و مطالعه و بررسی آن نیز امری ساختاری است.<sup>(۱۲)</sup> در اینجا به بررسی آرای چارلز تیلی درباره ارتباط جنگ و شکل‌گیری کشور می‌پردازیم تا مشخص شود برای برخی تحولات روابط بین‌الملل و به ویژه جنگ، نیازمند رهیافت جامعه‌شناسی تاریخی هستیم. در این راستا، جنگ عراق علیه ایران و تسریع در روند شکل‌گیری دولت مدرن در ایران را مورد بررسی قرار خواهیم داد.<sup>(۱۳)</sup>

چارلز تیلی به ارتباط معناداری بین جنگ و جامعه‌شناسی تاریخی قائل است. او همواره جنگ را عامل بیرونی و همچنین روندی به دور از ستیزهای درونی و عامل اصلی برای شکل‌بندی کشور قلمداد می‌کند. او درخصوص دگرگونی کنونی سامانه بین‌الملل می‌نویسد:

«هم اکنون سامانه بین‌الملل در مقطع دگرگونی ژرف خود قرار دارد که نه تنها سیاست‌های همه کشورها را دگرگون می‌کند بلکه منش جنگ و رویداد آن را نیز دگرگون خواهد کرد.»

به عبارت دیگر، چنین به نظر می‌رسد که وی درباره آن دگرگونی‌ها از سامانه بین‌المللی سخن می‌گوید که به دگرگونی در سیاست درون مرزی می‌انجامد. افزون بر این، این دگرگونی‌ها بر منش روابط میان کشورها اثرگذار است. گفتمان تیلی، براین نکته تأکید دارد که جنگ، بر رابطه شکل‌گیری کشور با دگرگونی‌های اقتصادی تأثیر دارد.<sup>(۱۴)</sup> نوشتار حاضر نیز، به نوعی مفهوم جنگ را از رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی استخراج می‌کند و با کنار گذاشتن اثر جنگ بر سامانه بین‌المللی، به تأثیر و چگونگی جنگ بر شکل‌گیری کشور و هویت داخلی کشورها اهتمام دارد.

گفتمان امام خمینی (ره)،  
به دلیل ساختار مذهبی ایران،  
باعث ترکیب گفتمان  
مدرنیسم و اسلام و تشدید  
فرایند دولت - ملت سازی در  
ایران شد

برنامه‌های اصلاحی خود قرار داد. در پی این تصمیم، نمایندگان کانون‌های اصلی قدرت در جمهوری اسلامی، همراه با بخش گسترده‌ای از رسانه‌های کشور، از آغاز «خصوصی سازی بزرگ» و پایان عصر تصدی‌گری دولت در عرصه اقتصادی و واگذاری هشتاد درصد واحدهای دولتی به بخش خصوصی خبر دادند. این روند به دلیل خسارت‌های جنگ و تقویت گفتمان توسعه‌گرا، خود به خود باعث تشویق جامعه مدنی و سرمایه‌های ملی در مشارکت سیاسی و اقتصادی شد. این اقدام، تثبیت دولت مدرن در ایران را پس از یک جنگ ویران‌گر تشویق و تسریع نمود. این کنش جمعی، وامدار گفتمان توسعه‌گرای فردای جنگ بود که با نظریات تیلی نیز کاملاً سازگار و منطبق است.<sup>(۸)</sup>

تیلی تحقیقات زیادی را درباره روند شکل‌گیری کشور در اروپا و کنش جمعی انجام داده است. تعریف تیلی از کشور با تعریف اسکاکپل، همخوانی بیشتری دارد. براساس این تعریف، «کشور، عبارت از یک رشته سازمان‌هایی است که ادعای ارجحیت بر همه نهادهای درون یک سرزمین معین را دارند.»

تیلی به تحلیل ارتباط میان جنگ و شکل‌گیری کشور می‌پردازد. از نظر او «جنگ کشور را می‌سازد و کشور با جنگ مشهور می‌شود». به عبارتی، جنگ با گسترش نهادهای مرتبط با کارگزاران و ساختار سیاسی، هماهنگی لازم برای تعاملات بیشتر را مهیا می‌کند. این تعاملات، زمینه مشارکت جمعی و انسجام اجتماعی را تسریع می‌کند. در واقع، جنگ زمینه اتحاد ملی و رشد تعلقات جمعی و سیاسی را نهادینه می‌کند. این شاخص‌ها تا حد زیادی با تحولات سیاسی و اقتصادی پس از پایان جنگ تحمیلی مطابقت دارد. در واقع، این جنگ زمینه گسترش نهادها و کارگزاران سیاسی را فراهم نمود. رشد سازمان‌های خصوصی، شرکت‌های خصوصی، جامعه مدنی و احزاب از جنبه‌های بارز گفتمان پس از جنگ می‌باشد.<sup>(۹)</sup>

تیلی، جنگ را جدا از سوگیری‌های سامانه بین‌المللی می‌داند و رویکردی سازه‌انگارانه در خصوص سامانه بین‌المللی دارد. او سامانه بین‌المللی

برای پرسش‌های فوق می‌توان ارائه کرد. به عنوان مثال، جنگ باعث شد هویت خوزستان، کردستان و شیعه در ایران در ساخت دولت مدرن در کشور سهیم شوند. در واقع ارزش «دفاع از وطن» در میان اقوام ایرانی، هویت آنان را تحت پوشش گفتمانی قرار داد و واکنش اقوام ایرانی در چارچوب گفتمان جنگ، معنا یافت.<sup>(۱۰)</sup> براین اساس، فرضیه نوشتار حاضر عبارت از این است که جنگ باعث شکل‌گیری دولت مدرن در ایران از منظر جامعه‌شناسی تاریخی شد. البته، تأثیر جنگ بر ساخت کشور عراق مد نظر این تحقیق نیست چرا که حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰، خود دلیلی بر عدم شکل‌گیری دولت مدرن

و واگرایی اجتماعی در این کشور است. جنگ با ایران به دلیل عدم تحقق گفتمان حزب بعث درباره «عرب‌گرایی»، «قادسیه‌گرایی» و «کمک به خلق عرب»، همچنین مخالفت بخش اعظمی از شیعیان و کردهای عراق با شعارهای فوق و حمله به ایران، عملاً نتوانست شکل‌گیری و روند دولت-ملت سازی در

عراق را تسریع بخشد. نتایج این جنگ برای عراق، کاملاً معکوس بود و واگرایی و عدم همبستگی اجتماعی در این کشور را باعث شد. بر اثر جنگ، مثلث سنی در عراق (شمال، غرب و شرق بغداد، اطراف فرات، دجله، دیاله و تکریت) به سهامداران عمده قدرت در عراق تبدیل شدند و روند شکل‌گیری قدرت دولت مدرن در عراق به تعویق افتاد.<sup>(۱۱)</sup>

### چارلز تیلی، جنگ و کشور

با پایان جنگ تحمیلی و همزمان با موج فراگیر خصوصی‌سازی در مقیاس جهانی، دولت هاشمی رفسنجانی نیز پایان تصدی‌گری دولت را در صدر

حمله عراق به ایران،  
عملاً نتوانست شکل‌گیری و  
روند دولت-ملت سازی در  
آن کشور را تسریع بخشد



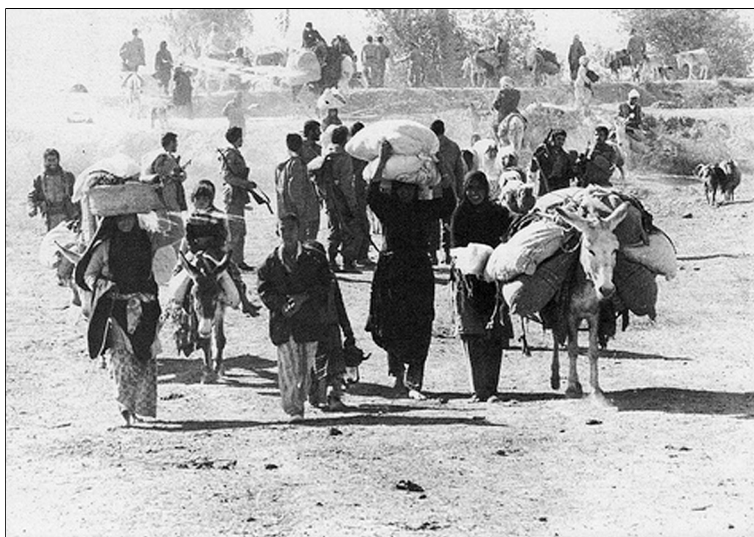
تیلی جنگ را عامل همگرایی نیز می‌داند، چرا که با مشارکت نهادها و مردم در جریان جنگ‌ها، شکل‌گیری کشور اتفاق می‌افتد.<sup>(۳۱)</sup> چالز تیلی، با دیدگاه مادی به ارتباط دو سویه جنگ و شکل‌گیری دولت پرداخته است. او الگوی ساده‌ای را برای تشریح پدیده کشور- ملت پیشنهاد می‌کند. دو عامل سرمایه و محدودیت‌نگری،

دگرگونی‌پذیر اصلی هستند. وجود سرمایه با تمرکز و پدیداری شهرها همراه بوده

است، اما تمرکز محدودیت‌ساز مستلزم یک کشور است. این دو پدیده پیوند منطقی دو سویه‌ای دارند. شهرها و سرمایه‌داران، پشتیبانی لازم برای کارهای بازرگانی و صنعتی را از متخصصانی که کشورها را اداره می‌کنند، به دست می‌آورند. البته آنها برای دفاع از سرمایه خود در جریان جنگ به دولت کمک می‌کنند. کشورها و نیروهای مسلح به سرمایه‌داران شهرها وابسته هستند؛ اما در عین حال، نگران مقاومتی هستند که در برابر قدرت کشور در جریان پیشرفت شهرها، منافع بازرگانی و طبقه‌های کارکردی آن به وجود می‌آید.<sup>(۳۲)</sup> نگاه جانبدارانه تیلی مشخص است، جنگ آوری نیرویی است که کشور را به پیش می‌برد

کلائیس<sup>۴</sup> دیدگاه مثبتی درباره نوشته تیلی دارد. تیلی معتقد است جنگ نقش اصلی را در پدیداری کشورهای اروپایی بازی کرده است؛ اما به باور کلائیس، نمی‌توان جنگ را به عنوان یک متغیر مستقل بررسی کرد. جنگ از علت‌هایی چون افزایش جمعیت، عامل اقتصادی، عامل ایدئولوژیکی، یا آمیزه‌ای از آنها ریشه می‌گیرد.

بدون تحلیل این عوامل، تأکید بر نقش محوری جنگ در شکل‌گیری کشورها، گمراه‌کننده است.<sup>(۳۳)</sup> این



را ساخته یک شبکه چند سویه میان کشورها به شمار می‌آورد. این شبکه، محدودیت‌هایی را بر کنش کشورها ایجاد می‌کند. البته او سامانه را نوعی واحد تحلیل‌گری تاریخی می‌داند. تحلیل‌گری تیلی، درباره شکل‌گیری کشور، با گذشت زمان پدید آمده و پیشرفت کرده است. نقطه آغاز این تحلیل‌گری، اقدام مشترک سرپرستی 'کمیته سیاست تطبیقی'<sup>۱</sup> وابسته به 'شورای پژوهش دانش اجتماعی ایالات متحده آمریکا'<sup>۲</sup> برای بررسی شکل‌گیری کشور بود. حاصل کار این پروژه، انتشار کتاب 'شکل‌گیری ملت - کشورها در اروپای غربی'<sup>۳</sup> بود که دیباچه و نتیجه‌گیری یک فصل این کتب توسط تیلی به نگارش درآمد. در این تحلیل، قابلیت‌های نظامی یک کشور در کانون توجه قرار داشت. از نظر تیلی، پیروزی در جنگ مهمترین عامل بود و کشورهایی که عملکرد موفقی در جنگ نداشتند به سادگی از بین می‌رفتند.<sup>(۳۴)</sup> چارلز تیلی در اینباره می‌گوید: «جنگ، نه تنها سامانه کشور و شکل‌گیری فردی کشور را به پیش می‌برد بلکه بر توزیع قدرت نیز تأثیر مستقیم دارد». حتی طی چند سده گذشته در تمدن [شهروندی] کشورهای غربی، جنگ همچنان مهمترین عامل تعیین‌کننده کشورهای ملی بوده است.

1. Committee on Comparative Politics

2. American Social Science Research Council

3. Formation of Nation - State in Western Europe

4. Claessen

سرمایه اجتماعی گفتمان جنگ نظیر حضور داوطلبانه در جنگ، گفتمان مقاومت، مشروعیت انقلاب اسلامی، کاریزمای رهبری امام (ره) و هویت ایرانی و شیعی تا حد زیادی به شکل‌گیری کشور در ایران کمک کرد. در واقع، رویکرد ما نیز همان رویکرد چارلز تیلی است با این تفاوت، که به جای سرمایه مادی، نوشتار حاضر، "سرمایه اجتماعی معنایی" را جایگزین نموده است.<sup>(۲۳)</sup>

### هویت و جامعه‌شناسی تاریخی

برای پی بردن به هویت، یعنی من کیستم؟، باید مطالعات تاریخی فراوانی را انجام داد. اگر چه هویت با توجه به بعد معنایی آن، کمتر از منظر جامعه‌شناسی تاریخی بررسی شده است اما زمانی که به عنوان مثال یک فرد ایرانی می‌گوید من هویت ایرانی دارم، به تمدنی اشاره می‌کند که دارای جنبه تاریخی است. به عبارتی، چون هویت منشأ تاریخی و اجتماعی دارد؛ بنابراین می‌تواند از منظر جامعه‌شناسی تاریخی بررسی شود. به عنوان مثال، تاریخ و هویت اروپایی، تاریخی است که دارای مفهوم و گفتمان است. چراکه مفهوم بندی نوین فرهنگ و احساس تعلق، از درون گفتمان و مفهوم هویت استخراج می‌شود. در واقع بدون تعلق خاطر، هویتی نیست و بدون هویت نیز تعلق خاطری وجود ندارد. هویت، تصویر خود و دیگری و مرز بین خود و دیگری را مشخص می‌کند. هویت در طول تاریخ شکل می‌گیرد. به عنوان مثال، هویت و تاریخ مشخصی، اروپا را شکل داده‌اند.<sup>(۲۵)</sup>

هرچند هویت مفهومی در متافیزیک فلسفه یونان وجود داشت اما تا اواخر قرن ۱۹ نقش مهمی را در علوم اجتماعی ایفا نمی‌کرد. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، این مفهوم به هسته اولیه و اصلی علوم تاریخی و اجتماعی تبدیل شد. هویت به توضیح قدرت نیز می‌پردازد همچون بحث در مورد میراث اروپا یا امپراطوری روم باستان، مسیحیت، ایده‌های روشنگری علم، خرد و دموکراسی، که تمام این عناصر، به نوعی احساس تعلق خاطر و وفاداری به هویت اروپایی محسوب می‌شود.<sup>(۲۶)</sup> فضای گفتمانی در قالب کنش‌های جمعی و با هویت‌های جمعی بازتاب می‌یابد و حفظ می‌شود.

نوشتار نیز در پی پاسخ به این پرسش است که جنگ عراق علیه ایران چه تأثیری بر شکل‌گیری دولت در ایران داشته است. آیا رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی تیلی می‌تواند به این پرسش، پاسخ قانع‌کننده‌ای بدهد؟ در کل می‌توان نگاه مثبتی به دیدگاه تیلی در این که جنگ‌ها باعث همگرایی دولت ملی شده و به شکل‌گیری کشور کمک می‌کنند، یا دولت‌های پیروز در جنگ می‌توانند روند کشور-ملت‌سازی را به فرجام برسانند، داشت.

از این رو می‌توان ادعا کرد پیروزی در جنگ‌ها همواره از آن کسانی است که بعد از رخداد جنگ به خوبی به سوی کشور مدرن و عقلانی (ساخت کشور ملت‌سازی) حرکت کرده‌اند. از این منظر، ایران پس از پایان جنگ تحمیلی به دلیل تقویت همگرایی داخلی؛ پیروز جنگ است و عراق که پس از پایان جنگ به طایفه‌گرایی؛ حمله به همسایگان و واگرایی شدید اجتماعی سوق داده شد از منظر جامعه‌شناسی تاریخی و

دیدگاه تیلی، طرف شکست خورده این جنگ است، چرا که ساخت کشور مدرن در عراق پس از جنگ علیه ایران تا دوام پیدا نکرد.

نکته‌ای که اهمیت دارد دیدگاه مادی گرایانه چارلز تیلی به جنگ و ارتباط آن با سرمایه از یک طرف و شکل‌گیری کشور از طرف دیگر است. اما به دلیل رانتیر بودن کشور ایران، سرمایه نمی‌تواند عنصر مناسبی برای ارتباط بین جنگ و شکل‌گیری کشور در ایران پس از جنگ باشد.

به جای سرمایه مادی، می‌توان به سه عنصر جدید سرمایه اجتماعی ایرانی، جنگ و شکل‌گیری کشور در ایران اشاره کرد و بیان داشت که ارتباط دو سویه جنگ و

نتایج این جنگ برای عراق، کاملاً معکوس بود و واگرایی و عدم همبستگی اجتماعی در این کشور را باعث شد

تدارکات، یا پول لازم برای خرید آنها را در اختیار داشتند، بگیرند. در واقع آنها اگر تحت فشار شدید قرار نمی گرفتند مایل نبودند آن منابع را تسلیم کنند.<sup>(۳۰)</sup> هرچند رویکرد تبلی با روند دولتی کردن بخش های عظیمی از اقتصاد ایران برای کمک به اقتصاد جنگ قابل توجه است اما این رویکرد کاملاً مادی گرایانه است و به عنصر هویت در جنگ ها و شکل گیری کشور اشاره ای ندارد.

مایکل والتر معتقد است: «دولت ناپیداست، برای دیده شدن باید قبلاً تبلور شخصی پیدا کند. برای آن که بتوان به آن عشق ورزید باید قبلاً به صورت نمادی

مبهرهن شود و برای شناختنش باید قبلاً به تصور درآید.» فرایندی که از طریق آن یک جامعه برای نخستین بار خودش را به تصور در می آورد، سامانه های مناسب حکمرانی و مبادله را می شناسد، هویت ها را نمادین می کند و هنجارها و آموزه های را که انتشار می دهد می سازد. یعنی دولت، می بایست با یک

«شناخت اجتماعی»<sup>۳۱</sup> قوام یابد. این شناخت اجتماعی در مورد جنگ عراق علیه ایران، با کمک هویت ایرانی- شیعی، شکل گرفت و قوام یافت و این شناخت، به تسریع شکل گیری کشور در ایران کمک کرد. شناخت فوق و هویت ناشی از آن، باعث شد حاکمیت دولت در ایران بعد از جنگ گسترش یابد و به صورت مفهوم حاکمیت ملی نمود یابد و به دنبال آن نیروهای مسلح به نماد کشور تبدیل شدند.

اما در عراق پایان جنگ، شروع سرکوب کردها و شیعیان و حمله به کشور کویت بود. به عبارتی، حوزه ایرانی- شیعی، به عنوان حوزه شناخت های اجتماعی، در ادوات ذهنی که مردم به کمک آنها هستی جمعی

هویت ها با ساخت های نمادین ارتباط برقرار می کنند. به عبارت دیگر، هویت ها به خلق «بازنمایی های نمادین»<sup>۱</sup> می پردازند. که هویت جمعی در اینجا شکل می گیرد و به خلق بازنمایی می پردازد.

عمومی کردن جامعه شناسی تاریخی و توجه روش شناسانه به تاریخ می تواند کمک شایانی به نوشتار حاضر کند.<sup>(۳۲)</sup> با توجه به نظر تبلی درباره نقش سرمایه و جنگ در شکل گیری کشور و همگرایی برای وحدت ملی، این پرسش مطرح می شود که آیا می توان هویت را با روش شناسی جامعه شناسانه تاریخی به بحث ارتباط بین هویت و جنگ تحمیلی که به تشکیل دولت مدرن و شکل گیری کشور - ملت در ایران انجامید، اضافه کرد؟ آیا با توجه به اهمیت تاریخ و مطالعه آن در جامعه شناسی تاریخی، هویت می تواند به عنوان عنصر معنایی در جنگ عراق علیه ایران کاربرد داشته باشد؟ و بالاخره این که هویت و شکل گیری کشور- ملت در ایران چگونه بوده است؟

### هویت، جنگ و شکل گیری دولت مدرن در ایران

از نظر الگوهای دولت باور در زمینه جنگ، روابط بین الملل، شکل گیری کشور و دگرگونی سیاسی تا حد زیادی از دگرگونی های اقتصادی مستقل است و عمدتاً پیامد رویدادهایی است که در درون کشورهای خاص رخ می دهد. بسیاری از تحلیل گران روابط بین الملل، دیدگاه دولت باور دارند و بر این فرض قائلند که هر یک از دولت ها در جهت منافع خودشان اقدام می کنند و تعاملات میان کشورها، در نهایت به کشمکش کنشگران منفعت جو تقلیل می یابد.<sup>(۳۳)</sup>

امروزه رایج ترین نظریه ها، عناوینی چون واقع گرایی سیاسی یا انتخاب عقلانی دارند. این نظریه ها، در عین حال که تأثیرات سامانه بین المللی، هژمونی دو قطبی یا چند قطبی را مدنظر دارند، تحلیل های خودشان را در مورد رفتار کشورها بر منافع و سمت گیری های تک تک آنها استوار می سازند.<sup>(۳۴)</sup>

در مقابل، تبلی معتقد است جنگ و کسب آمادگی برای جنگ، حکمرانان را وادار کرد ابزارهای جنگ را از دست کسانی که منافع اساسی انسان ها، جنگ افزارها،

### بر اثر جنگ،

### مثلاً سنی در عراق

(شمال، غرب و شرق بغداد؛

اطراف فرات، دجله، دیاله و تکریت)

به سهامداران عمده قدرت

در عراق تبدیل شدند



خودشان را از نو به تصویر می‌کشیدند، نقش تعبیین‌کننده‌ای داشت؛ در صورتی که در عراق این شناخت اجتماعی هنوز شکل نگرفته بود.<sup>(۳۲)</sup>

شناخت تاریخی ایرانی‌ها از هویت و تمدن ایرانی-شیعی و حوزه شناخت اجتماعی قوی در ایران باعث شد تمام اقوام ایرانی با گرایش‌های مذهبی و فکری متفاوت، به باور مشترکی به نام دفاع و مشارکت اجتماعی فعال برسند. این شناخت اجتماعی قوی، دلیل

مهم پیشبرد جنگ قلمداد می‌شد. از نگاه جامعه‌شناسی تاریخی چارلز تیلی، جنگ با تمام مولفه‌هایی که برای آن ذکر شد، باعث همگرایی در داخل ایران و تشدید شکل‌گیری دولت-ملت و تقویت دولت ملی در ایران شد. جنگ باعث خلق نهادهایی شد که همگی در راستای شکل‌گیری کشور در ایران جدید بود.

### نتیجه‌گیری

در دهه گذشته، شاهد بازیابی علاقه به رهیافت‌های تاریخی و جامعه‌شناسانه در زمینه درک روابط بین‌الملل بوده‌ایم. هم‌زمان با آن، جامعه‌شناسان تاریخی بار دیگر ایده کشور را مورد توجه قرار داده و کوشیده‌اند تا تحولات سامانه بین‌المللی را نیز در کارهای خود بگنجانند.

در این تحقیق، همگرایی نگرش‌ها بین آن دسته از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل که می‌کوشند برای درک روندهای اجتماعی، همگام با جامعه‌شناسان تاریخی با مطالعه جریان‌های بین‌المللی، دگرگونی کشورها را مورد تحلیل قرار دهند، بررسی شده است. به عبارتی در این نوشتار، جنگ تحمیلی به عنوان یک متغیر بین‌المللی و تأثیر آن بر شکل‌گیری کشور-ملت در ایران به عنوان امری اجتماعی-تاریخی مورد بررسی

قرار گرفته است. در این راستا تلاش شد با رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی به ویژه با رویکرد چارلز تیلی، رهیافت‌های واقع‌گرایی و نو واقع‌گرایی در مورد جنگ ایران و عراق را زیر سوال برده و گفتمان این نظریه‌ها را که عمدتاً با محوریت بازی‌های برد-برد یا برد-باخت با نوعی جامعه‌شناسی مادی گرایانه است، را کنار بگذارد. در واقع، تحلیل جنگ ایران و عراق صرفاً نمی‌تواند از منظر نظریه‌های واقع‌گرایی و موازنه قدرت صورت گیرد و رویکرد تک‌محوری این نظریه‌ها خصوصاً در مورد شکل‌گیری کشور-ملت، از فقر آنها حکایت دارد.

جامعه‌شناسی تاریخی روابط بین‌الملل، به جای توجه به چگونگی هزینه‌ها و جوانب دیگر جنگ، بیشتر به تأثیر جنگ بر ساخت کشور دلالت دارد. این رویکرد، کشوری را پیروز جنگ می‌داند که پس از پایان جنگ، همبستگی اجتماعی، انسجام داخلی، همگرایی سیاسی و از همه مهمتر شکل‌گیری کشور-ملت در آن کشور به سرعت تحقق پیدا کند.

طبق این رویکرد، ایران می‌تواند در برابر عراق اعلام پیروزی کند چراکه افول آن کشور بلافاصله پس از پایان جنگ رقم خورد. چارلز تیلی با نگاه مادی‌گرایانه، ارتباط سرمایه و جنگ را بر شکل‌گیری

10. Justin Rosenberg, "Why is There No International Historical Sociology". **European Journal of International Relations**, 2006, 12. 307. p. 307.
11. Rosenberg, **Op. Cit.**, p. 33.
12. Keith Hopkins, "Christian number and its implications", **Journal of Early Christian Studies**, 1998, 6: PP.185-226.
۱۳. هایدن، پیشین، صص ۱۷۱-۱۷۳.
14. Conflict without Victory, the Iran - the Iraq War, **Oxford Higher Education**, 2007, p. 97.
15. Fox Butterfield, "8 year Persian Gulf war, victims but no victors", **New york times online**, ed, 25, july, 1988.
16. **Ibid.**
۱۷. صالح عبدالجبار، عراق ما بعد الحرب، سیاق من اجل ۵۱ استقرار و اعاده البناء الشرعي، معهد السلام الامريكي، ۲۰۰۳، ص ۲۰۶.
18. Amir. Mirsepassi. The 9Blind Faith in Modern State. see to [http://www.nilgoon.org/pdfs/blind\\_faith\\_in\\_modern\\_state.pdf](http://www.nilgoon.org/pdfs/blind_faith_in_modern_state.pdf).
۱۹. هوشنگ امیراحمدی، جامعه شناسی سیاسی، جامعه مدنی و توسعه ملی، گردآوری و ترجمه: علیرضا طیب، تهران: نقش و نگار، ۱۳۸۰، ص ۷۷.
۲۰. هایدن، پیشین، صص ۲۷۱-۲۷۰.
21. Tilly, **The formation of Nations States in western Europe**, Princeton, Princeton university press, 1975, p. p. 101- 118.
۲۲. هایدن، پیشین، ص ۱۶۱.
۲۳. هایدن، پیشین، ص ۱۶۵.
24. Marth a finnemoreand Kathryn Sikkink, "International Norms Dynamics and pocitical Change", **International Organization**, Vol. 52, No. 4, (autunum 1998), pp. 887 - 917.
25. . Strath Bo, "A European jIdentity European: to the Historical limits of concept European", **Journal of Social Theory**, 2002. p. 388.
26. Bostrath, **Op. Cit.**, p. 388.
27. Paul jounes, "Sociology Of Architecture and the politics of Building: The Discursive construction of

کشور در اروپایی غربی بررسی کرده است. این نوشتار با وام گرفتن از نظریه ساخت کشور تیلی، به تأثیر این عناصر بر شکل گیری کشور در ایران پرداخت.

به دلیل رانتیر بودن دولت در ایران و ضعف بخش خصوصی در زمان جنگ، عمدتاً سرمایه اجتماعی معنایی عنصر شیعی و کاریزمای رهبر انقلاب (ره) به همراه جنگ، در تسریع و شکل گیری کشور- ملت در ایران تأثیر به سزایی داشت. به عبارت دیگر، جنگ باعث معنا یافتن هویت مشترک ایرانی- شیعی شد. جنگ با همه خسارات مادی و معنوی که داشت، در ایران به خلق بازنمایی هایی کمک کرد که همگی به شناخت اجتماعی منجر شد. در نهایت، این فرضیه که جنگ عراق علیه ایران به شکل گیری کشور- ملت و تقویت دولت مدرن در ایران تأثیر عمده ای داشت، به اثبات می رسد.

#### یادداشت ها

1. Randell, Collins, **Four Sociological Traditions**, New York, 1991. P. p. 38-44.
۲. استفن هایدن، روابط بین الملل و جامعه شناسی تاریخی، ترجمه: جمشید زنگنه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، (۱۳۷۹) ص ۵.
3. Skocpol, **vision and Method in sociology**, Cambridge, 1982. p.11.
۴. هایدن، پیشین، ص ۸.
5. Bull. Hedly, **The Anarchical Society: A Study of Order in World Politics**, New York, Columbia university press, 1977, p. 176.
6. Vilem Kolin, **The Role of War In International Politics, Brann Strategi**, 2003, p. 20.
7. Bull, **Op. Cit.**, p. 183.
8. Shalmani Guttal, **Reconstruction, A Glimpse into on Emerging paradigm, Focus on the Global South**, January, 2005, pp. 45- 50.
۹. مارتین غریفیتش و تیری و اوکالاها، المفاهیم الاساسیه فی العلاقات الدولیه، دبی، مرکز الابحاث، صص ۳۱۴-۳۱۱.

Ground zero", **Sociology**, 2006 , 4. P. 562.

28. Richard Rosecrance, **The Rise of the Trading State**, New York, 1986; Yale Ferguson and Richard Mausbach, **Politics: Authority, Identities and Change**, Columbia, SC, 1996; See also John H. Herz, "The Rise and Demise of the Territorial State," **"World Politics 9"**, July 1957, PP 473-93; and his reconsideration in "The Territorial State Revisited: Reflections on the Future of the Nation-State", **Polity 1**, Fall 1968, PP 12-34.
29. Tony Smith, "The Underdevelopment of Development Literature: The Case of Dependency Theory," **"World Politics 31"**, January 1979, PP 247-88; Aristide Zolberg, **"Origins of the Modern World System: A Missing Link"**, *ibid*, 33, January 1981, PP. 253-81.

۳۰. چارلز نیلی، شهرها و دولت‌ها در تاریخ جهان، در کتاب مفاهیم اساسی در روابط بین الملل، ترجمه: علیرضا طبیب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، صص ۱۵۱-۱۵۰.

31. Quctin skinner, **The Return of Goruau Theory in the Human sciences**, Newyork, Combridge University Press, 1985, P. 12.

۳۲. جرارد روگی، قلمرو فراسوی آن، مشکل انگاری و نوگرایی در روابط بین الملل، در کتاب "مفاهیم اساسی در روابط بین الملل"، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، صص ۳۵۸-۳۳۸.

از تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱ تا ۱۳۵۹/۹/۳۰

تاریخ تأیید: ۸۸/۹/۲۰

[illegible]

امروز با گذشت بیست و یک سال از پایان جنگ تحمیلی، هنوز برخی از ابعاد جنگ به صورت علمی مورد مطالعه قرار نگرفته است. از جمله این ابعاد، بعد اسنادی آن می باشد که بررسی خبرهای روزنامه های منتشر شده در آن دوره را شامل می شود. اگر چه این روزنامه ها به صورت دسته بندی شده در مراکز اسناد وجود دارند اما از بعد تحقیقی به آنها توجهی نشده است. این اسناد به دلیل عینی بودن اخبار منعکس شده در آنها و مکتوب بودن، می توانند بازگوکننده بخشی از

تاریخ جنگ باشند که تاکنون به آن توجهی نشده است. اگرچه روزنامه کیهان نیز مانند سایر روزنامه های آن زمان، براساس دستورالعمل های خاص خود به بررسی وقایع و اتفاقات جنگ می پرداخته اما بررسی اخبار و سرتیترهای این روزنامه می تواند به روشن شدن برخی از پیامدهای ایجاد جنگ در این دوران کمک کند. در این تحقیق سعی شده موضع گیری های روزنامه کیهان را به صورت مفصل در مقطع خاصی مورد مطالعه قرار گیرد و از طریق تحلیل محتوای آن تصویری تقریباً یکدست از چگونگی انعکاس خبر در این روزنامه ارائه گردد تا

\* کارشناس، ارشد روابط بین الملل



براساس آن بتوان به بازسازی نحوه ارائه خبر با توجه به روندهایی که بر جنگ حاکم بوده، دست یافت.

### روش گردآوری اطلاعات

در این روش، تأکید اصلی بر بررسی روزنامه کیهان در طول سه ماه نخست جنگ ایران و عراق می باشد و محقق با مرور روزنامه های این دوره و بررسی محتوای آنها در پی ارائه رویکردهای متفاوت روزنامه کیهان به جنگ در طی این دوره می باشد. از این رو

محقق از روش تحلیل محتوا استفاده کرده تا پس از گردآوری داده ها و رویدادهای متوالی به تحلیل بهتری از نحوه انعکاس خبر در این روزنامه در طی این مدت دست یابد.

### ادبیات تحقیق

در بررسی متون موجود به کتابی در مورد جنگ و نقش مطبوعات برخورد می کنیم که این کتاب به بررسی نقش مطبوعات و به طور اختصاصی، روزنامه اطلاعات در مورد جنگ و ایجاد امنیت ملی توسط این روزنامه در ماههای قبل از جنگ و در دوران جنگ می پردازد؛ اما در مورد تحلیل محتوای کلی روزنامه کیهان مطلبی با این عنوان وجود ندارد. برای بررسی بهتر تحلیل محتوای روزنامه از کتاب های روش شناسی در حوزه علوم سیاسی استفاده شد تا با مطالعه این گونه منابع بتوان به بررسی بهتر روزنامه و تحلیل محتوای دقیق تر دست یافت.<sup>۲</sup>

### سوالات تحقیق

تحلیل اخبار مندرج در روزنامه کیهان درباره جنگ ایران و عراق و آن هم در مدت زمان سه ماه ابتدای جنگ به طرح نظری و سوالات متعدد نیاز داشت. با مطالعه توصیفی و تحلیلی روزنامه، محقق به استخراج پرسش ها و دسته بندی آنها رسید که این پرسش ها عبارتند از:

- در هر ماه چه تعداد از اخبار روزنامه کیهان به اخبار جنگ اختصاص یافته و چه ابعاد خبری را در بر گرفته و محتوای این اخبار چه بوده است؟
- سبک مطالب ارائه شده در این روزنامه چگونه بوده و از چه محتوایی برخوردار بوده است؟
- اخبار منتشر شده از چه منبع خبری و خبرگزاری هایی تأمین شده اند؟
- احزاب و گروه های سیاسی و سازمان های بین المللی چه واکنشی نسبت به جنگ داشتند و چه تعدادی از اخبار آنها در روزنامه انعکاس یافته است؟
- تیترهای اول در این مدت در مورد چه موضوعی بوده و آیا اوضاع سیاسی داخلی در تیتر روزنامه تأثیری داشته یا نه؟

۱. محمد باقر حشمت زاده، ارتباطات و امنیت ملی در جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹.

۲. آنسلم استراس و جولیت کوربین، اصول روش تحقیق کیفی (نظریه مبنایی رویه ها و شیوه ها)، ترجمه: بیوک محمدی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵.

- دی. ای. دواس، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه: هوشنگ ناییب، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.

- علیرضا سنجابی، روش شناسی در علم سیاست و روابط بین الملل، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۴.





مذهبی مختلفی همچون اعیاد قربان و غدیر و غیره رانیز در بر گرفته است.

بیشترین تعداد روزهای انتشار روزنامه در آذر ماه ۱۳۵۹ با ۲۶ روز و کمترین میزان روزهای انتشار مربوط به آبان ماه با ۲۲ روز انتشار است.

تعداد عناوین خبری که مورد مطالعه قرار گرفته ۱۳۸۶ خبر می باشد که بیشترین عنوان خبر در مورد جنگ در مهرماه با ۶۵۸ عنوان خبر و کمترین میزان عنوان خبری در آذرماه با ۲۹۱ عنوان خبر می باشد.

### واحد تحلیل تحقیق

انتخاب واحد تحلیل، یکی از بخش های مهم در تحلیل محتواست که با توجه به پرسش های مطرح شده در نظر گرفته شده برای این تحقیق، عنوان های خبری برای واحد تحلیل انتخاب شده است. به طور خلاصه، عنوان های خبری رویکرد و جهت گیری های خبر را نشان می دهند که این امر ابزار خوبی برای محقق

#### این تحقیق

به بررسی کمی و آماری

اخبار منتشر شده در

روزنامه کیهان در مورد

جنگ عراق با ایران در

مدت ۷۲ روز ابتدایی

جنگ پرداخته است

است اما در مواقعی که عنوان، آشکار و واضح نبود برای کدگذاری و انتخاب به اصل خبر رجوع گردید و با توجه به متن، عنوان خبر کدگذاری شد. لازم به یادآوری است که برای کدگذاری صرفاً به صفحه اول بسنده نشد و کل صفحات روزنامه در یک روز انتشار مورد بررسی قرار گرفت.

### یافته های تحقیق

پس از مطالعه تمام عناوین خبری در مدت معین (۱۳۵۹/۷/۱ تا ۱۳۵۹/۹/۳۰)، اطلاعات به دست آمده با توجه به پرسش های ابتدایی به شرح زیر می باشد:

### ابعاد مقوله و زیر مقوله های تحقیق

مقوله های اصلی مورد توجه در تحلیل اخبار، مقوله های موضوعی، سبک مطلب، منبع خبر، واکنش احزاب و گروه های سیاسی و سازمان های بین المللی و تیتراژ اول روزنامه نسبت به موضوع جنگ می باشد. مقوله موضوعی شامل ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی و بُعد نظامی خود نیز دارای زیرمجموعه بررسی پیروزی های نیروهای ایرانی در جنگ می باشد.

مقوله سبک خبر یا نوع خبر، از پنج جنبه مورد توجه قرار گرفته که این ابعاد شامل گزارش، تحلیل، مصاحبه، یادداشت روز و اطلاعیه می باشد. البته نوع خبر به صراحت در اخبار ذکر نگردیده بلکه با مطالعه و بررسی خبر می توان نوع خبر را حدس زد، اما در یادداشت و اطلاعیه، نوع خبر صراحتاً بیان شده و این امر کار محقق را تا حدی آسان نموده است.

در مقوله منبع خبر، منبع خبر به دو دسته خبرگزاری داخلی و خارجی تقسیم شده است. در منبع خبرگزاری ها نیز خبرگزاری های متعدد داخلی و خارجی که خبر از آنها نقل شده، دسته بندی شده است. در مقوله عکس العمل، واکنش احزاب و گروه های سیاسی داخلی و خارجی و سازمان های بین المللی نسبت به مسئله جنگ مورد بررسی قرار گرفته است. در مقوله تیتراژ اول، تیتراژ اول روزنامه در این دوره بررسی شده است.

### جامعه آماری و نحوه نمونه گیری

تعیین جامعه آماری از مباحث مهم در مقوله تحلیل محتواست. در این تحقیق به دلیل اهمیت دوره زمانی و چگونگی انعکاس خبر، مدت زمانی سه ماهه که از اول مهرماه آغاز می شود و تا سی ام آذر ماه ۱۳۵۹ ادامه می یابد. به خاطر دسترسی به آرشیو روزنامه کیهان و دسته بندی روزنامه، تمام جامعه آماری بدون انجام نمونه گیری مورد بررسی قرار گرفته است.

تعداد جامعه آماری و زمان مورد مطالعه این جامعه آماری، ۷۲ روز کاری است که البته این ایام، روزهای تعطیل فراوانی از جمله ۱۲ روز جمعه و تعطیلی های

## ۱) ابعاد خبر

در طول این سه ماه روزنامه کیهان جمعاً ۱۳۸۶ خبر را منتشر کرده که بیشترین تعداد خبر یا فراوانی اخبار را مهرماه با ۶۵۸ خبر داراست. این تعداد، معادل ۴۷/۵ درصد از کل اخبار منتشره در این مدت است. کمترین فراوانی خبر را آذرماه با ۲۹۱ خبر، که معادل ۲۱ درصد از اخبار است، دارا می باشد و آبان ماه با میانگین ۳۵/۵ درصد از اخبار که معادل انتشار ۴۳۷ خبر است متعادل ترین ماه در انتشار خبر بین این سه ماه می باشد. تعداد روزهایی که در مهرماه روزنامه انتشار یافته ۲۴ روز است که با احتساب تعداد اخبار منتشره در مورد جنگ در این ماه که شامل ۶۵۸ خبر می باشد می توان گفت به طور میانگین در هر روز از مهرماه، ۲۷/۵ خبر از این روزنامه مختص به جنگ بوده است.

در آبان ماه تعداد روزهایی که روزنامه انتشار یافته ۲۲ روز می باشد که با در نظر گرفتن تعداد اخبار انتشار یافته در این ماه که شامل ۴۳۷ خبر است

می توان گفت به طور متوسط، این روزنامه در هر روز ۱۹/۸۶ خبر را در مورد جنگ انتشار داده است.

در آذرماه، تعداد روزهایی که روزنامه انتشار یافته ۲۶ روز می باشد. با در نظر گرفتن تعداد اخبار منتشره در مورد جنگ که شامل ۲۹۱ خبر است می توان گفت به طور متوسط، روزانه ۱۱/۱۹ خبر در مورد جنگ در این ماه منتشر شده است.

با توجه به اعداد و ارقام

بدست آمده می توان گفت در مهرماه ۱۳۵۹ به علت آنکه روزهای آغازین جنگ بود و جنگ دارای اهمیت بیشتری برای مردم و مسئولان و همچنین مسئولان روزنامه کیهان داشت دارای بیشترین تعداد اخبار بوده، اما در آبان ماه هر چه از تاریخ آغاز جنگ می گذرد و به ۱۳ آبان و همچنین ۱۵ آبان که مصادف با دستگیری صادق قطب زاده بوده می رسیم از تعداد اخبار منتشره در مورد جنگ کاسته می شود؛ به طوری که در آذرماه که بیشترین تعداد روزهای انتشار را در بر می گیرد کمترین حجم خبر در مورد جنگ منتشر شده است. از تاریخ ۲۰ آذرماه به بعد، این روزنامه در بعضی از روزها تنها ۶ خبر در مورد جنگ انتشار داده، اما در ۱۶ مهرماه این روزنامه ۴۳ خبر در مورد جنگ منتشر کرده که بیشترین میزان اخبار را شامل می شود. با توجه به تعداد اخبار منتشره می توان گفت، فاصله گرفتن از زمان شروع جنگ، باعث کم شدن حجم اخبار در مورد جنگ شده و در این زمینه لازم است ماه های بعدی انتشار نیز مورد بررسی قرار گیرد. همچنین شرایط و اوضاع سیاسی داخلی تأثیر بسیار زیادی در انتشار اخبار داشته و انعکاس اخبار در این روزنامه بیشتر تحت تأثیر اوضاع سیاسی کشور قرار داشته است.

در ۲۹ آبان ماه، آقای خاتمی به سرپرستی موسسه کیهان منصوب شد و در آذرماه شاهد کاهش تعداد اخبار مربوط به جنگ هستیم. حال این پرسش مطرح می شود که آیا با انتصاب آقای خاتمی به سرپرستی این موسسه، خط مشی های روزنامه تغییر یافته یا نه؟ که این امر را هم می توان با مطالعه ماه های بعدی انتشار، پاسخ داد.

جدول ۱) تعداد خبرهای منتشره در ماه و میانگین اخبار منتشره در یک روز

| تعداد خبر                              | ماه | مهر  | آبان  | آذر   |
|----------------------------------------|-----|------|-------|-------|
| تعداد خبر در یک ماه                    |     | ۶۵۸  | ۴۳۷   | ۲۹۱   |
| میانگین خبر منتشره در یک ماه           |     | ۴۷/۵ | ۳۵/۵  | ۲۱    |
| میانگین خبر منتشره در یک روز از هر ماه |     | ۲۷/۵ | ۱۹/۸۶ | ۱۱/۱۹ |

- آذرماه ۱۳۵۹: تعداد اخبار سیاسی در این ماه ۸۸ خبر بوده که ۳۰/۲۴ درصد از کل اخبار منتشره در این ماه را در بر می گیرد.

در مجموع در طول این مدت، ۴۷۱ خبر با محتوای سیاسی در مورد جنگ منتشر شده که ۳۳/۹۸ درصد کل اخبار منتشر شده در طول این سه ماه را در بر می گیرد.



### اخبار فرهنگی و اجتماعی

محتوای خبر: این اخبار شامل

رویکرهای مختلف اجتماعی

و فرهنگی مرتبط با جنگ است. بُعد اجتماعی، آسیب های اجتماعی وارد شده به مردم در شهرهای در معرض بمباران های هوایی، وضعیت جنگ زده ها و مشکلات مختلف جمعیت جنگ زده و نحوه اعزام و اعلام آمادگی قشرها و گروه های مختلف جهت رفتن به جبهه ها را شامل می شود. این بُعد همچنین بررسی نحوه تبلیغات و اقدامات فرهنگی و آموزش های مذهبی که در جهت بالا بردن روحیه مردم انجام شده و مراسم های مختلف تشییع و تدفین پیکر شهدا و پیام های تسلیت به مناسبت شهادت افراد و مراسم گرامیداشت شهدا و تقدیر از جانبازان را شامل دربر می گیرد.

### فراوانی و درصد اخبار اجتماعی

- مهرماه ۱۳۵۹: در این ماه ۲۳۸ خبر اجتماعی منتشر شده که این تعداد معادل ۳۶/۱۷ درصد از کل اخبار این ماه را تشکیل می دهد.

- آبان ماه ۱۳۵۹: تعداد این قبیل اخبار در آبان ماه ۱۴۶ خبر است که ۳۳/۴۰ درصد از کل اخبار این ماه را شامل می شود.

- آذرماه ۱۳۵۹: تعداد اخبار اجتماعی در این ماه ۸۶ خبر بوده که معادل ۲۹/۵ درصد از کل اخبار این ماه می باشد.

### ابعاد اخبار

اخبار انتشار یافته در این تحقیق به ابعاد گوناگونی تقسیم شده اند که براساس مقوله مورد بررسی توسط خبر، می توان این ابعاد را از یکدیگر باز شناخت. بر این اساس، اخبار به ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم شده اند.

### محتوا و تعداد فراوانی خبر هر بعد

#### اخبار سیاسی

محتوای خبر: اخباری که در این زمینه مورد مطالعه قرار می گیرند شامل اظهار نظرهای مقامات ایران و سران سایر کشورها نسبت به جنگ ایران و عراق می باشد. همچنین اخبار مربوط به سازمان های بین المللی و گروه های سیاسی و احزاب و یادداشت های روز نیز در این بعد قرار می گیرد.

#### فراوانی و درصد اخبار سیاسی

- مهرماه ۱۳۵۹: تعداد اخبار سیاسی در مهرماه، ۲۲۶ خبر است که ۳۴/۵ درصد از کل اخبار منتشر شده در این ماه را شامل می شود.

- آبان ماه ۱۳۵۹: اخبار سیاسی در این ماه ۱۵۷ خبر بوده که معادل ۳۵/۹۲ درصد از کل اخبار ماه می باشد.

## اخبار اقتصادی

**محتوای خبر:** این رویکرد خبری اغلب به عواقب اقتصادی جنگ مربوط می شود و آسیب های وارده در اثر جنگ به زیر ساخت ها، شهرها و اقتصاد ایران و همچنین اخباری که به اقتصاد عراق مربوط می شود، می پردازد. همچنین در این رویکرد به انعکاس اخبار مربوط به جمع آوری کمک های نقدی و غیرنقدی مردم در پشت جبهه ها برای رزمندگان و جنگ زده ها و آوارگان جنگی نیز پرداخته می شود.



هوایی نقاط مختلف کشور و عملیات های انجام شده در خطوط مختلف مرزی در قالب این رویکرد جای دارد.

## فراوانی و درصد وجود خبر

- مهرماه ۱۳۵۹: تعداد اخبار اقتصادی در طول این ماه ۳۱ خبر بوده که ۴/۷۱ درصد کل اخبار منتشر شده در این ماه را شامل می شود.  
- آبان ماه ۱۳۵۹: این تعداد خبر در آبان ماه به ۲۷ خبر می رسد که این تعداد خبر معادل ۶/۱۷ درصد از کل اخبار این ماه را در بر می گیرد.  
- آذرماه ۱۳۵۹: تعداد اخبار اقتصادی در آذر ماه ۱۱ خبر بوده که ۳/۷۸ درصد کل اخبار منتشره در این ماه است.

## فراوانی و درصد وجود خبر

- مهرماه ۱۳۵۹: در این ماه ۱۶۳ خبر نظامی منتشر شده که این تعداد معادل ۲۴/۷۷ درصد از کل اخبار مهرماه است.  
- آبان ماه ۱۳۵۹: در این ماه ۱۰۷ خبر نظامی منتشر شده که این تعداد خبر، معادل ۲۴/۴۸ درصد از کل اخبار این ماه است.  
- آذرماه ۱۳۵۹: در این ماه ۱۰۶ خبر نظامی منتشر شده که به طور متوسط ۳۶/۴۲ درصد از کل اخبار آذرماه می باشد.

جدول ۲) فراوانی ابعاد مختلف خبری در هر ماه

| تعداد خبر                            | ماه   | مهر   | آبان  | آذر |
|--------------------------------------|-------|-------|-------|-----|
| میانگین تعداد اخبار سیاسی            | ۳۴/۵  | ۳۵/۹۲ | ۳۰/۲۴ |     |
| میانگین تعداد اخبار اجتماعی و فرهنگی | ۳۶/۱۷ | ۳۳/۴۰ | ۲۹/۵  |     |
| میانگین تعداد اخبار اقتصادی          | ۴/۷۱  | ۶/۱۷  | ۳/۷۸  |     |
| میانگین تعداد اخبار نظامی            | ۲۴/۷۷ | ۲۴/۴۸ | ۳۶/۴۲ |     |

## اخبار نظامی

**محتوای خبر:** این مقوله خبری به بررسی ابعاد مختلف نظامی جنگ ایران و عراق می پردازد. حملات مختلف دو کشور به یکدیگر و نبردهای مختلف این دو کشور، اطلاعاتی های مختلف ستاد مشترک در مورد اخبار جبهه های جنگ، حملات هوایی و بمباران های

## اخبار پیروزی نیروهای ایرانی

**محتوای خبر:** این بُعد از خبر در زیرمجموعه خبرهای نظامی قرار می گیرد و پیروزی های نیروهای ایران را در جبهه های مختلف و خطوط گوناگون نبرد مشخص می سازد که بیشتر به صورت تیتراول با خط درشت و در صفحه اول روزنامه و یا در ستون اول روزنامه منتشر شده است. اطلاعاتیه های ستاد مشترک نیز که عمدتاً پیروزی های نیروهای ایرانی را منعکس می کند در این رویکرد جای دارد.

## فراوانی و درصد وجود اخبار

- مهرماه ۱۳۵۹: تعداد این قبیل اخبار در این ماه برابر با ۸۷ خبر از کل اخبار نظامی منتشر شده در این ماه است که معادل ۵۳/۳۷ درصد کل اخبار نظامی است.  
- آبان ماه ۱۳۵۹: تعداد این اخبار در این ماه برابر با ۷۳ خبر از کل خبرهای نظامی است که در این ماه منتشر شده و معادل ۶۸/۲۲ درصد کل اخبار نظامی می باشد.  
- آذرماه ۱۳۵۹: تعداد این اخبار در این ماه برابر با ۷۱ خبر از کل خبرهای نظامی بوده که معادل ۶۶/۹۸ درصد کل اخبار نظامی است.

جدول ۳) تعداد و فراوانی اخبار پیروزی ایران در هر ماه

| تعداد خبر                | ماه   |       |       |
|--------------------------|-------|-------|-------|
|                          | مهر   | آبان  | آذر   |
| تعداد اخبار پیروزی ایران | ۸۷    | ۷۳    | ۷۱    |
| میانگین اخبار پیروزی     | ۵۳/۳۷ | ۶۸/۲۲ | ۶۶/۹۸ |

جدول ۴) فراوانی اخبار هر رویکرد خبری در طی ۷۲ روز مورد مطالعه

| تعداد خبر                | رویکرد |                |       |         |
|--------------------------|--------|----------------|-------|---------|
|                          | سیاسی  | اجتماعی/فرهنگی | نظامی | اقتصادی |
| تعداد خبر در هر رویکرد   | ۴۷۱    | ۴۷۰            | ۳۷۶   | ۶۹      |
| میانگین خبر در هر رویکرد | ۳۴     | ۳۳/۹۱          | ۲۷/۱۲ | ۴/۹۷    |

به طور کلی در این بخش می توان گفت:

- تعداد اخبار سیاسی در کل مدت این دوره زمانی (۱۳۵۹/۷/۱ تا ۱۳۵۹/۹/۳۰) که شامل ۷۲ روز انتشار روزنامه است ۴۷۱ خبر است که معادل ۳۴ درصد از کل اخبار منتشر شده در این دوره را در بر گرفته است.  
- تعداد اخبار فرهنگی و اجتماعی در این ۷۲ روز ۴۷۰ خبر است که ۳۳/۹۱ درصد از کل اخبار انتشار یافته در این مدت را در بر گرفته است.  
- تعداد کل اخبار نظامی منتشره در طی این مدت ۳۷۶ خبر است که ۲۷/۱۲ درصد از کل اخبار را در بر گرفته است.

- تعداد کل اخبار اقتصادی منتشر شده در طی این ۷۲ روز، ۶۹ خبر است که معادل ۴/۹۷ درصد کل اخبار منتشره در این مدت است.

اخبار سیاسی بیشترین تعداد خبرها را در طی این مدت به خود اختصاص داده که با توجه به اینکه اخبار سیاسی، زیر مجموعه های متعدد و متنوعی را شامل می شود دارای بیشترین تعداد خبر است و در مرتبه بعد از آن هم اخبار اجتماعی و فرهنگی قرار دارد که این بعد از خبر نیز از تنوع و فراوانی زیادی برخوردار است و در مراتب بعدی، اخبار نظامی و اقتصادی قرار دارند.

## ۲) سبک خبر

سبک مطلب ارائه شده در این روزنامه در طی دوره زمانی (۱۳۵۹/۷/۱ تا ۱۳۵۹/۹/۳۰) شامل یادداشت روز، تحلیل، گزارش، مصاحبه و اطلاعیه می باشد.

## یادداشت روز

**محتوای خبر:** این قسمت از روزنامه به قلم سردبیر و یا فرد شناخته شده در مسائل روز در مجلات و روزنامه ها معمولاً در صفحه اول منتشر می شود

شرح کامل می دهند که بخش گزارش خبرگزاری های داخلی و خارجی خبر را تأمین کرده اند و هر یک به نوعی به انعکاس خبر جنگ در طی این مدت پرداخته اند.

که در این روزنامه نیز به همین شیوه و به قلم سردبیر و گاهی ابراهیم یزدی انتشار یافته که معمولاً در آن به مسئله جنگ و بررسی موضوعات و مسائل داخلی ایران پرداخته شده است.

#### فراوانی و درصد وجود گزارش

- مهرماه ۱۳۵۹: روزنامه کیهان در این ماه، ۴۵۹ گزارش در مورد جنگ ایران و عراق انتشار داده که این تعداد

جدول ۵) بررسی تعداد یادداشت روز و عناوین آن در مهر ۱۳۵۹

| عنوان یادداشت روز                            | تاریخ   | رویکرد |
|----------------------------------------------|---------|--------|
| حمله نظامی صدام حسین (۱) به قلم ابراهیم یزدی | ۱ ۷ ۵۹  | ۱      |
| حمله نظامی صدام حسین (۲) به قلم ابراهیم یزدی | ۲ ۷ ۵۹  | ۱      |
| حمله نظامی صدام حسین (۳) به قلم ابراهیم یزدی | ۳ ۷ ۵۹  | ۱      |
| حمله نظامی صدام حسین (۴) به قلم ابراهیم یزدی | ۵ ۷ ۵۹  | ۱      |
| جنگ سرنوشت ساز                               | ۷ ۷ ۵۹  | ۱      |
| علل پیروزی                                   | ۱۰ ۷ ۵۹ | ۱      |
| جنگ چیز خوبی است                             | ۱۲ ۷ ۵۹ | ۱      |
| نیاز واقعی مردم و صدای استعمارگران           | ۱۵ ۷ ۵۹ | ۲      |
| دوستان واقعی کیستند؟                         | ۱۷ ۷ ۵۹ | ۲      |
| باز پسین دم صدام                             | ۲۱ ۷ ۵۹ | ۱      |
| سه جبهه جنگ                                  | ۲۲ ۷ ۵۹ | ۱      |
| تفرقه افکنی استعمارگران                      | ۲۴ ۷ ۵۹ | ۲      |
| توپه گرگ مرگ است                             | ۳۰ ۷ ۵۹ | ۲      |

#### فراوانی و درصد وجود یادداشت روز

- مهرماه ۱۳۵۹: در طول این مدت از مجموع ۶۵۸ خبر منتشر شده، ۱۳ یادداشت روز انتشار یافته که این تعداد معادل ۷/۹ درصد از کل اخبار این ماه است. از این ۱۳ یادداشت، ۴ یادداشت در مورد مسایل سیاسی داخلی ایران است که این تعداد معادل ۶۹/۲۳ درصد از یادداشت ها است.

- آبان ماه ۱۳۵۹: در طول این ماه ۹ یادداشت انتشار یافته که از این یادداشت ها ۵ مورد در مورد جنگ است که این تعداد معادل ۲/۰۵ درصد از کل اخبار این ماه است.

- آذرماه ۱۳۵۹: در طول این ماه ۱۳ یادداشت روز وجود دارد که همگی آن در مورد وقایع سیاسی داخلی است و به مسئله جنگ توجهی نشده است.

در کل این سه ماه، ۳۵ عنوان خبر با عنوان یادداشت روز منتشر شده که این تعداد معادل ۲/۵۲ درصد از کل اخبار است.

#### گزارش

محتوای خبر: این بخش از اخبار توسط خبرنگاران تهیه شده و در مورد رخدادهایی

## فراوانی و درصد وجود تحلیل

- مهرماه ۱۳۵۹: در این ماه روزنامه کیهان ۴۱ تحلیل در مورد جنگ منتشر کرده که این تعداد معادل ۶/۲۳ درصد از کل اخبار منتشر شده در مهرماه است.

- آبان ماه ۱۳۵۹: در این ماه روزنامه کیهان ۳۱ تحلیل در روزنامه منتشر شده که این تعداد معادل ۷/۰۹ درصد از کل اخبار است.

- آذرماه ۱۳۵۹: روزنامه کیهان در این ماه ۱۷ تحلیل را منتشر کرده که این تعداد معادل ۵/۸۴ درصد از کل اخبار این ماه می باشد.

از کل ۱۳۸۶ خبر منتشره در این مدت، ۸۹ تحلیل منتشر شده که این تعداد معادل ۶/۴۲ درصد از کل اخبار را شامل می شود.

## مصاحبه

**محتوای خبر:** مصاحبه شامل پرسش و پاسخ بین خبرنگار و فرد مصاحبه شونده است. در این روزنامه معمولاً مصاحبه با سران کشوری و لشکری جمهوری اسلامی ایران و یا رزمندگان و جانبازان جنگ و یا عامه مردم به انحاء مختلف صورت گرفته است.

## فراوانی و درصد وجود

## مصاحبه

- مهرماه ۱۳۵۹: در این ماه روزنامه کیهان ۴۸ مصاحبه را در مورد جنگ منتشر کرده که این تعداد معادل ۷/۲۹ درصد کل اخبار را شامل می شود.

- آبان ماه ۱۳۵۹: روزنامه کیهان در این ماه ۱۸ مصاحبه انتشار داده که معادل ۴/۱۱ درصد از کل اخبار این ماه است.

- آذرماه ۱۳۵۹: روزنامه کیهان در این ماه ۲۱ مصاحبه را انتشار

معادل ۶۹/۷۵ درصد از کل اخبار این ماه است.

- آبان ماه ۱۳۵۹: روزنامه در این ماه ۲۶۰ گزارش را منتشر کرده که ۵۹/۴۹ درصد از کل اخبار انتشار یافته در این ماه را دربر می گیرد.

- آذرماه ۱۳۵۹: روزنامه کیهان در این ماه، ۱۵۴ گزارش را منتشر کرده که معادل ۵۲/۹۲ درصد از کل اخبار انتشار یافته در این ماه است.

تعداد کل گزارش های انتشار یافته در این سه ماه، ۸۷۳ گزارش است که این تعداد گزارش، معادل ۶۲/۹۸ درصد از کل اخبار منتشره در این مدت است.

## تحلیل

**محتوای خبر:** این بخش از اخبار، موضوعات مختلف خبری اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی خبر را در بر می گیرد و ابعاد مختلف خبر را مورد بحث و بررسی قرار می دهد و البته در بسیاری از تحلیل ها نظرات و آرا و افکار تحلیل گر نیز دخالت دارد.

جدول ۶) بررسی تعداد یادداشت روز و عناوین آن در آبان ۱۳۵۹

| عنوان یادداشت روز                           | تاریخ   | رویکرد |
|---------------------------------------------|---------|--------|
| سقوط صدام نزدیک است                         | ۱ ۸ ۵۹  | ۱      |
| دلایل بی اساس عراق در حمله نظامی به ایران ۱ | ۳ ۸ ۵۹  | ۱      |
| دلایل بی اساس عراق در حمله نظامی به ایران ۲ | ۴ ۸ ۵۹  | ۱      |
| بمباران مناطق مسکونی چرا؟                   | ۷ ۸ ۵۹  | ۱      |
| بمباران مناطق مسکونی و سکوت جهان            | ۱ ۸ ۵۹  | ۱      |
| برادر صادق                                  | ۱۸ ۸ ۵۹ | ۲      |
| پاسداری از قانون اساسی (۱)                  | ۲۰ ۸ ۵۹ | ۲      |
| پاسداری از قانون اساسی (۲)                  | ۲۱ ۸ ۵۹ | ۲      |
| پاسداری از قانون اساسی (۳)                  | ۲۲ ۸ ۵۹ | ۲      |



داده که معادل ۷/۲۱ درصد از کل اخبار این ماه است. تعداد کل مصاحبه های این مدت ۸۷ مصاحبه است که معادل ۶/۲۷ درصد کل اخبار این مدت است.

### اطلاعیه

محتوای خبر: این بخش از خبر توسط ارگان ها، نهادهای وزارتخانه ها برای اطلاع و آگاهی مردم در روزنامه منتشر شده است. در این بخش، محقق اعلامیه ها و پیام هایی که توسط اشخاص یا نهادهای

گروه های سیاسی صادر شده را جمع آوری کرده تا از پراکندگی مطلب جلوگیری به عمل آید. این اطلاعیه ها شامل اطلاعیه وزارتخانه هایی همچون وزارت بهداشتی (سابق)، جهاد و اطلاعیه ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران و... است.

### فراوانی و درصد وجود اطلاعیه

- مهرماه ۱۳۵۹: ۹۷ اطلاعیه در این ماه در روزنامه منتشر شده که این تعداد معادل ۱۴/۷۴ درصد از کل اخبار این ماه است.  
- آبان ماه ۱۳۵۹: روزنامه کیهان ۷۵ اطلاعیه را در این ماه انتشار داده که این تعداد معادل ۱۷/۱۶ درصد کل اخبار منتشر یافته در این ماه است.  
- آذرماه ۱۳۵۹: در این ماه روزنامه کیهان ۵۸ اطلاعیه، معادل ۱۹/۹۳ خبر را انتشار داده است.  
تعداد کل اطلاعیه های منتشر شده در این ۷۲ روز مورد بررسی، ۲۳۰ اطلاعیه است که این تعداد معادل ۱۶/۵۹ درصد کل اخبار است.

### ۳) منبع خبر

فراوانی و درصد وجود خبرگزاری های داخلی و خارجی:

تمام اخبار منتشر شده در این روزنامه از دو منبع خبری تأمین گردیده است:

(۱) خبرگزاری داخلی،

(۲) خبرگزاری خارجی.

- مهرماه ۱۳۵۹: روزنامه کیهان در این ماه ۶۵۸ خبر در مورد جنگ منتشر کرده که ۵۱۶ خبر از خبرگزاری

جدول ۷) فراوانی اخبار هر سبک خبر در طی ۷۲ روز مورد مطالعه

| فراوانی | ماه   |       |       |
|---------|-------|-------|-------|
|         | مهر   | آبان  | آذر   |
| گزارش   | ۶۹/۷۵ | ۵۹/۴۹ | ۵۲/۹۲ |
| یادداشت | ۱/۹۷  | ۲/۰۵  | ۰     |
| تحلیل   | ۶/۲۳  | ۷/۰۹  | ۵/۸۴  |
| مصاحبه  | ۷/۲۹  | ۴/۱۱  | ۷/۲۱  |
| اطلاعیه | ۱۴/۷۶ | ۱۷/۱۶ | ۱۹/۹۳ |



- مهرماه ۱۳۵۹: روزنامه کیهان در این ماه ۵۱۶ خبر داخلی منتشر کرده که خبرگزاری پارس ۱۳۷ خبر معادل ۲۶/۵۵ درصد از خبرها را ارائه کرده است. خبرگزاری کیهان نیز ۲۸۲ خبر معادل ۵۴/۶۵ درصد خبر دارد و اطلاعیه ها با ۹۷ خبر معادل ۱۷/۸۰ درصد از اخبار را تأمین کرده اند.

- آبان ماه ۱۳۵۹: در این ماه، ۳۹۳ خبر داخلی در مورد جنگ انتشار یافته که سهم خبرگزاری پارس از این اخبار ۹۲ خبر معادل ۲۳/۴۰ درصد از اخبار است. خبرگزاری کیهان با داشتن ۲۲۶ خبر، ۵۷/۵۲ درصد از اخبار داخلی را تأمین کرده است. این روزنامه در این ماه ۱۷۵ اطلاعیه نیز منتشر کرده که معادل ۱۹/۰۸ درصد کل اخبار است.

- آذرماه ۱۳۵۹: روزنامه کیهان در این ماه، ۲۶۳ خبر داخلی منتشر کرده که سهم خبرگزاری پارس ۴۱ خبر معادل ۱۵/۶۰ درصد، خبرگزاری کیهان ۱۶۴ خبر، معادل ۶۲/۳۵ درصد و اطلاعیه ها با ۵۸ خبر معادل ۲۲/۰۵ درصد می باشد.

کل اخبار منتشر شده در طی ۷۲ روز انتشار، ۱۱۷۲ خبر با منبع داخلی است که این تعداد معادل ۸۴/۵۵ درصد کل اخبار است.

#### فراوانی و درصد وجود خبرگزاری های خارجی

خبرگزاری های مختلفی خبرهای خارجی را تأمین می کرده اند که شامل خبرگزاری رویتر، آسوشیتدپرس، یونایتدپرس، خبرگزاری فرانسه، رادیو لندن، روزنامه گاردین، صدای آمریکا، رادیو مسکو، روزنامه نیویورک تایمز و ... می باشد. بر این اساس، فراوانی این خبرگزاری ها به صورت زیر است:

- مهرماه ۱۳۵۹: روزنامه کیهان ۱۴۲ خبر خارجی را منتشر کرده که خبرگزاری فرانسه با ۲۹۱ خبر معادل ۲۰/۴۲ درصد اخبار، آسوشیتدپرس با ۲۶

داخلی تأمین شده است که این تعداد معادل ۷۸/۴۲ درصد از اخبار می باشد و ۱۴۲ خبر منبع خارجی دارد که معادل ۲۷/۵۸ درصد از کل خبرهای این ماه را شامل می شود.

- آبان ماه ۱۳۵۹: ۴۳۷ خبر در مورد جنگ در این ماه منتشر شده که منبع این اخبار به این شرح است: ۳۹۳ خبر معادل ۸۹/۹۳ درصد از اخبار دارای منبع داخلی هستند و ۴۴ خبر معادل ۱۰/۰۷ درصد از اخبار، دارای منبع خارجی هستند.

- آذرماه ۱۳۵۹: روزنامه کیهان در این ماه، ۲۹۱ خبر در مورد جنگ منتشر کرده که ۲۶۳ خبر معادل ۹۰/۳۷ درصد این اخبار دارای منبع داخلی و ۲۸ خبر معادل ۹/۶۳ درصد اخبار، دارای منبع خارجی است.

#### فراوانی و درصد وجود خبرگزاری های متفاوت داخلی

خبرگزاری هایی که خبرهای داخلی را تأمین می کردند ۳ خبرگزاری هستند که این خبرگزاری ها شامل خبرگزاری پارس، خبرگزاری کیهان و اطلاعیه می باشد که براساس این ۳ خبرگزاری، کدگذاری صورت گرفته است.

جدول ۸) فراوانی اخبار در هر منبع خبری در طی ۷۲ روز مورد مطالعه

| منبع خبر       | ماه   | مهر   | آبان  | آذر |
|----------------|-------|-------|-------|-----|
| خبرگزاری داخلی | ۷۸/۴۲ | ۸۹/۹۳ | ۹۰/۳۷ |     |
| خبرگزاری خارجی | ۲۱/۵۸ | ۱۰/۰۷ | ۹/۶۳  |     |

جدول ۹) فراوانی منبع خبری داخلی در طی ۷۲ روز مورد مطالعه

| خبرگزاری | ماه   | مهر   | آبان  | آذر |
|----------|-------|-------|-------|-----|
| کیهان    | ۵۴/۶۵ | ۵۷/۵۲ | ۶۲/۳۵ |     |
| پارس     | ۲۶/۵۵ | ۲۳/۴۰ | ۱۵/۶۰ |     |
| اطلاعیه  | ۱۸/۸۰ | ۱۹/۰۸ | ۲۲/۰۵ |     |

#### ۴) واکنش احزاب و سازمان های بین المللی محتوای خبر واکنش احزاب و گروه های سیاسی نسبت به جنگ

اخباری که در این مورد ارائه شده در ستون احزاب و گروه های سیاسی روزنامه درج شده است که اعلامیه های صادره از سوی گروه های سیاسی داخلی و خارجی را در بر می گیرد که اعلام آمادگی آنها برای اعزام به جبهه ها و کمک هایی که برای جبهه ها دارند و یا اعلامیه این گروه ها برای محکوم کردن رژیم بعث عراق در حمله به ایران را شامل می شود. تعدادی از این گروه ها برای مثال عبارتند از: نهضت آزادی، انجمن اسلامی دانشجویان، جامعه روحانیت مبارز، انجمن اسلامی کارکنان دولت، اتحادیه میهنی کردستان عراق، گروه های مبارز عراق، انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا، اعلام آمادگی قشرهای مختلف و غیره.

**فراوانی و درصد وجود اخبار احزاب و گروه های سیاسی**  
- مهرماه ۱۳۵۹: در این ماه، ۵۲ خبر در مورد واکنش احزاب و گروه های سیاسی مختلف وجود دارد که این تعداد معادل ۲۳ درصد از کل اخبار سیاسی این ماه و ۷/۹۰ درصد کل اخبار این ماه را تشکیل می دهد.  
- آبان ماه ۱۳۵۹: در این ماه، ۴۲ خبر در این مورد منتشر شده که این تعداد معادل ۲۶/۷۵ درصد از کل اخبار سیاسی ماه و معادل ۹/۶۱ درصد کل اخبار ماه است.

جدول (۱۰) فراوانی منبع اخبار خارجی در طی ۷۲ روز مورد مطالعه

| خبرگزاری    | ماه   | مهر   | آبان  | آذر |
|-------------|-------|-------|-------|-----|
| فرانسه      | ۲۰/۴۲ | ۲۰/۴۵ | ۰     |     |
| یونایتد پرس | ۱۱/۹۷ | ۱۳/۶۳ | ۰     |     |
| رویتر       | ۱۴/۷۸ | ۱۵/۹۰ | ۰     |     |
| آسوشیتد پرس | ۱۸/۳۴ | ۱۱/۳۶ | ۰     |     |
| رادیو لندن  | ۴/۹۲  | ۹/۰۹  | ۱۴/۲۸ |     |
| سایر        | ۲۹/۵۷ | ۲۹/۵۷ | ۸۵/۷۲ |     |

خبر معادل ۱۴/۷۸ درصد اخبار، رویتر با ۲۱ خبر معادل ۱۴/۷۸ درصد اخبار، یونایتد پرس با ۱۷ خبر معادل ۱۱/۹۷ درصد اخبار، رادیو لندن با ۷ خبر معادل ۴/۹۲ درصد اخبار و سایر خبرگزاری ها با ۴۲ خبر معادل ۲۹/۵۷ درصد اخبار، تأمین کننده اخبار خارجی جنگ در این ماه بوده اند.

- آبان ماه ۱۳۵۹: روزنامه کیهان در این ماه ۴۴ خبر خارجی منتشر کرده که خبرگزاری فرانسه با ۹ خبر معادل ۲۰/۴۵ درصد اخبار، آسوشیتد پرس با ۵ خبر معادل ۱۱/۳۶ درصد اخبار، یونایتد پرس با ۶ خبر معادل ۱۳/۶۳ درصد اخبار، رویتر با ۷ خبر معادل ۱۵/۹۰ درصد اخبار، رادیو لندن با ۴ خبر معادل ۹/۰۹ درصد

اخبار و سایر خبرگزاری ها با ۱۳ خبر معادل ۱۹/۵۷ درصد اخبار، تأمین کننده خبرهای این روزنامه بوده اند.

- آذرماه ۱۳۵۹: روزنامه کیهان در این ماه ۲۸ خبر خارجی در مورد جنگ ارائه کرده که تنها رادیو لندن با ۴ خبر معادل

**مطالعه روزنامه های منتشر شده در زمان جنگ ایران و عراق می تواند بسیاری از موضوعات و نقاط مبهم و یا فراموش شده را در مورد جنگ بازگو کند**

۱۴/۲۸ درصد و سایر خبرگزاری ها که شامل تمام خبرگزاری های فوق با یک یا دو خبر بوده اند با ۲۴ خبر معادل ۸۵/۷۲ درصد اخبار، تأمین کننده خبرهای خارجی این ماه بوده اند.

کل اخبار خارجی منتشر شده در این برهه ۷۲ روزه، ۲۱۴ خبر خارجی بوده که این تعداد خبر معادل ۱۵/۵۴ درصد کل اخبار را شامل می شود.

ملل و شورای امنیت و تصمیماتی که در این رابطه اتخاذ کرده‌اند و همچنین تصمیمات سازمان‌های منطقه‌ای در این رابطه مانند اتحادیه عرب، اتحادیه اروپا و... می‌باشد که تعداد این اخبار بسیار کم و ناچیز می‌باشد.

### فراوانی و درصد وجود خبر سازمان‌های بین‌المللی

- مهرماه ۱۳۵۹: در این ماه، ۶ خبر از واکنش سازمان‌های بین‌المللی نسبت به جنگ ارائه شده که این مقدار معادل ۹۱٪ درصد از کل اخبار این ماه و ۶۵٪ درصد از کل اخبار سیاسی منتشره در این ماه است.

- آبان ماه ۱۳۵۹: در این ماه ۷ خبر از واکنش سازمان‌های بین‌المللی ارائه شده که این مقدار معادل ۶۰٪ درصد از کل اخبار این ماه و ۴۵٪ درصد از اخبار سیاسی منتشر شده در این ماه می‌باشد.

- آذرماه ۱۳۵۹: در این ماه ۱ خبر در این رابطه منتشر شده است که این مقدار معادل ۳۴٪ درصد از کل اخبار این ماه و ۱۳٪ درصد از اخبار سیاسی منتشر شده در این ماه است.

کل اخبار روزنامه کیهان درباره واکنش سازمان‌های بین‌المللی به جنگ در مدت ۷۲ روز، ۱۴ خبر است که معادل ۷۰٪ درصد کل اخبار این مدت و ۹۷٪ درصد از کل اخبار سیاسی در این مدت است.

۲/۹۷ درصد از کل اخبار سیاسی در این مدت است.

### تیتراژ اول

### فراوانی و درصد وجود تیتراژ اول

- مهرماه ۱۳۵۹: روزنامه کیهان در این ماه ۲۴ روز منتشر شده که تمام ۲۴ تیتراژ در مورد اخبار جنگ بوده، البته ۱۶ تیتراژ معادل ۶۶/۶۶ تیتراژ در مورد پیروزی



- آذرماه ۱۳۵۹: در این ماه، ۱۴ خبر توسط روزنامه کیهان منتشر شده که این تعداد معادل ۱۵/۹۰ درصد از کل اخبار سیاسی جنگ در این ماه و برابر با ۸۱٪ درصد از کل اخبار منتشر شده است.

کل اخباری که در این ۷۲ روز درباره واکنش احزاب و گروه‌های سیاسی منتشر شده، ۱۰۸ خبر معادل ۷/۹۲ درصد کل اخبار و ۲۲/۹۲ درصد از کل اخبار سیاسی است.

### محتوای خبر واکنش سازمان‌های بین‌المللی

این واکنش‌ها شامل واکنش سازمان‌های جهانی مثل سازمان

جدول (۱۱) فراوانی واکنش احزاب و سازمان‌های بین‌المللی در طی ۷۲ روز مورد مطالعه

| فراوانی                                            | ماه  |       |       |
|----------------------------------------------------|------|-------|-------|
|                                                    | مهر  | آبان  | آذر   |
| واکنش احزاب نسبت به کل اخبار سیاسی                 | ۲۳   | ۲۶/۷۵ | ۱۵/۹۰ |
| واکنش احزاب نسبت به کل اخبار                       | ۷/۹۰ | ۹/۶۱  | ۴/۸۱  |
| واکنش سازمان‌های بین‌المللی نسبت به کل اخبار سیاسی | ۲/۶۵ | ۴/۴۵  | ۱/۱۳  |
| واکنش سازمان‌های بین‌المللی نسبت به کل اخبار       | ٪۹۱  | ۱/۶۰  | ٪۳۴   |

جدول (۱۲) عنوان های خبری در مورد سازمان های بین المللی

| تاریخ   | عنوان خبر                                                 | سازمان ملل |
|---------|-----------------------------------------------------------|------------|
| ۵۹ ۷ ۷  | جلسه شورای امنیت بی نتیجه ماند.                           | ۵۹ ۷ ۱۷    |
| ۵۹ ۷ ۱۹ | ایران خواستار تشکیل شورای امنیت شد.                       | ۵۹ ۷ ۲۰    |
| ۵۹ ۷ ۲۰ | تعویق اجلاس عمومی سازمان ملل در مورد ایران و عراق         | ۵۹ ۷ ۲     |
| ۵۹ ۷ ۲  | تشکیل جلسه شورای امنیت در مورد جنگ                        | ۵۹ ۷ ۲۶    |
| ۵۹ ۷ ۲۶ | شرکت نخست وزیر در اجلاس شورای امنیت                       | ۵۹ ۸ ۱     |
| ۵۹ ۸ ۱  | پنجمین اجلاس شورای امنیت برای بررسی جنگ عراق با ایران     | ۵۹ ۸ ۳     |
| ۵۹ ۸ ۳  | جلسه شورای امنیت در مورد جنگ بدون صدور قطعنامه پایان یافت | ۵۹ ۸ ۵     |
| ۵۹ ۸ ۵  | جامعه اقتصادی اروپا تقاضا برای میانجیگری را رد کرد        | ۵۹ ۸ ۱۰    |
| ۵۹ ۸ ۱۰ | شورای امنیت نماینده ویژه ای به ایران و عراق می فرستد      | ۵۹ ۸ ۲۱    |
| ۵۹ ۸ ۲۱ | سازمان ملل رهبر سوسیالیست های سوئد را مامور میانجیگری کرد | ۵۹ ۸ ۲۲    |
| ۵۹ ۸ ۲۲ | نماینده سازمان ملل وارد شد                                | ۵۹ ۸ ۲۴    |
| ۵۹ ۸ ۲۴ | فرستاده سازمان ملل سه شنبه به تهران می آید                | ۵۹ ۹ ۵     |
| ۵۹ ۹ ۵  | کنفرانس سران عرب                                          |            |

جدول (۱۳) فراوانی تیترهای اول روزنامه در مورد جنگ در ۷۲ روز مورد مطالعه

| فراوانی           | ماه   | مهر   | آبان  | آذر |
|-------------------|-------|-------|-------|-----|
| خبر جنگ           | ۱۰۰   | ۹۵/۲۳ | ۹۶/۱۴ |     |
| پیروزی ایران      | ۶۶/۶۶ | ۹۵/۲۳ | ۹۲/۳۰ |     |
| سایر ابعاد جنگ    | ۳۳/۳۴ | ۰     | ۱۱/۵۳ |     |
| اوضاع داخلی ایران | ۰     | ۴/۱۶  | ۳/۸۴  |     |

نیروهای ایرانی در جنگ بود و ۸ تیتتر معادل ۳۳/۳۴ تیتتر در مورد سایر ابعاد جنگ منتشر شده است.

- آبان ماه ۱۳۵۹: در این ماه ۲۲ عنوان، تیتتر اول روزنامه را تشکیل داده است که ۱۶ تیتتر معادل ۷۶/۱۹ درصد آنها در مورد جنگ و پیروزی نیروهای ایرانی در جنگ و ۴ تیتتر معادل ۱۹/۰۴ درصد در مورد سایر ابعاد جنگ است. همچنین ۱ تیتتر معادل ۴/۱۶ درصد تیتترها در مورد اوضاع سیاسی داخلی ایران است.

- آذرماه ۱۳۵۹: در آذر ماه ۲۶ تیتتر در روزنامه کیهان منتشر شده که ۲۵ تیتتر معادل ۹۶/۱۴ درصد آنها در مورد اخبار جنگ است و ۲۴ تیتتر از تیتترهای اخبار جنگ در مورد اخبار پیروزی نیروهای ایرانی است که این تعداد معادل ۹۲/۳۰ درصد کل اخبار جنگ می باشد. ۳ تیتتر معادل ۱۱/۵۳ درصد در مورد سایر ابعاد جنگ و ۱ تیتتر معادل ۳/۸۴ تیتتر در مورد اخبار و اوضاع سیاسی داخل ایران است.

در کل این ۷۲ روز، ۷۲ تیتتر اول درج شده که ۶۸ تیتتر معادل ۹۴/۴۴ درصد این تیتترها در مورد اخبار جنگ و ۴ تیتتر معادل ۵/۵۹ درصد کل تیتترها در مورد اوضاع سیاسی داخل ایران می باشد.

جدول (۱۴) تیترهای اول روزنامه در مهرماه ۱۳۵۹

| عنوان تیتر اول                                                                  | تاریخ | رویکرد |
|---------------------------------------------------------------------------------|-------|--------|
| امام خمینی: امیدوارم کار به آنجا نرسد و اگر برسد دیگر بغدادی باقی نخواهد ماند   | ۷/۱   | ۲      |
| ایران تنگه هرمز را بر روی کشتی‌های جهان می‌بندد                                 | ۷/۲   | ۲      |
| ایران، ارتش عراق را در چند جبهه محاصره کرد                                      | ۷/۳   | ۱      |
| ارتش اسلام، تمام مواضع مهم نظامی و تأسیسات نفتی عراق را منهدم کرد               | ۷/۵   | ۱      |
| عراق با آغاز شکست نظامی به میانجیگری متوسل شد                                   | ۷/۶   | ۱      |
| مردم گیلان غرب در جنگ تن به تن ستون زرهی عراق را اسیر کردند                     | ۷/۸   | ۱      |
| ما پیروز هستیم و به صدام و دولت‌های همراه او اعتنا نمی‌کنیم                     | ۷/۹   | ۲      |
| مردم و قوای مسلح در خونین‌ترین نبرد جبهه جنوب دشمن را عقب راندند                | ۷/۱۰  | ۱      |
| مانورهای سیاسی و نظامی صدام و حامیانش برای نجات رژیم عراق آغاز شد               | ۷/۱۲  | ۲      |
| ارتش عراق به نخلستان‌های مرزی خرمشهر رسید                                       | ۷/۱۳  | ۲      |
| موقعیت نیروهای ایران در تمام جبهه‌های جنگ اعلام شد                              | ۷/۱۴  | ۲      |
| نیروهای ایران تهاجم سنگین عراق را برای اشغال خرمشهر در هم شکستند                | ۷/۱۵  | ۱      |
| ایران در تدارک حمله وسیع به نیروهای متجاوز عراق                                 | ۷/۱۶  | ۱      |
| جنگنده‌های ایران تأسیسات نظامی و صنعتی بغداد، کرکوک و سلیمانیه را بمباران کردند | ۷/۱۷  | ۱      |
| ایران به تلافی حملات هوایی شهرهای تخلیه شده عراق را بمباران می‌کند              | ۷/۱۹  | ۱      |
| پیشروی ایران در جبهه غرب آغاز شد                                                | ۷/۲۰  | ۱      |
| مواضع حیاتی جبهه غرب به تصرف قوای ایران درآمد                                   | ۷/۲۱  | ۱      |
| مواضع دشمن در جبهه غرب از زمین و هوا زیر آتش شدید قرار دارد                     | ۷/۲۲  | ۱      |
| نیروهای زرهی عراق در اطراف آبادان به محاصره قوای ایران درآمد                    | ۷/۲۳  | ۱      |
| نبرد سنگر به سنگر نیروها و مردم آبادان دشمن را ۱۰ کیلومتر عقب راند              | ۷/۲۴  | ۱      |
| نخست وزیر: پایان عادلانه جنگ جز با سرکوب و مجازات تجاوزگر امکان‌پذیر نیست       | ۷/۲۶  | ۲      |
| نظر نخست وزیر درباره سرنوشت جنگ و گروگان‌های جاسوس                              | ۷/۲۷  | ۲      |
| نبرد در جبهه آبادان و خونین شهر اوج گرفت                                        | ۷/۲۹  | ۱      |
| نبرد برای پس گرفتن قصر شیرین وارد مراحل سرنوشت‌ساز شد                           | ۷/۳۰  | ۱      |

جدول ۱۵) تیتراهای اول روزنامه در آبان ماه ۱۳۵۹

| عنوان تیتراژ اول                                                           | تاریخ | رویکرد |
|----------------------------------------------------------------------------|-------|--------|
| جنگنده‌های ایران ستاد عملیات ارتش بعث را در خاک عراق منهدم کردند           | ۸/۱   | ۱      |
| خونین‌شهر در برابر اشغال کامل سرسختانه مقاومت می‌کند                       | ۸/۳   | ۱      |
| موشک‌های عراق، صدها نفر را در دزفول به خاک و خون کشید                      | ۸/۴   | ۲      |
| ارتش عراق کنترل مواضع غرب را از دست داد                                    | ۸/۵   | ۱      |
| امام بار دیگر مصالحه با هر قدرت و ابرقدرتی را رد کرد                       | ۸/۷   | ۲      |
| بمب افکن‌های ایران مواضع دشمن را در خونین‌شهر و اطراف آبادان در هم کوبیدند | ۸/۸   | ۱      |
| لشکر مکانیزه عراق در راه تصرف دزفول نابود شد                               | ۸/۱۰  | ۱      |
| ۲۰۰ هزار رزمنده عشایر غرب آماده حرکت به سوی جبهه جنگ شدند                  | ۸/۱۱  | ۱      |
| دشمن با بجا گذاشتن ۲۰ تانک از بهمنشیر عقب نشست                             | ۸/۱۲  | ۱      |
| عملیات تازه عراق برای ورود به آبادان خشی شد                                | ۸/۱۳  | ۱      |
| دشمن "فیاضیه" آبادان را برای نفوذ به شهر سنگربندی کرد                      | ۸/۱۴  | ۲      |
| رزمندگان آبادان حلقه محاصره در بهمنشیر را شکستند                           | ۸/۱۵  | ۱      |
| عراق با تلفات و خسارات سنگین در مناطق سومار و نفت‌شهر عقب‌نشینی کرد        | ۸/۱۷  | ۱      |
| خط محاصره آبادان عقب کشید                                                  | ۸/۱۸  | ۱      |
| دشمن در مواضع اشغالی اطراف آبادان حالت دفاعی گرفت                          | ۸/۱۹  | ۱      |
| بازندگی در غرب، بخشی از نیروهای عراق را فلج کرد                            | ۸/۲۰  | ۱      |
| عراق منطقه بهمنشیر را با تلفات سنگین ترک کرد                               | ۸/۲۱  | ۱      |
| تجهیزات عراق در خط محاصره آبادان نابود شد                                  | ۸/۲۲  | ۱      |
| عراق با شکست در آبادان جنگ را به سوسنگرد کشاند                             | ۸/۲۴  | ۱      |
| نبرد خونین سوسنگرد با تلفات سنگین طرفین به اوج رسید                        | ۸/۲۵  | ۲      |
| از اتحاد لکن در عمل این را انجام نمی‌دهند                                  | ۸/۲۶  | ۳      |
| سوسنگرد چگونه از اشغال دشمن در آمد؟                                        | ۸/۲۹  | ۱      |

جدول (۱۶) تیترهای اول روزنامه در آذرماه ۱۳۵۹

| عنوان تیتر اول                                                 | تاریخ | رویکرد |
|----------------------------------------------------------------|-------|--------|
| آتش هوایی و توپخانه ایران دشمن را در جبهه جنوب عقب راند        | ۹/۱   | ۱      |
| نیروهای زرهی عراق در اطراف اهواز به محاصره قوای ایران در آمدند | ۹/۲   | ۱      |
| تهاجم وسیع عراق برای تصرف مجدد سوسنگرد در هم شکست              | ۹/۳   | ۱      |
| ایران تا قلب مواضع دشمن پیش رفت                                | ۹/۴   | ۱      |
| سقوط سنگرهای حساس دشمن در محور آبادان-ماهشهر                   | ۹/۵   | ۱      |
| بمباران خرم آباد و ایلام دهها غیرنظامی را به خاک و خون کشید    | ۹/۶   | ۲      |
| ایران در سنگین‌ترین جنگ دریایی، پیروز شد                       | ۹/۸   | ۱      |
| ناوگان ایران، حفاظت بندر تصرف شده عراق را بدست گرفت            | ۹/۹   | ۱      |
| آخرین نفرات دشمن در جبهه اهواز زیر آتش شدید قرار گرفتند        | ۹/۱۰  | ۱      |
| طرح پیشروی عراق در خوزستان خنثی شد                             | ۹/۱۱  | ۱      |
| شیپخون بزرگ ۳۲ پاسدار انقلاب اسلامی به ۱۲۰۰ نظامی دشمن         | ۹/۱۲  | ۱      |
| آغاز مرحله تهاجمی نیروهای ایران اعلام شد                       | ۹/۱۳  | ۱      |
| نبرد توپخانه با برتری ایران در جنوب شدت گرفت                   | ۹/۱۵  | ۱      |
| امام: خیال نکنید در این سیل می‌شود دیکتاتوری کرد               | ۹/۱۶  | ۳      |
| عملیات غافلگیرانه دو خلبان ایرانی در داخل عراق                 | ۹/۱۷  | ۱      |
| ایران برای آغاز حمله بزرگ، عراق را به جنگ فرسایشی کشاند        | ۹/۱۸  | ۱      |
| عملیات ۲/۵ ساعته نجات تیم هوانیروز از محاصره آتش در خاک عراق   | ۹/۱۹  | ۱      |
| دشمن زیر آتش شدید جبهه آبادان به تلفات سنگینی تن داد           | ۹/۲۰  | ۱      |
| تفنگداران دریایی ایران در خونین‌شهر وارد عمل شدند              | ۹/۲۲  | ۱      |
| عراق عابران پیاده را در خیابان‌های دزفول به توپ بست            | ۹/۲۳  | ۲      |
| چریک‌های ایران یک ستون تانک را در خاک عراق را منفجر کردند      | ۹/۲۴  | ۱      |
| اسناد تکان دهنده جنایات رژیم عراق در جنگ                       | ۹/۲۵  | ۱      |
| ژاندارم های ایران از ۴ منطقه وارد عراق شدند                    | ۹/۲۶  | ۱      |
| ضربات مرگبار ایران زندگی ۳ میلیون جمعیت بغداد را فلج کرد       | ۹/۲۷  | ۱      |
| اسناد توطئه مشترک آمریکا و انگلیس برای حمله به ایران           | ۹/۲۹  | ۲      |
| مردان قورباغه‌ای عراق در آب‌های اروند به رگبار بسته شدند       | ۹/۳۰  | ۱      |

## نتیجه گیری

طور به صورت همزمان، روزنامه های دیگری را که در این دوره منتشر شده اند مورد بررسی قرار گیرند تا بتوان به نتیجه ای قطعی در این زمینه دست یافت.

شیوه نوین تحلیل محتوا می تواند حقایق مهمی را در مورد موضوعات مختلف به دست دهد. مطالعه روزنامه های منتشر شده در زمان جنگ ایران و عراق می تواند بسیاری از موضوعات و نقاط مبهم و یا فراموش شده را در مورد جنگ برای کسانی که آن دوران را درک ننموده اند و یا در آن دوران بوده اند و اکنون آن را از یاد برده اند بازگو کند. در این مقاله تلاش شده داده های خبری روزنامه کیهان در مدت سه ماه ابتدایی جنگ تحمیلی مورد تحلیل قرار گرفته و مقوله های جدیدی از جنگ و آمار و اطلاعات جدیدی از این مسئله ارائه شود. نتایجی که در این تحقیق به دست آمد بسیار جالب توجه و متنوع بود. روزنامه کیهان در سه ماه ابتدایی جنگ در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی جنگ، اخباری را منتشر کرده است که در بخش نظامی این اخبار، محقق به بررسی تعداد اخبار منتشر شده در مورد پیروزی نیروهای ایرانی می پردازد تا با استفاده از این آمار بتواند به نحوه جهت گیری روزنامه کیهان در مورد جنگ و روحیه دهی به مردم در دوران بحرانی آغاز جنگ دست یابد. در این روزنامه از سبک های مختلف خبری برای انعکاس خبر نیز استفاده شده که این سبک ها به تناسب در ماههای مختلف مورد بررسی، متغیر می باشند. همچنین در این تحقیق، منبع خبرگزاری ها نیز مورد بررسی قرار گرفتند تا میزان استفاده این روزنامه از منابع متعدد داخلی و خارجی نیز به دست آید. عکس العمل احزاب و سازمان های بین المللی در مورد جنگ نیز از جمله متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق است. در مجموع می توان گفت این تحقیق به بررسی کمی و آماری اخبار منتشر شده در مورد جنگ در مدت هفتاد و دو روز ابتدایی جنگ پرداخته است که با توجه به نتایج بدست آمده می توان گفت که روزنامه کیهان در بیشتر موارد در جهت بالا بردن روحیه مردم و تقویت امنیت ملی کشور گام برداشته است. تحقیق حاضر دارای بُعد کمی است و مدت زمان کوتاهی را مورد مطالعه قرار داده، از این رو بهتر است ماههای بعدی انتشار این روزنامه و اخباری که در مورد جنگ انتشار یافته و همین



زهرا رحیمی\*

تاریخ تأیید: ۸۸/۸/۳۰

**مقدمه**

جنگ پدیده پیچیده‌ای است که جوامع درگیر خود را از ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهد. جنگ به‌ویژه با وجود دو یا چند

طرف گفته می‌شود که هدف از این مقابله، تهدید، کسب سود، ضربه زدن به طرف مقابل و یا توسعه طلبی است و حادثه‌ترین واکنش در طیف قطع روابط دو طرف محسوب می‌شود. همگان در این نکته اتفاق نظر دارند

\*دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل، دانشگاه امام خمینی (ره)



که جنگ جدا از اهداف آن، خانمان سوز و موجب ویرانی جوامع است. اگرچه در تمامی قرون و اعصار، انسان ها از جنگ به عنوان حربه ای برای رسیدن به اهداف خود بهره مند می شدند اما ماهیت جنگ ها در طی زمان متحول شده است. از جنگ رو در رو با سلاح سرد گرفته تا جنگ های کلاسیک، چریکی و حتی جنگ با سلاح های اتمی که به جز موارد محدود هیروشیما و

ناکازاکی، هنوز در سطح گسترده اتفاق نیفتاده اما بقای بشریت را تهدید می کند. از جمله انواع جنگ هایی که در دوران معاصر بیشتر مورد استفاده طرفین درگیر در جنگ قرار می گیرد، حمله به مناطق مسکونی و غیرنظامی و جنگ شهرها است. به عقیده بسیاری از تحلیلگران، این نوع از جنگ حربه ای برای ضربه زدن به اراده و روحیه ملی کشور مصمم به دفاع و زیر سؤال بردن توانایی های رهبران آن می باشد و چه بسا آثار زیانبارتری از جنگ در جبهه ها را به بار آورد. حمله به غیرنظامیان در مناطق مسکونی علاوه بر سلب موقعیت دفاع از افرادی که مورد حمله قرار می گیرند از غیر مسلح بودن آنها استفاده نموده و بدون هیچ مانعی آثار و تبعات جبران ناپذیری را بر جای می گذارد.

جنگ شهرها به دلیل ویرانی پایه های اقتصادی، ایجاد شرایط بحرانی و به تبع آن سلب تمرکز تصمیم گیری به موقع از تصمیم گیرندگان و هم چنین بر جای گذاردن اثرات مخرب فرهنگی، روانی و اجتماعی به یکی از موضوعات مهم در زمینه جنگ تبدیل شده است. جمهوری اسلامی ایران، یکی از قربانیان جنگ شهرهاست، که خسارات زیادی را از این رهگذر

متحمل شد و در ماهها و سال های پس از حمله عراق به مناطق شهری، پیامدهای فراوانی را از این رهگذر تجربه کرد که زمینه ساز ایجاد بحران ها و تنش های فراوانی در جامعه شد. با بررسی آثار فراوانی که جنگ شهرها بر جامعه و اقتصاد ایران بر جای گذاشت و در منابع مربوط به جنگ کمتر آنها بررسی شده اند علاوه بر این که می توان با آثار و تبعات جنگ شهرها در ایران آشنا شد می توان شرایط، ماهیت و اهداف این نوع جنگ را نیز بیشتر تجزیه و تحلیل کرد.

برای بررسی موارد بالا پرسشی که می توان به عنوان پرسش اصلی مطرح کرد این است که جنگ شهرها چه آثار و تبعاتی را برای جامعه ایران به همراه داشت؟ همچنین می توان چندین پرسش فرعی را که پاسخ به آنها به روشن تر شدن بحث کمک می کند نیز مطرح کرد. از جمله اینکه ماهیت جنگ شهرها چیست؟ هدف صدام از توسل به آن چه بود؟ این نوع از جنگ چه تفاوتی با جنگ های دیگر دارد؟ و غیره.

اگر بخواهیم آثار حملات عراق، به شهرهای ایران را دسته بندی کنیم می توانیم این آثار و تبعات را در چهار حوزه مورد بررسی قرار دهیم که این چهار حوزه

دوره اول جنگ به صورت متناوب انجام می شد، اما با آغاز عملیات رمضان حمله به مناطق مسکونی و افراد غیر نظامی به شکل جدید و گسترده ای از سر گرفته شد. به عبارت دیگر، حمله هوایی دشمن که در پی طراحی عملیات سرنوشت ساز رمضان و همچنین شکست دشمن در عملیات های کربلای ۱، ۲ و ۳ در تیر و شهریور ماه افزایش یافته بود، ادامه یافت و مناطق صنعتی، کارگری، اقتصادی و نفتی و نیز شهرها و مناطق مسکونی و مناطق عملیاتی زیر شدیدترین حمله های هوایی و بمباران قرار گرفتند. عراق از این اقدام دو هدف را دنبال می کرد:

**جنگ شهرها،  
حربه ای برای ضربه زدن  
به اراده و روحیه ملی  
کشور مصمم به دفاع  
و زیر سؤال بردن  
توانایی های رهبران  
آن می باشد**

یکی هدف کوتاه مدت که عبارت بود از جلوگیری از اجرای عملیات سرنوشت ساز و دیگری هدف بلندمدت که انهدام منابع ارزی و درآمد کشور و همچنین به ستوه آوردن و برانگیختن مخالفت مردم با جنگ و در نتیجه تسلیم جمهوری اسلامی

و پذیرش آتش بس به نحوی که مطلوب رژیم عراق باشد، بود. افزایش حملات هوایی عراق و دسترسی به نقاطی در خاک ایران که قبل از این در توان این کشور نبود، علاوه بر دریافت تجهیزات و هواپیماهای پیشرفته از شوروی و فرانسه، مرهون همکاری کارشناسان آمریکایی بود.<sup>(۱)</sup>

گسترش جنگ از جبهه ها به مناطق مسکونی و غیر نظامی، چهره دیگری از این جنگ نابرابر را پیش روی افکار عمومی جهانیان گشود. جنگ شهرها که نتیجه ای جز ویرانی و کشتار وسیع نداشت حتی با پایان جنگ تبعات آن پایان نیافت و جامعه ایران را به گردابی

عبارتند از: اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روانشناختی. از این رو هدف اصلی تحقیق برای پاسخگویی به پرسش اصلی نیز در راستای بررسی چهار حوزه ذکر شده می باشد..

لازم به ذکر است رهیافت مورد استفاده در این پژوهش ترکیبی است از چندین رهیافت فرهنگی، روانشناختی، جامعه شناختی که بر این اساس سعی شده با مرور کتب و مقالاتی که در این زمینه نگاشته شده اند نکات برجسته ای که حاکی از پیامد جنگ شهری باشد استخراج و مورد گردآوری و ارزیابی قرار گیرد.

در قسمت اول مقاله در مورد جنگ شهرها، ماهیت این نوع جنگ و تفاوت آن با جنگ در جبهه ها، انگیزه عراق از توسل به این جنگ و شهرهای آسیب دیده از این رهگذر، مورد بحث گرفته است. در قسمت دوم، آثار و تبعاتی که جنگ شهرها برای جامعه ایران به همراه داشت در چندین حوزه مورد بررسی قرار گرفته است.

### ماهیت جنگ شهرها و انگیزه توسل به آن

جنگ ایران و عراق در سراسر مدت پرفراز و نشیب خود حوادث مختلفی را از سر گذراند و علیرغم حمایت اغلب دول دنیا از صدام، این رژیم از هیچ اقدامی علیه ایران دریغ نورزید. حمله به مناطق مسکونی و غیر نظامیان از جمله اقدامات صدام بود که خسارات فراوانی را برای جامعه ایران به ارمغان آورد. در حالی که ایران برای تعیین سرنوشت جنگ اجرای عملیات نظامی را در زمین دنبال می کرد، عراق برای مقابله با این وضع حمله به مناطق غیر نظامی را برنامه ریزی کرده بود. پس از آزادی خرمشهر، عراق حمله به شهرها را که از آغازین روزهای جنگ آغاز کرده بود از سر گرفت و به موازات آن حمله به جزیره خارک را آغاز کرد. حمله عراق به شهرها به ویژه حمله موشکی به دزفول و حمله خمپاره ای به شهر اهواز و دیگر مناطق مسکونی در



از مشکلات وارد کرد که حل آنها به زمان طولانی و برنامه ریزی نیاز داشت. چون بسیاری از این مشکلات زیربنایی بود لذا از این طریق بسیاری از بنیان های جامعه نیز تهدید می شد. ماهیت این نوع از جنگ که عبارت بود از داشتن تسلیحات پیشرفته یک طرف و نداشتن طرف مقابل، حمله غافلگیرانه از جانب یک طرف و عدم امکان دفاع از طرف مقابل و کشتار و ویرانی

هیچ گاه به دلیل فجایی که در جنگ شهرها مرتکب شد مجازات نشد و همین مساله او را جری تر نمود تا شهرهای ایران را بیشتر مورد اصابت توپ ها و هواپیماهای خود قرار دهد.

در اصول حقوق بین الملل بمباران یا حمله به شهرها، روستاها، مناطق مسکونی و ساختمان های بی دفاع ممنوع است که در این راستا می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) بمباران هوایی برای ایجاد رعب و وحشت در مردم غیرنظامی، تخریب یا خسارت به دارایی های خصوصی فاقد ویژگی نظامی یا آسیب رساندن به غیرنظامیان ممنوع است.

ب) بمباران هوایی برای وادار ساختن طرف مقابل به قبول شرایط یا پرداخت کمک های مالی ممنوع است.<sup>(۳)</sup> علی رغم این اصول اساسی که در مبانی حقوق بین الملل مطرح شده و چندین پروتکل الحاقی نیز در حمایت از آن تصویب شده است؛ لیکن همزمان با هجوم نیروهای عراقی به خاک ایران حملات به شهرها و مناطق مسکونی ایران نیز آغاز شد. مردم اهواز از دوم مهر ۱۳۵۹ یعنی تنها سه روز پس از آغاز تجاوز عراق به

توسط یک طرف و ضربه و خسارات فراوان کشور مقابل، از این نوع جنگ یک معادله نامتعادل ساخته بود که تنها در صورت اقدام متقابل قدری از درد و رنج آن کاسته می شد. تنها با بررسی آثار و تبعات آن می توان به عمق فاجعه جنگ شهری پی برد و افکار عمومی را نیز در این مورد روشن ساخت. بسیاری از آثار این نوع جنگ در سال های بعد و حتی برای نسل های بعد از جنگ آشکار شده و در اثر آن بسیاری از زیربنای جامعه تخریب شده که بازسازی آن نیازمند زمان و هزینه گزاف است.

در هر حال، حملات نظامی جنگنده های عراقی ابتدا شهرهای مرزی ایران همچون کرمانشاه، ایلام، اهواز و از همه شدیدتر دزفول را در بر می گرفت اما پس از مدتی به همه شهرهای ایران و از جمله تهران نیز سرایت کرد و آثار مخربی را در این شهرها بر جای گذاشت. فجایی که در این گونه حملات صورت می گرفت حاکی از نابرابری در این نوع جنگ بود. حمله به مناطق مسکونی و غیرنظامی اگرچه در حقوق بین الملل مردود است و مراجع بین المللی مسئول پیگیری عاملان این نوع جنگ ها هستند اما صدام

جدول ۱) تعداد حمله های دشمن به برخی شهرهای ایران<sup>(۱)</sup>

خاک ایران شاهد حملات مکرر میگ های عراقی به مناطق مسکونی شهرشان بودند. مردم دزفول هزاران بار مورد اصابت موشک و بمب قرار گرفتند. قربانیان بعدی، مردم شهرهای سنندج، قصر شیرین، باختران، خرم آباد، مهران، اندیمشک، بهبهان و خرمشهر بودند. اگرچه مردم شهرهای مرزی، اولین قربانیان و در حقیقت بیشترین اشخاص ضربه خورده از این بمباران ها بودند، لیکن مردم دیگر شهرهای ایران نیز از این حملات مصون نماندند. جدول ۱ شهرها و تعداد دفعاتی که این شهرها مورد اصابت موشک ها و بمباران های عراقی قرار گرفته اند را نشان می دهد.

در جدول ۱، فقط ۲۴ شهر از ۱۲۷<sup>۱</sup> شهری که هدف بمباران هواپیماهای عراقی قرار گرفته اند آورده شده است. تمام شهرهای ایران، از شمال تا جنوب و شرق و غرب و مرکز از این حملات مصون نبوده اند.

ایران، در برابر اعمال ضد انسانی رژیم عراق در تجاوز به مناطق مسکونی، همواره

| ردیف | نام شهر        | تعداد تهاجم | درصد نسبی |
|------|----------------|-------------|-----------|
| ۱    | آبادان         | ۱۰۱۷        | ۲۱/۳      |
| ۲    | اراک           | ۵۷          | ۱/۲       |
| ۳    | ارومیه         | ۷۷          | ۱/۶       |
| ۴    | اسلام آباد غرب | ۱۱۲         | ۲/۳       |
| ۵    | اصفهان         | ۱۱۹         | ۲/۵       |
| ۶    | اهواز          | ۳۱۶         | ۶/۶       |
| ۷    | بوشهر          | ۴۲          | ۰/۹       |
| ۸    | تبریز          | ۷۶          | ۱/۶       |
| ۹    | تهران          | ۹۲          | ۱/۹       |
| ۱۰   | خرم آباد       | ۱۴۰         | ۲/۹       |
| ۱۱   | خرمشهر         | ۱۲۸         | ۲/۷       |
| ۱۲   | خلیج فارس      | ۱۹۵         | ۴/۱       |
| ۱۳   | سردشت          | ۹۹          | ۲/۱       |
| ۱۴   | شیراز          | ۲۳          | ۰/۵       |
| ۱۵   | قم             | ۶۷          | ۱/۴       |
| ۱۶   | گیلان غرب      | ۸۳          | ۱/۷       |
| ۱۷   | گچساران        | ۲۷          | ۰/۶       |
| ۱۸   | مریوان         | ۱۱۷         | ۲/۵       |
| ۱۹   | مسجد           | ۳۳          | ۰/۷       |
| ۲۰   | همدان          | ۱۰۹         | ۲/۳       |
| ۲۱   | ایلام          | ۱۷۷         | ۳/۷       |
| ۲۲   | قزوین          | ۲۱          | ۰/۴       |
| ۲۳   | قصر شیرین      | ۲۴          | ۰/۵       |
| ۲۴   | فریدون شهر     | ۴           | ۰/۱       |

۱. برای آگاهی از اسامی این شهرها و تعداد دفعاتی که مورد حمله قرار گرفته اند به کتاب مجموعه مقالات تأملی در جنگ ایران و عراق، چند مساله راهبردی که توسط مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ تهیه شده مراجعه نمایید.

بعثی عراق آغاز شده بود تا ماه‌های پایانی جنگ یعنی اردیبهشت ۱۳۶۷ ادامه داشت و هر بار عراق با حملات مداوم خود علاوه بر ایجاد ترس و وحشت در دل ساکنان مناطق غیرنظامی، تلفات مالی و جانی بسیاری را برای ساکنان شهرهای مورد اصابت وارد می‌کرد. تبعات ناشی از این نوع حملات و جنگ‌ها آن‌چنان عمیق و گسترده است که علاوه بر اینکه بسیاری از آنها جبران‌ناپذیر است مابقی آنها نیز برای حل و فصل به زمان و هزینه هنگفت نیاز دارد. پس از پایان جنگ، بسیاری از مشکلات موجود در راه توسعه اقتصادی و اجتماعی شهرهای ایران ناشی از تبعات این گونه حملات نظامی بود و بودجه‌ای که باید صرف توسعه و آبادانی کشور می‌شد صرف جبران خسارات، ترمیم خرابی‌ها و بازسازی بنیان‌های اقتصادی کشور گردید. توجه به این نکته حائز اهمیت است که چرا عراق با وجود حمایت گسترده‌ای که از طرف غرب و شرق دریافت می‌کرد و علیرغم تحریم همه‌جانبه ایران، ضعیف بودن این کشور در بعد نظامی به دلیل تحریم‌ها و هم‌چنین برپایی یک انقلاب و نوپا بودن حکومت، از حربه جنگ شهرها بهره‌برد؟ در پاسخ به این پرسش، بسیاری از تحلیل‌گران بر این باورند هدف صدام از توسل به جنگ شهرها در قالب استراتژی عراق پس از ناکامی در نبرد زمینی قابل تحلیل است. ویران کردن هر چه بیشتر شهرها و آواره کردن غیرنظامیان، هدفی بود که در پس آن تخریب و فشار بیشتر برای حکومت نو پای ایران مطرح بود.<sup>(۷)</sup> عراق که با وجود حمایت بسیاری از کشورهای جهان تقریباً در اغلب جبهه‌ها ناکام مانده بود و به هدف اصلی خود مبنی بر فتح تهران دست نیافته بود، برای اعمال فشار بر دولتمردان ایرانی و ایجاد بحران و تنش در بین آنها سعی داشت نتیجه جنگ را به سود خود رقم زند. صدام که از حمایت گسترده مردمی از امام (ره) و رهنمودهایش به خصوص در مورد پایبندی به تمامیت ارضی و مقابله با متجاوزین

پایبندی خود را به موازین بین‌المللی اعلام داشته و بر مبنای اصول اخلاقی عمل می‌نمود. اقدامات عراق در حملات فراوان موشکی به شهرهای ایران و اقدام این رژیم در دادن هشدار به مردم ساکن شهرهای جنوبی و مرکزی مبنی بر حمله به این شهرها و گسترش ابعاد کشتار افراد غیرنظامی، ایران را وادار به عمل مقابله به مثل کرد. اقدام مقابله به مثل ایران به صورت محدود و در چند نوبت انجام شد که در نوبت اول آن ایران، به بمباران شهرهای مرزی از جمله بصره و مندلی، آن‌هم با اخطار قبلی، اقدام نمود.<sup>(۸)</sup>

عراق در اوایل سال

۱۳۶۴، حمله به مناطق مسکونی ایران را شدت بخشید و تهران را نیز زیر بمباران شدید خود قرار داد. در دی ماه سال ۱۳۶۵ برای چندمین بار، جنگ شهرها از سوی عراق از سر گرفته شد و در این حملات، مدارس، دانشگاه‌ها،

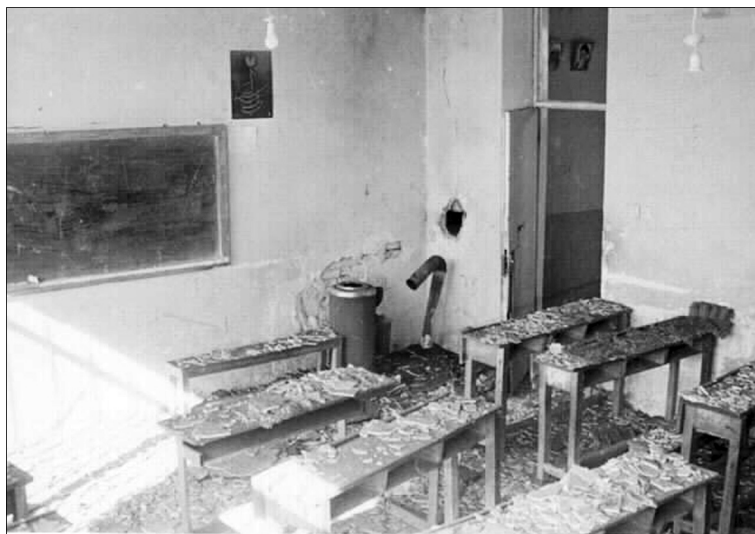
بیمارستان‌ها و حتی

اماکن مقدسه و متبرکه مورد هجوم قرار گرفتند. عراق در بهار ۱۳۶۷ با موشک، شهرهای تهران، اصفهان و قم را مورد حمله قرار داد.<sup>(۹)</sup> این کشور در این زمینه گزارش داد که یازده موشک زمین به زمین را در طی یک روز به ایران شلیک نموده که هشت فروند از آنها به تهران و سه فروند دیگر به قم اصابت نموده است.<sup>(۱۰)</sup> آخرین و حساس‌ترین مراحل جنگ شهری، موشک باران تهران بود که از اسفند سال ۱۳۶۶ تا اردیبهشت سال ۱۳۶۷ ادامه داشت و عراق متجاوز از ۱۷۰ موشک میانبرد به مناطق مسکونی تهران شلیک کرد.

در کل، جنگ شهرها که از سال ۱۳۵۹ توسط رژیم

**جنگ شهرها به دلیل  
ویرانی پایه‌های اقتصادی،  
ایجاد شرایط بحرانی و  
برجای گذاردن اثرات مخرب  
فرهنگی، روانی و اجتماعی  
یکی از موضوعات مهم  
در زمینه جنگ است**

وجود نداشت که جمهور اسلامی ایران بتواند از طریق مراجع بین‌المللی به جایی برسد. از اینرو این کشور به مقابله به مثل متوسل شد، هر چند که اقدام مقابله به مثل ایران نیز در برابر اقدامات عراق؛ به اقداماتی همچون شلیک سیزده فروند موشک زمین به زمین به بغداد و کرکوک محدود می‌شد، اما عراق به دلیل همین اقدامات از ادامه حملات به تهران دست برداشت.<sup>(۸)</sup>



### بررسی تبعات جنگ شهری در ایران

در این بخش با بررسی آثار جنگ شهرها در چندین حوزه در جامعه ایران، عمق این فاجعه را بهتر می‌توان درک کرد. در این قسمت تلاش خواهد شد اثرات ناشی از این جنگ در چهار حوزه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روانشناختی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

### تبعات اجتماعی جنگ شهرها

اگر چه همه آثار و تبعات جنگ شهری در یک ارتباط متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و وارد آمدن خسارت در یک حوزه دیگر حوزه‌ها را نیز متأثر می‌کند، لیکن یکی از حوزه‌هایی که بیش از دیگر حوزه‌ها از جنگ شهرها متأثر شد، حوزه اجتماعی بود. جنگ شهرها تبعات اجتماعی فراوانی را برای جامعه ایران به همراه آورد که جبران بسیاری از آنها سال‌ها زمان می‌طلبد و بسیاری از آنها نیز قابل جبران نیست. به عنوان مثال، فروپاشی خانواده‌ها مساله‌ای بود که حتی گذشت زمان و صرف هزینه نیز آن را جبران نمی‌نمود.

آگاه بود با این گونه حملات سعی در ایجاد فشار بر مردم ایران و تخریب روحیه ملی آنان و در نهایت سلب اعتماد آنان از نظام جمهوری اسلامی را داشت. وی با آگاهی از تلفات بالا و خسارات سنگین حمله به مناطق غیر نظامی سعی داشت با ایجاد مشکل در مناطق مسکونی، جبهه‌های جنگ را در اختیار بگیرد. با توجه به محیط رعب و وحشتی که در اثر این حملات ایجاد شده بود، صدام تصور می‌کرد با ادامه این روند می‌تواند نوعی دلهره و رعب از جنگ و هم چنین تفرقه در بین مردم به وجود بیاورد که نتیجه آن خالی شدن جبهه‌ها از رزمندگان بود. البته استراتژی جنگ شهرها با توجه به ابعاد گسترده آن و هم چنین خسارات و تلفات فراوان می‌توانست اهرم فشار مناسبی برای تن دادن ایران در جهت تغییر قواعد بازی به نفع عراق باشد. در این مورد مقامات عراق به طور مکرر بیان می‌کردند جنگ را به نقطه‌ای خواهند کشاند تا مردم ایران را به شورش علیه رهبران خود و نظام جمهوری اسلامی ایران وادار کنند. علی‌رغم اینکه جنگ شهرها در حقوق بین‌الملل مردود شمرده شده بود کشورهایی که ضامن اجرای این حقوق بودند عمدتاً از حامیان عراق بودند لذا این امکان

شهر تهران موجب بروز بزهکاری ها و انحرافات اجتماعی فراوان در کشور شد. از علل بروز این بزهکاری ها می توان به بیکاری، نیازهای مالی و اضطراب های ناشی از بی سر و سامانی و عدم ثبات اشاره کرد. گسترش حاشیه نشینی که از عوامل عمده آن عدم انطباق مهاجرین به خصوص عشایر و روستاییان با بافت شهری و هم چنین کمبود منابع مالی برای تهیه مسکن است علاوه بر زشت کردن چهره شهرها، این افراد را از حداقل استانداردهای زندگی محروم می نمود. مهاجرت مردم شهرهای ایلام، خوزستان، کرمانشاه و اهواز که از رهگذر جنگ، ضربات فراوانی را متحمل شده بودند علاوه بر اینکه خانوارهای فراوانی را در سراسر کشور آواره کرد موجب از دست رفتن خانه و کاشانه بسیاری از آنها و پناهندگی آنها به مناطق امن تر شد. علاوه بر این، راه کسب درآمد مردم مهاجر نیز تغییر نمود و در مواردی حتی آنها به راههای خلاف جهت کسب درآمد متوسل شدند.

سیل مهاجرت از شهرهای مرزی به مناطق مرکزی و شمالی، بافت اجتماعی شهرهای این مناطق را نیز بر هم زد. تغییر در بافت اجتماعی شهر و بر هم خوردن ترکیب طبقاتی محله ها، اقشار متفاوت را در کنار هم قرار داد، و این امر برخورد های بین قشری را سبب گردید که در مواقعی به نزاع های خونین تبدیل شد.<sup>(۱۰)</sup>

### تبعات اقتصادی جنگ شهرها

در هر جنگ، بنیان های اقتصادی جوامع درگیر تا حد زیادی از هم فرو می پاشد. در طی جنگ هشت ساله، اقتصاد ایران مشکلات متعدد اقتصادی و زیربنایی را تجربه کرد. در این راستا، بمباران مناطق مسکونی و بسیاری از مراکز اقتصادی توسط رژیم صدام ضربات شدیدی را به اقتصاد ایران وارد کرد. با توجه به جدول ۲ می توان تخمین زد که بمباران این مناطق چه هزینه سنگینی را بر اقتصاد کشور تحمیل می کرد.

از جمله مشکلات اجتماعی که پس از حمله صدام به شهرها و روستاهای کشور، گریبان گیر مردم شد می توان به مهاجرت گسترده، بی سرپرست شدن بسیاری از خانواده ها، فروپاشی بسیاری از خانواده ها، فقر و بیکاری اشاره کرد. علاوه بر این، مهاجرت اجباری بسیاری از مردم شهرها و روستاهای مرزی ایران که اولین قربانیان این حملات بودند موجب ایجاد مشکلات اجتماعی فراوانی برای آنها شد. ایجاد دوگانگی فرهنگی و شخصیتی، گسترش حاشیه نشینی، گسترش جمعیت شهرهای مهاجرپذیر و کمبود خدمات و امکانات

متناسب با جمعیت افزوده شده و هم چنین درگیری های پراکنده میان مهاجرین و ساکنان بومی این شهرها و بروز بزهکاری از جمله این آثار است. براساس آمار موجود، در شهریور ماه سال ۱۳۶۴ تعداد کل مهاجرین در سطح شهرهای ایران ۱۰۱۳۰۵۹

جمهوری اسلامی ایران  
یکی از قربانیان جنگ  
شهرهاست که خسارات  
زیادی را از این رهگذر  
متحمل شد

نفر بود که از این تعداد ۵۰/۲۵ درصد زن و ۴۹/۷۴ درصد مرد هستند. هم چنین بر طبق این آمار، تعداد خانوارهای خود کفای آواره شده در جریان این حملات ۴۰/۶۱ درصد بوده است.<sup>(۹)</sup> بسیاری از مهاجرین، هیچ ذخیره یا پس اندازی به جز پوشاکی که بر تن داشتند را به همراه نیاوردند و همین امر، موجب بروز مشکلات عدیده اجتماعی در شهرهای مهاجرپذیر گردید. علاوه بر مشکلات اجتماعی، مشکلات اقتصادی و فرهنگی نیز بسیاری از مهاجرین را درگیر خود نمود. حملات موشکی مداوم عراق به شهرهای ایران و مهاجرت خیل عظیم مهاجرین به شهرهای مرکزی ایران به خصوص



بسیاری از روستاییان، بیکار و مجبور به مهاجرت اجباری شدند. کشاورزی از بخش هایی است که بیشتر مردم ایران به آن اشتغال دارند و حمله به مراکز کشاورزی و روستایی علاوه بر وارد کردن خسارات فراوان و افزایش بیکاری، اقتصاد سنتی ایران را با مشکلات عدیده ای مواجه نمود. به دلیل اهمیت برخی از مراکزی که مورد هدف قرار گرفتند از جمله مراکز صنعتی و مراکز کشاورزی و دامداری که اقتصادی کشور بعد از نفت بر مدار آن می چرخید تا حدود زیادی اقتصاد کشور آسیب پذیر شد. جنگ شهرها هم باعث وارد شدن خسارت واحدهای تولیدی و از بین رفتن بخشی از نیروی کار فعال و هم جابه جایی جمعیت شد.

منابع عظیمی که می توانست در توسعه اقتصادی کشور نقش داشته باشند صرف بر برپا نگه داشتن واحدهای تولیدی و صنعتی شد که بر اثر حملات هوایی و زمینی دشمن صدمه دیده بود اما تولیدات آنها جهت تداوم زندگی اقتصادی لازم بود. تورم، بیکاری، رشد مشاغل کساد و عدم سرمایه گذاری های لازم در زمینه های عمرانی و زیربنایی باعث شد تا کشور توانایی خود را در جهت ایجاد امکانات و تداوم رشد اقتصادی تا اندازه زیادی از دست بدهد.<sup>(۱۲)</sup> با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران در طول سال های جنگ به دلیل کارشکنی های عراق و

آنچه در جدول ۲ دیده می شود حاکی از این است که در حدود شش درصد حملات دشمن متوجه مناطق صنعتی، که در حقیقت یکی از زیربنای اقتصادی کشور محسوب می شود، بوده است. حمله به مناطق صنعتی و هم چنین بمباران کارخانه ها علاوه بر ایجاد خسارت در زمینه های صنعتی و هزینه بازسازی، بیکاری و تورم را نیز به دنبال داشت که این مسأله را نمی توان نادیده گرفت. وجود خیل عظیم بیکاران کارخانه ها و مراکز صنعتی بیش از پیش بر مشکلات شهرهای آسیب دیده می افزود. علاوه بر این، حمله به مناطق کشاورزی و دامداری به یکی از مهم ترین منابع درآمدی جمعیت ایران خسارات زیادی وارد کرد.

جدول ۲) اهداف دشمن در حمله به شهرها و زیان های اقتصادی وارده بر حسب درصد<sup>(۱۳)</sup>

| اهداف دشمن             | تعداد حملات | درصد نسبی | میانگین |
|------------------------|-------------|-----------|---------|
| مناطق مسکونی           | ۳۸۵۸        | ۸۰/۹      | ۸۳/۷    |
| مراکز صنعتی            | ۲۹۰         | ۶/۱       | ۸۹/۸    |
| مراکز حمل و نقل        | ۹۷          | ۲         | ۹۱/۸    |
| مراکز دولتی- سیاسی     | ۲۴          | ۰/۵       | ۹۲/۳    |
| مراکز خدماتی- درمانی   | ۶۳          | ۱/۳       | ۹۳/۶    |
| مراکز خدماتی- آموزشی   | ۴۶          | ۱         | ۹۴/۶    |
| مراکز خدماتی- شهری     | ۸۳          | ۱/۷       | ۹۶/۴    |
| مراکز بین المللی       | ۱           | ۰/۰       | ۹۶/۴    |
| مراکز ارتباطی          | ۲۵          | ۰/۵       | ۹۶/۹    |
| مراکز کشاورزی- دامداری | ۱۲۰         | ۲/۵       | ۹۹/۴    |
| مراکز فرهنگی- مذهبی    | ۲۸          | ۰/۶       | ۱۰۰     |
| جمع                    | ۴۷۶۹        | ۱۰۰       |         |

از ۴۶/۳ به ۵۰ درصد افزایش یافت.

مشکل اصلی مهاجرت اجباری شدند بیکاری بود. بیکاری تبعات دیگری را نیز به دنبال داشت؛ مسائلی همچون فقدان درآمد، نداشتن مسکن، نداشتن امنیت مالی و جانی، آسیب های اجتماعی و روانی و ناهماهنگی فرهنگی در محیط میزبان برای مهاجرین از جمله این مسایل بود. از عوارض ملموس این بیکاری روی آوردن افراد جامعه به مشاغل کاذب نظیر سیگار فروشی، دستفروشی، روزنامه فروشی، مسافرکشی، دلالی، قاچاق و کوپن فروشی بود. این مشاغل به نوبه خود آثار و تبعات فراوانی را برای جامعه به دنبال آورد از جمله اینکه از ارزش و اهمیت کارهای مفید و مولد کاسته شد، جامعه را به سوی مصرف بیشتر و خریدهای کاذب و قاچاق سوق داد و هم چنین باعث زشتی سیمای شهرها، ازدحام، سد معبر و دیگر آلودگی ها گردید.<sup>(۱۳)</sup>

آنچه مسلم است جنگ تحمیلی عواقب فراوانی را از لحاظ اقتصادی برای مردم ایران به ارمغان آورد اما حمله به مناطق مسکونی، صنعتی و اقتصادی ضربه ای بر پیکره اقتصاد ایران بود که در هر حال باید برای ادامه جنگ این اقتصاد آسیب دیده را سرپا نگه می داشتند. به عنوان مثال، خوزستان یکی از استان هایی بود که از این نوع جنگ آسیب فراوانی دید. کارشناسان بر این باورند تا به امروز این استان از بابت جنگ شهرها ضربه می خورد و این استان متناسب با ثروت های عظیمی که در اختیار دارد، توسعه نیافته است. یکی از تبعات جنگ، بیکاری نیروهای بومی استان خوزستان است. آقای حجازی، استاندار خوزستان، با اشاره به اینکه استان خوزستان تمام امتیازات مهم کشور را در اختیار دارد، در این زمینه اظهار داشت: «خوزستان از لحاظ آب، نفت، گاز، کشاورزی، بنادر تجاری و صیادی و جاذبه های گردشگری به خصوص در زمینه دفاع مقدس سرآمد کشور است اما این موارد باعث نشده

دیگر کشورهای عربی در سازمان اوپک برای صدور و فروش نفت مشکلات فراوانی داشت و هم چنین تقریباً در یک تحریم همه جانبه به سر می برد صدمات و خسارات وارده بر مناطق صنعتی و کشاورزی در نتیجه حملات دشمن به مناطق غیر نظامی مشکلات عدیده ای را در زندگی روزمره مردم به وجود آورد. حمله به بیمارستان ها، مدارس و اماکن عمومی علاوه بر تحمیل هزینه های سنگین بازسازی بر دوش دولت در بسیاری از زمینه ها، فعالیت های مولد را نیز مختل نمود و بیکاری را افزایش داد. به عنوان مثال براساس برآوردهای موجود هر

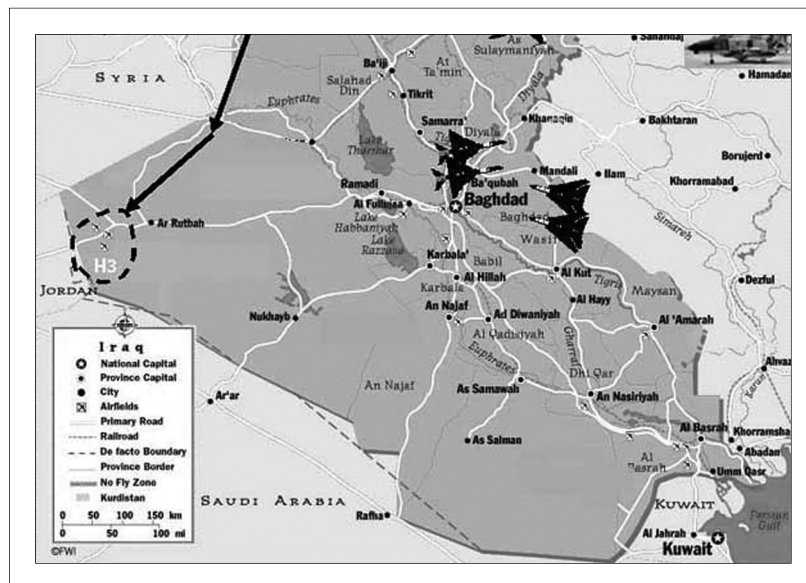
موشک در شهرهایی مانند تهران مساحتی در حدود هزار متر مربع را بیش از ۷۵ درصد تخریب می کرد و تا شعاع ۲۵۰ متر به بناها آسیب می رساند و شیشه ساختمان ها را می شکست.<sup>(۱۴)</sup>

نظر به این که در جریان حمله صدام به

شهرهای مرزی در حدود ۷۵ میلیون نفر از خانه و زندگی خود آواره شدند می توان گفت بیکاری مهم ترین خسارت اجتماعی بود که جامعه را دچار بحران کرد. طبق آمارهای رسمی میزان بیکاری قبل از جنگ ۱۰۱۰۱۲ نفر تخمین زده شده است، در حالی که پس از جنگ این رقم در مناطق جنگی به دو برابر یعنی در حدود ۲۴۱۵۷۶۷ نفر افزایش یافت. نکته دیگر این که اشتغال زنان که قبل از جنگ درصد کمی را به خود اختصاص داده بود با آغاز جنگ و حمله دشمن به شهرها همان میزان نیز از دست رفت و به همین میزان به زنان خانه دار افزوده شد به طوری که نرخ بیکاری زنان

آخرین و حساس ترین  
مراحل جنگ شهری،  
موشک باران تهران بود که  
از اسفند سال ۱۳۶۶ تا  
اردیبهشت سال ۱۳۶۷  
ادامه داشت

چه ضربات سختی را خوردند می توان با انجام یک مقایسه این چنین استدلال کرد: در حوادثی مثل زلزله بم و منجیل مردم آسیب دیده در همان شهرها اسکان یافتند تا خانه های آنان ساخته شد اما در جنگ تحمیلی، مردم شهرهای مرزی از جمله آبادان و خرمشهر و سایر مناطق جنگ زده به غیر از پوشاکی که بر تن کرده بودند هیچ وسیله دیگری از زندگی خود را با



خود نبردند و با مهاجرت به شهرهای دیگر زندگی خود را از نو آغاز کردند. این آغاز زندگی یعنی بر باد دادن تجربیات فراوان بسیاری از شهروندان مهاجر که در زمینه اشتغال و فعالیت تولیدی سال ها آنها را اندوخته بودند اما به دلیل جنگ، مجبور به مهاجرت و انتخاب شغلی شدند که در بسیاری از موارد علاوه بر نداشتن

سنخیت با آن مجبور به انجام آن شده بودند.

اگر بخواهیم آثار اقتصادی مترتب بر جامعه ایران را به دلیل حمله دشمن به شهرها در یک نتیجه گیری کلی بیان کنیم می توان گفت حملات دشمن به شهرها بیش از هر چیز بنیادهای اقتصادی کشور را دچار بحران کرد. پیامد این وضعیت را می توان در موارد زیر جستجو کرد: - وارد شدن خسارات فراوان که بازسازی آن نیازمند صرف هزینه بالایی بود،

- افزایش بیکاری که مهم ترین معضل یک جامعه محسوب می شود،

- خروج سرمایه ها و فرار سرمایه گذاران از کشور،

- مهاجرت بسیاری از نخبگان علمی به کشورهای دیگر، - بیکاری بسیاری از جوانان متخصص و یا کشته شدن آنها در جنگ و ...

خوزستان مثل سایر استان های کشور توسعه یابد. زمان بازسازی، فکری برای بخش اقتصادی مردم نشد در زمان بازسازی شهرهای آبادان و خرمشهر فکری برای بخش اقتصادی مردم نشد، حمله به شهرهای خوزستان باعث شد تجار و کارآفرینان این شهرها مهاجرت کنند و دیگر هیچگاه بازنگردند.» وی ادامه داد: «مشکلات فراوان شهرهای جنوبی استان که در جنگ آسیب های فروانی دیده اند باعث شده هر کس در استان مسئولیت بگیرد، فکر خود را این به شهرها معطوف کند و این عامل باعث فراموشی مزیت های شهرهای دیگر به خصوص شهرهای شمالی استان شد و حالا مشاهده می کنیم که شهرهای شمالی استان نیز به توسعه متناسب نرسیده اند و دچار عقب افتادگی شده اند. به همین علت شهرهای این استان هیچگاه رونق گذشته خود را که در زمینه های کشاورزی و تجارت بود به دست نیاوردند.»<sup>(۱۵)</sup> از این رو هنوز هم حمله صدام به شهرهای ایران مشکلات فروانی را برای این شهرها به همراه می آورد و حل تمامی آنها نیازمند یک پروسه بلند مدت و پر هزینه است.

برای پی بردن به اینکه مهاجرین از لحاظ اقتصادی

### بررسی تبعات روانی ناشی از جنگ شهرها

در اذهان بسیاری از مردم به ویژه زنان و کودکان جنگ، بمباران و آتش سوزی فقط متعلق به جبهه های جنگ است و بسیاری از مردم فقط از طریق فیلم ها شاهد این گونه مسائل بوده اند. اما تقریباً قریب به اکثریت مردم ایران در طول جنگ هشت ساله علی رغم حضور نداشتن در جبهه ها این گونه مسائل را از نزدیک شاهد بوده و لمس کرده اند. جنگ شهرها که به عبارتی جنگ را به خانه ها آورد آثار روانی جبران ناپذیری را در میان تمامی کسانی که در جریان این واقعه بودند به بار آورد. ترس و اضطراب،

استرس، بحران های روحی، انسزوا و افسردگی، شوک و بیماری های عصبی از عمده ترین بیماری ها و مشکلاتی است که در میان مردم آسیب دیده از جنگ شهری دیده شده است.

در طول هشت سال جنگ، کودکان شهرها و

ماهیت این نوع از جنگ  
عبارت بود از داشتن  
تسلیمات پیشرفته یک طرف  
و نداشتن طرف مقابل،  
حمله غافلگیرانه از جانب  
یک طرف و عدم امکان دفاع  
از طرف مقابل

مناطق آسیب دیده های فراوانی را در زمینه های روحی و روانی متقبل شده اند. کودکی را تصور کنید که بی خبر از سیاست و مناسبات قدرت، غرق بازی و هیاهوی کودکی خویش است اما به یکباره با غرش هواپیماهای دشمن، آژیر خطر، وضعیت اضطراری و حتی مرگ نزدیک ترین اطرافیان خود از جمله پدر و مادر مواجه می شود، هر لحظه مرگ را می بیند و دنیای کودکی اش با خون در هم می آمیزد و افراد دور و برش کم کم از صحنه زندگی اش محو می شوند.<sup>(۱۶)</sup> یک روان شناس در این زمینه می گوید: «بسیاری از کودکان شهرنشین که از جنگ شهرها آسیب دیده اند در تنهایی

و بازگو نکردن احساسات زجرآور خود به ورطه آشفتگی روانی می افتند.» وی با اشاره به تأثیر ماندگار فشارهای روحی بر کودکان در طول حملات دشمن به شهرها بر این نکته اذعان دارد که بحران های روحی، کودکی را در چنبره خود می گیرد و در تاریکی های افسردگی محو می کند و برای سالیان متمادی حتی تا آخر عمر آلام و روان پریشی ها را در روح کودک برجای می گذارد. این گونه کودکان در طول سال های جوانی و میانسالی هم در انتظار وقوع حادثه ای تلخ هستند و فقط جنگ می تواند موج آشفتگی را دوباره با ماندگاری جدیدی ایجاد کند. از آنجا که هشتاد درصد شخصیت آدمی در دوران کودکی و زیر شش سال شکل می گیرد کودکان جنگ که خاطراتشان مملو از بمباران ها و سختی هاست و بسیاری از کودکان که در جریان حملات هوایی و زمینی دشمن، دوستان و هم کلاسی های خود را از دست می دهند و به دنبال امنیت از دست رفته خود رویاپردازی فراوان می کنند در چنین محیطی، شخصیت متزلزل خود را می سازند که در نهایت به افرادی همیشه مضطرب و در انتظار وقوع حادثه ای تلخ تبدیل می شوند. این کودکان به دلیل داشتن اعصابی ویران که در اثر وقایع تلخی که با آن مواجه می شوند شکل می گیرد با افت تحصیلی نیز مواجه می شوند. فشارهایی که در اثر دیدن صحنه های وحشتناک بمباران، از دست دادن نزدیکان و دوستان و حتی وحشت تخریب مدرسه ای که در آن درس می خوانده اند به وجود می آید، آثار دهشتناکی را بر شخصیت و روان کودک بر جای می گذارد که گاهی تا آخر عمر با وی باقی می ماند.

مهرانه صالحی که اکنون ۲۷ ساله است در مورد دوران کودکی خود می گوید: «از چهار یا پنج سالگی مجبور به ترک خانه و دیار خود در اهواز شدیم و در اندیمشک نزد اقوام سکنی گزیدیم. دوران کودکی هر کس می تواند شیرین ترین دوران زندگی اش باشد اما

می دهد و از نزدیک شاهد مرگ همسر خود می باشد علاوه بر این که از لحاظ عاطفی دچار نوعی خلاء می شود، به نوعی دچار نوعی احساس تحقیر و سرشکستگی نیز می گردد، زیرا ممکن است مجبور شود برای تأمین نیازهای خانواده خود دست به مشاغلی هم چون دستفروشی بزند که در شأن خود نمی بیند. همین تحقیر، سرشکستگی و انزوای



زن، موجبات بیماری های روانی فراوانی می شود که کودکان خانواده نیز از آن مبرا نخواهند ماند. خودکشی نیز یکی از تبعات روانی این گونه جنگ ها محسوب می شود که به علل متفاوتی رخ می دهد عواملی از جمله: بیکاری، از دست دادن اعضای خانواده و تنهایی، جدایی والدین، از دست دادن دوستان، احساس پوچی، مهاجرت اجباری، ترس و وحشت و ... ایجاد بیماری های روحی روانی از جمله افسردگی، جنون، اضطراب، درون گرایی مفرط از تبعات این نوع جنگ ها محسوب می شود که به تبع خود موجب بروز مشکلات دیگری از جمله افت تحصیلی، ترک تحصیل، شکوفا نشدن بسیاری از استعدادها و محروم شدن جامعه از آن و دست دادن این احساس به فرد که بی مصرف و بی فایده است می باشد. در این زمینه حجازی، استاندارد خوزستان، تأکید می کند: «در میزان قبولی در کنکور، یک سال قبل از جنگ، خوزستان در رتبه دوم بود اما اکنون در رده بیست و چهارم است که البته سال های قبل این رتبه نازل تر هم بود و این افت باعث شد ما برای تأمین نیروهای متخصص برای پروژه های استانی با مشکل مواجه و نیازمند نیروهای غیربومی سایر

تمام هم نسلان و همشهری های من این دوره را در اضطراب به سر بردند. احساس امنیت، احساس گم شده ماست. افت تحصیلی بالا به دلیل تعویض مداوم مدرسه اجتناب ناپذیر بود. در کلاس، در تمام مدت منتظر آژیر خطر بودیم و در یک اضطراب دائم قرار داشتیم».<sup>(۱۷)</sup> علاوه بر کودکان، زنان و حتی مردان درگیر در جنگ شهرها نیز از تبعات و فشارهای روانی ناشی از این جنگ در امان نمانده اند. فشارهای روانی وارده بر بسیاری از خانواده ها به دلیل بمباران های هولناک، از دست دادن اعضای خانواده و دوستان و آشنایان و تخریب خانه ها، لطمات روانی فراوانی را سبب شده است که در بسیاری از موارد جبران ناپذیر است. کسی که در جریان یک بمباران تمام اعضای خانواده خود را از دست می دهد علاوه بر اینکه یک شوک عصبی را متحمل می شود به نوعی دچار خلاء عاطفی و افسردگی و انزوا نیز می گردد و از این جهت که احساس می کند در این دنیا تنها مانده گاهی تا مرز جنون نیز پیش می رود و یا به انزوا و افسردگی مبتلا می شود یا دچار روان پریشی و بیماری های عصبی جبران ناپذیری می شود. زنی که در نتیجه جنگ شهرها، همسر خود را از دست

مدارس و مراکز آموزشی، حمله به مراکز فرهنگی، مذهبی و وسایل ارتباط جمعی و رسانه ای خسارت بالایی را به لحاظ فرهنگی تحمیل نمود. در جدول ۳ آمار مربوط به حملات دشمن به مراکز فرهنگی و ارتباطی سراسر کشور آورده می شود.

مشکل دیگر از بعد فرهنگی که با بعد اقتصادی و اجتماعی رابطه تنگاتنگی داشت، ناهماهنگی فرهنگی بین مهاجرین و بومیان شهرهای مهاجرپذیر بود. این ناهماهنگی دلایل متعددی دارد و از آن جمله می توان به این نکات اشاره کرد: سطح انتظارات مهاجرین را تغییر داد و الگوها و گرایش های جدید در بین آنها ایجاد کرد به گونه ای که بخش قابل توجهی از مهاجرین حاضر نبودند مانند گذشته و با سبک و سیاق قبلی خود زندگی کنند به همین دلیل این گروه به بازگشت به موطن اصلی خود تمایل نشان نمی دادند که این مساله بیش از همه بین جوانان دیده می شد.<sup>(۲۰)</sup> همین مساله باعث بروز مشکلاتی از قبیل تمرکز جمعیت در یک نقطه و افزایش بیکاری گردید که از لحاظ فرهنگی زمینه ساز مشکلات

استان ها شویم که این خود پایه گذار بیکاری جوانان استان و افزایش بی رویه مهاجرت به استان شد. این مساله حاکی از تأثیر شگرف جنگ بر افت تحصیلی است.<sup>(۲۱)</sup>

همچنین اجتماعی نشدن، روی آوردن به جایگزین های غیرمجاز برای پرکردن تنهایی از جمله مواد مخدر و مشروبات الکلی که در بسیاری از موارد به دلیل ترس از حملات دشمن و یا از دست دادن عزیزی که موجب خلاء عاطفی در فرد می شود رخ می دهد از مسائل اجتناب ناپذیر افراد ساکن در این گونه شهرهاست. بسیاری از شهروندان ما، به خصوص بسیاری از جوانان، که برای تسکین دردها و آلام روحی و عاطفی خود به سمت اعتیاد رفتند زندگی خود را در این راه فنا کردند و حتی با تأثیر بر کودکان خود، نسل بعد را نیز از این حملات خانمان سوز متأثر کردند.

### تبعات فرهنگی جنگ شهرها

حمله دشمن به شهرهای ایران علاوه بر خسارات ذکر شده، از لحاظ فرهنگی نیز خسارات جبران ناپذیری را موجب شد که جبران آن زمان و هزینه گزافی را می طلبد و در بسیاری از موارد جبران ناپذیر است. در بعد فرهنگی، تخریب کتابخانه ها، مدارس، خانه های فرهنگ، سینماها، از بین رفتن چندین ایستگاه رسانه ای و ارتباط جمعی، کشته شدن اهل قلم و از بین رفتن مجامع فرهنگی از دیگر آثار اجتناب ناپذیر این گونه حملات دشمن به شهرها محسوب می شود. حمله به

جدول ۳) تعداد دفعات حمله و تلفات جانی وارد آمده بر برخی نقاط مهم کشور از جمله مراکز ارتباطی و فرهنگی<sup>(۱۹)</sup>

| مراکز تهاجم          | تعداد حملات | تلفات جانی | درصد نسبی | میانگین |
|----------------------|-------------|------------|-----------|---------|
| مراکز مسکونی         | ۳۸۵۸        | ۵۸۰۶۴      | ۷۵/۶      | ۱۵/۰۷   |
| مراکز حمل و نقل      | ۹۷          | ۵۳۹        | ۰/۷       | ۵/۵۶    |
| مراکز دولتی و سیاسی  | ۲۴          | ۳۸۸        | ۰/۵       | ۱۶/۱۷   |
| مراکز خدماتی آموزشی  | ۴۶          | ۲۴۲۴       | ۳/۲       | ۵۲/۷۰   |
| مراکز بین المللی     | ۱           | ۳۰         | ۰/۰       | ۳۰/۰    |
| مراکز ارتباطات       | ۲۵          | ۱۵۹        | ۱/۲       | ۳/۳۶    |
| مراکز مذهبی و فرهنگی | ۲۸          | ۸۴۸        | ۱/۱       | ۳۰/۲۹   |

به تمرکز موزه‌ها در آن مشکل جدی را برای حفاظت و نگهداری اشیای تاریخی به وجود آورد. کاخ موزه مربوط به دوره قاجار که از حیث معماری ارزش فوق العاده‌ای دارد و حاوی هزاران شی ارزشمند است با توجه به قرار گرفتن در مرکز شهر و بازار بارها در معرض خطر جدی قرار گرفت و قسمت‌هایی از آن خسارت دید. علاوه بر این، در نتیجه تجاوز عراق، علاوه بر خسارت مستقیمی که به میراث فرهنگی ایران وارد آمد خسارات غیر مستقیمی نیز متوجه میراث فرهنگی کشورمان گردید که از آن جمله، قاچاق عتیقه

و بسیاری از آثار ارزشمند فرهنگ ایرانی بسود که به دلیل سودجویی افراد فرصت طلب انجام می‌شد که از فرصت به دست آمده جهت ارضای انگیزه‌های سودجویانه خود بهره برده و بسیاری از آثار فرهنگی و تمدنی ایران را از کشور خارج نمودند.<sup>(۳۳)</sup>

### جنگ شهرها آثار روانی جبران ناپذیری را در میان تمامی کسانی که در جریان این واقعه بودند به بار آورد

در بعد فرهنگی می‌توان سه قسمت مجزا را که از رهگذر جنگ شهرها آسیب دید مورد بررسی قرار داد: در قسمت اول، مکان‌های فرهنگی از جمله کتابخانه‌ها و سینماها، و همچنین حاملان فرهنگی مثل وسایل ارتباط جمعی و اهل قلم قابل ذکرند که به دلیل آسیب‌هایی که در این نوع جنگ دیدند ضربات جبران ناپذیری بر پیکره فرهنگ این مرز و بوم وارد آمد. قسمت دوم شامل ارتباطات فرهنگ و فرهنگ عامه مردم است که در حملات دشمن به مناطق شهری و روستایی و اجبار بسیاری از مردم به مهاجرت، نوعی

متعدد دی شد، همچون: برخوردهای فرهنگی، ناهنجاری‌های فرهنگی، آشفتگی فرهنگی، بحران فرهنگی، عدم تجانس فرهنگی، ناسازگاری فرهنگی و تضاد فرهنگی.<sup>(۳۴)</sup>

علاوه بر این، دشمن متجاوز بر خلاف مقررات و قوانین بین‌المللی به بمباران و موشک باران مساجد، مدارس، تکایا و بافت قدیم شهرها اقدام نمود. از بعد میراث فرهنگی که ایران میراث‌دار غنی‌ترین آثار و بقایای تاریخی است و این آثار آینه تمام‌نمای فرهنگ ایرانیان محسوب می‌شد نیز خسارات قابل توجهی وارد شد. آبادان زیر شلیک توپ‌ها و موشک‌های دشمن قرار گرفت و موزه آن که حاوی آثار نفیسی بود به شدت آسیب دید. شهر دزفول با تمام ارزش تاریخی خود هدف ده‌ها موشک زمین به زمین قرار گرفت و بیش از ۵۰ درصد بافت قدیمی آن به شدت نابود شد. قصر شیرین به اشغال دشمن درآمد و به چهار طاقی مربوط به دوره ساسانی آن آسیب‌های غیرقابل جبرانی وارد شد. محوطه باستانی شوش، مقبره دانیال نبی و موزه شوش مورد اصابت گلوله قرار گرفت. در حملات هوایی و موشکی عراق به شهرهای باختران، همدان، ارومیه، بروجرد و دیگر شهرهای تاریخی خسارات جدی به مراکز فرهنگی و تاریخی آنها شد. در اثر حملات هوایی دشمن به شهر تاریخی اصفهان، مهم‌ترین بخش تاریخی شهر، حسینیه شیخ الاسلام، مسجد آقانور، مسجد حاج محمد جعفر آباده‌ای، مسجد سید، مسجد خان و از همه مهم‌تر مسجد جامع اصفهان که دایره‌المعارف معماری اسلامی است، خسارات جدی وارد شد.<sup>(۳۵)</sup> در همین راستا حمله به شهر مقدس قم و صدمه به اطراف حرم مطهر و بازار شهر و حمله به شهر تاریخی بروجرد و اصابت راکت‌های متعدد به اطراف مسجد جامع آن که مربوط به قرن چهارم هجری است، قابل ذکر است. حملات هوایی و سپس حملات موشکی به شهر تهران، با توجه

بسیاری از شهروندان مورد حمله با آن درگیر بودند. مهاجرت گسترده مردم شهرهای مرزی ایران به مناطق مرکزی و شمالی کشور، موجبات بروز مشکلات متعددی را فراهم آورد که از جمله آن می توان به مسایلی همچون: حاشیه نشینی، روی آوردن به مشاغل کاذب، ایجاد تضاد و درگیری بین بومیان شهری و مهاجرین، تمرکز جمعیت و ناکافی بودن امکانات شهرها برای پاسخگویی به نیاز مهاجرین اشاره کرد. اگرچه این سیل مشکلات با پایان گرفتن بمباران مناطق مسکونی و غیرنظامی تا حدودی متوقف شد و زمینه لازم برای حل مشکلات فراهم شد، اما این تبعات به نوبه خود زمینه ساز مشکلات اجتماعی دیگری شد که تامت ها ادامه یافت. از جمله این مشکلات می توان به مسایلی همچون، عدم شکوفایی استعداد بسیاری از جوانان به دلیل مشکلات ناشی از جنگ و محروم شدن کشور از استعداد های آنان، فرار بسیاری از جوانان باهوش و حتی سرمایه گذاران به دلیل نبود امکانات و امنیت که در بلند مدت تأخیر در توسعه کشور را موجب گردید و همچنین عدم توسعه شهرهایی که بیشتر مورد حمله قرار گرفتند و تمرکز جمعیت در شهرهای مهاجرپذیر به ویژه شهر تهران اشاره کرد.

در بعد اقتصادی نیز جنگ شهرها تبعات کوتاه مدت و بلند مدت زیادی را بر جای گذاشت: بیکاری، تورم، شکاف طبقاتی، فقر، عدم امکان سرمایه گذاری های مولد، خروج سرمایه های فراوان به دلیل فقدان امنیت و مصرف گرایی از جمله آثار کوتاه مدتی بود که پس از حمله دشمن به بسیاری از مناطق صنعتی، کشاورزی، دامداری و همچنین سکوها نفتی ایران دامنگیر کشور گردید. این تبعات کوتاه مدت زمینه ساز آثار بلند مدتی گردید که تا مدت ها اقتصاد کشور را درگیر خود نمود. به عنوان مثال، هزینه ای که می بایست صرف توسعه اقتصادی کشور می شد می بایست صرف بازسازی مناطق صنعتی آسیب دیده از

تضاد فرهنگی را موجب گردید که در بسیاری از موارد موجب ایجاد درگیری بین افراد بومی و مهاجرین گردید. اگرچه بسیاری از این اختلافات به دلایل اقتصادی و یا اجتماعی رخ می داد اما ریشه اکثر آنها دوگانگی و تضاد فرهنگی بین این دو گروه ضربه خورده از این نوع جنگ بود.

قسمت آخر که در بعد فرهنگی قابل ذکر است میراث فرهنگی کشور بود که مهم ترین بخشی بود که از جنگ شهرها ضربه خورد تا جایی که حتی مجامع بین المللی نیز نتوانستند در مقابل آن سکوت نمایند و نسبت به تجاوز به آن واکنش نشان دادند.

### نتیجه گیری

بررسی جنبه های گوناگون جنگ هشت ساله ایران و عراق و شناخت مسایل پیدا و پنهان آن مستلزم بینشی دقیق است، به خصوص اگر به دنبال آشکار کردن زوایای تاریکی از یک جنگ باشیم که کمتر آن را مورد بررسی قرار داده اند و تنها شاهدان ما از آن سال ها کتب، مقالات و خاطرات کسانی باشد که در آن درگیر بوده اند. اگرچه برخی از آثار حملات صدام به شهرهای ایران، هنوز هم بر جای مانده است مانند آنچه که استاندار خوزستان بر آن تأکید دارد و توسعه نیافتگی و بیکاری جوانان این استان را ناشی از دوران جنگ می داند، لیکن بررسی این واقعه از بطن خود و آثاری که بلافاصله بعد از وقوع، بر جای گذاشت ما را بهتر با تبعات بلند مدت آن آشنا می سازد.

با بررسی های انجام شده می توان در چهار حوزه مطرح شده آثار و تبعات جنگ شهرها را مشاهده نمود. در بعد اجتماعی تجاوزات صدام وقایعی را برای بسیاری از خانواده های ایرانی رقم زد که بسیار ناگوار بود. مهاجرت گسترده، فقر، بی سرپرست شدن بسیاری از خانواده ها، فروپاشی کانون بسیاری از خانواده ها، عدم ثبات، دزدی، اعتیاد و ... از جمله مسایلی بود که



ذکر دیگر اینکه همه این ابعاد با یکدیگر در ارتباط متقابل هستند. به عنوان مثال، مهاجرت اجباری ساکنان شهرهای مرزی به دیگر شهرها، بروز مشکلات اقتصادی فراوانی از جمله بیکاری و فقر را موجب گردید که همین مشکلات اقتصادی در بسیاری از موارد زمینه ساز بیماری های روانی فراوان از جمله استرس، انزوا و ... گردید. همچنین همین مشکلات روانی و اقتصادی زمینه ساز مشکلات اجتماعی فراوانی نظیر دزدی، سرقت، طلاق و یا مشکلات فرهنگی از جمله تضاد فرهنگی گردید.

در هر حال، تبعات جنگ شهرها در ایران بسیار گسترده است تبعاتی که برای برطرف کردن آن، علاوه بر اینکه باید هزینه فراوان و زمان طولانی را صرف کرد باید اعتراف کرد که برخی از آنها نیز غیر قابل جبران است. مواردی همچون از دست رفتن عزیزی و یا فروپاشی کانون خانواده ای و یا تخریب یک اثر باستانی حتی در صورت بازسازی و مرمت آن.

#### یادداشت ها

۱. حمیرا حیدریان، «جنگ شهرها تاریخ از یاد نمی برد»، نشریه مدیر عامل ایرانا، اسفند ۱۳۸۵، ص ۱.
۲. میلتون بافینگتون، «موارد نقض حقوق بین الملل در جنگ ایران و عراق»، مجموعه مقالات ارایه شده در کنفرانس تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، تهران: انتشارات سپهر، جلد اول، چاپ اول بهمن ۱۳۶۸، صص ۳۱۹-۳۲۰.
۳. موسی کاظمی، «تحلیل آماری جنگ شهرها از تهاجم ارتش عراق به ایران تا آتش بس»، برگرفته از کتاب تأملی در جنگ ایران و عراق چند مساله راهبردی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، زمستان ۱۳۸۰، صص ۱۵۹-۱۶۰.
۴. صفت اله طاهری شمیرانی، «حمله به مناطق مسکونی و افراد غیر نظامی»، انتشارات دانشگاه شیراز؛ برگرفته از کتاب مجموعه مقالات دومین گردهمایی دانشگاه شیراز پیرامون نقش پژوهش در بازسازی، ۱۳۶۷، ص ۱۴۷.

این حملات می شد و این امر توسعه اقتصادی کشور را تا چند سال به تأخیر انداخت. همچنین، بیکاری بسیاری از کشاورزان ضربه دیده از دشمن که مجبور به مهاجرت به شهرها گردیده اما حرفه دیگری را نمی دانستند موجب افزایش بیکاری، افزایش جمعیت، فقر و حاشیه نشینی گردید که این مسایل، زمینه ساز بروز مشکلات متعدد اجتماعی و روانی گردید.

در بعد روان شناختی نیز می توان بسیاری از استرس ها، ناکامی ها و ترس های مفرط کنونی در جوانان کشور را معلول بمباران هایی دانست که دوران کودکی این جوانان کنونی را مشوش نمودند. اگرچه بسیاری از افراد بعد از حمله دشمن به شهرشان از بعد روانی ضربه سختی خوردند، اگرچه بسیاری از آنها به یک اضطراب دائمی مبتلا شدند، یا یک شوک عصبی را از سر گذراندند و یا برخی که بسیار غافلگیر شده بودند تا مرز دیوانگی پیش رفتند اما نباید فراموش کرد بسیاری از همان افراد اکنون نیز در جامعه مشکل دارند، بسیاری از آنها هنوز هم منتظر وقوع یک اتفاق تلخ هستند و یا به دلیل مشکلاتی که داشته اند فرزندان و اطرافیان خود را نیز متأثر نموده اند و همین مساله بخش بزرگی از جامعه را درگیر خود کرده است.

از بعد فرهنگی نیز همان طور که مطرح شد تبعات به بار آمده از این نوع جنگ در بسیاری از موارد جبران ناپذیر بوده است. ویرانی یک بنای تاریخی حتی در صورت بازسازی آن، ویرانی یک کتابخانه حتی در صورت جایگزین کردن آن و کشته شدن یک شاعر، نویسنده و یا فیلمنامه نویس، ضربات جبران ناپذیری را بر فرهنگ کشورمان به دنبال داشته است. در نتیجه می توان گفت که علاوه بر بعد سیاسی که در متون نظامی به آن پرداخته شده، جنگ شهرها از چهار بعد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روان شناختی نیز دارای آثار و تبعاتی برای ایران بوده که این آثار هم در کوتاه مدت و هم در بلند مدت قابل مشاهده است. نکته قابل

۲۱. لهسایی زاده، پیشین، ص ۲۱۳.
۲۲. سید احمد موسوی، میراث فرهنگی و جنگ تحمیلی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۰، صص ۶-۷.
۲۳. مهدی حجت، "جنگ تحمیلی و میراث فرهنگی"، بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، مجموعه مقالات ارایه شده در کنفرانس تجاوز و دفاع، تهران: انتشارات سپهر، جلد دوم، چاپ اول ۱۳۶۸، ص ۳۷۵.
۵. رئیس، علی اکبر: "جنگ شهرها" (۳۸ خرداد ۸۸) [www.dsirc.ir](http://www.dsirc.ir)
6. CHARLES P. WALLACE, Cities war' Truce Apparently in Effect After Fierce Iraqi Pounding of Iran targets, (2 jun 2009) [http://articles.latimes.com/news/mn-831\\_1\\_iraqi-cities](http://articles.latimes.com/news/mn-831_1_iraqi-cities).
۷. محمد رضا غفوری، "جنگ شهرها"، روزنامه آفتاب یزد، مهر ۱۳۸۰.
۸. یحیی فوزی، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، جلد دوم، ۱۳۸۴، ص ۵۷.
۹. عزت اله نودری و شاپور میلان، "مهاجرت اجباری بر اثر جنگ تحمیلی"، برگرفته از کتاب مجموعه مقالات دومین گردهمایی دانشگاه شیراز پیرامون نقش پژوهش در بازسازی، بهمن ۱۳۶۸، ص ۲۲۶.
۱۰. عبدالعلی لهسایی زاده، "جنگ و مهاجرت: بررسی نظری وضعیت مهاجرین جنگی"، برگرفته از کتاب مجموعه مقالات دومین گردهمایی دانشگاه شیراز پیرامون نقش پژوهش در بازسازی، بهمن ۱۳۶۷، ص ۲۱۴.
۱۱. کاظمی، پیشین، ص ۶۹.
۱۲. علی شرزه ای و محمد علی قطمیری، تحلیل برخی از اثرات جنگ بر اقتصاد ایران و نتایج آن در امر بازسازی، انتشارات دانشگاه شیراز؛ برگرفته از کتاب مجموعه مقالات دومین گردهمایی دانشگاه شیراز پیرامون نقش پژوهش در بازسازی، بهمن ۱۳۶۸، ص ۱۸۵.
۱۳. غفوری، پیشین، ص ۱.
۱۴. فخری جمشیدی، "بیکاری و تبعات آن در میان مهاجرین جنگ تحمیلی"، نشریه کار و جامعه، آذر ۱۳۸۰، ص ۳.
۱۶. شهرزاد هاشمی، کودکی گمشده در جنگ: نگاهی به تأثیر جنگ هشت ساله بر کودکان، نشریه کارگزاران، خرداد ۱۳۸۶، ص ۱.
۱۷. هاشمی، همان.
۱۹. کاظمی، پیشین، صص ۱۶۹ و ۱۷۲.
۲۰. جمشیدی، پیشین، ص ۴.





به بقای رژیم پهلوی نیست و شاه باید تسلیم نظرات رهبران انقلاب شود.<sup>(۱)</sup>

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مناسبات سیاسی بین دو کشور در سطح سفارت برقرار بود و جمهوری اسلامی اولین سفیر خود بنام شمس الدین امیرعلایی را به فرانسه اعزام داشت. وی در خرداد ماه ۱۳۵۸ توسط والرئیسکارستن، رئیس جمهور وقت فرانسه، در کاخ الیزه به

حضور پذیرفته شد و استوارنامه خود را تسلیم کرد. در این دوره فرانسه هنوز از مواضع قطعی جمهوری اسلامی ایران در زمینه سیاست خارجی آگاه نبود و با توجه به حضور دولت موقت، احتمال اتخاذ مواضع تند انقلابی را از طرف ایران نمی داد. اما حمایت فرانسه از عوامل ضدانقلاب در این کشور، موجب شد که روابط دو کشور در تیر ماه ۱۳۵۹ به سطح کاردار تنزل یابد. از سوی دیگر تصمیم شورای انقلاب به ملی کردن بخش عمده ای از صنایع که بعضاً با سرمایه خارجی برپا شده بود، مخالفت و واکنش محافل اقتصادی فرانسه را برانگیخت. دولت ایران به صورت یک جانبه بسیاری از قراردادهای در زمینه تجهیزات اتمی، صنایع سنگین، اتومبیلهای سواری و مبادلات کشاورزی با فرانسه را لغو کرد و پاره ای از شرکت های فرانسوی که از این اقدام متضرر شده بودند به دادگاه های این کشور شکایت کردند.

مواضع دولت فرانسه در قبال کشورمان پس از آگاهی از سیاست خارجی انقلابی جدید جمهوری اسلامی در خصوص نفی کامل و بدون قید و شرط سلطه آمریکا و هم پیمانانش بر کشور، تکیه بر شعار نه شرقی - نه غربی، پشتیبانی از حرکت های اسلامی و آزادیبخش و

دوستی با ملت های مستضعف، دستخوش تغییراتی شد. اگر چه میزبانی کوتاه فرانسه از امام خمینی (ره) در ماههای پایانی رژیم پهلوی می توانست، زمینه ساز روابط دوستانه و متفاوت با دیگر کشورهای غربی میان ایران و این کشور باشد، اما سیاست فرانسه در جریان جنگ تحمیلی و حمایت این کشور از صدام از آغازین روز جنگ، روابط دو کشور را در مسیری متفاوت قرار داد.

آغاز روابط گسترده عراق و فرانسه به سال ۱۹۷۶ میلادی باز می گردد. در آن سال، صدام حسین ضمن بازدید از فرانسه موفق شد قراردادهای متعددی از جمله، در زمینه تأسیس راکتور اتمی در عراق و تجهیز این کشور به فناوری و کارشناسان اتمی (که در جای خود به تفصیل به آن اشاره خواهد شد) و همچنین نظارت فرانسه بر ایجاد متروی بغداد و غیره به امضا برساند. رژیم عراق با موفقیت در ایجاد ثبات داخلی و نیز در زمینه های اقتصادی به تدریج در صحنه بین المللی به ویژه در میان کشورهای عربی برای خود اعتبار و پرستیژ ایجاد می نمود. در این هنگام رهبری عراق در صدد بود روابط خود را به موازات روابط با شوروی با کشورهای غربی نیز گسترش دهد تا از وابستگی اش به شوروی بکاهد و

مقابل ایران نیستیم».<sup>(۲)</sup>

هدف اصلی مقاله حاضر پاسخ به این پرسش است که با توجه به روابط دوستانه فرانسه و ایران در اوایل انقلاب، همکاری فرانسه با عراق در جنگ چگونه قابل ارزیابی است؟ در این راستا سعی بر این است این فرضیه را که چون در محیط بین المللی اجماعی در جهت منزوی ساختن و جلوگیری از قدرتمند شدن ایران در منطقه به وجود آمده بود، فرانسه نیز موضعی در همین جهت و در حمایت از عراق در پیش گرفت، مورد آزمون قرار دهیم. مواضع و عملکرد فرانسه در جنگ ایران و عراق در

چند مرحله از جنگ و تحولات برجسته این جنگ و یا روابط هر یک از این دو کشور با فرانسه قابل بررسی است که در زیر به اختصار تشریح می شود.

### مواضع فرانسه در قبال آغاز جنگ، مرحله اول جنگ (۱۳۵۹)

دولت عراق که پیشاپیش

نقشه های وسیعی برای تهاجم به ایران داشت، به زمینه سازی دیپلماتیک نزد کشورهای اروپای غربی پرداخت. در ماه ژوئن ۱۹۸۰ (تیرماه سال ۱۳۵۹) یعنی دو ماه پیش از آغاز جنگ، سعدون حمادی، وزیر امور خارجه عراق، از پاریس دیدار کرد و دو دولت نظرات مشترک شان را در خصوص مسایل خاورمیانه و توافق دو کشور برای نگه داشتن منطقه خلیج فارس از درگیری های بین المللی اعلام کردند. با آغاز تهاجم نیروهای عراقی به خاک ایران، سفرهای سیاسی دولتمردان عراقی به فرانسه بیشتر شد. در سوم مهرماه سال ۱۳۵۹ سخنگوی ریاست

موقعیت بهتری را برای ایفای نقش موثر منطقه ای فراهم آورد. این تمایل عراق با هدف فرانسه مبتنی بر تقویت حضور خویش در منطقه خلیج فارس هماهنگی داشت. نزدیکی فرانسه به عراق با هدف تضمین جریان نفت و دسترسی به بازارهای پرمصرف منطقه صورت می گرفت. به علاوه از نظر سیاسی نیز نزدیکی فرانسه به عراق حضور کشورهای غربی را در کشوری که آشکارا به اتحاد شوروی وابسته بود تقویت می کرد.<sup>(۳)</sup>

نزدیکی عراق به فرانسه را این گونه می توان تحلیل کرد، که فرانسه با ارایه چهره مستقل از سیاست خارجی خود در زمینه مسایل بلوک غرب، می توانست به خوبی نقش واسطه را در نزدیک شدن عراق به غرب ایفا کند. از سوی دیگر، دولت عراق تمایل داشت ضمن حفظ روابط با شوروی (سابق)، از فن آوری و مزایای غرب نیز بی بهره نماند. در این راستا، واردات تجهیزات نظامی عراق از شوروی از ۹۵ درصد در سال ۱۹۷۲ به ۶۳ درصد در سال ۱۹۷۹ کاهش یافت. این درحالی بود که طی سال های ۱۹۷۸-۱۹۷۹ واردات تجهیزات نظامی عراق از فرانسه بالغ بر ۲/۲ میلیارد دلار بود و در سال های بعد نیز افزایش چشم گیری پیدا کرد.<sup>(۴)</sup>

تهاجم ارتش عراق به ایران و آغاز جنگ در ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹، زمینه همکاری تسلیحاتی عراق و فرانسه را افزایش داد. تحلیل کشورهای غربی و فرانسه بر این پایه استوار بود که پیروزی ایران بر عراق جغرافیای سیاسی منطقه را دگرگون نموده و علاوه بر اینکه حیات سیاسی رژیم های منطقه را در معرض نابودی قرار می دهد، خسارات جبران ناپذیری نیز بر منافع غرب وارد می سازد، به طوری که تعادل نیروها در خاورمیانه بر هم می خورد. بنابراین تحمل چنین وضعی به هیچ وجه در جهت منافع غرب نبود. در این مرحله، فرانسوا میتران، رئیس جمهور وقت فرانسه، اعلام نمود که سیاست کشورش ایجاد موازنه بین دنیای عرب و فارس می باشد و تأکید نمود که: «ما حاضر به مغلوب شدن عراق در

نزدیکی فرانسه به عراق  
با هدف تضمین جریان نفت  
و دسترسی به بازارهای  
پرمصرف منطقه  
صورت می گرفت

نظامی برای مقابله با ایرن یادآوری کرد و موافقتنامه‌ای بین طرفین امضا گردید. طارق عزیز بعد از این دیدار در مصاحبه با روزنامه لوموند با توصیف وضعیت عراق اعلام کرد: «ما از این پس قوی تر و متحدتر خواهیم بود و اگر جنگ ادامه پیدا کند، کنترل دولت مرکزی ایران بر مناطق مختلف تضعیف خواهد شد و می توان حدس زد که در آن صورت چه خواهد شد.»<sup>(۶)</sup> در طول سه ماه اول جنگ، طارق عزیز دوبار به پاریس رفت و در جریان سفر دوم در ۱۴ آبان ماه ۱۳۵۹، در مورد تحویل ۶۰ فروند جنگنده بمب افکن میراث f-1 که به تعویق افتاده بود با رئیس جمهور فرانسه مذاکره کرد. در پی این دیدار در دوم فوریه ۱۹۸۱ عراق فاش ساخت اولین محموله شامل ۴ فروند میراث سفارش شده طی قرارداد ۱۹۷۷ را از فرانسه دریافت کرده است.<sup>(۷)</sup>

همچنین پس از این دیدار، والرئ ژیسکاردستن ضمن انتقاد از موضع آمریکا و تمجید از موضع فرانسه اعلام کرد: «آمریکا از ایران حمایت نموده که با این عمل به طولانی تر شدن جنگ کمک می کند، فرانسه مایل به حل مسالمت آمیز جنگ است و این همان راهی است که عراق از آن پیروی می کند.» گسترش مناسبات عراق و فرانسه بازتاب گسترده‌ای داشت. وال استریت ژورنال در مورد روابط دو کشور عراق و فرانسه نوشت: «فرانسه که به نفت عراق متکی است، در سال اخیر با دقت و توجه زیادی موفق به جلب دوستی بغداد شده و ظاهراً سفارش های بیشتری برای میلیاردها دلار اسلحه و مهمات نظامی اخیراً از این کشور عربی دریافت داشته است.» همچنین روزنامه اکسپرس چاپ لندن در مورد ماهیت تلاش های فرانسه مبنی بر واگذاری تجهیزات به عراق نوشت: «پاریس سعی دارد از روشی پیروی کند که به او اجازه دهد قدمی در راه صلح بردارد اما دلایل عراق برای اجرای خواسته هایش از جانب فرانسه فوق العاده مهم است» در واقع فرانسه با برخورداری از شرایط لازم برای بدست گیری ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق با

جمهوری فرانسه در خصوص جنگ ایران و عراق اظهار داشت: «ریشه این اختلاف کاملاً دو جانبه است و دولت فرانسه شدیداً نسبت به عواقب این رویارویی نگران است و خواستار حل اختلاف از راه های سیاسی است.» دولت فرانسه از همان ابتدای جنگ به طور آشکار حمایت خود را از اقدام عراق در حمله به ایران اعلام نمود. نخست وزیر فرانسه در ۷ مهرماه سال ۱۳۵۹ در واکنش به حمله عراق اظهار داشت: «عراق هیچ کاری نمی کند جز بازپس گرفتن خاک خود.» وی میانجیگری فرانسه میان ایران و عراق را رد کرد و اظهار داشت: «فروش سلاح در

چارچوب همکاری موجود میان فرانسه و عراق صورت می گیرد و عراق برای بدست آوردن سرزمین هایش طبق معاهده ۱۹۷۵ که ایران آن را تصرف کرده می جنگد.»<sup>(۵)</sup>

بعد از آغاز جنگ، شوروی بزرگ ترین تأمین کننده تسلیحاتی

عراق، اقدام به قطع ارسال محموله های نظامی به این کشور نمود. به دنبال قطع ارسال تجهیزات نظامی شوروی به عراق، عراق تلاش بسیاری برای تأمین نیازهای نظامی خود از دیگر کشورها نمود. در واکنش به این اقدام شوروی، صدام در دومین اجلاس عادی مجلس ملی عراق در تاریخ ۱۳/۸/۱۳۵۹ اظهار داشت: «دوستانی در جهان داریم که می توانیم از آنها اسلحه و قطعات یدکی بدست آوریم.» بلافاصله بعد از این اظهارات طارق عزیز، معاون وزیر خارجه عراق، عازم فرانسه شد و در دیدار با رئیس جمهور این کشور، نیاز عراق را به جنگنده های بمب افکن و سایر تجهیزات

از نظر سیاسی،  
نزدیکی فرانسه به عراق  
حضور کشورهای غربی را  
در کشوری که آشکارا به  
اتحاد شوروی وابسته بود  
تقویت می کرد

توجه به موقعیت نامناسب آمریکا و شوروی در این زمینه و همچنین تلاش های جدید خود در فروش تجهیزات نظامی به عراق و کمک به راه اندازی تأسیسات هسته ای می توانست میدان مانور و موقعیت مناسبی را بدست آورد.<sup>(۸)</sup>

بعد از این دیدار، فرانسه اعلام کرد که ارسال تسلیحات سفارش داده شده از جمله بخشی از معامله تسلیحاتی ۷۶ میلیارد دلاری عراق با فرانسه شامل ۶۰ فروند جنگنده میراژ، رادار، موشک های هوا به هوا و هوا به زمین، تسلیحات ضد تانک را ادامه خواهد داد. فرانسه همچنین موافقت کرد که این سفارش ها را گسترش دهد تا موشک های سطح به هوا را در بر گیرد و محموله های هلیکوپتری و توپخانه ای را تسریع کند.<sup>(۹)</sup> همچنین در سپتامبر ۱۹۸۰ نیز مذاکره بر سر تحویل ۱۵۹ فروند هواپیمای آلفاجت بین فرانسه و عراق آغاز شد و قراردادهای جدید فروش اسلحه منعقد گردید. همچنین در نوامبر آن سال ۶۰ فروند میراژ F-1 به عراق تحویل گردید.<sup>(۱۰)</sup> این در حالی است که ایران در ابتدای جنگ، قرارداد خرید ۳ ناوچه موشک انداز را با فرانسه امضا کرده بود اما به علت وضع مجازات های اقتصادی به وسیله بازار مشترک اروپا، ناوچه های مزبور در بندر «شرزبورگ» فرانسه توقیف بودند. به دنبال تحویل ۴ فروند هواپیمای میراژ F-1، سفارت ایران در پاریس طی اعلامیه ای اقدام دولت فرانسه دایر بر حمایت از عراق را محکوم کرد. در این بیانیه آمده بود: «با تأسف اطلاع یافتیم که وزارت خارجه فرانسه با تحویل ۴ فروند هواپیمای میراژ به عراق موافقت نموده است. تصور این مطلب که فرانسه کشوری است که رهبران آن در هر فرصتی دم از احترام به آزادی، دموکراسی و دوستی و همدردی با ملت ها میزنند، چنین سلاح های جنگی مهمی به یک کشور متجاوز و ستمگر چون عراق تحویل خواهد داد، مشکل است. ملت ایران هرگز این اقدام فرانسه را از یاد نخواهد برد.»<sup>(۱۱)</sup>

همکاری های فرانسه و عراق طی سال ۱۳۶۰ ادامه یافت. همانطور که قبلاً ذکر شد در دهه ۱۹۷۰ براساس موافقتنامه ای که بین عراق و فرانسه منعقد شده بود شرکت های فرانسوی ساختن نیروگاه هسته ای «تیموز یک» را در نزدیکی بغداد آغاز کردند که توانایی تولید پلوتونیوم را داشته باشد.<sup>(۱۲)</sup> بدنبال این درخواست، فرانسه با ساخت راکتور جدید موافقت نمود که در جولای ۱۹۸۱ پایان داد. با ساخت راکتور «اوزیراک» در عراق توسط فرانسه، در ژوئن ۱۹۸۱ اسرائیل که نگران برنامه هسته ای عراق بود به آنجا حمله کرد و راکتور را به طور کامل منهدم نمود.

### با به قدرت رسیدن سوسیالیست ها در فرانسه، زمینه همکاری رژیم عراق که تمایلات سوسیالیستی داشت با فرانسه افزایش یافت

پس از این اقدام، رئیس جمهور فرانسه حمله اسرائیل به راکتورهای عراق را محکوم کرد و قول بازسازی آنها را داد. عربستای سعودی نیز در جولای ۱۹۸۱ از فرانسه خواست تا دوباره راکتور را بری عراق بسازد و اعلام نمود که هیچ چیز نباید مانع تحقق این

هدف گردد. با به قدرت رسیدن سوسیالیست ها در فرانسه، زمینه همکاری رژیم عراق که تمایلات سوسیالیستی داشت با فرانسه افزایش یافت.<sup>(۱۳)</sup> به طوری که در اردیبهشت ماه ۱۳۶۰، قراردادی به مبلغ ۹۰۰ میلیون دلار بین عراق و شرکت «تامسون بی سی اف» فرانسوی برای تحویل یک شبکه صنعتی الکترونیکی در سامرا منعقد شد که به ساخت رادیو و رادار اختصاص یافت. همچنین قرارداد دیگری به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار برای تحویل موشک های مایژیک ۵۵۰-۱۵ گزوست، هلی کوپتر سوپر فرلون و تعدادی زره پوش منعقد گردید.<sup>(۱۴)</sup> وزارت خارجه ایران در واکنش به انتخاب میتران به

خارجه ایران در مصاحبه با لوموند اعلام کرد: «تا وقتی فرانسه، بنی صدر و رجوی و ریابندگان ناوچه تیزرین را به ایران تحویل ندهد روابط ایران و فرانسه به حال عادی در نخواهد آمد.»<sup>(۸)</sup> به دنبال این جریان سطح روابط دو کشور تنزل یافت.

در مقابل، روابط دو کشور عراق و فرانسه نزدیک تر شد. طارق عزیز، معاون وزیر نفت عراق، در یک سفر سه روزه به فرانسه با میتران، رئیس جمهور این کشور، درباره بازسازی راکتور اتمی عراق گفتگو کرد.<sup>(۹)</sup> یک منبع نزدیک به شرکت فرانسوی (سرترا) اعلام کرد: «این شرکت یک قرارداد ۲۷ میلیون دلاری برای ایجاد یک تلمبه خانه نفت در بصره امضا نموده است.»<sup>(۱۰)</sup> همچنین در مهرماه ۱۳۶۰ میشل ژوبر، وزیر بازرگانی فرانسه، که برای یک دیدار رسمی وارد بغداد شده بود گفتگوهای خود را با مقامات عراق برای تحکیم هرچه بیشتر روابط اقتصادی دو کشور به ویژه در زمینه انرژی هسته ای آغاز کرد. در این سفر اعلام شد دو قرارداد مهم بین دو طرف امضا خواهد شد. به موجب این قراردادها فرانسه ۲۰۰ دستگاه واگن به عراق به فروش رساند.<sup>(۱۱)</sup>

سیاست فرانسه در ارتباط با جنگ تحمیلی، از آغاز درحمایت از عراق خلاصه میشود. بنابراین مشاهده می کنیم که فرانسه علاوه بر سکوت در قبال تجاوز عراق به ایران به حمایت از اقدام عراق پرداخت و این حمایت نه تنها حمایت سیاسی، بلکه حمایت نظامی و اقتصادی را نیز در برمی گرفت.

### سیاست فرانسه در مرحله دوم جنگ (۱۳۶۲-۱۳۶۰)

به دنبال وضع مجازات های اقتصادی علیه ایران از سوی آمریکا و جامعه اقتصادی اروپا، فرانسه نیز حکمی مبنی بر منع صدور کالا به مقصد ایران صادر نمود. در پی این مسئله روابط ایران و فرانسه به تدریج رو به سردی گذاشت. در شهریورماه ۱۳۶۰ ناوچه ایرانی تبریزین توسط عده ای از افسران تبعیدی از آب های ساحلی اسپانیا

ریاست جمهوری فرانسه با انتشار اطلاعیه ای در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ اعلام داشت: «اگر دولت جدید فرانسه صدور تسلیحات و اورانیوم را به عراق قطع نماید و از سیاست استعماری خود دست بردارد جمهوری اسلامی ایران در روابط خود با این کشور تجدیدنظر خواهد کرد.»<sup>(۱۲)</sup> اما دولت جدید فرانسه نه تنها ارسال تجهیزات نظامی و اورانیوم را به عراق قطع نکرد بلکه میزان مبادلات و کمک های نظامی و حمایت های سیاسی از عراق از سوی فرانسه افزایش یافت. در مرداد ماه ۱۳۶۰ «کلودشسون» وزیر امور خارجه درباره روابط خارجی فرانسه با طرفین درگیر

در جنگ اظهار داشت:

«عراق هواپیماهای میراژ را که در دو سال گذشته سفارش داده بود دریافت خواهد کرد و از سوی دیگر نیز دولت فرانسه اجازه داده است ۳ قایق تندرو موشک انداز که آخرین سری از ۱۲ فروند آن است که در زمان شاه به فرانسه سفارش داده

به دنبال فرار بنی صدر و رجوی و پناهنده شدن آنان به فرانسه، وزارت خارجه ایران به سفیر فرانسه ابلاغ نمود که ظرف مدت سه روز ایران را ترک کند

شده بود به ایران تحویل شود.»<sup>(۱۳)</sup>

به دنبال فرار بنی صدر و رجوی و پناهنده شدن آنان به فرانسه، وزارت خارجه ایران به سفیر فرانسه ابلاغ نمود که ظرف مدت سه روز ایران را ترک کند. در اطلاعیه وزارت امور خارجه آمده بود: «از آنجایی که دولت فرانسه علی رغم قرارداد استرداد مجرمین میان ایران و آن کشور، به بنی صدر و رجوی پناهندگی سیاسی داده است و به درخواست دولت ایران برای استرداد مجرمین جواب منفی داده لذا از سفیر فرانسه در ظرف سه روز باید ایران را ترک گوید.»<sup>(۱۴)</sup> به دنبال این مسئله، روابط دو کشور تیره گردید. احمد عزیزی معاون وزارت



فرانسه و انگلستان در زمینه تأمین تجهیزات نظامی عراق حمایت کرد.<sup>(۳۳)</sup> مهم ترین دیدگاه مشترک این کشورها و آمریکا جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ بود.

کلود شسون، وزیر امور خارجه فرانسه، در سفر به بغداد اظهار داشت: «عراق در خط مقدم رویارویی با خطری قرار دارد که ثبات و امنیت منطقه، بلکه جهان را تهدید می کند.» برای رویارویی با این خطر بود



که سیل کمک های نظامی و اقتصادی کشورهای اروپای غربی و بسیاری از کشورهای جهان به سوی عراق سرازیر گردید. فرانسه یکی از مهم ترین کشورهای اروپای غربی بود که در ردیف دومین کشورهای صادرکننده سلاح به عراق جای گرفت.<sup>(۳۴)</sup> پس از فتح خرمشهر، مناسبات فرانسه با عراق افزایش یافت و بسیاری از تسلیحات پیشرفته شامل هواپیماهای میزاف و سوپراتاندارد و سایر تجهیزات نظامی همراه با کمک مستشاری و حمایت های سیاسی و دیپلماتیک، در اختیار عراق قرار گرفت. با فتح خرمشهر همان عوامل اصلی که باعث نگرانی آمریکا و شوروی بود، به طور جدی سیاست های برخی از کشورهای اروپایی همانند فرانسه، انگلیس و آلمان را تحت تأثیر قرار داد که فشار بر ایران و حمایت از عراق، خط مشی کلی این کشورها شد.<sup>(۳۵)</sup> فرانسوا میتران در سال ۱۹۸۲ در دیدار رسمی خود از مصر ضمن یادآوری اهمیت جنگ ایران و عراق به سیاست دیرینه کشورش دایر بر حفظ موازنه هزار ساله بین جهان عرب و جهان فارس اشاره کرد و گفت: «ما مایل نیستیم عراق در این جنگ مغلوب گردد و موازنه نظامی - سیاسی میان جهان عرب و ایران باید حفظ گردد.»<sup>(۳۶)</sup>

ربوده شد. فرانسه به رباپندگان این ناوچه پناهندگی سیاسی داد و از آنها حمایت قانونی نمود. در مقطع دوم یعنی از اواسط سال ۱۳۶۱، اواخر سال ۱۹۸۲، دور جدیدی در موضع گیری کشورهای منطقه و غرب از جمله فرانسه در خصوص درگیری های نظامی بین دو کشور ظاهر شد. خطر تهدید انقلاب اسلامی علیه سیستم حاکم بر منطقه و بازیگران اصلی و فرعی آن تمام ابرقدرت ها را به موضع واحدی سوق داده و آن حمایت از عراق و تلاش برای پایان دادن به جنگ بود. این حمایت ها ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی را در بر می گرفت.<sup>(۳۷)</sup>

به دنبال آغاز پیشروی های ایران و انجام چندین عملیات موفق از جمله عملیات های ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس موجی از ترس در بین کشورهای غربی و منطقه ایجاد شد. آمریکا با پیروزی های ایران نام عراق را از لیست کشورهای حامی تروریسم خارج نمود و کشورهای منطقه را به افزایش کمک های مالی به عراق تشویق کرد. در این راستا، کشورهای کویت، عربستان، امارات و قطر جمعاً ۱۷۵ میلیارد دلار به عراق کمک مالی اعطا کردند. آمریکا همچنین از سیاست های متحدان اروپایی خود از جمله

انواع مختلف بالغرد، رادارهای ضد پیسیت تامسون، سیستم های اختلال الکترونیکی هوایی، بمب های Durandel، بمب های هدایت شونده با لیزر و هزاران موشک اگزوسه و انواع دیگر موشک ها نام برد. به طوری که بعضاً ۴۰ تا ۵۰ درصد تولیدات شرکت های فرانسوی سازنده موشک، تنها به عراق اختصاص داشت.<sup>(۲۸)</sup>

خبرگزاری کویت طی گزارشی نوشت: «ارزش سلاح های دریافتی رژیم بعث عراق از فرانسه در سال های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ بالغ بر ۴۱ میلیارد فرانک بوده است. در پی بروز بحران مالی در عراق، عربستان موافقت کرده است که از جانب عراق به فرانسه نفت بفروشد.» این گزارش می افزاید: «عربستان و عراق مهم ترین مشتریان سلاح های فرانسوی هستند و در حال حاضر ۷۵ درصد از سلاح های فرانسوی به خاورمیانه و شمال آفریقا به ویژه کشورهای تولیدکننده نفت، از جمله عربستان و عراق و سایر کشورهای خلیج فارس صادر می شود.»<sup>(۲۹)</sup> علاوه بر افزایش فروش تجهیزات نظامی به عراق به منظور تأمین آزادی عبور و مرور از تنگه هرمز، فرانسه ناو هواپیمابر «فوشق» را که توسط ناوچه موشک انداز «وکسن» اسکورت می شد راهی اقیانوس هند در نزدیکی تنگه هرمز نمود تا به ناوگان فرانسوی مستقر در آنجا ملحق شود. هدف این ناوگان همکاری با سایر کشورهای غربی برای جلوگیری از بسته شدن تنگه هرمز از سوی ایران و اسکورت و کمک به کشتی های تجاری و نفتکش ها بود.<sup>(۳۰)</sup>

بنابراین، در مقطع دوم جنگ یعنی از اواخر سال ۱۹۸۲ دور جدیدی در موضع گیری کشورهای منطقه و غرب به طور عام و فرانسه به طور خاص درخصوص جنگ ایران و عراق ظاهر شد. فرانسه نیز مانند سایر کشورها در جهت تقویت عراق بر حمایت خود از این کشور افزود و چه در زمینه سیاسی در موضع گیری هایش در سازمان ملل و چه در زمینه ارسال تجهیزات نظامی در جهت افزایش قدرت و توانایی عراق

در سال ۱۹۸۲، ۴۰ درصد از صادرات تسلیحات فرانسه به عراق ارسال شد. این تسلیحات، میراژ F-1، موشک های هوا به هوا به هوای ماژیک 1، موشک های اگزوست AM-39 و هلی کوپترهای سوپرفلون الوت، گازون، و تانک های M-X را نیز شامل می شد. عراق همچنین یک قرارداد به ارزش ۶/۵ میلیارد دلار تحت عنوان (پروژه فاو) با سه شرکت خصوصی فرانسه امضا کرد. عراقی ها پیش بینی کرده بودند در سه مرحله، از ساخت هواپیما و صنعت فضایی برخوردار شوند و به جای تعمیر و ارائه خدمات به میراژهای F-1 در فرانسه در کشور خود به این امر اقدام کنند. همچنین عراقی ها امیدوار بودند که با احداث کارخانه هواپیماسازی و با انتقال تکنولوژی، هواپیمای آموزشی الفاجت ۱۳۴، محصول مشترک آلمان و فرانسه را تولید کنند. در مرحله پایانی، عراق می توانست هواپیمای میراژ ۲۰۰۰ را به عنوان بمب افکن جدید که در ارتفاع پایین پرواز می کرد و دستگاه رادار آن می توانست دفاع هوایی را گمراه کند، تولید کند. افزون بر این، فرانسوی ها در ساخت راکتور اتمی و فراهم کردن زمینه دستیابی عراق به سلاح اتمی نقش برجسته ای ایفا کردند.<sup>(۳۱)</sup>

علاوه بر آن، فرانسه ۸۵ دستگاه توپ ۱۵۰ میلیمتری به ارزش ۱۶۰ میلیون دلار و موشک های AS3OL که یکی از مهم ترین تولیدات کمپانی آئرو اسپاسینال می باشد و کیفیت آن از نوع آمریکایی هم بالاتر بود را به عراق فروخت که تولید سری آن در سال ۱۹۸۴ آغاز شده بود. ارتش عراق ۵۸۶ فروند از این موشک ها را سفارش داد و ۲۴۰ فروند آن را دریافت نمود. فروش تسلیحات پیشرفته فرانسه به عراق فقط محدود به جنگنده های بمب افکن میراژ ۲۰۰۰ و توپ های ۱۵۵ میلیمتری و موشک های AS3OL نبود بلکه حتی برخی از سلاح های دیگر با تکنولوژی پیشرفته توسط صدام حسین به کارخانجات فرانسوی سازنده سفارش داده می شد. در این میان می توان از خودروهای زرهی سبک،

دوستان فرانسه به جاهای دیگر مراجعه خواهند کرد.» مقامات ایران که فکر می کردند فرانسه در دادن هواپیما به عراق مردد شده است از تهدید خود در مورد بستن تنگه دست برداشتند و فرانسه در نهایت بی سروصدا آنها را به عراق تحویل داد.<sup>(۳۳)</sup>

حمایت های فرانسه از عراق تنها به فروش تجهیزات نظامی محدود نمی شد بلکه اعتبارات و وام های مالی را نیز در بر می گرفت. فرستادگان رژیم عراق همواره سعی در تلاش بودند نظر موافق و اعتماد سازمان «وفا» را جلب کنند. سازمان مزبور یک شرکت تجاری فرانسه است که قراردادهای

**حمایت های فرانسه از عراق  
تنها به فروش تجهیزات  
نظامی محدود نمی شد  
بلکه اعتبارات و وام های  
مالی را نیز در بر می گرفت**

شرکت های فرانسوی را ضمانت می کند. در صورتی که کشور طرف قرارداد قادر به پرداخت بدهی خود نباشد شرکت مزبور مجبور به پرداخت آن می شود. حمایت این سازمان، به قراردادهای منعقد شده میان شرکت های فرانسوی و دیگر کشورها اعتبار زیادی می بخشد.

عراق در سال ۱۹۸۲ برای پرداخت به موقع بدهیهای خود دچار مشکل شد. طارق عزیز در اردیبهشت سال ۱۳۶۲ به فرانسه سفر کرد تا در مورد تعویق پرداخت بدهی ۱۳ میلیارد فرانکی کشورش به فرانسه مذاکره نماید. وی در مصاحبه با لوموند اظهار داشت: «عراق پیشنهاد کرده که ۹۰ درصد بدهی های خود که مربوط به سال ۱۹۸۳ می شود را به صورت نفت خام پرداخت کند زیرا در غیر این صورت قادر به پرداخت ۴۰ درصد از بدهی های خود در سال مزبور نخواهد بود.» در این دوره، عراق به کمک های عربستان و دیگر کشورهای خلیج فارس متکی بود که کماکان به نام عراق نفت را در اختیار

تلاش نمود. روزنامه ساندی تایمز در مورخه ۲۶ دی ۱۳۶۱ نوشت: «میتران طی سه سال گذشته بالغ بر ۱۲ میلیارد لیره استرلینگ سلاح و اعتبار در اختیار عراق قرار داده است.»<sup>(۳۴)</sup>

### سیاست فرانسه در قبال مرحله سوم جنگ (۶۵-۱۳۶۲)

با تداوم جنگ تحمیلی همچنان شاهد توسعه مناسبات و فروش تسلیحات نظامی فرانسه به عراق هستیم. به طوری که در اوایل سال ۱۹۸۳ طارق عزیز تقاضای خرید ۵ فروند هواپیمای سوپراستنادار مجهز به موشک های اگزوزه را تسلیم پاریس نمود. هدف عراق حمله به تأسیسات نفتی ایران در حوزه خلیج فارس به ویژه خارک بود. در این رابطه دولت فرانسه اجازه داد تا خلبان های عراقی به طور محرمانه در یک پایگاه هوایی فرانسه در حوالی شهر برنت آموزش ببینند. این اقدام دولت فرانسه باعث واکنش جدی تهران شد. رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد: «در صورت به خطر افتادن صادرات ایران، به هیچ وجه نفتی از خلیج فارس صادر نخواهد شد. نیروی دریایی ایران به لحاظ نظامی و فنی قادر است با غرق کردن چند کشتی نفتکش به وسیله صدها مین، تنگه هرمز را ببندد. مسلماً مسئول چنین مشکلات بین المللی (در صورت وقوع) نه تنها عراق بلکه فرانسه نیز خواهد بود.» طبق برداشت ایران و همانطور که نماینده ایران در سازمان ملل تشریح کرد مشارکت هواپیماهای فرانسوی در جنگ این معنی را می دهد که فرانسه در مناقشه به طور مستقیم مشارکت دارد.<sup>(۳۵)</sup>

پس از این موضع گیری، فرانسه در تحویل هواپیماها دچار تردید شد. صدام در روز ۱۳ اکتبر ۱۹۸۳ در دیدار با روزنامه نگاران گفت: «اگر فرانسه هواپیماهای مزبور را تحویل ندهد، برای تنبیه فرانسه دست به یک اقدام جدی خواهیم زد، این چه کشوری است که به قول خودش پایبند نیست، فرانسه نباید در برابر فشارها تسلیم شود. اینجا مسئله حاکمیت ملی است، اگر جز این باشد

(۵/۶) میلیارد دلار و ارزش فروش های غیرنظامی و قراردادهای تجاری به (۴/۷) میلیارد دلار بالغ گردیده بود.» به نوشته روزنامه مذکور، «حداقل ۷ میلیارد دلار از کل ارقام به صورت وام و اعتبار در اختیار عراق قرار گرفت.»<sup>(۳۶)</sup>

در فوریه ۱۹۸۳ در گزارش های راجع به تحویل ۲۹ فروند دیگر از هواپیماهای میراث F-1 در سال ۱۹۸۳ به عراق، تقاضای این کشور برای خریدن جنگنده مجهز به تجهیزات برای حمل موشک ضد کشتی انتشار یافت. روزنامه لوموند در ۲۴ ژوئن گزارش داد که: «فرانسه موافقت خویش را برای واگذاری موقت جنگنده سوپراتاندارد مجهز به اگزوست به عراق اعلام کرده است.» در همین حین فرانسه با عراق در مورد صدور نفت در ازای قرض ۲/۲۶ میلیارد دلاری آن کشور مذاکره می کرد. کشورهای غربی با ابراز نگرانی از این موضوع به دولت فرانسه اعلام داشتند که تحویل هواپیماهای سوپراتاندارد مجهز به اگزوست تنها خطر حمله به نفتکش ها را افزایش خواهد داد. با این وجود، در ماه سپتامبر فرانسه بر تصمیم خویش برای فروش این گونه تجهیزات تأکید کرد. از نظر دولت فرانسه، این تجهیزات توانایی نظامی عراق را افزایش داده و بنابراین ایران را ترغیب به پایان دادن به جنگ می کرد. در ماه اکتبر، شیعیان لبنانی طرفدار ایران، ستاد چتربازان فرانسوی و مرکز تفنگداران آمریکا در بیروت را منفجر کردند.<sup>(۳۷)</sup> به دنبال این واقعه، فرانسه در شورای امنیت در جهت تصویب قطعنامه ۵۴۰ (۱۹۸۳) تلاش نمود. براساس این قطعنامه، از هر دو طرف متخاصم خواسته شد که درگیری در راه های آبی قابل کشتیرانی را متوقف کنند. چنین گفته می شود که دولت فرانسه، بانیان این قطعنامه را تشویق به ارائه آن کرده بود، تا از این طریق واگذاری هواپیما سوپراتاندارد به عراق را توجیه کند. عراق از هواپیماها برای حمله به نفت کش ها استفاده می کرد. علاوه بر تحویل هواپیماهای سوپراتاندارد، دفاع

مشتريان عراق قرار می دادند. سرانجام دولت فرانسه در سال ۱۹۸۳ با خرید ۴ میلیون تن نفت خام از عراق در ازاء مطالبات خود موافقت کرد.<sup>(۳۸)</sup>

اقدام سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در ۷ ژوئیه ۱۹۷۳ در ربودن هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ ایران که در فرودگاه پاریس به زمین نشست، با اعتراض شدید ایران به دولت فرانسه مواجه شد. به دنبال این عمل تروریستی، وزارت امور خارجه ایران در روز ۱۹ تیرماه ۱۳۶۲ انستیتیوی فرهنگی فرانسه در تهران و کنسولگری آن کشور در اصفهان را تعطیل نمود و در بیانیه خود از دولت فرانسه با نام دولت

سوسیال صهیونیست نام برد. به دنبال این اقدامات، روابط دو کشور بسیار تیره گردید.<sup>(۳۹)</sup> در مقابل، روابط دوستانه عراق و فرانسه، همکاری ها و کمک های مختلف مالی و نظامی به عراق از سیر صعودی برخوردار بود. در زمینه خریدهای

**فرانسه علاوه بر سکوت  
در قبال تجاوز عراق به ایران  
به حمایت از عراق پرداخت  
و این حمایت نه تنها  
سیاسی، بلکه نظامی و  
اقتصادی هم بود**

نظامی از آغاز این سال و به دنبال تغییر موازنه در جبهه ها به نفع ایران و به ضرر عراق، شاهد افزایش کمک های مالی کشورهای عربی، کویت و عربستان هستیم. این کمک ها منبع مهمی برای حفظ توان نظامی عراق بود به طوری که از جمع کمک های مالی کویت، مبلغ ۵ میلیارد دلار برای خرید تجهیزات نظامی از فرانسه هزینه شد. در واقع فرانسه تحول در جبهه ها را شدیداً به ضرر منافع خود ارزیابی می کرد. به ویژه آنکه این کشور پس از شوری دارای روابط گسترده تجاری و نظامی با عراق بود. بنابر اخبار منتشره در روزنامه لوموند: «حجم جنگ افزارهای ارسالی فرانسه به عراق در سال ۱۹۸۳ به

در تهران توقف کرد، اما این مراوده مخفیانه توسط طرفداران عراق در دولت فرانسه افشا و برملا شد.

«بی یونه اوردران» که به دلیل تلاش زیادی که برای فروش میراژ ۲۰۰۰ به عراق کرده بود به او لقب «آقای عراق» را داده بودند، چند بار برای گفتگو برای فروش میراژ به ایران سفر کرد، اما در نهایت در آذر سال ۱۳۶۳ (دسامبر ۱۹۸۴) دولت سوسیالیست فرانسه تصمیم گرفت دست از ابتکار صلح با ایران بردارد. میتران دستور توقف فروش میراژها را به عراق صادر نمود، اما پس از چندی فروش اسلحه به عراق از سر گرفته شد.<sup>(۳۱)</sup> همکاری های نظامی عراق و فرانسه همچنان ادامه داشت و در این سال تولید موشک های AS3 OL در عراق آغاز شد. تکنولوژی ساخت این موشک ها را فرانسه به عراق فروخته بود. عراق ۵۸۶ فروند از این موشک را سفارش داده بود.<sup>(۳۲)</sup> همچنین در این سال ۱۰۰۰ نفر تکنسین فرانسوی برای استقرار موشک های اگزوست بر روی کشتی ها، وارد بغداد شدند.<sup>(۳۳)</sup> در اوایل سال ۱۹۸۴ تحویل هواپیماهای میراژ F-1 هوا به هوا به نیروی هوایی عراق، تجهیز هواپیماهای «میگ 21» به موشک های مایزیک B فرانسه و دستیابی به توپ های ۱۵۵ میلیمتری خودکشی ساخت فرانسه و اجاره کردن هواپیماهای (سوپراتاندارد) که به موشک های اگزوست هوا به دریا مجهز بودند نقش به سزایی در هدف قرار دادن خطوط حمل و نقل دریایی و به ویژه خطوط نفتی ایران ایفا نمودند.<sup>(۳۴)</sup>

از سال ۱۳۶۳ و به دنبال یک سری تغییر در جهت گیری های سیاست خارجی، شاهد بهبود نسبی در روابط خارجی ایران با کشورهای دیگر هستیم. برپایه رویکرد جدید سیاست خارجی که از سال ۱۳۶۳ مورد توجه بود، اولویت صدور انقلاب کم رنگ تر شد و دولت گرایی در روابط خارجی اهمیت بیشتری پیدا کرد. سیاست توسعه و تعمیق روابط با اروپا و ژاپن در جهان صنعتی بیش از دیگر کشورها مورد توجه بود. افزون بر

ضد هوایی عراق با مشارکت مقاطعه کاران فرانسوی کامل تر شد و فرانسه بالغ بر ۴۰۰ تکنسین نظامی و غیرنظامی را به عراق گسیل داشت.<sup>(۳۵)</sup> کلود شسون، وزیر خارجه فرانسه، در فوریه ۱۹۸۳ طی اظهاراتی اعلام داشت: «انقلاب خمینی در ایران بسیار خطرناک و نگران کننده است و این انقلاب می تواند تمام منطقه خاورمیانه را در یک جنگ گسترده درگیر کند و بدین خاطر فرانسه از عراق در برابر توسعه طلبی های ایران حمایت می کند.» حمایت های فرانسه از عراق و اظهارات مقامات این کشور علیه ایران روابط ایران و فرانسه را مسموم کرد.<sup>(۳۶)</sup>

در سال ۱۹۸۴، تلاش ایران برای متقاعد کردن فرانسه سوسیالیست به امتناع از فروش اسلحه به عراق و توجه دادن آن کشور به مواضع اصولی مشترک، از جانب فرانسه به بن بست کشیده شد. حتی این گفته فرانسوا میتران که در ژوئیه سال ۱۹۸۴ در حضور حسین پادشاه اردن به خبرنگاران گفت: «فرانسه نمی خواهد دشمن ایران یا هر کشور دیگر باشد، بلکه فرانسه می خواهد موازنه قدیمی بین ایران و اعراب به هم نخورد.» نیز چندان مصداق نداشت، زیرا فرانسه عملاً در جهت تضعیف ایران و تقویت عراق گام بر می داشت.<sup>(۳۷)</sup>

در آن هنگام که فروشندگان اسلحه، میلیارد ها دلار اسلحه به عراق می فروختند دولت فرانسه درصدد بود تا از طریق کانال های خصوصی باب مراوده با ایران را باز کند. این دیپلماسی فرانسوی وارد شدن از در عقب بود، که به سیاست ریگان «ابتکار صلح با ایران» شباهت زیادی دارد؛ یعنی با رضایت حتمی دولت، اسلحه را به ایران تحویل دهند. عامل این معامله «لوشر» یکی از صاحبان صنایع اسلحه و مهمات سازی فرانسه بود. در مردادماه سال ۱۳۶۳ (ژوئن ۱۹۸۴) رولان دوما، مشاور ویژه میتران، یک فرستاده ویژه و محقق را در کافی انیره دعوت کرد. چند ماه بعد که رولان دوما، به عنوان وزیر خارجه فرانسه تعیین شد در سفر به عربستان سعودی، به طور محرمانه



این گسترش روابط با شوروی نیز در راستای نگرانی غرب پیگیری شد. هدف از رویکرد، بیش از هر چیز تسهیل در امکان صلح و پایان جنگ و نیز رفع نیازهای اقتصادی و نظامی بود. سرانجام، غرب نیز رفتار جدید دیپلماسی ایران را مورد توجه قرار داد و تلاش هایی را در جهت بهبود و توسعه روابط خود با ایران آغاز نمود.<sup>(۴۵)</sup> استفاده از ابزارهای دیپلماتیک برای پیشبرد اهداف در جنگ

بر مبنای دیگری نیز استوار بود. برای نمونه در سال ۱۳۶۴، نظریه ای بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم بود که ارکان و پایه های حفظ رژیم عراق بر سه پایه استوار است:

۱. کمک تسلیحاتی فرانسه؛
۲. حمایت های مالی کشورهای منطقه؛ و
۳. کمک های تسلیحاتی شوروی.

بنابراین چنان که ایران می توانست به گونه ای یکی از این ارکان و پایه های حفظ رژیم عراق را بر هم ریزد بی تردید تعادل این کشور از بین می رفت و در کنار ضربه نظامی، پیروزی ایران را تسریع می کرد.<sup>(۴۶)</sup> و در راستای این هدف، ایران تلاش های بسیاری برای نزدیکی به کشورهای منطقه از جمله عربستان و بهبود مناسبات با فرانسه، آلمان و انگلستان انجام داد. اما این تلاش ها به خصوص نزدیکی به کشورهای منطقه در نهایت نتیجه ای در بر نداشت.

از سال ۱۹۸۳، فرانسه به تدریج در مورد بهبود روابط خود با ایران احساس نیاز کرد. نخستین عاملی که فرانسه را به ترمیم مناسبات خود با ایران تشویق می کرد استفاده از بازار ایران بود. دولت فرانسه احتمال می داد پس

از پایان جنگ مسئله بازسازی خرابی ها، امکانات گسترده ای برای شرکت ها و صنایع غربی از جمله شرکت های فرانسوی برای سرمایه گذاری مستقیم و غیرمستقیم در ایران ایجاد کند. از بعد سیاسی و استراتژیک نیز بهبود روابط با ایران به نفع فرانسه بود. دستگاه های اطلاعاتی فرانسه نهایتاً متقاعد شدند که ادعاهای گروهک ضد انقلاب متمرکز در فرانسه مبنی بر سقوط رژیم ایران در آینده نزدیک، بی پایه است و جمهوری اسلامی ایران از ثبات بالایی برخوردار است. از سوی دیگر، حوزه فعالیت سیاسی ایران در شرایط جدید به سایر نقاط استراتژیک خاورمیانه مانند لبنان کشیده شده بود و نیروهای طرفدار ایران می توانستند به هر ترتیب برای منافع کشورهای غربی از جمله فرانسه خطرناک یا حسب مورد مفید واقع شوند (نمونه این قضیه را در مورد گروگان ها مورد بحث قرار خواهیم داد). از طرف دیگر فرانسه از اهمیت استراتژیک تنگه هرمز و توانایی ایران برای به خطر انداختن کشتیرانی در خلیج فارس آگاه بود و از همین رو سیاست جدید و زیرکانه ای را در قبال ایران اتخاذ کرد. این سیاست بر دیپلماسی اعطای امتیازات محدود و تدریجی مبتنی بود که در عرف

غرب از حمایت کشورهای اروپایی در شورای امنیت برخوردار شود. ایران قصد داشت با نزدیک شدن به فرانسه در شورای امنیت، به جز چین از حمایت و دست کم بی طرفی فرانسه بهره‌مند گردد. سیاست ایران در کمک کردن به آزادسازی گروگان‌های فرانسوی از جمله عواملی بود که در بهبود مناسبات دو کشور تأثیری جدی داشت. با مذاکراتی که به عمل آمد این از نفوذ خود در بین گروه‌های لبنانی استفاده کرد و دو گروگان فرانسوی آزاد گردیدند و در پی این اقدام، شیراک از ایران تشکر کرد. البته شایان ذکر است که ایران برای بهبود

مناسبات خود با فرانسه

شرایطی قائل شده بود که از جمله آن، تلاش برای حل اختلافات مالی و محدود شدن کمک‌های نظامی فرانسه به عراق بود. اولین اقدام دولت فرانسه، بیرون کردن مسعود رجوی از این کشور بود. بعد از این اقدام، هواداران رجوی اقدام به تظاهرات نمودند

**خطر تهدید انقلاب اسلامی  
تمام ابر قدرت‌ها را به موضع  
واحدی سوق داد و آن  
حمایت از عراق و تلاش  
برای پایان دادن به جنگ بود**

که وزارت کشور فرانسه دستور دستگیری ۷۰ تن از اعضای این سازمان را صادر کرد که پس از دستگیری به گابن فرستاده شدند.

مذاکرات در خصوص بازپرداخت وام یک میلیارد دلاری میان دو کشور دوباره از سر گرفته شد و گفته می‌شد فرانسه حاضر است مبلغ مذکور را به ایران بازگرداند. پس از مذاکرات زیاد در تهران و پاریس، در نهایت قراردادی به مبلغ ۳۳۰ میلیون دلار امضا شد که اولین مرحله از حل جدی اختلافات مالی دو کشور بود. در عین حال، فرانسه با تأکید بر اجرای سیاست‌های گذشته خود مبنی بر همکاری با عراق و فروش تجهیزات

و زبان دیپلماتیک به «دیپلماسی مماشات» معروف است. سیاست جدید فرانسه بسیار زیرکانه تنظیم شده بود. بدین ترتیب که فرانسه سعی می‌نمود ضمن حفظ روابط عالی اش با عراق و اسرائیل، همزمان با ایران نیز رابطه برقرار کند و از مزایای رابطه با تمام جناح‌ها برخوردار گردد.<sup>(۲۷)</sup>

در تیرماه ۱۳۶۴ وزیر امور خارجه ایران درباره رابطه با فرانسه اظهار داشت: «مسائلی که هم اکنون در زمینه حسن روابط ما با فرانسه مطرح است عبارتند از: پرداخت وام توقیف شده ما، عدم کمک به ضدانقلاب و قطع کمک به رژیم عراق». وی در ادامه اظهار داشت: «دولت فرانسه در عمل گام‌های چندان موثری برای حسن روابط بر نداشته است.»<sup>(۲۸)</sup> موضوع دیگری که باعث شد فرانسه به بهبود روابط با ایران بیندیشد مسئله گروگان‌های فرانسوی در لبنان بود. این قضیه باعث شد افکار عمومی فرانسه نسبت به این مسئله حساس شده و به دولت فشار بیاورد که به هر ترتیب قضیه را حل کند. البته باید متذکر شد نزدیکی فرانسه به ایران و به خصوص قضیه گروگان‌ها همواره موضوع اختلاف جناحی در فرانسه بوده است.

پس از روی کار آمدن ژاک شیراک به عنوان نخست وزیر، وی در اولین سخنرانی خود در مجمع ملی فرانسه خواستار مذاکره با ایران شد. به دنبال این اظهارات، دیپلمات‌های فرانسوی مأموریت یافتند تا اختلاف مربوط به بازپرداخت وام یک میلیارد دلاری که ایران به (اورودیف) داده بود را مورد بررسی قرار دهند. ظاهراً آنها همچنین موظف بودند پیام‌های دولتمردان فرانسوی، همچون میتران و شیراک را به مقامات ایران تسلیم نمایند. از سوی دیگر، دولت ایران شیوه‌های جدیدی را در سیاست خارجی مورد آزمایش قرار داد. تغییر عمده در سیاست خارجی ایران، جدا کردن حساب آمریکا از کشورهای اروپای غربی بود و ایران سعی داشت از این طریق به جز استفاده از امکانات و تکنولوژی

حزب ا... می نامیدند کشف نمود و به دنبال آن ۵۷ عرب بازداشت و ۲۷ تن از آنان از فرانسه اخراج شدند. در این رابطه هشت دانشجوی ایرانی نیز از فرانسه اخراج گردیدند. در عین حال پلیس فرانسه قصد داشت از وحید گرجی، دیپلمات ایرانی که کارمند سفارت ایران در پاریس بود، در رابطه با مسائل فوق بازجویی به عمل آورد. با وجود آنکه وی عدم دخالت خود را در مسئله بمب گذاری سپتامبر ۱۹۸۶ در فرانسه اعلام نمود، پلیس فرانسه گرجی را متهم کرد که وی یکی از اعضای موسس حزب ا... است. در این زمان، وزارت خارجه ایران دستور داد فرانسویان مقیم ایران، کشور را ترک کنند. از سوی دیگر پلیس فرانسه از ۲۹ ژوئن ۱۹۸۷ سفارتخانه ایران در پاریس را محاصره کرد.<sup>(۵۰)</sup>

پرواین اقدام، وزارت خارجه ایران با احضار کاردار فرانسه در تهران به وی خاطرنشان کرد که اگر موانع موجود در برابر سفارتخانه جمهوری اسلامی ایران در پاریس طی ۲ ساعت آینده برطرف نشود و عاملین ضرب و شتم و سرقت اسناد دیپلماتیک ایران تنبیه نشوند، ایران روابط خود را با فرانسه قطع خواهد کرد و در اعتراض به این رفتار غیرقانونی دولت فرانسه، تعداد اعضاء سفارت خود را در پاریس در این فاصله به حداقل می رساند.<sup>(۵۱)</sup> به دنبال محاصره سفارت ایران و ضرب و شتم یکی از دیپلمات های ایرانی در یک اقدام مقابله به مثل ایران اطراف سفارت فرانسه در تهران را به محاصره درآورد. در نتیجه این اقدام و همچنین هدف قرار گرفتن چند کشتی فرانسوی در خلیج فارس در تیرماه آن سال، روابط دو کشور به طور کامل قطع شد.<sup>(۵۲)</sup>

پس از جنگ سفارتخانه ها، هر دو کشور به ویژه فرانسه احساس می کرد که ناخواسته وارد جنگ شده و امکان حل آن از طریق مذاکرات وجود دارد. طرح فرانسه در تماس با ایران برای آزادی گروگان ها ناتمام مانده بود. تحلیل گران بین المللی نیز اظهار داشتند که ایران برای حل قضیه جنگ با عراق، به دنبال راه های جدید

نظامی به این کشور و عدم فروش چنین تجهیزاتی به ایران، نشان داد که در سیاست خارجی این کشور نسبت به ایران و عراق تغییر مهمی رخ نداده است. دولت فرانسه هم زمان با عادی سازی روابط با ایران در تلاش بود از رنجش حامیان صدام جلوگیری کند. وزیر دفاع فرانسه نیز ضمن تأکید بر این که فرانسه به ایران تسلیحات نمی دهد و در آینده نیز قصد این کار را ندارد، اظهار داشت: «برعکس، به توافقنامه همکاری با عراق متعهدیم.» همچنین فیگارو به نقل از شیراک نوشت: «عادی سازی روابط با ایران نمی تواند در جهت سلب حمایت فرانسه از رژیم صدام حسین باشد.»<sup>(۴۹)</sup>

### مواضع فرانسه در مرحله پایانی جنگ (۱۳۶۷-۱۳۶۵)

تا پایان جنگ چند حادثه مهم رخ داد که در ادامه به توضیح این رخدادها و موضع فرانسه در قبال آنها خواهیم پرداخت. این حوادث عبارتند از: ۱.

جنگ سفارتخانه ها ۲. جنگ نفتکش ها ۳. استفاده عراق از سلاح های شیمیایی ۴. قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ۵. موضع فرانسه در قبال حادثه سقوط هواپیمای ایرباس جمهوری اسلامی ایران توسط ناو امریکایی.

کلود شسون، وزیر امور خارجه فرانسه: عراق در خط مقدم رویارویی با خطری قرار دارد که ثبات و امنیت منطقه، بلکه جهان را تهدید می کند

### جنگ سفارتخانه ها

#### از قطع کامل روابط تا بهبود مجدد روابط ایران و فرانسه

در سپتامبر سال ۱۹۸۶ در جریان یک بمبگذاری در پاریس ۹ نفر کشته و ۱۵۰ نفر مجروح شدند. پلیس در رابطه با این جریان، مقرر گروهی از مسلمانان شیعه را که خود را



و فرانسه را مورد مطالعه قرار داده و یک جدول زمانی برای این امر تعیین کنند. تجدید روابط می‌بایست از طریق انتشار بیانیه‌ای رسمی از سوی دولت فرانسه که در آن از سرگیری مناسبات میان دو کشور ذکر شده بود صورت می‌گرفت و این کار در ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۷ انجام شد. روز ۲۰ مه سال ۱۹۸۸ برابر با ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۷ رولان دوما، وزیر امور خارجه فرانسه، از طریق سفارتخانه پاکستان به مقامات ایرانی پیشنهاد کرد که ملاقاتی بین نمایندگان دو کشور صورت گیرد. پس از انجام ملاقات، نمایندگان ایران و فرانسه در ژنوی بیانیه مشترکی اعلام کردند:

**فرانسه به عنوان یکی از  
اعضای اتحادیه‌های اروپا،  
دومین کشور صادرکننده  
سلاح به عراق بود**

«دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فرانسه توافق کردند که از تاریخ ۲۶ خرداد ماه ۱۳۶۷ روابط سیاسی میان دو کشور را تجدید کنند و سفرای خود را به زودی مبادله نمایند.» سرانجام در ۱۵ تیر سال ۱۳۶۷ کریستین گراف، سفیر جدید فرانسه در تهران، و

همچنین در ۲۳ تیر ۱۳۶۷ آقای علی آهنی، سفیر جدید ایران در پاریس، استوارنامه‌های خود را به روسای جمهوری دو کشور تقدیم کردند.<sup>(۵۳)</sup>

### فرانسه و جنگ نفتکش‌ها

به دنبال ادامه حملات هوایی و دریایی عراق به شهرها و مناطق مسکونی، ایران مصمم شد برای محدود کردن تجهیزات نظامی عراق و جلوگیری از ورود تسلیحات و تجهیزات بیشتر که توان رزمی عراق را افزایش می‌دهد، به تردد کشتی‌های بی‌طرف در خلیج فارس و دریای عمان نظارت موثری را معمول دارد و در اجرای این

دیپلماتیک است. چون فرانسه احتمال می‌داد جنگ به زودی پایان یابد و امکان زیادی برای سرمایه‌گذاری در بازسازی دو کشور ایجاد می‌شود، از این رو نمی‌خواست پس از پایان جنگ بازار بزرگ ایران را از دست بدهد؛ بنابراین، سیاست نزدیکی با ایران را در پیش گرفت. شارل پاسکو، وزیر کشور وقت فرانسه، مأموریت یافت راه حلی را برای از سرگیری مذاکرات با ایران ارائه کند. وی شیوه مذاکرات مخفی را مناسب دانست و بدین ترتیب ۵ مأمور ویژه را انتخاب کرد تا با مأموران ایران در فرانکفورت، وین، مالت و کراچی تماس برقرار نمایند و به ایران پیغام دهند که فرانسه دشمن ایران نیست و باید جنگ بی‌حاصل سفارتخانه‌ها متوقف شود.

بعد از چند روز مذاکره، سرانجام طرفین توافق نمودند که روند بهبود مناسبات با همان شیوه قبلی از سر گرفته شود. در نوامبر سال ۱۹۸۷ دو نفر دیگر از گروگان‌های فرانسوی آزاد شدند. آقای گرجی نیز در ۲۹ نوامبر همان سال نزد قاضی ژیل بولوک حاضر شد و بعد از ۲ ساعت بازجویی به وی اعلام شد که مدرکی بر ضد او نیست و آزاد است. فرانسه در دسامبر همان سال نیز مبلغ ۳۳۰ میلیون دلار از بدهی خود به ایران را پرداخت کرد. علت مهم دیگری که ایران را به بهبود رابطه با فرانسه تشویق می‌کرد اهمیت موضع اعضای دائم شورای امنیت در قبال جنگ ایران و عراق بود. ایران به دلیل مخالفت هایش با قطعنامه ۵۹۸ در انزو قرار گرفته بود. از سوی دیگر، کشورهای عربی در نشست‌های خود ایران را به دلیل ادامه جنگ محکوم می‌کردند؛ لذا ایران در صدد بود از حمایت کشورهایی چون فرانسه در شورای امنیت سازمان ملل متحد برخوردار شود تا پس از پذیرش قطعنامه، ضامن اجرای مفاد آن باشند.

در همان ایام، سخنگوی وزارت خارجه فرانسه اعلام نمود که فرانسوا میتران از هیات وزیران خواسته است موضوع از سرگیری مناسبات دیپلماتیک بین ایران

ناوچه در اقیانوس هند داشت، اما درخواست کویت را برای پیوستن به عملیات اسکورت و تقاضای امریکا برای شرکت در یک عملیات مشترک و ارائه خدمات مین رویی را رد کرد.<sup>(۵۵)</sup> اصابت مین به کشتی امریکایی بریجتون در سال ۱۹۸۷ و تلاش امریکا برای جلب حمایت اروپا، در آغاز نتایج گوناگونی به همراه داشت. به رغم آنکه سیاست دیرینه فرانسه این بود که از پذیرش هرگونه نقش نظامی که این کشور را زیر فرمان مستقیم امریکا قرار دهد خودداری کند، اما کشور مزبور سه هزار نیروی ویژه به همراه ناو هواپیمابر کلمانسو و دوناوشکن و یک کشتی تدارکاتی را برای تقویت واحدهای خود در اقیانوس هند به منطقه فرستاد. اقداماتی که در واکنش به رویارویی روزافزون این کشور با ایران انجام شد. شرایط حاکم بر تصمیم مقامات فرانسوی به اعزام ناوهای جنگی به خلیج فارس و مأموریت های واگذار شده به آنها، نکات بسیاری را در مورد تیره تر شدن روابط ایران و فرانسه و نیز شیوه ها و ابزار مناسب برای راه حل بحران های بین المللی آشکار می سازد و نشان می دهد که آنها چگونه مایل به داشتن یک سیاست خارجی مستقل در عین احترام به همبستگی با متحدان غربی خود بود.

اعزام بخش اول نیرو به خلیج فارس به دلیل حملاتی بود که هدف آن کشتی های تجاری فرانسوی بود. اعزام بخش دوم که قوی ترین بخش نیز بود آشکارا به تیرگی شدید روابط ایران و فرانسه باز می گشت. البته ژاک شیراک، نخست وزیر فرانسه، به دشواری سعی نمود تأکید نماید که تقویت نیروی دریایی آن چنان زیاد نبوده و در حقیقت نمایشی از اراده و استعداد بوده است. مقامات فرانسوی در چندین مناسبت به روشن ساختن دلایل موضع اتخاذ شده پرداختند. به گفته وزیر امور خارجه فرانسه، موضع یاد شده بر اصل آزادی دریانوردی و توجه به نگرانی های دولت های ساحلی خلیج فارس مبتنی بود. علاوه بر این، حضور فرانسه نشانگر عزم استوار این

سیاست در اواسط سال ۱۳۶۴ نیروی دریایی ایران به صراحت اعلام نمود که: «از این به بعد کشتی های مظنون به حمل سلاح برای عراق را مورد بازبینی قرار می دهد.» این تصمیم ایران با واکنش شدید فرانسه روبرو شد. در واقع دولت فرانسه از آنجایی که مقادیر متنابهی از تسلیحات عراق را تأمین می کرد در اوج این بحران اعلام داشت که برای مقابله با تفتیش کشتی های تجاری خود در منطقه از نیروی دریایی اش استفاده خواهد کرد. اما در عمل، چون همراهی هر کشتی بازرگانی متضمن اشکالات عملیاتی و نقض آشکار بی طرفی محسوب می شد، از اجرای کامل آن خودداری کرد.<sup>(۵۶)</sup>

آیت ا... خامنه ای، رئیس جمهور وقت ایران، در ۲۲ خردادماه سال ۱۳۶۵، تهدید کرد کشتی های امریکایی در خلیج فارس مورد حمله قرار خواهد گرفت. موضعی که نشان می داد کشتی های حامل پرچم امریکا در معرض خطر

**فرانسوی ها در ساخت  
راکتور اتمی و فراهم کردن  
زمینه دستیابی عراق به  
سلاح اتمی نقش برجسته ای  
ایفا کردند**

هستند. به دنبال این فشارها امریکا در صدد جلب حمایت متحدان اروپایی خود برای انجام عملیات نظامی در خلیج فارس برآمد. هرچند در آغاز، این کشور تمایل چندانی برای جلب حمایت متحدان اروپایی اش نداشت و سعی داشت به طور یک جانبه قدرت امریکا را در خلیج فارس به نمایش بگذارد. در ۱ ژوئن، ۱۱ خرداد، ریگان پیش از عزیمت به ونیز و شرکت در کنفرانس سران غرب اعلام نمود در صدد جلب حمایت کشورهای اصلی اروپایی و ژاپن برای حمایت از سیاست پرچم گذاری کشتی هاست. به دنبال این درخواست امریکا، فرانسه با احتیاطی خاص عمل می کرد. هرچند این کشور ۶ فروند

به اتحادی عمیق با عراق کشانده شده است؛ زیرا در صورتی که صدام حسین سقوط کند طلب های فرانسه از عراق هرگز وصول نخواهد شد. «همچنین روزه گارسون از انستیتوی روابط بین الملل فرانسه در قالب تحقیقی توضیح داده بود که: «در شرایطی که طلب های مالی فرانسه از عراق از همیشه سنگین تر شده، این کشور چاره ای جز حمایت از عراق ندارد.»<sup>(۵۹)</sup> به دنبال درخواست کویت برای پرچم گذاری کشتی هایش، فرانسه مانند بریتانیا و جمهوری خلق چین تقاضای این کشور از اعضاء دائم شورای امنیت در ۱۴ می ۱۹۸۷ را مبنی بر اینکه کشتی های کویتی پرچم آنها را نصب کنند نپذیرفت، در حالیکه امریکا و شوروی با این تقاضا موافقت کردند.<sup>(۶۰)</sup>

در اوت ۱۹۸۷ فرانسه برای حمایت از منافع خود در خلیج فارس وارد عمل شد و بلافاصله کشتی های مین روبش را به کار گرفت. اقدامی که نه به دلیل تبعیت از خواسته های امریکا، بلکه در راستای منافع ملی دو کشور انجام شد. در ابتدا فرانسه به این دلیل تقاضای امریکا برای اعزام نیرو به خلیج فارس را رد کرده بود که نگران بود امریکا این کشور را در یک جنگ بزرگ درگیر نماید، به همین خاطر بیشتر کشتی های خود را در خارج از خلیج فارس مستقر کرده بود. پس از آن، دولت فرانسه اعلام نمود سه فروند کشتی مین روب و یک فروند کشتی پشتیبانی را برای تأمین امنیت معابر خلیج فارس به این منطقه خواهد فرستاد تا به ناو هواپیمابر کلمانسو و دو فروند ناوشکن و یک کشتی پشتیبانی این کشور که در خارج از خلیج فارس بودند بپیوندند.

طی تابستان سال ۱۹۸۷ نقش اروپا در خلیج فارس در حال گسترش بود. در این برهه، نیروهای فرانسوی مستقر در خلیج فارس عبارت بودند از: ناو هواپیمابر کلمانسو حامل ۳۸ فروند هواپیما، دو فروند ناوشکن مجهز به موشک های هدایت شونده، یک فروند ناوچه و ۳ فروند ناوچه چند منظوره، ۲ فروند کشتی حامل آذوقه

کشور برای حفاظت از کشتی های تجاری تحت پرچم فرانسه و به طور کلی منافع غرب و تضمین ایمنی و تداوم جریان نفت منطقه قرار داشت.<sup>(۵۶)</sup>

در ۱۳ ماه جولای، ایران به یک کشتی باری فرانسه حمله کرد و به فرانسه در مورد رفتارش با دیپلمات های ایران هشدار داد. در پی حمله ایران به کشتی فرانسوی در خلیج فارس، وزیر خارجه فرانسه در مصاحبه با فیگارو اعلام داشت: «در صورت ادامه حملات ایران به کشتی های فرانسوی در خلیج فارس، پاریس اقدام قاطعی در رابطه با آن اتخاذ خواهد کرد. اگر ایران حملات خود را تکرار کند ما اقدامات مقتضی را به عمل خواهیم آورد و این اقدامات، اقدامات کوچکی نخواهد بود.» وی با تأکید بر اینکه فرانسه خواهان حفظ آزادی کشتیرانی در منطقه است، افزود: «سیاست ما در قبال خلیج فارس تغییر نکرده است. ما دارای رزم ناوهای در اقیانوس هند هستیم که به طور مرتب به خلیج فارس تردد می کنند و یکی از وظایف آنها کمک به کشتی های است که مورد حمله قرار گرفته اند.»<sup>(۵۷)</sup> وزیر خارجه فرانسه در ۱۷ می ۱۹۸۷ در مصاحبه با رادیو بین الملل فرانسه، یک بار دیگر این موضع حکومت را مورد تأکید قرار داد. وی همچنین در ۱۶ ژوئن ۱۹۸۷ این موضع را تصریح کرد که: «ما کشتی هایی در خلیج فارس داریم. آنها کشتی های تجاری را اسکورت نمی کنند، اما برحسب شرایط، آمادگی ارائه کمک به آنها را دارند.» در پی افزایش حضور نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس، وزیر دفاع فرانسه اعلام کرد کشورش قصد دارد دو کشتی جنگی مجهز به موشک های اگزوسه را برای حفاظت از کشتی های فرانسوی در خلیج فارس مستقر کند.<sup>(۵۸)</sup>

روزنامه نیویورک تایمز در توجیه مواضع فرانسه نوشت: «فرانسه تنها کشوری نیست که نگران پیروزی ایران بر عراق و ایجاد بحران در منطقه خلیج فارس است. این کشور با وام های زیادی که به عراق داده، بیش از پیش

فرانسه، انگلستان و شوروی را به تأمین و ارتقای برنامه سلاح های شیمیایی عراق متهم کرد. تا بهار ۱۹۸۴ به نظر می رسید قدرت های عمده اروپای غربی به تنبیه یا حتی انتقاد آشکار از عراق به دلیل استفاده از سلاح های شیمیایی علیه ایران هیچ تمایلی نداشتند. در اوایل ماه مارس ۱۹۸۴، سازمان ملل به اعزام گروهی برای تحقیق در مورد کاربرد سلاح های شیمیایی اقدام کرد. به دنبال انتشار گزارش این گروه، انگلستان، آمریکا، فرانسه و ژاپن صادرات هرگونه مواد اولیه را به عراق که در تولید گازهای خردل و اعصاب کاربرد داشت ممنوع کردند.<sup>(۶۱)</sup>

موضع گیری این کشورها را در قبال قطعنامه های شورای امنیت در خصوص استفاده عراق از سلاح های شیمیایی را می توان به عنوان مواضع این کشورها ارزیابی نمود. تا قبل از صدور قطعنامه ۸۵۲ شورای امنیت، هیچ اشاره ای به کاربرد سلاح های شیمیایی نشده بود. در ۲۴ فوریه ۱۹۶۸، این شورا رویکرد دیگری را اتخاذ کرد و در این سند یادآور شد: « هر دو کشور ایران و عراق عضو پروتکل ژنو هستند و هر چند به استفاده از سلاح های شیمیایی اشاره ای نکرد اما از هر دو طرف می خواست به توصیه نامه های قطعنامه ۸۵۲ عمل کنند.» عراق طی دو سال پایانی جنگ نیز به صورت گسترده از سلاح های شیمیایی استفاده کرد و با وجود آگاهی بسیاری از کشورها از این اقدامات و اظهار نگرانی از آن، عراق همچنان به استفاده از سلاح های شیمیایی ادامه داد. تنها پس از حمله شیمیایی به حلبچه بود که واکنش به این اقدامات رژیم بعث شدت گرفت.

فرانسه به همراه اعضای دیگر شورای امنیت در ۲۰ ماه جولای سال ۱۹۸۷ قطعنامه ۷۵۹۸ تصویب کردند در این قطعنامه، شورا لحن تندی را در مورد کاربرد سلاح های شیمیایی اتخاذ کرد. به دنبال حمله به حلبچه، شورای امنیت در ۹ می ۱۹۸۸ قطعنامه ۶۱۲ را به تصویب رساند. فرانسه نیز مانند سایر اعضا به این قطعنامه رأی مثبت داد. قطعنامه به طور غیرمنتظره ای تند بود و این

و ۱ کشتی تعمیراتی. این نیروها با پیوستن سه فروند کشتی مین روب (۲ فروند مین روب کلاس دومباری و یک فروند کلاس تربیارینت) تقویت شدند. این مین روب ها در ۱۱ سپتامبر در دریای عمان کار خود را آغاز کردند. تا اواخر ماه اکتبر، کشتی های فرانسوی ۹ مین ام - ۸۰ را در آب های ساحلی بنادر فجیره و خورفکان کشف کرده بود. همچنین ناو فرانسوی دوپلمکس، دو مین دیگر را نیز در آب های قطر کشف کرد.<sup>(۶۱)</sup>

## مواضع فرانسه در

### قبال استفاده عراق از

#### سلاح های شیمیایی

از آغاز جنگ تا سال ۱۹۸۳ عراق به طور عمده از سلاح های شیمیایی استفاده می کرد. از سال ۱۹۸۴ عراقی ها از سلاح های شیمیایی بیشتری برخوردار شدند. ایران تلاش های بسیاری را برای نشان

دادن نقض پروتکل ژنو از سوی عراق انجام داد. به عنوان مثال، جزوات و عکس هایی از مصدومات سلاح های شیمیایی تهیه و در اروپای غربی پخش شد، همچنین ۵۰ نفر از مصدومان شیمیایی به این کشورها اعزام شدند. با وجود این، این تلاش ها بازتاب چندانی نداشت و این امر باعث می شد عراق در استفاده از این سلاح ها جری تر شود. فرانسه، نزدیک ترین حامی عراق در دوران جنگ این کشور با ایران، در مورد حملات شیمیایی عراق سکوت اختیار کرده بود. روزنامه لوموند، قربانیان سلاح های شیمیایی را در ایران به یک حادثه کارخانه صنعتی نسبت داد. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران نیز

ارزش سلاح های دریافتی  
رژیم بعث عراق از فرانسه در  
سال های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ بالغ بر  
۴۱ میلیارد فرانک بوده است

اصلی نفت ایران بودند به صراحت اعلام کردند تا زمانی که مسائل ایران و آمریکا حل نشود حاضر به خرید نفت ایران نیستند. آمریکا و شوروی در قالب اجلاس دو جانبه و چند جانبه، از یک سو فشارهای خود را بر ایران افزایش دادند و از سوی دیگر تلاش های هماهنگی را در سازمان ملل آغاز کردند.<sup>(۶۴)</sup> در این راستا، رایزنی های زیادی در سازمان ملل انجام شد و به درخواست



دبیرکل، جلسه شورای امنیت در ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ (۲۹ تیر ۱۳۶۶) تشکیل گردید. این جلسه از آن جهت استثنایی بود که برای اولین بار در طول جنگ، وزرای خارجه کشورهای آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا، آرژانتین، امارات متحده عربی و فرانسه حضور داشتند. این جلسه نیز همچون گذشته، تحت عنوان وضعیت بین ایران و عراق تشکیل شد و قبل از اخذ رأی، نمایندگان هر کشور سخنرانی کردند. در این جلسه ژان برنارد ریمون، وزیر خارجه فرانسه، به عنوان رئیس جلسه طی سخنانی اظهار داشت: «اکنون زمان آن فرا رسیده که به صورت آمرانه خواسته شود مخاصمه پایان گیرد و این قطعنامه ای واقع بینانه و متوازن است که زمینه را برای ارائه یک راه حل سیاسی که در آن پیروز و یا شکست خورده وجود ندارد، هموار می کند.» وی سپس، پیش نویس قطعنامه را به رأی گذاشت که به اتفاق آرا با ۱۵ رأی موافق و بدون مخالف و بدون ممتنع به تصویب رسید و به شماره ۵۹۸ (۱۹۸۷) ثبت گردید.<sup>(۶۵)</sup>

تفاوت اساسی این قطعنامه با قطعنامه های قبلی شورای امنیت به جز الزام آور بودنش، به مفاد آن نیز برمی گردد. در این قطعنامه سعی شد تا دیدگاه های ایران

شورا بارها استفاده از سلاح های شیمیایی علیه غیرنظامیان را رد کرد. قطعنامه مزبور قاطعانه از هر دو کشور میخواست که به پروتکل ژنو پایبند باشند. این قطعنامه همچنین خواستار اعمال کنترل و محدودیت های شدید در زمینه صادرات اولیه سلاح های شیمیایی شد.<sup>(۶۶)</sup>

### فرانسه و قطعنامه ۵۹۸

اجرای عملیات های موفقیت آمیز والفجر ۸ و کربلای ۵، آمریکا، شوروی و سایر حامیان عراق را به این جمع بندی رساند که در صورت تداوم پیروزی های ایران، شکست عراق قطعی است، لذا باید به جنگ پایان داد. در این دوره حامیان عراق برای جلوگیری از پایان جنگ به نفع ایران کوشیدند به هر نحو ممکن این جنگ را بی آنکه برنده یا بازنده ای داشته باشد به پایان برسانند. بنابراین دور جدیدی از فشارها و تهاجم کشورهای منطقه و فرامنطقه علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز شد. در این مرحله، فشارهای اقتصادی به اوج خود رسید، کاهش قیمت نفت و عدم خرید آن از ایران مهم ترین اقدام در این چارچوب بود. کشورهای اروپایی و ژاپن که خریداران

تسلیماتی سی تا شصت روزه ای را علیه ایران اعمال کنند اما این اقدام با مخالفت شوروی و چین روبه رو شد.<sup>(۶۹)</sup> همچنین فرانسه در راستای افزایش فشار بر ایران در ۶ ماه اوت ۱۹۸۷ واردات نفت خود را از ایران تحریم کرد و کمک های نظامی و اقتصادی خود را به عراق افزایش داد.<sup>(۷۰)</sup> در این مقطع نیز شوروی و فرانسه همچنان در صدر تأمین کنندگان تسلیحاتی عراق قرار داشتند. شوروی از اول سال ۱۹۸۶ تا اوایل سال ۱۹۸۸، در حدود ۹۳ میلیارد دلار موشک های هوا به زمین و تجهیزات الکترونیکی به عراق فروخت.<sup>(۷۱)</sup>

### موضع فرانسه در قبال سقوط هواپیمای مسافربری ایران توسط ناو آمریکایی

سقوط هواپیمای ایرباس مسافربری ایران در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۶۷ توسط ناو آمریکایی، در ادامه همان استراتژی و سیاستی بود که در سال های پایانی جنگ، آمریکا و متحدانش اتخاذ کرده بودند. از اوایل سال ۱۳۶۶ و به دنبال پیروزی های ایران و ناکامی های عراق، آمریکا و متحدانش تصمیم گرفتند از شکست عراق و برهم خوردن معادلات قدرت در منطقه به نفع ایران جلوگیری کنند. با طرح شروطی از سوی جمهوری اسلامی ایران برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸، از یک سو فشارهای سیاسی بر ایران افزایش یافت و از سوی دیگر به طور هم زمان عراق استفاده از سلاح های شیمیایی و حمله به شهرها و پایانه های نفتی ایران را تشدید کرد. در همین راستا، ناو وینسنس آمریکا، هواپیمای مسافربری ایران را هدف حمله قرار داد. بدنبال شکایت ایران به سازمان ملل، فرانسه به اتفاق سایر اعضای شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ای را در ۲۰ جولای ۱۹۸۸ صادر نمودند که در آن ضمن ابراز تأسف عمیق از کشتار انسان های بی گناه، همدردی خود را با خانواده های قربانیان اعلام و با درخواست ایران برای تشکیل یک گروه حقیقت یاب حادثه موافقت نمود.<sup>(۷۲)</sup>

نیز مد نظر قرار گیرد. به عبارت دیگر، قطعنامه ۵۹۸ ضمن رعایت حداقل خواسته های طرف ایرانی، به روشنی هزینه سنگین مخالفت با آن را هم در مفاد و هم در مراحل تصویب و اعلان نشان داد. با تصویب این قطعنامه و موضع نه رد و نه قبول آن از سوی ایران، شاهد افزایش فشارهای بین المللی برای قبول قطعنامه از سوی ایران هستیم. در این راستا، کلود شسون، وزیر خارجه سابق فرانسه، طی مصاحبه ای اعلام کرد: «اعضای دائمی شورای امنیت در تصمیم اعلام نشده ای در زمینه حمایت از عراق در برابر جمهوری اسلامی ایران به توافق رسیده بودند»<sup>(۶۶)</sup> همچنین ماکمیلی کابانا، وزیر اطلاعات فرانسه، ضمن دیدار با صدام حسین و اعلام پیام شفاهی ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه اعلام نمود: «فرانسه کوشش های خود را برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت جهت پایان دادن به جنگ و برقراری صلح، دو چندان خواهد کرد»<sup>(۶۷)</sup>

از آن پس شاهد افزایش همکاری فرانسه با سایر کشورها به منظور تشدید فشار بر ایران برای قبول قطعنامه هستیم. در واقع قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، بارزترین نوع همکاری میان سیاست فرانسه و دو ابرقدرت شوروی و آمریکا برای کنترل جنگ و ایفای نقش موازنه گر از جانب آن به شمار می رفت.

در این مقطع، دو موضوع مورد توجه فرانسه بود که شاید به هم مرتبط بودند، یکی تحولات قیمت نفت به دلیل جنگ ایران و عراق و دیگری رشد بنیادگرایی که ثبات منطقه را به هم می زد. مسئله دیگری که در موضع گیری فرانسه در جنگ ایران و عراق بی تأثیر نبود خنثی ساختن آثار نزدیکی به اسرائیل در نزد اعراب بود که با حمایت از عراق در جنگ به این هدف دست یافت.<sup>(۶۸)</sup>

در ۵ ماه مارس، فرانسه همراه با آمریکا و دیگر کشورهای غربی با هدف تحت فشار قرار دادن ایران برای قبول قطعنامه، کوشیدند با حمایت شورای امنیت، تحریم



خود را براساس تعصب های دینی و سیاسی پی ریزی کرده بود قدرت یابد و چون گرایش های سلطه طلبانه دارد با اولین مانع یعنی عراق برخورد نموده است.»<sup>(۷۳)</sup>

نشریه آمریکایی نیویورک تایمز چند روز پس از آغاز جنگ تحمیلی در مورد سکوت اروپا در قبال تهاجم عراق به ایران می نویسد: «این مسئله عجیب است که چگونه اروپاییان در برابر تهاجم عراق به ایران ساکت نشسته اند، حال آن که واردات نفت آنان که در امنیت شان بسیار حائز اهمیت می باشد، متکی به منطقه است. این نظریه، واردات نفت فرانسه را از عراق، روزانه ۶۰۰ هزار بشکه ذکر می کند که اولین مشتری نفت عراق است. نیویورک تایمز در ادامه می نویسد: «اگر کشورهای اروپایی که تا این حد به نفت عراق متکی اند با قطع نفت این کشور مواجه شوند، یا باید خسارت ناشی از آن را تحمل کنند و یا به صدام برای خاتمه جنگ فشار خواهند آورد.»

بنابراین تأمین انرژی و امنیت، یکی از اساسی ترین محورهای جهت گیری دیپلماسی غرب و به ویژه فرانسه در دوره جنگ بود. از این رو عربستان سعودی با افزایش تولید خود و تأمین نیازهای نفتی کشورهای اروپایی، آنها را به حمایت از عراق تشویق کرد. واشنگتن پست در نوامبر ۱۹۸۰ به نقل از رونالد کوون می نویسد: «شکست عراق بزرگ ترین خطر برای بی ثباتی خلیج فارس است. وی می افزاید به رغم مطالب رسمی غیرانتقادی، مطبوعات فرانسه نشانه هایی ارائه می دهند که حکایت از تحویل گسترده مواد اولیه به عراق دارد. فرانسه آشکارا همه توانش را به کار گرفته تا از سقوط صدام جلوگیری نماید و به نظر می رسد در جستجوی راهی است تا جنگ را به نحوی پایان دهد». از جمله اقدامات دیپلماتیک فرانسه، استفاده از موقعیتش در شورای امنیت برای صدور قطعنامه های متعدد با هدف فشار مضاعف بر ایران بود. پناه دادن به منافقین و تروریست های همدست صدام و حمایت از ضدانقلاب و سلطنت طلب ها که

به طور اجمال می توان گفت قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت بارزترین نوع همکاری میان سیاست فرانسه و دو ابرقدرت برای کنترل جنگ و ایفای نقش موازنه دهنده گی از جانب آنان بود. در تمام وقایع مهم ذکر شده در این دوره، شاهد حمایت فرانسه از عراق و یا سکوت این کشور به نفع عراق هستیم که مانع از ایجاد یک رابطه مثبت میان ایران و فرانسه می شد.

### نتیجه گیری

جنگ ایران و عراق، حادثه تاریخی و سرنوشت سازی بود که در بستر مجموعه ای از عوامل و زمینه های مختلف شکل گرفت و از ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ با تجاوز عراق آغاز و در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ پس از پذیرش قطعنامه از سوی ایران به پایان رسید. با یک نگرش کلی، علل و ریشه های تیرگی روابط دو کشور ایران و فرانسه را در دوره سوسیالیست ها را در سه عامل زیر می توان جستجو کرد:

الف: تجمع نیروهای ضدانقلاب در فرانسه؛ ب: کمک های نظامی فرانسه به عراق؛ ج: قضیه وام یک میلیارد دلاری ایران به فرانسه.

با به قدرت گیری سوسیالیست ها در فرانسه، زمینه همکاری رژیم عراق که تمایلات سوسیالیستی داشت با فرانسه افزایش یافت. دولت جدید سوسیالیست فرانسه حمله اسرائیل را به راکتورهای اتمی عراق (خرداد ۱۳۶۰) محکوم کرد و میتران قول داد فرانسه در عملیات بازسازی این راکتورها مشارکت کند. کلود شسون که از اواخر سال ۱۹۸۱ تا ژوئیه ۱۹۸۴ وزیر خارجه فرانسه بود پس از کناره گیری از مقام خود در مصاحبه با یکی از روزنامه های عرب زبان چاپ لندن اظهار داشت: «ما در اوایل سال ۱۹۸۰ سعی کردیم حوادث و رخدادها را در چارچوب گسترده ای مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. درواقع خطرناک ترین پدیده در جنگ خلیج فارس این بود که کشور بزرگی در منطقه مانند ایران که سیاست

هنوز ادامه دارد، از دیگر اقدامات فرانسه در ۸ سال جنگ و بعد از آن می باشد.

برخی از منابع خبری، فرانسه را تأمین کننده نیازهای نظامی عراق در طول جنگ می دانند و برخی دیگر آن را در رتبه دوم بعد از شوروی قرار می دهند. اما آنچه حائز اهمیت است اینکه در مقایسه با سایر کشورها غربی، بیشترین تسلیحات مورد نیاز صدام از سوی فرانسه تأمین و ارسال شده است. فرانسوی ها منابع استراتژیک و توانایی های مالی لازم برای تقویت عراق را در اختیار داشتند و به همین دلیل از شهریور ۱۳۵۹ فروش تسلیحات نظامی فرانسه به عراق به ۶/۵ میلیارد دلار رسید و ۷/۴ میلیارد دلار نیز در قالب قراردادهای بازرگانی و غیر نظامی میان دو کشور منعقد شد که دست کم ۷ میلیارد دلار از مجموع این معاملات به صورت وام و اعتبارات بود. در سال ۱۹۸۲، ۴۰ درصد از صادرات تسلیحاتی فرانسه به عراق ارسال شد. هواپیماهای میراژ F-1، موشک های هوا به هوا، موشک های اگزوست 93-AM از جمله کمک های تسلیحاتی فرانسه به صدام بود. حمایت دولت فرانسه از رژیم صدام از جنبه تسلیحاتی تا آنجا پیش رفت که این کشور به دلیل محدودیت هایی که برای فروش هواپیماهای پیشرفته سوپراتاندارد داشت، برای تقویت قدرت هوایی عراق، جهت حمله به نفتکش ها و پایانه های نفتی ایران در خلیج فارس چند فروند از این هواپیماها را به صورت اجاره در اختیار صدام قرار داد. به این ترتیب فرانسه با حمایت های خود از عراق، خود را درگیر یک بحران در منطقه خلیج فارس ساخت که تأثیر آن بر اقتصاد فرانسه بسیار سنگین بود.

به طور کلی در طول جنگ ایران و عراق سوسیالیست های فرانسه از عراق در برابر ایران حمایت نمودند. هر چند در سال ۱۳۶۵ با برقراری مجدد روابط عادی بین ایران و فرانسه، از کمک های نظامی به عراق کاسته شد؛ با وجود این، شکی نیست که دولت فرانسه به

منظور تحقق آزادی گروگان های فرانسوی در بیروت، در صدد بود از تحریک ایران خودداری نماید، اما تحویل هواپیماهای میراژ F-1 به عراق در سال ۱۳۶۶ مؤید موضع گیری و جانبداری از عراق بود. در این زمان فرانسه رفتار خود را منطقی و صحیح تصور می نمود. این رفتار به فرانسه اجازه داد تا به وسیله حمایت پنهانی و کمتر آشکار از عراق اولاً نفوذ خود را در خلیج فارس توسعه دهد و ثانیاً از یک وجهه دوستی در میان کشورهای عربی برخوردار شود که در بهرهمندی از امکانات منطقه بسیار موثر بود.

#### یادداشت ها

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۵/۳۱.
۲. غلامرضا بابایی، «نگاهی به مناسبات سیاسی ایران و فرانسه»، مجله سیاست خارجی ویژه اروپا (۱)، سال سیزدهم، بهار ۱۳۷۸، ص ۴۷.
۳. همان، ص ۵۰.
۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۵/۳۱.
۵. منوچهر پارسادوست، نقش سازمان ملل متحد در جنگ ایران و عراق، تهران: انتشارات سهامی، ۱۳۷۱، صص ۱۸۳-۱۸۶.
۶. محمد درودیان، جنگ؛ بازبانی ثبات: تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، جلد ۲، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات و جنگ سپاه، زمستان ۱۳۷۸، صص ۷۸-۸۱.
۷. آنتونی کردزمن و آبراهام واگنر، «تحلیل تهاجم عراق به ایران در سال ۱۹۸۰، یک رویکرد غربی»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۷۹، ص ۶۱.
۸. درودیان، پیشین، ص ۱۵۶ و صص ۵-۱۶۴.
۹. آنتونی کردزمن و آبراهام واگنر، پیشین، ص ۶۳.
۱۰. علیرضا معیری، «سیاست خاورمیانه ای فرانسه پس از جنگ جهانی دوم»، مجله سیاست خارجی، سال اول زمستان و پاییز ۱۳۶۴، صص ۲۵۱-۲۶۱.
۱۱. بابایی، پیشین، ص ۵۰.



- محمدرضا گلشن پژوه، حسین سفید کلاهی خیابان، عباس کاردان، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران، صص ۴۷۳-۴۷۵.
۲۹. بزرگمهری، پیشین، صص ۴۳-۴۲.
۳۰. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۶/۱۵.
۳۱. علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۸.
۳۲. بابایی، پیشین، ص ۴۳.
۳۳. کنت آرتیمرم، سوداگری مرگ، غرب چگونه عراق مسلح ساخت، ترجمه: احمد تدین، تهران: انتشارات خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۹، صص ۲۷۷-۲۷۹.
۳۴. بزرگمهری، پیشین، ص ۴۳.
۳۵. همانجا.
۳۶. حسین اردستانی، جنگ عراق و ایران، رویارویی استراتژی های: تأثیر تحولات نبرد جنگ ایران و عراق بر سیاست قدرت های بزرگ، تهران: انتشارات دوره عالی جنگ سپاه پاسداران، ۱۳۷۸، ص ۱۲۷.
۳۷. جمشید ممتاز، «امنیت دسته جمعی شورای امنیت و جنگ ایران و عراق، دیدگاه ایرانیان»، مجله سیاست خارجی، سال ۹، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۴، ص ۱۶۱.
۳۸. احمد نقیب زاده، «فرانسه و خاورمیانه از ۱۹۴۵ تا امروز»، سلسله مقالات خاورمیانه شناسی، شماره ۲۱، بهمن ۱۳۷۷، صص ۳۹۹-۴۰۱.
۳۹. فریدمن، پیشین، صص ۴۷۴-۴۷۳.
۴۰. نقیب زاده، پیشین، ص ۲۳.
۴۱. تیمرم، پیشین، صص ۴۰۱-۳۹۹.
۴۲. فریدمن، پیشین، صص ۴۷۴-۴۷۳.
۴۳. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۳/۵/۱.
۴۴. رفیق السامرای، ویرانی دروازه شرقی، ترجمه: عدنان قارونی، تهران: انتشارات مرکزی فرهنگی سپاه، ۱۳۷۷، ص ۱۵۵.
۴۵. اردستانی، پیشین، ص ۲۸.
۴۶. اکبر مهدی زاده، «مبانی فکری و نظری سیاست خارجی در

12. Frances economic this to Iraq (february/2003).

Retrieved from: [www.bbcnews.com](http://www.bbcnews.com).

13. Simons, Geoff, "Iraq Fromssumer to Saddam"

London: The Macmillan Press, 1994, P158.

۱۴. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۲/۳.
۱۵. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۲/۲۱.
۱۶. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۵/۶.
۱۷. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۵/۱۵.
۱۸. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۱۷.
۱۹. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۵/۲۹.
۲۰. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۷/۱۲ و ۱۳.
۲۱. بابایی، پیشین، ص ۵۰.
۲۲. کامیاب منافی، فرانسه، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، صص ۱۸۱-۱۸۲.
۲۳. حسین یکتا، «مواضع قدرت های بزرگ و جنگ ایران و عراق و موقعیت بین المللی پایان جنگ»، فصلنامه بررسی های نظامی، سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۷۲، ص ۱۲۵.
۲۴. جمعی از محققین، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و نظام بین المللی (مجموعه مقالات دفاع مقدس)، تهران: انتشارات و مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، صص ۱۷۷-۱۸۰.
۲۵. محمد درودیان، علل تداوم جنگ و نقد و بررسی جنگ ایران و عراق (۳)، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۸۲، صص ۱۲۲-۱۲۳.
۲۶. مجید بزرگمهری، اتحادیه اروپایی در دو دهه اخیر، تأثیر همگرایی اروپایی بر ساختار نظام های ملی (فرانسه و انگلستان)، قزوین: دانشگاه بین المللی امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۴۱.
۲۷. محمد درودیان، پایان جنگ (بررسی تحلیلی رویدادهای سیاسی- نظامی جنگ از عملیات والفجر ۱۰ تا اشغال کویت)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹، صص ۲۹-۳۱.
۲۸. آلن فریدمن، «دعای ایران بررسی کمک ها و حمایت غرب به ویژه آمریکا از صدام حسین در جنگ تحمیلی»، ترجمه:

- دوران جنگ»، فصلنامه نگین ایران، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۱، ص ۵۶.
۴۷. بزرگمهری، پیشین، ص ۴۴.
۴۸. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۴/۴/۲۹.
۴۹. مهدی انصاری، یحیی فوزی، علیرضا لطف‌ا... زادگان، روزشمار جنگ ایران و عراق: ماجرای مک فارلین؛ جلد ۴۴، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، صص ۹۲-۹۳.
۵۰. منافی، پیشین، صص ۱۸۵-۱۸۶.
۵۱. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۶/۴/۲۵.
۵۲. منافی، پیشین، صص ۱۸۵-۱۸۶.
۵۳. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۴/۱۰.
۵۴. اداره کل امور حقوقی وزارت امور خارجه، تحلیل بر جنگ رژیم عراق علیه ایران (جلد دوم)، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۱۰۷.
۵۵. کردزمن و واگنر، پیشین، ص ۶۸.
۵۶. آندره گاتری و ناتالیتوروتیتی، جنگ ایران و عراق (۱۹۸۸-۱۹۸۰) و حقوق جنگ دریایی، مترجمان: احمدرضا ملک محمدی نوری، سعید نائب، احمدسالاری، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۴، صص ۴۲۹-۴۳۳.
۵۷. محمود یزدان فام، اسکورت نفتکش‌ها (از مجموعه کتاب‌های روزشمار جنگ)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸، ص ۷۸.
۵۸. گاتری و روتیتی، پیشین، صص ۴۳۸-۴۴۱.
۵۹. یزدان فام، پیشین، ص ۵۲.
۶۰. گاتری و روتیتی، پیشین، ص ۴۴۱.
۶۱. همان، صص ۸۲-۸۳.
۶۲. جاوید علی، «کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق»، فصلنامه نگین ایران، سال دوم، شماره ۸، بهار ۱۳۸۳، صص ۶۲-۶۳.
۶۳. همان، صص ۶۵-۶۹.
۶۴. مهدی زاده، پیشین، صص ۵۶-۵۷.
۶۵. پارسا دوست، پیشین، صص ۶۷۰-۶۷۶.
۶۶. صالح رضایی پیش رباط، «حادثه ایرباس از آغاز تا پایان»، فصلنامه نگین ایران، شماره ۵، تابستان ۱۳۸۲، ص ۵.







### بخش اول: گزارش‌ها

گزارش‌هایی که برای مطالعه عملکرد واحد بهداری در این قسمت آورده شده، گویای مسئولیت خطیر این واحد در طول ۸ سال دفاع مقدس است. در تنظیم این اسناد سعی شده، گزارش‌هایی از واحدهای بهداری در مناطق مختلف جنگی آورده شود. همچنین این گزارش‌ها بیانگر عملکرد واحدهای کوچک و بزرگ بهداری از ابتدای جنگ تا سال پایانی جنگ است. آنچه در این اسناد جلب توجه می‌نماید خدمت‌رسانی خالصانه پرسنل واحد بهداری در عین کمبودها و مشکلات فراوانی بود که با آنها دست‌گیربان بودند:

#### ■ سند شماره ۱

تاریخ سند: ۶۰/۸/۳۰

واحد بهداری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پاوه

بسمه تعالی

شمه‌ای از کارکرد واحد بهداری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پاوه از پانزدهم فروردین شصت‌الی ۶۰/۸/۳۰ به شرح زیر است:

- ایجاد مراکز درمانی در روستاهای پشت جبهه که نیازهای درمانی رزمندگان اسلام و مردم محروم منطقه را برطرف کرده است که عبارتند از:

۱. ... «مرکز درمانی شامل داروخانه، تزریقات و پانسمان، پزشک یار و امدادگر، آمبولانس» دو دستگاه.

۲. فدوی «مرکز درمانی شامل: پزشک یار، امدادگر داروخانه، اورژانس، تزریقات و پانسمان و دو دستگاه آمبولانس.

۳. ... «مرکز درمانی شامل: پزشک یار و امدادگر و داروخانه، تزریقات و پانسمان و دو دستگاه آمبولانس.

۴. قشار - مرکز درمانی شامل: پزشک یار، داروخانه، تزریقات و پانسمان.

۵. شوکان - مرکز درمانی - شامل: پزشک یار، تزریقات و پانسمان و داروخانه.

توضیح:

به واسطه دور بودن جبهه از این مرکز و نزدیک بودن آن به مرکز درمانی فدوی، «۲۰ دقیقه»، در حال

۲. عنوان روستا در سند ناخواناست

۱. عنوان روستا در سند ناخواناست

حاضر مورد استفاده قرار نمی گیرد و بطور سیار بازدید بعمل می آید.

۶. نوین - مرکز درمانی - شامل: پزشک یار، امدادگر، داروخانه، تزریقات و پانسمان.  
توضیح:

مرکز فوق در منطقه اورامان است که جزء مریوان محسوب می شود و بواسطه عدم وجود جاده ماشین رو، فاقد آمبولانس است.

۷. ثلین - مرکز درمانی - شامل: پزشک یار، داروخانه، تزریقات و پانسمان.  
توضیح:

مرکز فوق در اورامان است که جزء مریوان محسوب می شود و در حال حاضر بواسطه نزدیک بودن به مرکز اورمان و دور بودن از جبهه تعطیل می باشد.

۸. شمشی: ایجاد مرکز ساختمان مرکز درمانی شمشی بوسیله برادران سپاه و جهاد شامل: ۲ نفر پزشک یار، ۳ نفر امدادگر، ۳ آمبولانس در بالای قله شمشی و اورژانس، داروخانه، تزریقات و پانسمان.

۹. نودشه: ایجاد بیمارستان در نودشه که شامل: اتاق معاینه پزشک، اتاق تزریقات و پانسمان، داروخانه مجهز، اورژانس با ۸ تخت، بانک خون، آزمایشگاه مجهز، انبار دارویی کل جبهه، پزشک عمومی، چند نفر پزشک یار و چندین امدادگر و تکنسین آزمایشگاه و ۵ دستگاه آمبولانس.

توضیح:  
این مرکز درمانی به صورت مخروبه ای درآمده بود که توسط برادران سپاه بازسازی شده است.

۱۰. آموزش امدادگری در جبهه ها به رزمندگان اعزامی توسط برادران بهداری سپاه در جبهه.

۱۱. آموزش کمک های اولیه به تمامی رزمندگان اسلام در جبهه.

۱۲. اعزام گروه های سیار پزشکی شامل: پزشک یار و امدادگر، دندانپزشک به روستاهای آزاد شده از جمله

کلجی، ناو، حال و غیره.

۱۳. ایجاد دوازده پایگاه در جبهه های بانبران و مرکز پزشکی در بهداری بانبران به کمک برادران جهاد شامل: دندانپزشکی، پزشک «از بهداری یک روز درمیان» و ماما هفتگی و پزشک یار و خواهران پزشک یار و ۳ دستگاه آمبولانس.

۱۴. اعزام برادران و خواهران پزشک یار به روستاهای محروم منطقه بانبران و ثلاث.

۱۵. اعزام برادران پزشک یار و امدادگر به کلیه قله هایی که برادران سپاه ارتش در آن مستقر هستند، حدود ۵ قله.

۱۶. ایجاد انبار داوریی در پاوه و خوابگاه برای برادران پزشک یار و امدادگر اعزامی به جبهه.

۱۷. تغییر نام «مرکز درمانی روستای نودشه» به بیمارستان شهید کلاهدوز.

۱۸. اعزام دندانپزشک به کلیه روستاهای تحت پوشش.

۱۹. ویزیت بیش از ۱۵ هزار نفر از مردم محلی و رزمندگان اسلام و کمک به برادران ارتشی و ژاندارمری با ارسال وسایل پزشکی و پزشک یار و دارو.

۲۰. تحویل شیر خشک به مادران کم شیر در کلیه روستاهای آزاد شده.

## ■ سند شماره ۲

شماره سند: سیار

تاریخ: ۶۷/۸/۱۰

به: فرماندهی قرارگاه کربلا (سپاه)

از: بهداری قرارگاه کربلا (سپاه)

موضوع: گزارش و درصد آمادگی واحد امدادی

بدینوسیله گزارش بهداری قرارگاه کربلا را در رابطه با عملیاتی که انشاء... در پیش است اعلام می داریم، به امید اینکه خداوند بزرگ توفیق خدمت به اسلام و مسلمین را به همه ما عنایت بفرماید و ضمناً اعلام آمادگی بهداری قرارگاه را به صورت صددرصد بحول و قوه الهی اعلام می داریم.

## الف: اموری که مربوط به بهداری قرارگاه کربلا بوده است:

### هماهنگی ها

#### ۱) با ارتش جمهوری اسلامی

طبق جلسات مکرر و متعددی که با برادران بهداری ارتش و نماینده جناب سرهنگ صیاد شیرازی داشتیم قرار بود کمک هایی را در رابطه با احداث اورژانس ها و مختصری وسائل اورژانسی به بهداری سپاه بنمایند به این دلیل که تقریباً به گفته خود آنها بیش از ۹۰٪ امور امدادی و درمانی مجروحین توسط اورژانس ها و اطاق عمل های بهداری سپاه انجام می شود اما متأسفانه در همین حد نیز همکاری نکردند و به قول های خودشان، هر چند ناچیز بود، جامعه عمل نپوشاندند. می توان گفت مسئولیت سرویس دادن به مجروحین فقط به عهده بهداری سپاه می باشد که انشاء... طبق روال گذشته بحول و قوه الهی انجام وظیفه خواهیم کرد.

#### ۲) هماهنگی با نیرو هوایی جمهوری اسلامی

طبق معرفی نامه ای که فرمانده محترم قرارگاه کربلا نوشتند جلسه ای را با جناب سرهنگ عابدین و سرهنگ ... داشتیم، هماهنگی های لازم برای تخلیه سریع مجروحین با هواپیما و احداث ستاد تخلیه و نقاهتگاه بهداری قرارگاه کربلا انجام شد و از طرف سپاه، آقای دکتر توانا به عنوان مسئول ستاد تخلیه مجروحین و برادر دکتر میرصافحیان به عنوان مسئول نقاهتگاه معرفی شدند. لازم به ذکر است که فرماندهی نهایت همکاری را با بهداری قرارگاه داشته است.

#### ۳) هماهنگی با هوانیروز

طبق جلسه ای که با جناب سرهنگ آذین و نماینده هوانیروز در رابطه با تخلیه مجروحین از جبهه به پشت جبهه داشتیم، محل تخلیه مجروحین مشخص شد. به این ترتیب که قبل از موفقیت عملیات، مجروحین از

پدی که در کنار پادگان عین خوش می باشد تخلیه شوند و انشاء... صبح عملیات که ارتفاعات تصرف شد به صورت فعال از دو پد «تیپ امام حسین (ع) - تیپ کربلا» و از بقیه پدها در صورت نیاز استفاده و در داخل شهرها نیز محل فرود هلی کوپترها به صورت ذیل می باشد:

۱. بیمارستان شهید کلانتری سپاه پاسداران واقع در اندیمشک؛

۲. بیمارستان نیروی هوایی واقع در پایگاه وحدتی دزفول؛

۳. بیمارستان شهدای شوش واقع در پایگاه شوش؛ و

۴. بیمارستان یازهرا واقع در پایگاه دزفول.

که همه محل ها توسط رابط هوانیروز کنترل و بازدید شده است.

متذکر می شویم که ۲۰ نفر تکنسین اورژانس جهت امور امدادی برای استقرار در داخل هلی کوپترها به هوانیروز معرفی شد، بنابراین مقرر شد انشاء... مجروحین در روز با ۴ دستگاه هلی کوپتر شنوک و ۱۰ دستگاه ۲۱۴ به شهر منتقل شوند و از طرف بهداری قرارگاه، برادر توانا به عنوان رابط بهداری در هوانیروز معرفی شد.

#### ۴) هماهنگی با راه آهن لرستان

با توجه به اینکه در همه حملات، جراحت اکثر مجروحین سطحی بوده و از باب اینکه تخلیه مجروح از طریق هوا دچار تراکم نشود لذا قرار شد دو قطار از راه آهن از تاریخ ۶۷/۸/۸ در اختیار بهداری قرار دهند تا مجروحین از این طریق تخلیه شوند که الحمدا... قطار آماده است.

#### ۵) هماهنگی با سازمان بهداری خوزستان

با توجه به گستردگی عملیات و استعداد نیروها، مقرر شد سه بیمارستان با ظرفیت های مناسب از طرف بهداری فعال شود؛ یک بیمارستان از نیروی هوایی، یک بیمارستان از سپاه پاسداران قرارگاه که جمعاً ۵

۱. یک کلمه در سند ناخواناست



بیمارستان ... بحمد... همه آماده اند و اکیپ ها جراحی از تاریخ ۶۷/۸/۹ آماده اند.

**اقدامات انجام شده توسط بهداری قرارگاه کربلا**  
(۱) احداث بیمارستان شهید کلانتری سپاه پاسداران در اندیمشک، آمادگی ۱۰۰٪.

مسئول بیمارستان: برادر دکتر رهنمون

مدیر داخلی: برادر عطاری ها

تخت: ۳۵۰ تخت؛ اورژانس: ۴۰ تخت؛ امدادگر و تخلیه گر: ۸۰ نفر؛ اطاق عمل: ۴ دستگاه؛ تیپ کامل جراحی: ۴ اکیپ؛ پد هلی کوپتر: ۲ محل؛ جراح ارتوپد: ۱ نفر؛ جراح عروق: ۱ نفر؛ اتوبوس آمبولانس: ۳ دستگاه؛ بانک خون: با تمام تجهیزات؛ مینی بوس: ۲ دستگاه؛ پزشک عمومی: ۸ نفر؛ تکنسین بیهوشی: ۱۰ نفر؛ آمبولانس شهری: ۸ دستگاه؛ تکنسین اطاق عمل: ۱۸ نفر؛ تکنسین آزمایشگاه: ۱۸ نفر؛ تکنسین رادیولوژی: ۴ نفر؛ تکنسین اورژانس: ۲۰ نفر؛ بهیار: ۴۰ نفر؛ پرستار: ۷ نفر؛ کمک بهیار: ۳۰ نفر.

**۲. ستاد تخلیه «عاشورا» مستقر در فرودگاه پایگاه وحدتی دزفول، آمادگی ۱۰۰٪.**

مسئول ستاد تخلیه: دکتر توانا

پزشک عمومی: ۴ نفر؛ متخصص داخلی: ۱ نفر؛ بهیار: ۲۰ نفر؛ پرستار: ۲ نفر؛ تکنسین اورژانس: ۳۰ نفر؛ امدادگر و تخلیه گر: ۳۰ نفر؛ تخت آماده: ۱۰۰ نفر؛ نیروی متفرقه: ۱۰۰ نفر.

**۳. مجتمع نقاهتگاه های «شهدای هفت تیر» مستقر در پایگاه وحدتی دزفول**

مسئول نقاهتگاه برادر دکتر میر صالحیان.

تخت نقاهتگاه: ۶۰۰ تخت؛ پزشک عمومی: ۱۰ نفر؛ روان شناس: ۲ نفر؛ پرستار: ۷ نفر؛ بهیار: ۲۲ نفر؛ پزشک یار: ۳۰ نفر؛ امدادگر: ۵۰ نفر؛ متفرقه: ۷۰ نفر.

**ب) اقدامات انجام شده توسط بهداری سپاه سه صاحب الزمان و لشکرهای تحت امر آن:**

- بیمارستان امام مهدی (عج) واقع در دهلران، آمادگی: ۱۰۰٪

- اطاق عمل: ۲ دستگاه؛ تخت اورژانس: ۳۰ تخت؛ تخت نقاهتگاه: ۳۶۰ تخت؛ اکیپ جراحی: ۳ اکیپ کامل جراحی؛ بانک خون: با تجهیزات کامل.



## ۵. اورژانس نجف اشرف، آمادگی ۱۰۰٪

مسئول اورژانس: دکتر بهجتی

پزشک: ۹۵ نفر؛ بهیار و پزشک یار: ۳۲ نفر؛ تخت اورژانس: ۱۵ نفر؛ تکنسین بانک خون: ۲ نفر؛ امدادگر خط: ۲۱۷ نفر؛ آمبولانس خط رو و غیره: ۳۴ دستگاه؛

به این وسیله، آمادگی کامل واحد بهداری را برای عملیات اعلام می داریم.

بهداری قرارگاه کربلا

فتحیان

مورخه ۶۷/۸۱۰

## ■ سند شماره ۳

تاریخ سند: ۶۷/۱۷/۱۷

به: قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص)

از: ف- قرارگاه کربلا (سپاه)

موضوع: پیوستی

بسمه تعالی

سلام علیکم

بدینوسیله به پیوست، ۶ برگ نامه شماره ۶۷۰/۹۰/۵۴۸ خ- مورخه ۶۷/۱۱/۱۱ منضم به ۶ برگ که از قرارگاه خاتم الانبیاء به این فرماندهی رسیده و موضوع آن میزان آمادگی بهداری می باشد، جهت اطلاع ارسال می گردد.

مهدی برزگراده

## الف) بیمارستان ها و اورژانس هایی که تحت امر قرارگاه نجف هستند

۱. بیمارستان شهید کلانتری: واقع در اندیمشک مجاور راه آهن

دارای اتاق عمل، ۴۰ تخت اورژانس، ۳۰۰ تخت بیمارستان، دارای بانک خون و رادیولوژی و آزمایشگاه تقریباً مجهز که در عملیات محرم، بیش از ۶۰٪ کل مجروحین را پذیرفت.

- اتاق عمل های سیدالشهدا مستقر در کنار اورژانس

امام حسین (ع)، آمادگی: ۱۰۰٪

- اتاق عمل صحرایی: ۲ دستگاه؛ اکیپ جراحی: ۱۳ اکیپ؛ ریکاوری: ۱۲ اکیپ؛ بانک خون؛ پد هلی کوپتر: ۳ پد.

## اورژانس های بهداری سپاه

۱. اورژانس شهید محراب آیت... اشرفی، «امام

حسین (ع)»، آمادگی: ۱۰۰٪

تخت اورژانس: ۲۰ تخت؛ پزشک یار: ۳۰ نفر؛ پزشک عمومی: ۵ نفر؛ امدادگر: ۳۰۰ نفر؛ دانشجوی سال آخر: ۸ نفر؛ متفرقه: ۱۰۰ نفر؛ تکنسین بانک خون: ۳ نفر؛ آمبولانس خط رو: ۳۵ دستگاه؛ تکنسین دارویی: ۲ نفر؛ آمبولانس پشت خط: تکنسین اورژانس: ۱۰ نفر؛ اتوبوس آمبولانس: ۱۰ نفر؛ مینی بوس آمبولانس: ۴ نفر.

۲. اورژانس شهید محراب آیت... دستغیب، «۱۷ علی

ابن ابیطالب»، آمادگی ۹۰٪

مسئول: دکتر احمدی

پزشک عمومی: ۶ نفر؛ امدادگر: ۲۲۰ نفر؛ پزشک یار: ۱۵ نفر؛ بهیار: ۲۰ نفر؛ تخت اورژانس: ۳۰ تخت؛ آمبولانس: ۳۳ دستگاه؛ اتوبوس: ۸ دستگاه؛ مینی بوس: ۴ دستگاه.

۳. اورژانس ابوغریب، «امام حسین»

مسئول اورژانس: دکتر پورخلیلی

تکنسین دارویی: ۲ نفر؛ پزشک: ۴ نفر؛ تکنسین بانک خون: ۲ نفر؛ پزشک یار: ۲۰ نفر؛ آمبولانس: ۱۰ دستگاه؛ تخت اورژانس: ۱۲ تخت؛

۴. اورژانس شهید آیت... صدوقی، «تیپ کربلا»، آ،

آمادگی ۱۰۰٪

مسئول اورژانس: دکتر محمدی

پزشک: ۸ نفر؛ جراح: ۱ نفر؛ پزشک یار و بهیار: ۱۳ نفر؛ امدادگر و تخلیه گر: ۱۴۰ نفر؛ آمبولانس: ۴۸ دستگاه؛ بانک خون؛ پد هلی کوپتر.

۲. نگاهتگاه شهدای هفت تیر، واقع در پایگاه وحدتی

دزفول

دارای ۷۰۰ تخت نگاهتگاه در سه سالن. حدود ۸۰ الی ۹۰ درصد مجروحین سرپایی هستند و نیاز است برای کاستن از تراکم بیش از حد بیمارستان ها و رسیدگی بیشتر به مجروحین بد حال، در صورت امکان، هماهنگی لازم با اعزام نیرو برای برگشتن قریب به اتفاق مجروحین نگاهتگاه به جبهه صورت گیرد.

۳. ستاد تخلیه عاشورا، واقع در پایگاه وحدتی دزفول  
دارای یک سالن مراقبت های ویژه با ظرفیت ۸۰ تخت. کلیه مجروحین بد حال که باید به مناطق و استان های مختلف ایران منتقل شوند از این ستاد می گذرند. هماهنگی با مناطق پذیرنده مجروح و بیمارستان های دزفول و اندیمشک که فرستنده مجروح هستند شده است. با نیروی هوایی هم هماهنگی شده و آمادگی برای عملیات ۱۰۰٪ می باشد.

۴. بیمارستان صحرایی شهید حسن باقری، واقع در ابتدای جاده حاج احمد متوسلیان  
دارای سه اتاق عمل و رادیولوژی و آزمایشگاه و اتاق ریکاوری و چاوری با ظرفیت ۲۰ تخت اورژانس، آمادگی ۸۰٪.

۵. ستاد تخلیه مجروحین و امداد پزشکی سپاه ۱۱ قدر، واقع در اواسط بزرگراه احمد متوسلیان  
دارای ۲۵ الی ۳۰ تخت اورژانس، بانک خون، داروخانه، پد هلی کوپتر مناسب، که متعلق به بهداری رزمی سپاه ۱۱ قدر می باشد، آمادگی ۱۰۰٪.

۶. اورژانس مادر نصر، واقع در انتهای جاده آسفالت  
دارای ۳۰ تخت اورژانس و مجهز به: بانک خون، داروخانه و پدهای هلی کوپتر. اکثر مجروحین تیپ های امام رضا و جواد الائمه جهت تخلیه هوایی به اینجا منتقل می شوند. آمادگی ۱۰۰٪ و متعلق به بهداری رزمی لشکر نصر می باشد.

۷. اورژانس های تیپ جوادالائمه و امام رضا که روی

نقشه مشخص شده و هر کدام دارای ۲۰ تخت

اورژانس و امکانات مورد احتیاج یک اورژانس را در اختیار دارند و آمادگی آنها ۱۰۰٪ می باشد.

۸. اورژانس لشکر رسول... (ص)، واقع در کنار جاده بتراشه

دارای ۱۸ تخت اورژانس و امکانات مورد نیاز اورژانس و متعلق به بهداری رزمی لشکر محمد رسول... (ص) می باشد. لازم به ذکر است که تیپ های آن بعد از مرحله اول عملیات، انشاء... در جلو، اورژانس خواهند زد، آمادگی آن ۱۰۰٪ است.

۹. اورژانس لشکر عاشورا، واقع در جاده...<sup>۱</sup>

دارای ۱۶ تخت اورژانس، بانک خون، داروخانه، پد یدکی احتمالی. تیپ های آن بعد از پیشروی انشاء...، اورژانسی را احداث می کنند و آمادگی آن برای عملیات ۱۰۰٪ است.

### ب) بیمارستان ها و اورژانس های تحت امر قرارگاه کربلا

۱. بیمارستان طریق القدس: واقع در شهر بستان  
دارای ۵ اتاق عمل مجهز، اورژانس مجهز ۴۵ تخت، بانک خون، رادیولوژی، آزمایشگاه، نگاهتگاه - پدهای خیلی مناسب هلی کوپتر - نزدیکترین بیمارستان به جبهه مخصوصاً بعد از مرحله اول و باز شدن جاده آسفالت فکه - بستان، آمادگی آن ۱۰۰٪ است.

۲. نگاهتگاه واقع در شهرهای اهواز - سوسنگرد  
دارای ظرفیت ۹۵۰ تخت در ۵ سالن در ورزشگاه تختی اهواز و یک سالن در سوسنگرد که عمدتاً مجروحین سرپایی پس از مداوا، با قطار یا با هواپیما از پایگاه امیدیه به سایر مناطق ایران منتقل می شوند. آمادگی آن ۱۰۰٪ است.

۳. ستاد تخلیه قائم (عج)، واقع در فرودگاه اهواز  
دارای سالن مراقبت های ویژه که مجروحین بد حال تا قبل از انتقال توسط هواپیما، آنجا تحت نظر

۱. یک کلمه ناخواناست

بوده، ولی متأسفانه به علت ۴ بمباران پی در پی که در شهر انجام شد دیروز ساعت ۱ بعد از ظهر هواپیمای دشمن بیمارستان را با راکت زد که راکت ها عمل نکرده ولی با تیربار سه نفر شهید و حدود ۲۰ نفر را مجروح کرده است. این امر باعث شد آمادگی آن به ۷۰٪ کاهش پیدا کند که انشاء... برای عملیات آماده می شود.

۱۰. اورژانس المهدی، واقع در جاده چیلان دارای ۱۸ تخت اورژانس، بانک خون، داروخانه، مشترک با بهداری تیپ ۲ ارتش و بهداری رزمی تیپ المهدی سپاه، و آمادگی آن ۱۰۰٪ است.

به غیر از موارد یاد شده در مورد بهداشت و امور دارویی و تجهیزات پزشکی و امدادگران عملیات و آمبولانس و آموزش همگانی امداد و بهداشت و ش.م.ر، طبق گزارشی که از تمام رده ها به عمل آمده، آمادگی آنها تقریباً ۸۰٪ بود که از عملیات های گذشته بهتر می باشد.

به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر کفر جهانی و انشاء... زیارت کربلا و نجف و قدس بهداری رزمی خاتم الانبیاء

#### - جواب سوالاتی که مربوط به قرارگاه های کربلا و نجف می باشد:

۱. آیا با هوانیروز هماهنگی شده و محل پدها با مختصات آنها را مشخص کرده اید؟

ج: با رابطین هوانیروز در ق.ک هماهنگی شده و محل پدها را از نزدیک دیده اند.

۲. آیا با بهداری خوزستان هماهنگی شده، اگر شده نحوه هماهنگی، درصد آمادگی، تعداد تخت های اورژانس و اطاق عمل که قرار شد توسط بهداری برای عملیات فعال شود را ذکر بفرمایید؟

ج: الف: بیمارستان سوسنگرد دارای ۵ تخت عمل کامل، ۱۰۰ تخت بستری مجروح، ۳ نفر جراح، ۱ نفر بیهوشی، اورژانس بیمارستان کاملاً آماده است ۲۴

پزشک متخصص می باشند. هماهنگی لازم بین بیمارستان های شهر و ستاد مجروحین انجام شده است. آمادگی ۱۰۰٪ است.

۴. بیمارستان صحرایی قدس، واقع در جنگل امقر دارای دو اطاق عمل مجهز، رادیولوژی، آزمایشگاه، بانک خون، ریکآوری، دارای ۱۲ تخت اورژانس که متعلق به بهداری رزمی لشکر قدس می باشد. میزان آمادگی ۱۰۰٪ می باشد.

دارای پدهای هلی کوپتر که همه مجروحینی را که به اورژانس های جنگل می آیند از آنجا با هلی کوپتر منتقل می شوند.

۵. اورژانس ثارا...، واقع در جنگل امقر دارای ۲۰ تخت اورژانس، داروخانه، آزمایشگاه، بانک خون، نقاهتگاه مناطق. بهداری رزمی لشکر ثارا... می باشد. آمادگی آن ۱۰۰٪ است.

۶. اورژانس لشکر کربلا، واقع در جنگل امقر دارای ۱۸ تخت اورژانس، داروخانه، بانک خون، که متعلق به بهداری رزمی لشکر کربلا می باشد. آمادگی آن ۱۰۰٪ است.

۷. اورژانس تیپ امام حسن (ع) و لشکر ولی عصر، واقع در جنگل امقر

دارای ۳۰ تخت اورژانس که در مجاور بیمارستان قدس می باشد. آمادگی آن ۱۰۰٪ و متعلق به لشکر ولی عصر و تیپ امام حسن می باشد

۸. اورژانس نجف: واقع در جنگل امقر دارای ۱۷ تخت اورژانس که مجهز به داروخانه و بانک خون و نقاهتگاه می باشد و به بهداری رزمی لشکر نجف متعلق است. آمادگی آن ۱۰۰٪ است.

۹. بیمارستان صحرایی یا مهدی، واقع در شهر دهلران دارای دو اطاق عمل مجهز، ۳۰ تخت اورژانس، رادیولوژی، ریکآوری، آزمایشگاه، بانک خون، نقاهتگاه با ظرفیت ۲۰۰ تخت، پدهای هلی کوپتر که متعلق به بهداری رزمی لشکر فجر می باشد. آمادگی آن ۱۰۰٪

بیهوشی ۲ نفر، ارتوپد ۲ نفر، گوش حلق و بینی و چشم پزشک دارد.

ط) بیمارستان شهید بهشتی شرکت نفت، که دارای ۲ تخت عمل می باشد و ۳۴ تخت خواب دارد و حداکثر تا ۱۰۰ تخت قابل گسترش است. از لحاظ پرسنل، ۲ نفر جراح و ۲ نفر بیهوشی دارد و بیمارستان آمادگی خوبی دارد. مرکز تخلیه مجروحین نیز در سه نقطه شهر مشخص شده است (تخلیه هلی کوپتر).

۳. آیا با برادران ادغامی ارتش، که با یگان های شما ادغامی عمل می کند جهت زدن اورژانس مشترک، هماهنگی شده است؟

ج: در یگان هایی که با ارتش ادغامی عمل می کنند اورژانس های مشترک زده شده است.

۴. آیا با ارگان های شرکت کننده در ستاد امداد در رابطه با امکانات آنها صحبت شده؟ نحوه همکاری های هر کدام را توضیح دهید؟

ج: ارگان های ستاد استانداری و بهداری همکاری خوب و فعالی دارند، دانشگاه فعالیت متوسط دارد هلال احمر فوق العاده ضعیف است بطوریکه هیچگونه امکانات یا آمبولانس تابحال تحویل نگرفته و حتی ۴ دستگاه بیسیم هلال احمر نیز که از ۱۵ روز قبل درخواست شده، هنوز تحویل نگردیده است.

۵. آیا با شهربانی و اداره پلیس در رابطه با علامت گذاری بیمارستان ها و پیش بینی لازم جهت خلوت کردن مسیر بیمارستان ها شده است؟ ج: در رابطه با شهربانی و پلیس راهنمایی، هماهنگی کامل شده و خط مسیر آمبولانس و ... کاملاً مشخص شده است.

۶. آیا نوع تخصص بیمارستان های عقبه بهداری کربلا و نجف، مشخص است و کروکی آدرس بیمارستان به اورژانس های خط داده و توضیح داده شده است؟

تخته، اشکال عمده بیمارستان نداشتن آمبولانس (فقط یک دستگاه دارد)، و کمبود پرسنل است که تقاضا می شود برای زمان عملیات تأمین شود و بیمارستان کاملاً آماده است.

ب) بیمارستان حمیدیه دارای ۲ تخت عمل کامل و ۳۰ تخت بستری، با اورژانس آماده ۱۶ تخت و تنها اشکال آن، کمبود آمبولانس و نداشتن پرسنل تخصصی است.

ج) بیمارستان رازی دارای ۴ تخت عمل کامل و ۵۰ تخت بستری و یک اورژانس ۱۰ تخته، آماده است و مثل بیمارستان فوق همان اشکالات را دارد. ضمناً ۳۰ نفر جراح، یک نفر بیهوشی و یک نفر ارتوپد دارد.

د) بیمارستان شهید رجایی دارای ۴ تخت عمل با ۵۰ تخت بستری و یک اورژانس ۱۰ تخته و این بیمارستان هم کاملاً آماده است. ۳ نفر جراح، یک نفر بیهوشی و یک نفر اورولوگ هم دارد.

ح) بیمارستان سینا دارای ۳ تخت عمل فعال و یک تخت عمل نیمه فعال و دارای ۲۰۰ عدد تخت مخصوص بستری بیمار و بیمارستان آماده است. در حال حاضر، ۲ نفر جراح و یک نفر بیهوشی دارد. و) بیمارستان طالقانی دارای ۳ تخت عمل و ۷۰ تخت است که این بیمارستان نیز آماده است. ضمناً این بیمارستان مخصوص مجروحین سوختگی می باشد.

ز) بیمارستان گلستان دارای ۴ تخت عمل و ۲۰۰ تخت خواب می باشد و اورژانس بیمارستان ۱۲ تخت دارد که کاملاً آماده است. از لحاظ نیروی انسانی، در حال حاضر ۳ نفر جراح، یک نفر اورولوگ و ۲ نفر جراح مغز، یک نفر جراح عروق، ۲ نفر بیهوشی و یک نفر ارتوپد می باشد.

ه) بیمارستان جندی شاپور دارای ۴ تخت عمل جراحی با ۳۱۰ تخت مخصوص مجروح، اورژانس ۶ تخت، از لحاظ پرسنل ۳ نفر، جراح ۳ نفر،



ج: به پیوست ارسال شده است.

۷. آیا نیروهای مورد نیاز بیمارستان و نقاهتگاه و ستاد تخلیه و اورژانس های خط برآورده شده و در تهیه آنها اقدام شده است؟ برآوردتان را به صورت ضمیمه بفرستید.

#### ج (نیروهای مورد نیاز بهداری قرارگاه کربلا

۱. جراح عمومی: ۲۴ نفر، رزیدنت جراحی: ۱ نفر، جراح ترمیمی: ۱ نفر
۲. پزشک عمومی: ۱۳۲ نفر
۳. متخصص بیهوشی: ۲۰ نفر، رزیدنت بیهوشی: ۱ نفر
۴. جراح قفسه سینه: ۱ نفر
۵. جراح عروق: ۱ نفر
۶. جراح مغز و اعصاب: ۲ نفر
۷. جراح چشم: ۲ نفر
۸. جراح گوش و حلق و بینی: ۵ نفر
۹. جراح اورولوژی: ۱ نفر
۱۰. متخصص داخلی: ۴ نفر
۱۱. متخصص روانی: ۳ نفر
۱۲. تکنسین بیهوشی: ۶ نفر

۱۳. تکنسین اطاق عمل: ۷۴ نفر

۱۴. تکنسین رادیولوژی: ۴ نفر

۱۵. تکنسین بهداشت: ۹ نفر

۱۶. تکنسین بانک خون: ۱۱ نفر

۱۷. تکنسین آزمایشگاه: ۱۴ نفر

۱۸. بهیار برادر: ۱۲۲ نفر

۱۹. بهیار خواهر: ۷۲ نفر

۲۰. کمک بهیار برادر: ۱۱۱ نفر

۲۱. کمک بهیار خواهر: ۴۸ نفر

۲۲. پرستار برادر: ۶ نفر

۲۳. پرستار خواهر: ۳۹ نفر

۲۴. امدادگر برادر: ۱۰۰ نفر

۲۵. امدادگر خواهر: ۱۲ نفر

۲۶. تخلیه گر: ۱۲۰ نفر

۲۷. تکنسین دارویی: ۱۱ نفر

۸. آیا آمبولانس های جدید، تدارکات را توزیع کرده

است؟ نحوه توزیع را بنویسید.

ج: آمبولانس های جدید براساس استعداد یگان ها و

موجودی آنان طرح تقسیم تهیه و توزیع

گردیده اند.

## ■ سند شماره ۴

تاریخ سند: ۶۴/۲/۶

به: فرماندهی محترم تیپ ۱۱۴ مستقل امیرالمومنین (ع)  
از: بهداری تیپ ۱۱۴ مستقل امیرالمومنین (ع)  
موضوع: گزارش مبسوط از وضعیت فعلی بهداری  
سلام علیکم

با آرزوی سلامتی و طول عمر برای امام عزیز و  
پیروزی رزمندگان اسلام بر کفر جهانی بدینوسیله  
گزارش وضعیت بهداری در ده ماده در شش برگ به  
پیوست جهت اطلاع و اقدامات لازم ارسال می گردد.  
والعاقبه للمتقین

بهداری تیپ ۱۱۴ امیرالمومنین (ع)  
۱. تیپ ۱۱۴ امیرالمومنین (ع) از نظر قانونی باید  
دارای ده نفر بهیار عضو رسمی باشد، یعنی بر مبنای هر  
گردان دو نفر و اورژانس تیپ هم دارای دو نفر که تیپ  
۱۱۴ امیرالمومنین فاقد حتی یک بهیار جهت امور درمانی  
گردان ها می باشد.

۲. واحد بهداری که چارت سازمانی آن باید بر  
مبنای مسئول واحد معاونت، مسئول ستاد، مسئول  
بهداشت، مسئول یگان ش.م.ر، مسئول موتور،  
مسئول تدارکات، مسئول تدارکات دارویی و کلیه  
معاونت هایشان باید باشند. به غیر از خود واحد یعنی  
مسئول و معاونت و قسمت موتور، تمام قسمت های  
دیگر فاقد مسئول و معاون می باشند و اگر یک روز  
اتفاقی برای این دو سه نفر از برادران بیفتد کسی را در  
بهداری نداریم که جایگزین نماییم.

۳. امدادگر: تیپ ۱۱۴ امیرالمومنین (ع) جهت انجام  
امورات محوله چه از نظر آفند و پدافند، باید در حدود  
صد نفر امدادگر ورزیده داشته باشد که متأسفانه بهداری  
تیپ دارای ۷۳ نیروهای فوق می باشد که بیشتر آنها هم  
یک یا دو سال در بهداری خدمت می کنند، امید است  
اقدامات لازم از طرف آن فرماندهی محترم انجام گیرد.  
۴. راننده: بهداری تیپ برای انجام امور خود باید در

حدود ۳۵ نفر راننده سازمانی داشته باشد که متأسفانه  
در حال حاضر در حدود هشت نفر راننده در بهداری  
تیپ حضور دارند.

۵. بهداشت: بهداشت باید یکی از قسمت های موثر  
در تیپ باشد و دارای نیروهای خبره ماهر و متعهد باشد  
و در حدود یک گروهان نیرو داشته باشد که بتواند  
گردان ها و مقرهای تیپ ۱۱۴ امیرالمومنین (ع) را از نظر  
فعالیت های بهداشتی پوشش دهد، متأسفانه این بخش  
دارای دو نفر نیرو است که یک نفر از آنها دائماً  
سروکارش با دادستانی می باشد و از این نظر که نیرویی  
در تیپ برای انجام امور بهداری وجود ندارد ما  
نمی توانیم به طور فعال و چشمگیر برای بهبود وضعیت  
بهداشتی عمل نماییم. مخصوصاً در فصولی که در  
پیش روست باید فعالیت های بهداشتی به طور سریع و  
ضروری در رابطه با مواد غذایی، اماکن غذایی و بهداشت  
محیط در گردان ها و بیماری های واگیر در تیپ و در  
منطقه انجام گیرد.

۶. یگان ش.م.ر: در این روزها بر اثر بمباران های  
شیمیایی در مناطق عملیاتی و غیرعملیاتی از طرف  
دشمن، گروهی از عزیزان رزمنده دچار مسمومیت  
شیمیایی می شوند. یگان ش.م.ر سپاه پاسداران انقلاب  
اسلامی به طور چشمگیری فعالیت های خود را نشان  
داده و کلیه تیپ های سپاه در رابطه با تجهیز و  
جمع آوری نیروهای لایق، فعالیت های خود را متمرکز  
نموده اند. در صورتی که تیپ ۱۱۴ امیرالمومنین (ع)  
دارای چهار نفر نیرو است که هر چهار نفر علاقه ای به  
ماندن در یگان ش.م.ر ندارند و از نظر تجهیزات حتی  
فاقد کمک های اولیه مناسبی می باشد و اگر خدای  
ناخواسته موردی در منطقه عملیاتی تیپ از  
بمباران های شیمیایی رخ دهد بهداری یعنی یگان  
ش.م.ر نمی تواند کاری را انجام دهد. در ضمن، ستاد  
تیپ ۱۱۴ امیرالمومنین (ع) که برادر الیاس غلامی را به  
عنوان مسئول گردان معرفی نموده، متأسفانه برادر

نیروها دائماً از تدارکات در خط از دست گردان‌ها شکایت دارند. لطفاً تدابیری اتخاذ فرمایید که یا گردان‌ها به طور صحیح با این امر همکاری نمایند یا تدارکات تیپ، کلیه امکانات تدارکاتی و اهدایی مخصوص نیروهای خط مقدم را در اختیار تدارکات بهداری قرار دهد تا خود واحد رسیدگی نماید.

۹. وضعیت هلال احمر: اخیراً هلال احمر ایلام جهت تحویل و تحول آمبولانس‌های خود، آمبولانس را از خط مقدم به ایلام می‌برند و این امر باعث می‌شود که یکی از تپه‌ها فاقد آمبولانس شود که خطری جدی برای رزمندگان می‌باشد و اگر یکی از آمبولانس‌های هلال احمر دچار خرابی و نیاز به تعمیر داشته باشد، جهت جایگزینی به ایلام اعزام می‌گردد و مکرراً دیده شده که هلال احمر ایلام، آمبولانسی بدتر از آمبولانس اولی به جبهه اعزام نموده و اگر روزی بر اثر کمبود راننده اعزامی از هلال احمر ایلام، آمبولانسی به ایلام اعزام می‌شود دیگر از طرف هلال احمر خودرو با راننده اعزام نمی‌شود. نیروهایی که از طرف هلال احمر اعزام می‌شوند بسیج تیپ باید آنها را به بهداری معرفی نماید تا ما هم آنها را برای تحویل گرفتن خودرو به هلال احمر معرفی نماییم متأسفانه واحد بسیج، آنها را به واحدهای دیگر معرفی می‌نماید و هلال احمر از دادن خودرو به افراد بسیجی و پاسدار خودداری می‌نماید. امید است باره نمودهای فرماندهی محترم تیپ به واحد بسیج اعلام شود که تمامی نیروهای اعزامی از هلال احمر را فقط به واحد بهداری معرفی نماید و در صورت عدم نیاز بهداری خود بهداری جهت معرفی به واحد پشتیبانی اقدام بنماید.

۱۰. وضعیت نیروهای پاسدار رسمی در بهداری تیپ: اسامی و مشخصات آنها

من... التوفیق

به امید پیروزی لشکریان اسلام بر کفر جهانی

۶۴/۲/۶

فوق‌الذکر حتی ده دقیقه از وقت گرانبهایش را صرف سازماندهی و راه‌اندازی این قسمت بسیار مهم ننموده است. امید است با رهنمودهای فرماندهی محترم تیپ، برادر فوق‌الذکر برای راه‌اندازی گروهان ش.م.ر به طور ثابت در خود واحد بهداری مستقر شوند تا شاید بتوانیم برادرانه و دوش بدوش هم در شکوفایی واحد مربوطه کوشش نماییم.

۷. موتوری و تعمیر و نگهداری: موتوری بهداری تیپ ۱۱۴ امیرالمومنین (ع) با تعدادی ماشین، دارای دو نیرو جهت راه‌اندازی این قسمت می‌باشد که وقتی دچار نقص فنی می‌شوند باید از چنگوله آنها را جهت تعویض پلاتین بکسل کنیم و در موتوری تیپ کسی ندارند آنها را تعمیر نماید و با چند دستگاه ماشین قدیمی که هر روز با مشکلاتی ما را مواجه می‌سازند و دارای دو دستگاه تندرو که مدت یکسال است جهت تعدادی اقلام که مورد نیاز آنها می‌باشد از کار افتاده و بدون استفاده می‌باشند. در ضمن چهار دستگاه ماشین آمبولانس چپی وجود دارد که یک دستگاه از آنان استیشن و یک دستگاه کانکسی می‌باشد و در حدود دو ماه به دلیل نبود صافکار در تیپ و عدم پذیرش دو قرارگاه جنوب و غرب، موتوری تیپ در حال نابودی می‌باشد. امید است در این مورد اقدامات لازم را مبذول فرمایید. لازم به تذکر که در حال حاضر بهداری تیپ شدیداً به راننده نیاز دارد چون در اکثر تپه‌ها راننده برای آمبولانس‌ها نداریم و اگر خدای ناخواسته مسئله‌ای پیش بیاید جابجایی مجروحین به عقب جبهه به کندی صورت می‌گیرد.

۸. تدارکات: تدارکات بهداری که باید برای نیروهای بهداری تیپ اقدامات تدارکاتی را انجام دهد، در موقع درخواست وسایل، متأسفانه جواب رد می‌دهند و می‌گویند نیروهای بهداری از گردان‌های در خط از نظر تدارکاتی و اجناس اهدایی تغذیه می‌شوند که حتی یک مورد نیز در خط از همکاری گردان‌ها و نیروهای بهداری در مورد تدارکات عمل انجام نمی‌گیرد و اکثر

به: گیرندگان

از:

موضوع: گزارش عملکرد سال ۶۶

همراه با صدور کارت واکسیناسیون و توزیع بیش از ۱۰۰۰ عدد دریغامین با توجه به دستور پزشک در بین نیروهای مشکوک به بیماری مننژیت)

(ژ) توصیه و راهنمایی تمام سنگرنشینان و سایر پرسنل یگان برای رعایت بهداشت و نظارت مستمر بر آشپزخانه های یگان در زمینه درمان. بهداری این یگان با داشتن یک اورژانس بزرگ و ۴ پست امداد در محور پدافندی و دو درمانگاه در قرارگاه لشکر و پادگان، در مأموریت (آفند) نیز با احداث یک اورژانس و پست امداد نسبت به امور درمانی مشغول فعالیت می باشد. در طول این مدت، تعداد ۱۳۷۰۰ نفر از پرسنل مریض را در درمانگاه ها و اورژانس های تابعه مداوا نموده و کلیه مجروحین را از محور پدافند مداوا و به پشت خط اعزام کرده است. در این زمینه، تعداد ۲۵۵۰ نفر از پرسنل بیمار به شهرستان های تابعه و مجاور اعزام شده است. در زمینه تأییدیه استراحت های پزشکی و هزینه درمان، ۲۲۰۰ نفر از پرسنل یگان را طبق بخشنامه، بررسی و تصمیمات لازم در مورد آنها اتخاذ کرده و در زمینه امور دارویی به طور ماهیانه سهمیه دارویی را از منطقه قرارگاه نجف دریافت و جهت مصرف در درمانگاه ها و اورژانس های یگان توزیع نموده است.

## ۲. در زمینه آموزش بهداری:

این یگان با راه اندازی آموزشگاه امدادگران در چند مرحله، کلیه امدادگران بسیج و وظیفه را آموزش داده و تعداد ۲۰ نفر نیروی کادر و وظیفه را جهت آموزش پزشک یاری به سپاه سوم معرفی که پس از طی آموزش و دوره، در قسمت ها لازم بکارگیری نمایند. در زمینه وضعیت بهداری از لحاظ نیرویی، تعداد ۱۵ نفر بهیار و ۲۵ نفر پزشک یار و متخصص و دو نفر پزشک دارا می باشد و در هر گردان تعداد ۲۰ نفر نیروی امدادگر حضور دارند و در پدافند هر گردان، یک پست امداد

## گزارش عملکرد یگان در سال ۶۶ به شرح زیر می باشد:

این یگان با داشتن خط پدافندی گسترده در منطقه کربلای یک ضمن شرکت در عملیات های کربلای ۱۰، نصر ۴، نصر ۸ و والفجر ۱۰، مأموریت های محوله را به حول و قوه الهی به نحو احسن انجام و ایفای وظیفه نموده است و بهداری یگان، همگام با دیگر واحدها در کنار آنها در طی مأموریت های محوله در امر درمان عزیزان رزمنده مشغول فعالیت بوده که گزارش عملکرد به معاونت های آن بدین شرح می باشد:

### ۱. در زمینه بهداشت

الف) سمپاشی کلیه سنگرهای خط مقدم علیه حشرات بیماری زا، توزیع مایع ظرفشویی و داروهای بهداشتی در بین نیروهای رزمنده، توزیع لباس برای نیروهای آشپز و خباز و توزیع مواد ضد عفونی هالامید و کرئولین در جاهای مورد نیاز یگان.  
ب) راه اندازی نقاهتگاه با همکاری ایستگاه مراقبت های بهداشتی و درمان بیماران پوستی (گال و سالک و...) با بهبودی کامل و آزمایش کلیه نیروهای آشپزخانه و تهیه کارت تندرستی آنها.  
ج) تهیه و توزیع مصالح در بین یگان برای احداث دستشویی های موقت و توزیع بیش از چندین هزار قالب صابون گوگرد و شامپو با بنزن جهت مبارزه با بیماری های پوستی، توزیع بیش از صدها بسته کلرات و هزارها عدد قرص کلر در بین نیروها.  
د) نظارت و کلر زنی آب های آشامیدنی به طور مستمر، تهیه و تکثیر جزوات و تراکت در بین نیروها.  
ز) واکسیناسیون تمام نیروهای یگان (واکسن مننژیت



مستقل دارد که مجروحین را از پست امداد به اورژانس انتقال می دهند.

### ۳. در رابطه با دارو و تجهیزات پزشکی:

مقدار دارویی که از منطقه به یگان تحویل داده می شود کفایت نمی کند اما در امور درمانی با توجه به گستردگی محور پدافند، این یگان فاقد یونیت دندانپزشکی و آزمایشگاه می باشد که یکی از مشکلات بغرنج برادران رزمنده محسوب می گردد.

### ۴. وضعیت انهدام و ضایعات در طی این مدت:

در عملیات والفجر ۱۰، یک پست امداد با تجهیزات به میزان ۸۰ درصد خسارت دید و ۶ دستگاه آمبولانس آن منهدم شد و ۱۳ نفر از عزیزان رزمنده واحد، شهید و ۳۳ نفر مجروح گردیده است.

### ۵. وضعیت جمع آوری و انتقال و تخلیه مجروحین در زمان آفند:

کلیه مجروحین توسط گردان انصارالمومنین که گردان مستقلی می باشد جمع آوری و به امدادگران بهداری تحویل داده می شود و در پست امداد و اورژانس مداوا و به پشت خط انتقال داده می شوند. در زمان پدافند نیز امدادگران در گردان مربوطه، ابتدا مجروحین را به پست امداد و اورژانس و سپس با آمبولانس به پشت جبهه انتقال می دهند.

### ۶. در زمینه بیان اشکالات و ریشه یابی نقاط ضعف:

بایستی این نکته را که روز به روز، شرایط و وضعیت جنگ پیچیده تر و مشکل تر می شود یادآور شد. باید به فکر راه حل اساسی برای تسریع در امر انتقال مجروحین، به خصوص درمان مجروحین شیمیایی بود. چرا که در مأموریت های اخیر، کمبود کادر درمانی، کمبود دارو و امکانات اورژانس ش.م. در

یگان، به مشکل اساسی بهداری یگان ها تبدیل شده است. در زمینه انتقال مجروح در کوهستان، مشکلات عدیده ای وجود داشته که تنها از طریق هلی کوپتر این مسئله قابل حل می باشد و این نکته را نیز بایستی یادآور شد که در زمینه تجهیزات پزشکی و تحویل یونیت دندانپزشکی و آزمایشگاه به یگان ها، نباید تبعیض وجود داشته باشد و براساس محرومیت یگان ها و استان های تابعه و شرایط استقرار آنها، این امکانات به آنها تعلق گیرد. لازم به یادآوری است که در این یگان، یک رزمنده برای کشیدن دندانش باید یک هفته وقت صرف کند و ۱۵۰ کیلومتر راه را طی نماید. امید است در این زمینه تصمیم اساسی و لازم صورت گیرد.

نحوه ارتباط بهداری سپاه با یگان ها فقط به صورت مکاتبات بوده و در طی این مدت یک بار جلسه بررسی مشکلات وجود داشته که قادر به جواب گویی به هیچکدام از مشکلات بهداری این یگان نبوده و بهداری نیروی زمینی در غرب هم قادر به بررسی مشکلات بهداری یگان نمی باشد. در ضمن، آمار ذکر شده فقط مربوط به بیماران می باشد و آمار مجروحین، در دسترس واحد بهداری نمی باشد.

### ■ سند شماره ۵

شماره: ۴۳-۱۰۱۵

تاریخ: ۶۶/۹/۳

به: فرماندهی لشکر مقدس ۱۴ امام حسین (ع)

از: بهداری رزمی لشکر مقدس ۱۴ امام حسین (ع)

موضوع: گزارش

بسمه تعالی

با تقدیم سلام و تحیات الهی، گزارش آبان ماه جهت اطلاع به پیوست ارسال می گردد.

ومن...التوفیق

واحد بهداری رزمی لشکر امام حسین (ع)

براتعلی...<sup>۱</sup>

۱. یک کلمه ناخواناست

## گزارش ماهیانه واحد بهداری از ۶۶/۸/۱ تا

۶۶/۸/۳۰ به شرح زیر می باشد:

(الف) فرماندهی واحد: به طور کلی در این ماه، نظارت بر امور قسمت ها و احیاناً کمک به آنها در جهت انجام امور محوله و هماهنگی با واحدها و گردان ها برای امور آموزش، خدمات، مهندسی و غیره مربوط به واحد انجام شد و همچنین جلسه ای با حضور کلیه قسمت های واحد تشکیل شد که در این جلسه پس از بیان گزارش مختصری از هر قسمت توسط مسئول مربوطه، تذکرات لازم به آنان داده شد. در این ماه تماس ها و دیدارهایی با بهداری سپاه دوم و بهداری رزمی جنوب و شبکه بهداری اصفهان در مورد تأمین نیاز واحد به نیروی تخصصی انجام شده که نتایج آن به تلاش های بهداری سپاه دوم بستگی دارد. نیروهای محور بهداری در این ماه، ضمن کنترل و رسیدگی به امور منطقه، ساخت اورژانس های شهید پیکری و ابوالفضل و پست امداد خط را انجام داده اند که کار ساختمانی آنها تمام شده و مورد بهره برداری قرار گرفته اند.

(ب) قسمت امور درمانی واحد در این ماه ضمن تأمین نیروی مورد نیاز مناطق فاو، سنندج و قوچانی، موفق شده در اردوگاه شهید عرب برای آموزش، کلاس های عقیدتی و قرآن برای نیروهای خود به طور روزانه دایر نماید. همچنین طبق برآورد آماری، در این ماه جمعاً حدود ۵۰۰۰ بیمار به درمانگاه های این قسمت مراجعه نموده اند که از این تعداد، ۳۴۱۶ نفر به درمانگاه شهید پیکری و عرب مراجعه نموده اند و از این تعداد ۲۵۵ نفر بستری شده اند و به درمانگاه شهید عابدی فاو حدود ۹۰۰ نفر مراجعه نموده اند که توسط پزشک مداوا شده اند و به درمانگاه کفیشه حدود ۶۴۰ نفر مراجعه نموده اند که از این تعداد ۱۸ نفر بستری شده اند. درمانگاه شهید عرب در این ماه، ۲۷۵ بیمار نیازمند به پزشک متخصص را به بیمارستان شهید بقایی اعزام نموده و تعداد ۴۹۶ نفر مراجعه کننده جهت

دندانپزشکی را جوابگو بوده است. اورژانس ابوالفضل در این ماه به طور متوسط هر سه روز، چهار مجروح اعزام نموده است. همچنین در این ماه در مقرهای مختلف لشکر در اطراف پایگاه شهید ردانی پور، هفت نفر مجروح داشته اند.

(ج) بهداشت واحد بهداری: کارهای این قسمت در این ماه به طور کلی به چهار بخش تقسیم می شود که عبارتند از:

۱. بخش آموزش بهداشت که در این ماه برای اکثر گردان ها و واحدها در اردوگاه های عرب و کفیشه و زاغه، کلاس های متعددی تشکیل شده است.

۲. بخش محیط زیست در این ماه، ضد عفونی و صابون گذاری کلیه دستشویی های لشکر اعم از منطقه فاو و شهرک و اردوگاه ها، ضد عفونی کردن حمام های لشکر، سم پاشی مسجد چهارده معصوم و سم پاشی اطراف آشپزخانه و سم پاشی سنگرهای تمام مقرهای اردوگاه شهید عرب و منطقه فاو، ضد عفونی کردن انبار تدارکات زنبه، کلرینه کردن آشپزخانه و خبازخانه و تهیه کارت سلامتی برای آنان، نمونه برداری و آزمایش مواد غذایی از جمله پنیر، همبرگر، سوسیس، کالباس و مرغ های موجود در سردخانه، نظارت بر جمع آوری قریب به یک تن کره غیرقابل مصرف و خارج نمودن آن از لشکر، نظارت بر کار طبخ غذای لشکر و ضد عفونی کردن سبزیجات مصرفی و ماشین تقسیم غذا.

بخش واکسیناسیون و بیماریابی در این ماه بیش از ۴۵۰ نفر از برادران رزمنده را واکسینه نموده است. همچنین پس از مشاهده نمونه هایی از بیماری سالک بین برادران، مبتلایان را به پایگاه شهید قوچانی انتقال داده و در آنجا تحت درمان و کنترل کامل قرار دارد و پس از بهبودی مرخص گردیدند که تعداد آنان ۱۵ نفر بود.

(د) خدمات بهداری، در این ماه کار ساخت دو سنگر را تا نیمه انجام داده و دو دستگاه دستشویی برای اردوگاه



دیگر برنامه های این قسمت بوده است.  
**ط)** تدارکات بهداری: در آبان ماه امسال، این قسمت در سه نوبت از تدارکات لشکر جنس تحویل گرفته که البته خیلی کم بوده و حتی لشکر نتوانسته در مورد تدارک نیروهای جدید واحد، امکاناتی را در اختیار واحد قرار دهد. در این ماه در چند نوبت سرکشی منطقه، سعی شده نیازمندی های تدارکاتی منطقه تأمین شود و در سه نوبت، پتوهایی را که به شستشو نیاز داشته به اهواز برده ایم و بازگردانده ایم.

**ظ)** موتور بهداری: خلاصه اقدامات انجام شده این قسمت در آبان ماه عبارتند از: سرکشی به نیروهای منطقه و تعویض نیروهای موتوری و تعویض آمبولانس های خط برای انجام تعمیرات اساسی و رفع کمبودهای آن. همچنین کدبندی ماشین های واحد و در حد امکان تعمیر آنها، اعزام مینی بوس ۳ الی ۴ بار در هفته به اهواز همچون ماههای گذشته برای اعزام بیماران و تهیه وسایل مورد نیاز قسمت ها و ارتباط با قرارگاه و مراکز پزشکی و آزمایشگاهی.

**ل)** پزشکی واحد بهداری، در این ماه ۱۱۰ نفر نیروی اعزامی را پذیرش نموده و برطبق تخصص ها و نیازها در واحد تقسیم نموده که از این تعداد، ۸۶ نفر بسیجی، ۱۰ نفر وظیفه و ۱۴ نفر افتخاری بوده اند و تعداد ۷۸ نفر پایانی و ۶ نفر انتقالی داشته ایم. همچنین ۸ نفر از برادران جهت شرکت در دوره آموزشی پزشکی یاری به مأموریت رفته اند.

**ن)** مخابرات بهداری در این ماه ضمن تأمین نیروی مخابراتی منطقه فاو، طی صحبت هایی که با مخابرات لشکر نموده، درخواست خط تلفن صحرایی مستقیم بین اورژانس های پیکری و ابوالفضل در منطقه و درخواست خط تلفن شماره ای برای اورژانس پیکری نموده که مخابرات لشکر قول انجام آن را داده اما هنوز عملی نشده است. همچنین در اردوگاه شهید عرب ضمن تشکیل کلاس های قرآن و شرکت در کلاس های

ساخته است. همچنین انبار بلوکی بهداری را بازسازی نموده که در صورت آماده شدن عملیات آن، ظرف دو روز قابل بهره برداری می باشد. همچنین پیگیری و انجام کارهای تعمیراتی موتور برق های .... و فرستادن بناها به منطقه از کارهای این قسمت می باشند.

**ص)** گردان امداد سیدالشهدا: واحد بهداری در این ماه ضمن سرکشی به نیروهای خود در منطقه فاو و تعویض آنان در نوبت های مقرر، همچنان مسئله آموزش نیروها را در سرلوحه خود داشته که برنامه کلاس های این گردان عبارتند از:

۱. کلاس های اخلاق در هفته ۳ جلسه به وسیله ویدئو؛
۲. کلاس های امداد برای امدادگران همه روزه توسط مربیان واحد؛
۳. کلاس های امداد برای پزشک یاران عملیاتی، همه روزه توسط پزشکان؛
۴. کلاس حفاظت اطلاعات یک جلسه توسط حفاظت؛
۵. کلاس نظامی تاکتیک و ش.م.ر در هفته ۳ جلسه؛
۶. رزم شبانه یک نوبت با همکاری آموزش نظامی.

برپایی مراسم هفتگی سینه زنی شب های سه شنبه با دعوت از گردان ها و واحدها و همچنین کمک در جهت تسریع در کارهای ساختمانی اردوگاه از دیگر کارهای گردان در آبان ماه ۶۶ بوده است.

**ض)** آموزش واحد بهداری: کارهای انجام شده توسط این قسمت در آبان ماه عبارتند از: برپایی یک دوره برای امدادگران گردان های ابوالفضل و امام محمدباقر از تاریخ ۷/۲۹ تا ۸/۷ و یک برنامه رزم شبانه برای آنان، برپایی یک دوره امداد برای امدادگران گردان های یامهدی و امام حسین از تاریخ ۸/۱۰ تا ۸/۲۱ و یک برنامه رزم شبانه برای آنان. کلاس های این دو دوره عبارت بودند از: کلاس های امداد، ش.م.ر، قرآن و اخلاق. این کلاس ها در طول ماه برای گردان سیدالشهدا نیز دایر گردید و رزم شبانه نیز یک نوبت برای آنان اجرا شد. برپایی ۳ کلاس امداد و ش.م.ر برای واحد تعاون از



سلام علیکم

با سلام و درود به منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) و نائب برحقش حضرت امام امت خمینی بت شکن و رزمندگان کفرستیز اسلام و خانواده محترم شهدا و امت شهیدپرور ایران و با آروزی توفیق روزافزون جهت خدمتگزاران اسلام و مسلمین، گزارش کار شش ماهه واحد بهداری به شرح ذیل تقدیم می گردد:

احتراماً به این وسیله متذکر می شود واحد بهداری از قسمت های، درمان، بهداشت، ش.م.ر، آزمایشگاه، مخابرات، موتوری، امداد، تدارکات و تبلیغات تشکیل شده است که به ترتیب اهمیت کار، به صورت خلاصه و مختصر، گزارش کار هر کدام ارائه داده خواهد شد.

#### قسمت درمان:

همان طور که از نام این قسمت پیداست، کار آن در رابطه با درمان و مداوای مجروحین و مصدومین و بیماران عزیز می باشد که در طی شش ماهه گذشته این وظیفه خطیر را به نحو احسن با همکاری پزشکان، بهیاران، پزشک یاران و دیگر نیروهای تحت امر این قسمت انجام داده اند. از جمله کارهای محوله به قسمت درمان،

عقیدتی، در رزم های شبانه همراه با گردان امداد سیدالشهدا، نیاز مخابراتی رزم را تأمین می نموده است. (و) امور دارویی واحد در این ماه ضمن تأمین نیازهای دارویی کلیه مقرهای لشکر اعم از سنندج، فاو، قوچانی، کفیشه و اردوگاه شهید عرب، چند بار برای انجام تعمیر دستگاه دندانپزشکی از قرارگاه تعمیرکار آورده و همچنین در سه نوبت معین، سهمیه دارویی لشکر را از قرارگاه تحویل گرفته است.

ومن...التوفیق

۶۶/۹/۳

بهداری رزمی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)

#### ■ سند شماره ۶

شماره: ۳۶۱-ب

تاریخ: ۶۶/۷/۲۵

پیوست: دعای خیر

به: ستاد لشکر سیدالشهدا (ع)

از: واحد بهداری

موضوع: گزارش کار واحد بهداری در طی شش ماه اول

سال جاری ۶۶

غذایی اهدایی امت حزب ا... و ضد عفونی ظروف آشپزخانه زیر نظر بهداشت یار اشاره کرد.

۳. **بهداشت محیط:** ظرف شش ماه گذشته محیط عملیات و کلیه مقر و اردوگاههای لشکر سمپاشی شده که هدف آن مبارزه با بیماری مالاریا بوده است. در این میان، مقدار ۳۵۰ کیلوگرم سم بایگون به میزان ۵۰٪ مصرف شده است. از دیگر اقدامات انجام شده، جداسازی بیماران مشکوک به مالاریا، ضد عفونی روزمره حمام های لشکر، ضد عفونی توالت های لشکر هفته ای ۱ بار، سمپاشی کلیه چادرها و سنگرها، آزمایش شیمیایی و میکروبی آب های آشامیدنی لشکر و کلر سنجی آب های مصرفی لشکر، توزیع کرم سنگر و قرص دارا پریم جهت جلوگیری از بیماری مالاریا می باشد.

۴. **واکسیناسیون و ایمنی بیماری های واگیردار:** در شش ماه اخیر، این قسمت طی ۶ نوبت، کلیه نیروهای لشکر را بر علیه بیماری کزاز واکسینه نموده و تعداد ۴۳ نفر بیمار پوستی و ۳۰ نفر مبتلا به بیماری گال را به مراکز درمانی معرفی نموده که همگی بهبود یافته اند.

#### قسمت ش.م.ر:

طی عملیات های کربلای ۴ و ۵ و ۸ بالغ بر ۲۸ راکت شیمیایی خنثی شده است. لازم به ذکر است در عملیات کربلای ۸ یک دستگاه خودرو نیشان منهدم گردید. در این مدت تیم های ش.م.ر در آشپزخانه اورژانس، پست امداد و مهندسی رزمی لشکر مستقر بوده اند و در جلساتی که از سوی تیپ ۲۴ امام سجاد برگزار می شد شرکت جسته ایم. در جریان بمباران شیمیایی دشمن صهیونیستی در منطقه سردشت، تیم های ش.م.ر لشکر ۱۰، در میان تیم های ش.م.ر لشکر ۶ و تیپ ۱۰ حتی از تیپ مستقل ۲۴ امام سجاد، جزء اولین تیم هایی بودند که برای خنثی سازی و رفع آلودگی راکت های شیمیایی کوشیدند (و با وجود عدم امکانات از قبیل آب و غیره) و به همراه ماشین رفع

کارهای آزمایشگاهی و تعیین و تشخیص بیماری های مختلف می باشد. به عنوان مثال در اردوگاه شهید میررضی، بیماری روده ای شایع شده بود که به همت برادران مسئول در آزمایشگاه و درمانگاه، مورد شناسایی و مداوا قرار گرفت. لازم به ذکر است که گزارش راجع به تعداد و نحوه مراجعین ضمیمه می باشد.

مطلب ذکر شده بیشتر در موقعیت پدافندی به مورد اجرا گذارده خواهد شد؛ اما در زمان آفند و عملیات، بیشترین کارها در رابطه با رساندن فوریت های پزشکی و احیائاً عملیات احیایی نسبت به مجروحین خواهد بود.

#### قسمت بهداشت:

کارهای انجام شده توسط قسمت بهداشت در قالب چهار موضوع بیان خواهد شد که عبارتند از: آموزش بهداشت، بهداشت مواد غذایی، بهداشت محیط، قسمت واکسیناسیون و ایمنی بیمارهای واگیردار.

۱. **آموزش بهداشت:** در آموزش بهداشت به منظور بالا بردن سطح آگاهی بهداشتی، سخنرانی های مکرر در مراسم صبحگاهی در مورد دیگر بهداشت فردی بهداشت محیط و بهداشت عمومی صورت گرفته است. از دیگر اقدامات انجام شده به الصاق پیام های بهداشتی از طریق نصب پلاکارد در معابر و منابع آب و کانکس های حمام، پخش فیلم های بهداشتی در زمینه بیماری های پوستی و انگلی و بیماری های عفونی که به وسیله دستگاه ویدئو به نمایش گذاشته شده می توان اشاره کرد.

۲. **بهداشت مواد غذایی:** ظرف شش ماه گذشته، کلیه نیروهای شاغل در آشپزخانه مورد آزمایش خون و مدفوع قرار گرفته اند که مبتلایان جدا و به مراکز درمانی معرفی گردیده اند. از دیگر کارهای انجام شده در این زمینه می توان به نظافت روزانه، تهیه و توزیع مواد غذایی توسط بهداشت یار آشپزخانه، نظارت بر بهداشت فردی نیروها و اماکن آشپزخانه، آزمایش مواد

**قسمت دارویی: چ**

گزارش کار دارویی پیوست می باشد.

آلودگی، موتور سیکلت، کپسول و تجهیزات، در کنار اورژانس و پد هلیکوپتر و عقبه مستقر شدند.

**آزمایشگاه:**

گزارش کار این قسمت پیوست گزارش درمان می باشد.

**قسمت موتوری:**

در زمان قبل از عملیات، تعمیر وسایل لازم جهت انتقال و یا انجام کارهای دیگر قسمت ها توسط موتوری تأمین شده و در زمان عملیات، مسئولیت انتقال مجروحین از خط مقدم به اورژانس به بیمارستان را عهده دار می باشد و بعد از عملیات به بازسازی خودروهای صدمه دیده می پردازد. کلیه اقدامات فوق و مسئولیت های محوله = طی شش ماه گذشته با توجه به غنایمی که در جبهه بوده انجام شده است.

**بیان کار اورژانس لشکر ۱۰ سیدالشهدا از نیمه****دوم مرداد تا نیمه اول مهر ماه ۱۳۶۶****اورژانس لشکر ۱۰ سیدالشهدا (شهید فراهانی)**

۱. تعداد پذیرفته شدگان بیمار و معاینه: ۲۴۳۰ نفر،

میانگین هر روز ۵۰ نفر

۲. تعداد بیماران اعزامی به بیمارستان جبهه برای

درمان تخصصی: ۳۶۰ نفر (گوش، چشم،

دندانپزشک، مفاصل پوستی)

۳. تعداد بیماران مجروح تصادفی و بدحال: ۱۳ نفر

(انفر ضربه مغزی)

۴. تعداد بخیه: ۹۰ نفر

۵. تعداد جراحی های کوچک (تومورهای مختلف):

۱۸ عدد

۶. مسمومیت های غذایی: ۱۷۵ نفر (۳۰ نفر فقط در

تاریخ ۸۸۷/۴ به علت خوردن کباب)

۷. تعداد تیر خوردگی در حین آموزش: ۱۶ نفر

**قسمت امداد:**

این قسمت در طی شش ماه گذشته در زمان قبل از عملیات، در زمینه آموزش نیروها از جهات مختلف، تقسیم بندی آنها به امدادگر عملیاتی ویژه اورژانس و حمل مجروح، تلاش کرده گردان ها را به وسایل مورد نیاز امدادی تجهیز کرده و از نظر نیرو در گردان و جزیره همچون کمال همکاری را داشته است.

در حین عملیات نیروهای سنگر کمین، اعزام نیروهای امدادگر ویژه در عملیات و مداوای مجروحین در خط اول، از جمله کارهای آن بوده است.

**قسمت تبلیغات:**

با برپا نمودن حسینیه و نماز جماعت و اجرای سخنرانی به مناسبت های مختلف و انجام مسابقات ورزشی و عقیدتی - سیاسی و نیز پخش و تهیه فیلم و عکسبرداری از برادران و مهیا نمودن مراسم صبحگاهی و نیز اجرای مراسم سینه زنی در دهه محرم و کلیه کارهای مربوط به تبلیغات، وظیفه خود را در کنار قسمت های دیگر انجام داده است.

**قسمت مخابرات:**

در حالت پدافند، این قسمت عهده دار مسئولیت ارتباط بین قسمت هاست و در زمان آفند، ارتباط بین اورژانس و پست امداد و عقبه و مخابرات لشکر و جاهای مورد نیاز را عهده دار است.

**قسمت تدارکات:**

این قسمت، وظیفه تدارک نمودن قسمت های واحد و کلیه کارهای محوطه به قسمت تدارکات را در ظرف مدت گذشته انجام داده است.



۸. بیماری های خونی اعم از هیپو کرم، آنیزوسیتوز، پرشیکیلو سیتوز

۹. بیماری های انگلی و آسیبی که تاکنون ۹ نمونه آنها تشخیص داده شده و عبارتند از:

- تخم انگل آسکاریس

- تخم انگل تیناساژیناتا

- انگل هیمنولویس نانا

- انگل تریکوسفال

- لارو استرونژیلر نیرسی استرکواریس

- ترفوزیت و کیست آیاردیا

- ترفوزیت و کیست آسیب هیتولیتیکا

باتوفیق الهی

## ■ سند شماره ۲

شماره: سیار

تاریخ: ۶۷/۱۲/۲۹

## گزارش و اطلاعاتی در رابطه با وضعیت بهداشتی، درمانی استان کردستان

در نقاط مختلف استان کردستان بنا به دلایلی از قبیل: بی توجهی از گذشته، ناآرامی ها و جنگ، از نظر امکانات بهداشتی و درمانی وضعیت نامطلوبی وجود دارد و در بخش کامیاران که جزئی از این استان است، با توجه به جمعیت این منطقه و نیاز نسبتاً زیاد آنها به موارد فوق، امکانات و شرایط ضروری را بایستی مهیا کرد تا نیازی به شهرهای سنندج و باختران وجود نداشته باشد.

کامیاران، یکی از بخش های استان کردستان، با توجه به اینکه گستردگی یک شهر را دارد و در حدود ۸۰ روستا، تحت پوشش آن قرار دارد، از امکانات درمانی بسیار محدودی برخوردار می باشد.

کامیاران فقط دارای دو مرکز بهداشتی، درمانی کوچک است و فاقد بیمارستان، بخش رادیولوژی، بانک خون و تجهیزات درمانی مورد نیاز می باشد.

۸. تعداد آپاندیسیت: ۳ نفر که به بیمارستان اعزام شدند.

۹. مبتلایان به اسهال خونی: ۱۲ نفر

۱۰. تزریقات عضلانی: ۱۹۸۰ نفر

۱۱. تزریقات وریدی و زیر جلدی: ۲۲۵ نفر

۱۲. تزریق سرم های مختلف: ۱۷۰ نفر

۱۳. یک مورد مأموریت برای تهران جهت همراهی ۳ نفر بیمار تصادفی

۱۴. تعداد پانسمان ها: ۶۶۵ نفر

۱۵. در کلیه شبانه روز اورژانس در اختیار بیماران بوده که توسط پزشک و پزشک یاران، معاینه و درمان می شوند.

## بیان کار نیمه اول سال ۶۶ آزمایشگاه لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع)

۱. تعداد کل آزمایشات انجام شده ۲۱۷۷ مورد که به صورت تفکیک شده در نمودار مشخص شده است.

۲. تعداد کل مراجعین: ۸۶۵ نفر

۳. تعداد بیماران تشخیص داده شده: ۳۰۹ نفر

۴. تعداد کل خون های تهیه شده جهت عملیات نصر: ۲۰۰ واحد

۵. تعداد کل خون های تزریق شده به مجروحین: ۱۴۸ واحد

امراض شناسایی شده در این آزمایشگاه طی آزمایش های انجام شده به شرح ذیل می باشد:

۱. تب مالت

۲. حصبه

۳. رماتیسم

۴. دیابت

۵. بیماری های چربی و اسیدی خون

۶. بیماری آپاندیس و مشکوک به آپاندیس

۷. بیماری های عفونی

نیروهای پزشکی و پیراپزشک برای بهداری سپاه و پایگاهها با توجه به لغو طرح پزشک شش ماهه باید فکر اساسی بشود.

۲. اجرای طرح های بهداشتی برای پایگاهها که مردم منطقه نیز از آنها بهره مند شوند توصیه می گردد؛ با توجه به بالا بودن آمار بیماری های واگیر در منطقه که بیشتر از آب و فاضلاب سرچشمه می گیرد.

۳. گسترش درمانگاه های سپاه در مناطق محروم توصیه می گردد؛ با توجه به کمبود پزشک و امکانات درمانی در سطح شهرها و بخش های استان کردستان.

### بخش دوم: برگزاری سمینارها

پس از فتح خرمشهر و ادامه جنگ توسط رزمندگان اسلام، با حمایت همه جانبه قدرت های دنیا از عراق، امکان طولانی شدن نبرد و لزوم برنامه ریزی های بلندمدت برای بهبود عملکرد واحدهای سپاه پاسداران و پیروزی در جنگ مورد توجه قرار گرفت. در این راستا سمینارهایی که در واحدهای مختلف سپاه پاسداران به منظور مرور عملکرد گذشته، تصحیح اشتباهات و برنامه ریزی های تشکیلاتی برای آینده تشکیل می شد، نقش بسزایی در عملکرد کلی واحدها در طول جنگ داشت. گزارش های تهیه شده از این سمینارها نیز، به عنوان اسناد مهمی برای مطالعه جنگ و جزئیات آن می تواند مورد استفاده محققین و علاقمندان قرار گیرد. در ادامه، دو سند که حاوی گزارش سمینارهای واحد بهداری سپاه پاسداران است، از نظر تان می گذرد. در سند اول گزارش سمینار بهداری منطقه شمال غرب که در سال ۱۳۶۳ برگزار شده را ملاحظه خواهید کرد و در سند دوم گزارش گردهمایی مسئولین بهداری نواحی و نیروهای سه گانه سپاه پاسداران که در سال ۱۳۶۵ برگزار شد و از حیث کلان بودن آن، از اهمیت بیشتری برخوردار است، تقدیم می شود.

آزمایشگاه این بخش از تجهیزات کاملی برخوردار نیست و قادر به انجام تمام آزمایش ها از قبیل آزمایش خون و ادرار نمی باشد. طبق اظهارات مسئول بهداری، این بخش فقط دارای یک یونیت دندانپزشکی می باشد که آن هم خراب و غیر قابل تعمیر است.

از این رو، چون یگان رزم کامیاران نیز جزئی از این مجموعه می باشد، مشکلات فوق الذکر در مورد آن هم صدق می کند.

همان طور که مطلع هستید واحد بهداری سپاه همگام با تأسیس سپاه، در سال ۱۳۵۹ برای ارائه خدمات بهداشتی درمانی به رزمندگان اسلام و پرسنل تحت تکفل سپاه تشکیل و شروع به رشد نمود. این واحد در سپاه کامیاران نیز به همین منوال تشکیل شد. فعالیت های این واحد در سپاه کامیاران شامل: دو بخش خدماتی، بهداشتی و درمانی می باشد. این واحد در خصوص ارائه خدمات بهداشتی از قبیل: مبارزه با بیماری های واگیر، واکسیناسیون رزمندگان اسلام، بهداشت محیط، بهداشت تغذیه، آموزش بهداشت و طرح های احداثی بهداشت، مشغول خدمت می باشد. فعالیت بخش درمان در دو بخش می باشد:

۱. سرویس دهی به رزمندگان اسلام و پرسنل رسمی و افراد تحت تکفل آنها.
۲. سرویس دهی به امت حزب ا... منطقه (مردم یاری) در درمانگاه سپاه و اکیپ سیار پزشکی به دلیل موقعیت خاص منطقه و محرومیت استان، که خلاصه ای از فعالیت های فوق در صفحات بعدی ذکر می شود.

### ذکر پیشنهادات و طرح:

با توجه به محرومیت و حساسیت منطقه، هر اقدامی که بتواند بخشی از مشکلات بهداشتی - درمانی منطقه را حل نماید توصیه می گردد:

۱. در جهت جذب نیروهای متخصص و اعزام



## ■ سند شماره ۸

شماره ۳۷۴۳-۲/۴۳ ج

به: فرماندهی منطقه شمالغرب

از: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقه شمال غرب-

واحد بهداری

موضوع: مصوبه سمینار بهداری

سلام علیکم:

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند به پیوست، یک برگ مصوبه سمینار بهداری که با حضور مسئولین بهداری نواحی، یگان‌های عملیاتی منطقه و با حضور بهداری منطقه و معاونت‌های تابعه تصویب شد جهت ابلاغ آن در صورت موافقت به نواحی و یگان‌های تابعه حضورتان ارسال می‌گردد.

مسئول واحد بهداری منطقه شمالغرب

توکل احدی

بسمه تعالی

جنگ جنگ تارفع فتنه در عالم

در مورخه ۶۳/۱۷/۶ طی جلسه‌ای که در منطقه شمال غرب با حضور مسئولین بهداری نواحی، تیپ و لشکرها تشکیل شد موارد ذیل بررسی و تصویب گردید:

۱. جلسه‌ای با حضور مسئولین نواحی، تیپ و لشکرها تشکیل شده و با توجه به نیاز یگان رزمی، کل نیروهای نواحی گروه‌بندی شده و ۵۰٪ در اختیار یگان و ۵۰٪ بقیه در نواحی مشغول بوده و در صورت نیاز ضروری، در اختیار یگان گذاشته شود و در موارد خاص با توافق یگان، ناحیه و منطقه تصمیم‌گیری شود.

۲. تمام نیروهایی که به صورت مأمور در یگان رزمی می‌باشند، طی مأموریت، ارزیابی شده و بکارگیری نیرو در نواحی، براساس مأموریت آنها در یگان عملیاتی صورت گیرد.

۳. کلیه نیروهای بهداری نواحی، کدبندی شده و هر کدام کار تخصصی مربوط به خود را چه در یگان و چه در ناحیه انجام دهند، مگر در موارد استثنایی.

۴. شکل ارتباط یگان با نواحی در موارد اعزام، تعویض و ترخیص نیروها مستقیم باشد و مسئولین نواحی هر چند مدت یکبار طی بازدید از یگان رزمی، نیازها و مشکلات آنها را دقیقاً از نزدیک بررسی و اقدامات لازم را در رابطه با برطرف کردن آنها انجام دهند.

۵. با نیروهای متخصص از طریق رده مربوطه صحبت شود و سعی گردد آنها را نسبت به مسائل و مشکلات جدی آشنا نموده و در رابطه با حل مشکلات آنها اقدامات لازم به عمل آید.

۶. ناحیه، مسئول پشتیبانی نیروی انسانی یگان بوده و تمام نیازها باید از طریق نواحی تأمین شده و منطقه، نقش هماهنگ‌کننده خواهد داشت.

۷. در مواقعی که ناحیه قادر به تأمین نیروی انسانی یگان مربوطه نباشد با هماهنگی منطقه، نیرو از سایر نواحی در اختیار یگان قرار داده شود.

۸. تأمین لوازم و وسایل پزشکی و دارویی، بهداشتی و ش.م.ر، به عهده منطقه می‌باشد.

۹. ستادهای امداد پشتیبانی در نواحی تشکیل شده و در مورد تأمین نیروی پزشکی با هماهنگی ستاد امداد مرکز منطقه اقدام شود.

۱۰. تا زمانی که مصوبه‌ای از رده بالا در مورد مدت مأموریت نیروها ابلاغ نشده، مأموریت نیروهای بهداری ۶ ماهه خواهد بود.

بندهای فوق مورد توافق کلیه مسئولین بهداری نواحی و یگان‌های عملیاتی قرار گرفت و کلیه برادران، صورت جلسه فوق را امضا کردند. نمونه امضاها در ذیل آمده است:

۱. سید عیسی نورمحمدی: مسئول بهداری ناحیه گیلان

۲. محمود خیراندیش: مسئول بهداری ناحیه آذربایجان

شرقی

۳. سید صادق شاهخی: تیپ ۳۲

۴. حاج اسماعیل شکری موجدی: مسئول بهداری

ناحیه همدان

حالی که ما در روایات مختلف داریم: تا آنجا که می شود با درد خود مدارا کنید و حتی الامکان از مصرف دارو خودداری کنید، و در روایت دیگری هست که فرموده اند: هیچ دارویی نیست مگر اینکه خود آن دارو یک بیماری دیگری را ایجاد کند و هیچ چیزی برای انسان مفیدتر از خودداری کردن از خوردن نیست مگر در حد ضرورت و در روایت دیگری هست که فرموده اند: انسان اقدام به مداوا نمی کند مگر زمانی که دردش بر سلامتی او غلبه کند. به طور کلی باید گفت، سیاست اسلام پیرامون بهداشت و درمان به جامعه ارائه نشده است. من پیشنهاد می کنم برادران بر روی این مسائل کار کنند. ایشان در ادامه به بیان وضعیت فعلی جنگ پرداختند و گفتند: دشمن امروز در حال احتضار است و امروز به علمای عراق متوسل شده تا از حضرت امام بخواهند جنگ را تمام کند. ایشان در ادامه به تفسیر آیه ۱۲۰ از سوره توبه پرداختند.... ایشان در ادامه گفتند: امروز فرمان بسیج عمومی حضرت امام عین قرآن است و باید با همه امکانات در جهت این بسیج عمومی بکوشیم و انشاء... با از بین رفتن صدام به دست رزمندگان اسلام، عظمت و شکوه انقلاب اسلامی بیش از گذشته خواهد شد و ما دنباله رو خط قرآن و اسلام هستیم و پایه و اساس جنگ ما اعتقاد است نه اقتصاد و این را دنیا باید بداند. ایشان در خاتمه، تذکراتی پیرامون رعایت بهداشت و پاکیزگی در مقرها و یگان های رزم سپاه به ویژه مراکز طبخ غذا دادند و گفتند: رعایت این مسائل لازم و ضروری است. ضمناً تأمین مسائل درمانی رزمندگان بر عهده بهداشتی هست که در این امر هم باید بیشتر کوشش شود.

#### -برادر افشار، قائم مقام فرماندهی کل سپاه:

ایشان ابتدا ضمن ابراز خرسندی از حضور در جمع برادران، به توضیح و تشریح وضعیت فعلی جنگ و دشمن پرداختند و گفتند: امروز مسئولین مملکت همه

۵. منصور معصومی: مسئول بهداشتی ناحیه زنجان
۶. مسعود شهبازی: مسئول بهداشتی تیپ مسلم ابن عقیل (ع)
۷. حسین تفکری: مسئول بهداشتی ناحیه باختران
۸. اسماعیل جبارزاده: مسئول لشکر ۳۱ عاشورا
۹. علی مهدی پور: معاونت بهداشتی شمال غرب
۱۰. رحیم صحرایی: معاونت بهداشتی رزمی تیپ بنی اکرم
۱۱. بهروز اشرفی: معاونت درمانی م- شمال غرب
۱۲. توکل احدی: بهداشتی منطقه شمال غرب

#### ■ سند شماره ۹

به: گیرندگان زیر

از: ستاد مرکزی سپاه- پیگیری سمینارها

بدینوسیله گزارش گردهمایی مسئولین بهداشتی نواحی و نیروهای سه گانه سپاه که از تاریخ ۶۵/۱۰/۲۸ به مدت دو روز در تهران برگزار گردید جهت اطلاع ارسال می گردد لازم به ذکر است که اجرای توافقات به ابلاغ جداگانه ای نیاز دارد.

ومن...التوفیق

رییس ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

عباس محتاج

#### - حجت الاسلام نمازی مسئول دفتر نظارت - نماینده امام در سپاه:

ایشان ابتدا ضمن ابراز خرسندی از حضور در جمع برادران، به نقش بهداشت و پیشگیری قبل از درمان پرداختند و گفتند: اگر به مسائلی که اسلام پیرامون درمان مطرح کرده توجه شود خیلی از امراض را که امروز ما دچار آن هستیم نخواهیم داشت. متأسفانه کسی نیست برای مسائلی که اسلام پیرامون بهداشت و درمان مطرح کرده کار کند و امروز با شغل پزشکی به عنوان یک حرفه اقتصادی و مالی برخوردار می شود و امروز صنعت داروسازی یکی از مراکز مهم درآمد اقتصادی است و معمولاً پزشکان از اقشار مرفه جامعه هستند. در

بعدی تأمین مراکز درمانی استان‌ها هست که مسئولین بهداری نواحی باید پیگیر این امر باشند. در ضمن، چون سپاه قادر به درمان پرسنل خود در مراکز درمانی خود نمی‌باشد لذا باید از سایر مراکز درمانی استان‌ها استفاده کرد که برای این امر باید مراکز امداد درمانی استان‌ها تقویت بشود. مسئله بعدی در مورد درمان مجروحین بسیجی هست که اصلاً سرپرستی ندارد و بنده مقصر اصلی را سپاه می‌دانم چون نیروی بسیجی، نیروی سپاه است و سپاه قیم این نیرو می‌باشد و در حال حاضر مجروحین ما وضع اسفناکی دارند. در حال حاضر، مسئولیت مجروحین به وزارت بهداری سپرده شده که این وزارتخانه قادر به این کار نمی‌باشد و یقین بدانید که نحوه برخورد با مجروحین در جذب نیرو بسیار موثر است. مسئله بعدی پیرامون تأمین نیروهای بهداری رزمی می‌باشد که بر دو قسم است: اول نیروهای کادر اداری که باید توسط نواحی تأمین شوند و بخش دوم، کادر پزشکی و امکانات درمانی است که باید از سطح مملکت جمع‌آوری شود.

انشاء... این سمینار برای حل مشکلات بهداری رهگشا باشد تا بتوانیم وظیفه خود را به خوبی انجام دهیم. ضمناً در مورد مجروحین شیمیایی هم سعی شود به صورت متمرکز برخورد شود و به هیچ وجه مجروحین را نترسانید که موارد شیمیایی عواقب بدی دارد چون دشمن هم همین را می‌خواهد. ایشان در خاتمه به پرسش‌های حاضرین پاسخ گفتند.

#### - دکتر رجایی، مسئول بهداری نیروی زمینی سپاه

ایشان ابتدا ضمن ابراز خرسندی از حضور در جمع برادران، وضعیت فعلی جنگ و روحیه دشمن را تشریح کردند و گفتند: وظایف بهداری در زمینه تأمین کادر امدادی و درمانی ۵۰۰ گردان کاملاً مشخص شده و اگر نیرو و امکانات در نظر گرفته شده تأمین بشود، انشاء...

مسائل را عیناً مطرح می‌کنند و حجت بر همه مردم تمام است. برادر افشار در ادامه به قرائت پیام فرماندهی کل به فرماندهان سپاه پیرامون تأمین ۵۰۰ گردان پرداختند. ایشان در ادامه گفتند: امروز ما می‌خواهیم مسئولیت‌ها را به مردم واگذار کنیم و تنها راه تأمین ۵۰۰ گردان هم این است. ضمناً تأمین کادر بهداری یگان‌های رزم از اولویت اول بهداری هست، اگر لازم باشد بیمارستانی در عقبه تعطیل شود تا بیمارستانی در جبهه تکمیل شود این کار مانعی ندارد و بهداری در نواحی باید کنترل و نظارت بر روی درمان پرسنل در خارج از سپاه داشته باشد و ما امروزه هزینه زیادی صرف درمان پرسنل سپاه در سایر مراکز درمانی می‌کنیم. ضمناً اهمیت دادن به بهداشت هم بسیار ضروری است. ایشان در خاتمه به تشریح تشکیلات جدید سپاه پرداختند.

#### - دکتر خاتمی، مسئول بهداری کل:

ایشان ابتدا ضمن ابراز خرسندی از حضور در جمع برادران، به توضیح و تشریح وضعیت فعلی کشور و جنگ پرداختند و گفتند: در حال حاضر، ملت حزب... ما آماده هر نوع ایثار و فداکاری هستیم و همین امر موجب پیروزی ما و شکست دشمن شده است. ایشان در ادامه به تشریح نحوه جذب پزشک برای سپاه با عضویت‌های مختلف پرداختند و گفتند ما مجبور هستیم در این مورد تخصصی برخورد کنیم. البته نمی‌خواهیم بر بافت فرهنگی سپاه لطمه‌ای بخورد ولی نیاز ما به کادر برای بهداری ما را ملزم می‌کند که یک قسمت پرسنلی قوی ایجاد کنیم تا بتوانیم نیروهای متخصص اعم از پزشک و کادر بهداری را جذب و بکارگیری کنیم. در حال حاضر به کلیه پرسنل بهداری نیاز هست و در نظر داریم از افرادی که بیشتر در امر جنگ بودند در بهداری نواحی استفاده کنیم. ضمناً از این پس در نواحی، با بهداری مثل یک واحد برخورد می‌شود و در شورای نواحی شرکت می‌کنند. مسئله

یگان های رزم پرداختند و گفتند: امروز مسئله بهداشت جنگ بسیار مهم و حساس است که باید تمام امکانات بهداشتی مملکت در درجه اول صرف بهداشت جبهه و رزمندگان بشود و بنده در اینجا نسبت به ستادهای پشتیبانی جنگ استان ها گلايه دارم که نسبت به این امر مهم خیلی محکم برخورد نکرده اند به طوری که در استان تهران هنوز جلسه ای پیرامون این مسئله نگذاشته اند.

ضمناً مسئولین بهداشتی نواحی به امر بهداشت بیشتر توجه کنند و کلاً مسئله بهداشت پاسداران و خانواده های آنها و بهداشت جنگ، کار اصلی بهداشت است که باید بر روی این سه محور کار و فعالیت کنند. باید مسئولین بهداشت نواحی به طور مرتب به یگان های رزم بروند و با انتقال مشکلات بهداشتی یگان های رزم به ستاد پشتیبانی بهداشت جنگ استان، درصدد رفع آن برآیند تا رزمندگان از رفاه بهداشتی بهره مند شوند ضمناً نسبت به پیگیری بخشنامه هایی که از مرکز می شود پیرامون مسائل بهداشت حتماً مسئولین بهداشتی پیگیری کنند تا موارد خواسته شده از مرکز انجام شود.

#### -برادر خلیلی

ایشان ابتدا ضمن ابراز خرسندی از حضور در جمع برادران به تشریح طرح جدید هزینه درمان و استفاده از مراکز درمانی پرداختند و گفتند: تا آنجایی که امکان دارد بهداشتی نواحی باید درصدد رفع مشکلات درمانی نیروهای بسیج و سپاه باشند تا انشاء... در آینده نزدیک، آیین نامه آن مشخص تهیه شود.

ایشان در ادامه، پیرامون صندوق بیمه و بازنشستگی سپاه که قرار است به زودی راه اندازی شود به صحبت پرداختند و گفتند: برادران، نظرات خود را پیرامون مسائل بیمه درمانی به مرکز بدهند تا در آیین نامه صندوق بیمه و بازنشستگی قرار بگیرند. ضمناً مسئله

ما مشکلی از نظر بهداشتی این ۵۰۰ گردان نخواهیم داشت.

در مورد نیرو و امکانات ش.م.ر هنوز وضعیت تشکیلات آن مشخص نشده، اما در حال حاضر از نظر تأمین امکانات و تجهیزات زیر نظر بهداشتی است و انشاء... در عملیات آینده قصد داریم مجروحین را بین چند شهر توزیع کنیم تا تراکم مجروح در تهران بوجود نیاید. ضمناً در نظر است از دانشجویان سال پنجم و ششم دانشگاه های پزشکی در امر درمان ش.م.ر استفاده کنیم. مسئله بعدی در مورد واکسیناسیون نیروهای اعزامی به جبهه هست و بسیار لازم و ضروری هست برادران در نواحی به این امر بیشتر توجه کنند. ضمناً رعایت بهداشت مواد غذایی ۵۰۰ گردان، بسیار ضروری است که مبادا از مواد غذایی فاسد استفاده شود.

مسئله بعدی، تأمین امدادگر است که باید از طریق تبلیغ بر روی این امر و استفاده از هلال احمر در امر آموزش امدادگر، این خلاء را پر کنیم و سعی شود کسانی که سابقه امدادگری دارند در یگان های رزم در همان رده امدادگری کار کنند. وظیفه رسیدگی و نظارت بر آموزش امدادگری در پادگان های اعزام به جبهه و پادگان های هلال احمر، بر عهده بهداشتی نواحی است. مسئله بعدی پیرامون آموزش کمک های اولیه به خود نیروهاست که این امر بر عهده بسیج است، اما نظارت بهداشتی لازم است. ضمناً تأمین کادر بهداشتی گردان های قائم و پایگاههای مربوطه در کردستان بر عهده بهداشتی نواحی است، ایشان در خاتمه به تشریح ستادهای پشتیبانی جنگ استان ها پرداختند و گفتند: برادران، مشکلات خود را در نواحی به این ستادها انتقال دهند.

#### - برادر مهرابی، مسئول بهداشت ستاد مرکزی سپاه:

ایشان ابتدا ضمن ابراز خرسندی از حضور در جمع برادران به تشریح وظایف بهداشت در نواحی و



داشته باشد. به نظر من نقش عمده‌ای که مراکز درمانی می‌توانند داشته باشند پشتیبانی از جبهه هاست و خود این مراکز درمانی در شهرها می‌توانند نیروهای متخصص و غیر متخصص را جمع کنند و به جبهه‌ها اعزام نمایند.

ایشان در ادامه صحبت خود به توضیح در رابطه با تقسیم بندی مراکز درمانی و غیره پرداختند و در زمینه مسائل و مشکلات درمانی گفتند: مسائلی که در این زمینه وجود دارد مسئله پرسنلی، دارویی تجهیزات و اماکن می‌باشد و مطلب دیگر مسئله نظارت بر کیفیت درمان است اعم از تعقیب سرنوشت درمان مجروحین و نظارت بر درمان مجروحین و غیره. در ادامه، ایشان در مورد مسئله ستاد مصدومین و مجروحین اضافه کردند: انشاء... ما باید تمرکز در برنامه ریزی مرکز داشته باشیم منتها در اجرا باید گسترش پیدا کنیم یعنی باید بازوهای اجرایی در نواحی زیاد بشود و انشاء... با همکاری مدیران عامل، مسئولین شبکه و غیره بتوانیم از نیروهای پزشکی که در محل است استفاده نماییم.

مشکل دیگر، مسئله تأمین نیازهای عملیاتی ماست. در رابطه با نیروهای دانشجویی، آخرین نتیجه‌ای

نظام حقوقی و استخدامی هم در مرکز در حال جریان است که بر روی آن کار می‌شود که پس از تصویب، ابلاغ خواهد شد.

ایشان در ادامه، ضمن بیان اهمیت آمار، خواهان تکمیل فرم‌های شد که به نواحی فرستاده می‌شود و گفتند: بر روی آمار و ارقامی که از نواحی می‌آید در مرکز کار می‌شود و تعیین بودجه و برآورد امکانات از روی همین آمارها تهیه می‌شود. ایشان در خاتمه بوجود آمدن رابطه آموزشی در بهداری را اعلام کردند و گفتند: این رابطه، کار هماهنگی آموزش نیروهای بهداری را انجام می‌دهد. البته آموزش بهداری در حال حاضر زیر نظر آموزش نظامی است و ضمناً بکارگیری مشمولین متخصص در زمینه بهداری باید حتماً از طریق مرکز انجام شود.

#### -برادر دکتر عین‌اللهی:

ایشان در ابتدا به توضیح درباره بخش درمانی سپاه پرداختند و گفتند: بهداری بدون مراکز درمانی شاید وجودش در سپاه لازم نباشد و وجود بهداشت و رشد بهداری در سپاه وقتی موثر خواهد بود که مراکز درمانی

برسد ضمناً ما آمادگی آموزش را داریم فقط به امکانات انتشاراتی احتیاج داریم. ضمناً با ارتش و وزارت بهداری نیز جلساتی داشتیم تا از نیرو و امکانات آنها هم بتوانیم استفاده کنیم. البته مشکلاتی در استفاده از آنها هست از جمله اینکه مربیان وزارت بهداری اکثراً زن هستند.

مسئله بعدی که ما بر روی آن کار می کنیم تحقیقات و پژوهش های علمی است که ما بر روی آن کار می کنیم. البته فعلاً در این زمینه ضعیف هستیم و به نیرو و امکانات کافی و متخصص نیاز هست. ما ارتباط مان را با قرارگاه رمضان و انصار هم زیاد کرده ایم و به نیروهای آنها هم آموزش می دهیم.

#### -برادر ارجمند آقای فروتن:

ایشان ابتدا ضمن ابراز خرسندی از حضور در جمع برادران، به تشریح عملیات کربلای یک پرداختند و گفتند: در این عملیات، آمادگی ما از نظر مقابله و درمان ش.م.ر زیاد بود اما الحمدا... در این عملیات، دشمن از مواد شیمیایی زیاد استفاده نمی کرد. در کل، برادران رزمنده ما از نظر آموزش ش.م.ر ضعیف هستند و بیشتر مواردی که نیروها شیمیایی می شوند به دلیل بی توجهی خود نیروها است. باید در آموزش نیروها به این موضوع توجه کنیم. ایشان در ادامه افزودند: توجه به بیماری ها در منطقه لازم است و نباید از آنها بدون تفاوت گذشت و به صورت بیماری عادی با امراض برخورد کرد. چه بسا بعضی از بیماری ها که به طور دقیق تشخیص داده نمی شوند عواقب بدی در آینده به دنبال خواهد داشت. ضمناً قرار است از دانشجویان رشته پزشکی برای درمان ش.م.ر استفاده کنیم و از این پس، مجروحین شیمیایی را در مراکز استان ها بستری می کنند که این امر به نقاهتگاه های مجهز احتیاج دارد. ایشان در خاتمه به پرسش های حاضرین پاسخ گفتند.

که برادران بهداری کل به آن رسیده اند این است که از این نیروها در رابطه با مسئله ش.م.ر استفاده شود. در رابطه با دانشگاه ها، سعی شود از دانشجویان پاسدار برای تأمین و جذب نیرو برای جبهه استفاده شود و جدا از مسئله گروهی و غیره باشد و کلیه نیروهای متعهد دانشگاهها بدون در نظر گرفتن وابستگی های گروهی آنها به انجمن و سازمان و غیره، با نواحی هماهنگ بکنند و از این طریق اعزام نمایند.

#### -برادر افریشه

ایشان به تشریح وظایف معاونت دارویی پرداختند و گفتند: برادرانی که در معاونت دارویی کار می کنند اغلب دارای تجربه زیادی هستند اما از نظر تحصیلات و تخصص در یک سطح نیستند لذا تصمیم گرفته شده برای آنها آموزشی در نظر گرفته شود و آنها را تا سطح تکنسین دارویی ارتقا بدهیم. در ادامه، برادر سلطانی پیرامون تعمیرات تجهیزات و توزیع دارو و امکانات بهداری به صحبت پرداختند و گفتند: انشاءا... ما در نظر داریم در آینده، داروی مورد نیاز نواحی توسط شرکت های دارویی در خود ناحیه توزیع شود و برای این امر به برآورد نیاز نواحی نیاز هست که به مرکز بدهند، ضمناً نواحی حتماً برانکاردهای در سطح ناحیه را جمع آوری و به ستاد تخلیه جنوب و غرب بفرستند. ما در عملیات ها، هزینه زیادی را صرف خرید و تهیه برانکاردها کنیم و نواحی نسبت به بازگشت آنها اقدامی انجام نمی دهند.

#### -برادر ارجمند آقای صادقی:

ایشان ابتدا ضمن ابراز خرسندی از حضور در جمع برادران به توضیح پیرامون طرح طبقه بندی مشاغل و تداوم آموزش آنها پرداختند و گفتند: در این طرح تداوم، مشخص شده که یک پاسدار رسمی که پزشک یا عملیاتی هست چه سیری را باید طی کند تا به تکنسینی

## بخش سوم: جنگ شیمیایی عراق و اقدامات

## بهداری سپاه

در سال ۱۳۶۲ و پس از سلسله عملیات های پیروزمندان ایران، ارتش عراق که در موضع ضعف شدید قرار گرفته بود با انجام جنایاتی کم نظیر در تاریخ جنگ های دنیا، سعی در جبران مافات داشت. یکی از این جنایت ها، استفاده از سلاح های شیمیایی، میکروبی و رادیو اکتیوی موسوم به ش.م.ر بود. برای نخستین بار و به طور گسترده، در عملیات والفجر ۲ و منطقه عملیاتی حاج عمران، عراق با استفاده از سلاح های شیمیایی و به طور عمده با گاز خردل، رزمندگان ایران را آماج جنایت ضد بشری خود قرار داد. چند ماه بعد در جبهه های غرب کشور و در منطقه عملیاتی مریوان و بانه در عملیات والفجر ۴، مقدار بیشتری از سلاح های شیمیایی علیه ایران بکار گرفته شد که این بار گاز اعصاب هم به آن اضافه شده بود. عملیات بعدی دیگری که عراق از سلاح شیمیایی به طور گسترده تری در آن استفاده کرد، عملیات خیبر بود که از گازهای خردل، اعصاب و خفه کننده برای عقب زدن قوای ایران استفاده شد. در عملیات بدر نیز رزمندگان ما با افزایش بکارگیری عراق از سلاح های شیمیایی روبرو شدند. اما اوج حمله های شیمیایی عراق در عملیات سرنوشت ساز والفجر ۸ در فاو بود. برای اولین بار در تاریخ جنگ های دنیا، گاز کشنده سیانور نیز به خردل و اعصاب اضافه شد و این حکایت از ضعف شدید عراق در عملیات والفجر ۸ داشت.

با مطالعه اسناد، متوجه می شویم تشکیلات آفندی ش.م.ر در عراق بسیار قوی و منسجم عمل می کرده است و تیم های تحقیقاتی ویژه ای از دانشگاه ها و گروه های علمی با کمک مستشاران خارجی در عراق، به ساخت این سلاح ها دست می زدند. همچنین برای پدافند سلاح های شیمیایی نیز در عراق کار جدی انجام شده بود. البته ارتش عراق از نظر درمان ش.م.ر بسیار

ضعیف بود و تشکیلات درمانی ویژه شیمیایی مشابه ایران پی ریزی نکرده بود و درمان آنها در حد امداد های اولیه صورت می گرفت. این نکته خود بیانگر این است که ارتش عراق با شناخت نیروی نظامی ایران، احتمال اینکه ایرانی ها از چنین سلاح هایی استفاده نمایند را نمی داده است.

پس از استفاده های پیاپی عراق از سلاح های شیمیایی در سال ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳، واحد بهداری سپاه دفتر تحقیقات این واحد، تلاش و افری برای دفع این آفند انجام دادند که با آموزش های داده شده در سطح لشکر ها و تیپ ها موفق شدند این خطر را در سال ۱۳۶۴ و عملیات والفجر ۸ کمتر کنند. همان طور که پیش بینی می شد ارتش عراق در این سال بیشترین استفاده را از سلاح شیمیایی داشت و با تمام پیش بینی و سازماندهی های انجام شده در عملیات والفجر ۸، ۱۵ هزار نفر مصدوم شیمیایی داشتیم که اغلب شهدای ایرانی ناشی از جراحات شیمیایی با گاز سیانور بودند، زیرا این سلاح حتی فرصت ماسک گذاشتن هم به رزمندگان نمی داد. نواقص کلی که در مقابله با این خطر که همان کمبود آموزش های فردی هنگام استفاده دشمن از سلاح شیمیایی و نبود زمان کافی برای این آموزش ها بود، در عملیات والفجر ۸ تا حدودی مرتفع شد و این از نقاط طلایی کارنامه واحد بهداری سپاه پاسداران است که در آمادگی ش.م.ر قبل از عملیات فاکتور های زیر لحاظ شد:

۱. نظارت، ارزیابی و پی گیری آموزش انفرادی ش.م.ر در یگان های رزمی؛
۲. پی گیری رفع کمبود آموزش و تأمین مربی (موفقیت ۵۰٪)؛
۳. پی گیری تأمین امکانات تخصصی قرارگاه ها و یگان های رزمی؛ و
۴. توجیه فرماندهان و مسئولین درباره اهمیت ش.م.ر و مشکلات ناشی از آن.

## گزارش بخش تحقیقات طب رزمی

در تاریخ ۶۲/۵/۱۷ حدود ساعت ۶/۵-۷ بعد از ظهر و در ۶۲/۵/۱۸ حدود ساعت ۷ صبح، دو تک شیمیایی توسط هوایماهای عراقی صورت گرفت و مجروحین گروه اول (۵-۱۷) هفده نفر که همگی از مجاهدین عراقی بودند و در بیمارستان طرفه تهران بستری شدند. مجروحین گروه دوم (۵-۱۸)، ۲۴ نفر بودند که از برادران بسیجی و ارتشی بودند. محل حادثه در نزدیکی پادگان حاج عمران عراق در دهکده شوورش بوده است این برادران در بیمارستان لقمان الدوله و جرجانی بستری شدند.

لازم به ذکر است که طبق گزارش برادر دکتر عرب که در منطقه حضور داشته، عده بسیار بیشتری آلودگی پیدا نموده اند منتها بهبودی یافته و بستری نشده اند و این عده (۱۷ + ۱۸) تنها آنهایی هستند که علائم شدیدتری داشته اند.

## کیفیت حادثه

پس از شنیدن صدای هوایما و انفجار، چیزی شبیه ابر و دود در منطقه مشاهده می شود و نیز روی کلیه ماشین ها، توپخانه، سنگر و سایر وسائل موجود، ذراتی شبیه غبار سیاه و به گفته برخی شبیه ذرات نفت سیاه مشاهده می شود که همچنین لباس برادران به این ذرات آغشته می گردد.

متعاقب صدای انفجار، بوی بسیار تندی منطقه را فرا می گیرد که با نشان دادن خاک آلوده که همان بو را می داد (بوی سیر تند) مجروحین حادثه تأیید کردند که همین بو را استشمام کرده اند. تا چند ساعت پس از انفجار هیچگونه علامت و ناراحتی در برادران ظاهر نمی شود، به تدریج ملاحظه می کنند که ملتحمه چشم یکدیگر قرمز شده است کم کم آثار سوزش، آبریزش، فتوفوبی (عدم تحمل به نور) پیدا می شود. در همین زمان، بتدریج دچار تهوع و استفراغ می شوند که ابتدا مواد غذایی بوده و سپس سفید رنگ، زرد رنگ، آبی

گفتنی است در عملیات والفجر ۸ حدود هزار کیلومتر از مساحت محل استقرار نیروهای خودی زیر آماج حملات شیمیایی قرار داشت و بیش از ۷۰ هزار لیتر سلاح شیمیایی توسط عراقی ها در این عملیات استفاده شد. در گزارش های مربوط به حملات شیمیایی دشمن که در زمان جنگ تهیه شده بود، تمامی ابعاد و آثار مخرب و هولناک این جنایات معلوم نشده بود اما اکنون و پس از گذشت دو دهه از پایان جنگ، با وجود خیل جانبازان شیمیایی و شهدای آن، ابعاد این جنایت آشکارتر گشته است. در ادامه، سه سند مهم از واحد بهداری سپاه درباره استفاده ارتش عراق از سلاح های شیمیایی از نظر تان می گذرد. سند اول مربوط به گزارش بهداری سپاه در مورد استفاده دشمن از سلاح های شیمیایی است که به شورای عالی سپاه پاسداران ارسال شده است. سند دوم نیز به گزارش کامل سلاح های شیمیایی استفاده شده توسط ارتش بعثی عراق و جزئیات آن، تائید از عملیات والفجر ۸ اختصاص یافته است. گزارش دفتر تحقیقات بهداری درباره جنگ شیمیایی در عملیات والفجر ۸ و ابعاد آن نیز در سند سوم آمده است:

## ■ سند شماره ۱۰

گزارش بهداری سپاه در مورد استفاده دشمن از سلاح های شیمیایی

شماره: ۳۷۳۲-۴۴

تاریخ: ۶۳/۶/۱۵

دبیر خانه شورای عالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

سلام علیکم

به پیوست گزارش بهداری سپاه در مورد استفاده دشمن از بمب های شیمیایی تقدیم می شود که لازم است جهت اطلاع و اتخاذ تصمیم مقتضی در شورا مطرح شود. لطفاً در دستور کار قرار دهید.

محسن رفیق دوست

وزیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



منطقه ای و در رنگ آمیزی بافلوئورسین بنکرانیت که علت کوری موقت و کاهش دید نیز بوده، به تدریج بهتر شده به طوری که تا روز پنجم بیش از ۷۰ درصد بهبودی یافته است.

(۳) کموزلیس

(۴) غالب این مجروحین علائم منفی اضافه بر چشمی داشته اند

رنگ (به گفته برادران) بوده است. استفراغ پی در پی حدود ۱-۲ ساعت طول کشیده تا دارو ضد استفراغ گرفته اند ضمناً حالت تهوع گاهی تا حدود ۱۲ ساعت، ادامه داشته است. استفراغ جهنده و با صدا بوده است. برخی از برادران دچار حالت تنگی نفس و سرفه شده اند که تاکنون ادامه داشته است.

### علائم پوستی

بعد از ۵ الی ۷ ساعت به تدریج قرمزی پوست ظاهر شده است، که سوزش داشته است. در برخی برادران، این قرمزی و سوزش چند روز بعد از حادثه پیدا شده است، تاوولها معمولاً ۱ الی ۳ روز پس از حادثه پیدا شده اند که در نواحی باز و بسته بدن مشاهده می شده و ارتباطی با پوشش و لباس نداشته است. این تاوولها به تدریج بزرگ شده و پاره می شوند و سپس بهبود می یابند (تاوولها بسیار سطحی می باشند).

در مقایسه دو گروه مجروح: گروه اول که در بیمارستان طرفه بستری شدند و گروه دوم که در لقمان بستری شدند در گروه اول که پزشکان معالج از پمادهای چرب جهت زخم ها استفاده نمودند ضایعات و تاوولها بزرگتر و بیشتر بوده و در گروه دوم که مخصوصاً از پمادهای چرب استفاده نمودند تاوولها کوچک تر و کمتری مشاهده شد.

### علائم چشمی

سوزش، خارش شدید، آب ریزش، فتوفوفی، کوری موقت، مانند اینکه شن و خاک داخل چشم شده است. از نظر علائم چشمی با چشم پزشک بیمارستان طرفه (که کلیه مجروحین را هم با میکروسکوپ مخصوص معاینه کرده و هم با افنالموسکوپ ته چشم را دیده اند) نیز تماس گرفته شده است. به طور کلی علائم عبارتند از:

(۱) کنونکتیویت

(۲) کرانیت دیفیوز سطحی و در برخی گراتیت دیفیوز

### داروهای مورد استفاده

-قطره هوماتروپین

-سه بار یک قطره جهت بهبودی علائم

-قطره آنتی بیوتیک چشمی

-قطره کورتن، بیشتر هیدروکورتیزون جهت کاهش التهاب و حساسیت.

### نتایج

با توجه به بوی بسیار تند و مخصوص گاز و نیز دوره گمان چند ساعته که در آن هیچ علامتی مشاهده نشده و همچنین سیر علائم، همگی با دسته گازهای تاوولزا تطبیق کامل دارند که در این دسته دو گروه گاز قرار دارند:

۱. گاز خردل

۲. ترکیبات آرسینگی (لویزیستوهیدروژن آرسینه)

که به علت عدم مرگ و میر و بهبودی نسبتاً سریع و برخی علائم دیگر ترکیبات آرسینگی از نظر بالینی رد می شود و احتمال قوی گاز بکار گرفته شده گاز خردل بوده است.

در تحقیقاتی که به عمل آمد مشخص گردید که ماده شیمیایی بمب منفجره دارای خواص زیر بوده:

۱. ترکیبات آرسینگی و فسفری (با دقت یک میلیونیم گرم در یک گرم) کاملاً رد شد بنابراین سموم آرسینگی و فسفری رد می شود.

۲. عناصر رادیواکتیو رد شد.

۳. موش آزمایشگاهی و خرگوش، در مجاورت خاک پس از یک روز مردند با ورم شدید بدن و خونریزی بینی.

۴. ماده از پلاستیک عبور می کند و ایجاد عارضه پوستی در کسی که حدود نیم الی یک ساعت در مجاورت کیسه پلاستیکی بود مشاهده شد. من ا.... التوفیق و علیه التکلان

- خبیر،  
- بدر

در عملیات والفجر ۲، عراق از گاز خردل به صورت دو مرحله بمباران هوایی در اطراف پادگان حاج عمران استفاده نمود که حدود ۱۰۰ نفر مجروح و بد حال گزارش شد و آنهایی را که ما در تهران معاینه نمودیم همگی خوب شدند.

در عملیات والفجر ۳، گاز شیمیایی استفاده نشد. در عملیات والفجر ۴، به طور وسیع از گاز خردل استفاده شد که بیش از ۲۰ شهید از خود بر جای گذاشت. در این عملیات به طور همزمان در بسیاری از شهرها و روستاها نیز گلوله های توپ و بمب های شیمیایی بکار رفت که مجروح و شهید نیز از خود بر جای گذاشت.

در عملیات خبیر نیز همانند گذشته، چند روز پس از تصرف جزیره و پیشروی نیروها، بمباران های وسیع شیمیایی شروع شد، این بمباران ها ابتدا در منطقه پشتیبانی صورت گرفت که به تدریج حدود دو هفته بعد جزیره را نیز در بر گرفت. همچنین توپخانه شیمیایی دشمن نیز بندرت کار می کرد. تنها در یکی از این روزها بیش از ۱۰۰ بمب خردل استفاده نمود که هر یک از این بمب ها بیش از ۴۰ لیتر خردل مایع حمل می شد که پس از انفجار به صورت بخار در آمده و کیلومترها متر مربع مساحت را آلوده می نماید.

از تاریخ ۶۲/۱۲/۲۷ تا ۶۲/۱۲/۲۷ گاز خردل همچنان استفاده می شد. در ۲۷ اسفند ماه ۶۲ عراق برای اولین بار در تاریخ جنگ های دنیا از گاز اعصاب استفاده نمود زیرا گاز اعصاب در جنگ اول جهانی هنوز کشف نشده بود و در جنگ دوم که آلمان ها آن را تهیه کردند نیز بکار گرفته نشد. عراق جمعی حدود سه حمله هوایی در ۲۷ و ۳۰ اسفند ماه ۶۲ در منطقه خبیر پاسگاه شهید برزگر و جزیره انجام داد، نتیجه گاز اعصاب برای عراق بسیار عالی بود زیرا از ابتدای عملیات تا آن تاریخ با آن همه بمب و گلوله توپ خردل شاید کمتر از ۱۵۰۰ نفر

## ■ سند شماره ۱۱

بخش ش.م.ر بهداری

تاریخ: ۶۳/۱۲/۲۵

### گزارش درمان ش.م.ر بهداری کل سپاه

بیش از هشت سال قبل، رژیم عراق با جمع آوری برخی اساتید دانشگاهی متخصص و صرف بودجه لازم مشغول به جمع آوری اطلاعات (ش.م.ر) شد و در هر سه زمینه شیمیایی، میکروبی، رادیو اکتیو موفقیت هایی کسب نمود. مسلماً اسلحه شیمیایی عراق تا حد زیادی به خارج وابسته است اما نمی توان این حقیقت را انکار کرد که عراق قادر است مستقیماً بسیاری از انواع این سلاح ها را تولید کند زیرا پیچیدگی خاصی ندارند. چند سال قبل برخی از برادران (مجاهدین عراقی) نقل نمودند به صورت نوبتی، نیروهای عراقی شبانه محموله های سلاح های شیمیایی را تحویل می گیرند، و در این شب های خاص از ماسک ضد گاز استفاده می کردند.

شروع کاربرد اسلحه شیمیایی علیرغم اینکه بطور محدود از زمان آزاد سازی خرمشهر بوده اما مهمترین حملات آن به دنبال پیروزی های بزرگ ایران و شکست های عراق، به ترتیب در عملیات های زیر بوده است:

- والفجر ۲،

- والفجر ۴،

دیگر استفاده نمود که علائم بالینی آن با هیچ یک از گازهای فوق مطابقت نداشته و ظرف ۲۴ ساعت اول، دو شهید از خود بر جای گذاشت. البته این گاز بسیار محدود بکار رفته است.

(دشمن در همان روز اول عملیات بدر، به مقدار زیاد از بمب های فسفوری نیز استفاده نمود)

دشمن در چند حمله با گاز اعصاب و سیانور، توانست در حدود ۲۰۰۰ نفر از نیروهای ما را به پشت جبهه تخلیه کند، گاز سیانور در مدت دو دقیقه باعث مرگ برخی از برادران شد.

بهداری سپاه نیز در فاصله خیبر تا بدر به مطالعه پرداخت و روش های نوین درمان مجروحین را بررسی نمود و نتیجه گرفت که باید درمان ش.م.ر در همان اورژانس های خط مقدم آغاز شود؛ از این رو تعدادی از پزشک یاران آموزش دیده را در اورژانس ها، بیمارستان صحرایی و مرکز درمانی حمید مستقر نمود که خوشبختانه با یاری امام زمان (عج) به خوبی درمان مجروحین را انجام دادند و تقریباً می توان گفت کلیه مجروحین (حتی با حال اغماء یا وقفه تنفسی) در صورتی که به اورژانس ها می رسیدند همگی ۱۰۰٪ خوب می شدند.

غالب شهدای ما در این عملیات، به علت گاز سیانور به شهادت رسیدند که حتی فرصت ماسک گذاری را پیدا نکرده بودند. به نظر می رسد که جمعاً در حدود ۳۰-۲۰ شهید داشته ایم که حدوداً ۱۶ مورد مربوط به سیانور، ۵ مورد مربوط به اعصاب (و ۲ مورد یک عامل مشکوک دیگر) بوده است. البته، در مورد گاز خردل، جمعاً تا این تاریخ در حدود ۵ نفر دیگر به علت گاز خردل به شهادت رسیده اند.

گاز سیانوری که عراق بکار برد، سیانور خالی نبوده بلکه مشتقی از سیانور بوده زیرا بیماران چند ساعت پس از درمان و به هوش آمدن، دچار ناراحتی شدید تنفسی شده و مجدداً حال شان وخیم می شد که خوشبختانه همگی حال شان خوب شد، با توجه به

مجروح شده بودند اما با مصرف این مقدار کم گاز اعصاب، توانست حدود ۸۵۰ نفر از رزمندگان را مجروح نماید. عراق تا شروع عملیات بدر، دیگر از گاز اعصاب استفاده ننمود اما مصرف گاز خردل را همچنان ادامه داد. در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۶۳، عراق حمات وسیع هوایی خود را شاید برای نخستین بار با گازهای خفه کننده (احتمالاً از نوع کلریکترین) شروع نموده که بیش از ۵۰۰ مجروح از خود بر جای گذاشت.

کارهای درمانی بهداری سپاه در مورد مجروحین با استفاده از اطلاعات آمریکا علیه ... (بخش هایی از سند ناخواناست)، متأسفانه بسیار ناقص و مبهم بودند. در کل عملیات خیبر (در ارتباط با حملات شیمیایی)، حدود ۳۵۰۰ مجروح و ۷۰ شهید داشتیم. در ضمن، تعدادی بمب و گلوله عمل نکرده به دست ما افتاد که ایراد آنها نقص در فیوز بود.

در عملیات بدر، دشمن از همان ابتدای عملیات از بمب و گلوله توپ شیمیایی بسیار وسیع تر از خیبر استفاده نمود. این مرتبه برخی گازها را نیز با استفاده از هواپیمای سمپاشی از ارتفاع بالا فرو می ریخت. گازی که دشمن به دنبال نتیجه گیری از عملیات خیبر از ابتدا استفاده کرد، گاز اعصاب بود. در عملیات بدر، گاز خردل به طور بسیار محدودی بکار برده شد. همچنین دشمن برای نخستین بار در جنگ با ما و نیز برای سومین بار در تاریخ جنگ های دنیا (بار اول و دوم در جنگ جهانی اول بوده است) از مشتقات سیانور استفاده نمود. همچنین عامل دیگری که به مقدار زیاد در عملیات بدر بکار رفت گاز گزنده بود که کیت های ما نیز قادر به تشخیص آن نبودند. این گاز که هیچگونه خطر و عوارض جدی ندارد تنها باعث خارش، قرمزی پوست و کھیر می شد و نیروها به خیال آنکه گاز خردل بکار رفته، منطقه را ترک می گفتند و حال آنکه با کمی استحمام و داروهای ضد خارش برای همیشه خوب می شدند.

به جز این چهار نوع گاز، دشمن از یک نوع گاز



یا از حال عمومی خوبی برخوردارند. با یک بررسی ساده متوجه می شویم که دشمن در استراتژی خود به تدریج تغییراتی داده و پیشرفت نموده است.

- والفجر ۲، گاز خردل: بمباران هوایی
  - والفجر ۴، گاز خردل: بمباران هوایی + توپخانه
  - خیبر، گاز خردل + اعصاب + خفه کننده + بمباران هوایی توپخانه
  - بدر، اعصاب + سیانور (خردل ناچیز) + بمباران هوایی + توپخانه + اسپری از هواپیما
- ضمناً لازم به ذکر است در عملیات بدر کلیه گلوله ها و بمب های شیمیایی دشمن عمل کرد و حتی یک مورد عمل نکرده نیز از خود بر جای نگذاشت (برعکس عملیات خیبر، که تعداد زیادی از بمب ها عمل نکرد).

#### جمع بندی نواقصی که در کار ما بود

۱. ماسک باید همیشه به همراه برادران باشد (آن را به کمر خود ببندند). در مورد حدود ۱۷ شهید ناشی از گاز سیانور که در کنار سنگر خود ایستاده بودند و ناگهان که زمان حمله شیمیایی رسیده بود حتی فرصت پیدا نکردند از داخل سنگر، ماسک های خود را بردارند.

اطلاعات بدست آمده از حادثه بوپال هند که در آن گاز میتن ایزومیانات (یکی از مشتقات سیانور) بکار رفته بود، احتمال زیاد دارد عراق از همان گازی که در هند ذخیره شده بود مصرف کرده و با چند واسطه در اختیارش قرار گرفته است. متأسفانه گاز به سرعت تجزیه شده و هیچ ردپایی نمانده است.

تنها در تاریخ ۶۳/۱۲/۲۳ لغایت ۶۳/۱۲/۲۵ که بیشترین حملات شیمیایی صورت گرفت در حدود ۱۵۰۰ مجروح شیمیایی گاز اعصاب و سیانور به پشت جبهه تخلیه شدند که ۸۰۰ نفر مجروح بدحال در بین آنان وجود داشت؛ از این میان، ۲۵۰ نفر در حالت اغماء کامل بودند که برخی حتی تنفس شان نیز قطع شده بود و کف از دهان شان می آمد، بحمد... از این گروه هیچ مورد شهادت نداشتیم و همگی با هوشیاری کامل و حال عمومی بالنسبه خوب (ظرف مدت ۲۴-۴۸ ساعت) مرخص شدند.

مجروحین بدحال در عملیات خیبر که حدود ۱/۵ ماه عراق اسلحه شیمیایی بکار برد، در حدود ۱۰۰۰ نفر بود، اما پس از درمان اولیه بیش از ۲۰-۳۰ مورد نبوده است. بررسی اجمالی بیمارستان های تهران نشان می دهد غالب مجروحین شیمیایی عملیات بدر مرخص شده و

بررسی کرده و نارسایی ها را اصلاح کنیم تا از این تجربیات علیه دشمن استفاده کنیم.  
واحد درمان ش.م. ر بهداری کل سپاه

### ■ سند شماره ۱۲

بهداری رزمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی  
گزارش دفتر تحقیقات بهداری  
بهداری رزمی منطقه ۳ قرارگاه کربلا  
تاریخ: ۶۴/۱۲/۲۱

## جنگ شیمیایی عراق و چگونگی مواجهه با آن

### در عملیات والفجر ۸

در تاریخ ۲۳ و ۲۴ بهمن ۱۳۶۴ در منطقه عملیاتی والفجر ۸ مخصوصاً فاو و حاشیه اروندرود، حملات شیمیایی متعددی با هواپیما و توپخانه صورت گرفت.

مهم ترین و موثرترین این حملات در روز ۲۳ ساعت ۵ بعد از ظهر در منطقه فاو صورت پذیرفت. در سری اول بین ۱۸-۱۴ فروند هواپیما حمله نمودند و در کمتر از یک ساعت تعداد آنها به ۳۲ فروند رسید. هر چند هواپیما با هم به صورت یک دسته حرکت کردند که به فاصله کوتاهی پس از بمباران یک دسته، دسته بعدی بمباران می نمود. بنابراین نتیجه این روش بمباران این بود که پس از مدت کوتاهی غلظت فوق العاده زیاد سم در منطقه ایجاد شد.

عوامل مصرف شده عبارت بودند از:

- خردل
- اعصاب
- سیانور (از املاح سیانور)
- خفه کننده (که کلرین و فشرن و کلریکریل هم نمی باشد).
- یک عامل ناشناخته عصبی (که برای نخستین بار در این عملیات بکار گرفته شد و ما آن را تحت عنوان عامل «UX» نام گذاری نموده ایم.

۲. در برخی واحدها حتی پس از شروع عملیات (در جزیره)، ماسک و یا قوطی امداد استفاده نشده وجود داشت.

۳. ریش بلند برخی از برادران و خصوصاً پیرمردها (علیرغم استفاده از ماسک) باعث عبور گاز شیمیایی (مخصوصاً اعصاب و سیانور) شده بود و آنها را در وضعیت وخیمی قرار داده بود.

۴. هیچ یک از برادران مجروح، از پودر رفع آلودگی استفاده نمودند. علی رغم اینکه این پودر اگر سریع مصرف شود اثر قاطعی در از بین رفتن گازهای سمی سطح پوست شده و خصوصاً مانع پیدایش تاول می گردد.

۵. در یکی از موارد که فرمانده یکی از واحدها کاملاً توجه بوده و خودش از طریق بیسیم سریعاً به نیروها دستور استفاده از ماسک را داده بود هیچ ضایعه مهمی پیش نیامده بود.

۶. دشمن در چند مورد، شبانه از توپ شیمیایی (خردل) در جزیره استفاده نمود و برخی برادران متوجه نبودند و در منطقه آلوده تا صبح استراحت نمودند برخی نیز ابتدا ماسک استفاده می کنند ولی چون تمرین کافی نداشته اند پس از حدود نیم ساعت ماسک را برداشته و به فعالیت خود ادامه می دهند، بیشتر مجروحین بدحال ما مربوط به همین حوادث بوده است.

### دورنمای آینده

به نظر می رسد قدم های بعدی دشمن علاوه بر سیانور و اعصاب عوامل زیر باشد:

۱. سموم مینووس، مانند: آنتروتوکسین استافیلونوک، اسهال و استفراغ شدید، سم بوتیلیسم به سرعت باعث مرگ می شود.
  ۲. استفاده مستقیم از خود میکروب ها
- ما باید با یک دید علمی، کلیه موارد گذشته را

به احتمال زیاد، سموم دیگری نیز که هیچ گونه استاندارد نظامی جنگ شیمیایی را ندارند (مثلاً ممکن است ناخالصی ها و فضولات سمی کارخانجات شیمیایی باشند) به همراه سموم فوق مصرف شده و از این رو انواع علائم بالینی در مجروحین مشاهده می شد.

در حین بمباران شیمیایی، بمباران با بمب های معمولی نیز صورت گرفت و از این رو علت آسیب شدید و شهادت برخی برادران در واقع تزریق شدن سم از راه فوق به داخل خون بود. از آنجا که انواع عوامل سمی فوق به طور همزمان استفاده شده بود بنابراین در یک رزمده هم مسمومیت با خردل، هم سیانور و هم اعصاب ملاحظه شد.

#### شرایط مناسب جوی و جغرافیایی

در زمان حمله شیمیایی، نسیم ملایمی می وزید، درجه حرارت در حدود ۲۰ درجه بود (که حرارت مناسبی است) از طرفی بخش هایی از مسیر بمباران های شیمیایی نخلستانی بود، در این مناطق علاوه بر نخل ها، کف زمین نیز انباشته از انبوه علف ها و گیاهان بود که نقش مهمی در پایداری دراز مدت عامل در منطقه ایفا نمودند.

از آنجا که هر روز مقداری از این سموم (خصوصاً خردل) تبخیر گشته و از محیط خارج می شد، جهت حفظ غلظت آسیب رساننده، به طور مدام همان مناطق را با گلوله های توپ شیمیایی و نیز بمباران های محدود شیمیایی همچنان آلوده نگاه می داشت.

در یک گزارش اشاره به استفاده از توپ شیمیایی توسط هلی کوپتر شده است.

همچنین برخی برادران شاهد استفاده از روش پخش (اسپری) گاز با هواپیما بوده اند. نکته دیگر اینکه دشمن شبانه نیز گلوله باران شیمیایی انجام می داد که بعضاً ساعت ۲ نیمه شب رخ داده بود و برخی برادران که

آلوده شده بودند در سنگر در خواب بوده اند. دشمن به تدریج، بمباران های شیمیایی را در کل منطقه عملیاتی و نواحی پشتیبانی آن گسترش داد اما موفقیت بیشتری در منطقه نخلستانی بدست آورد.

#### ارزیابی تقریبی از حمله شیمیایی دشمن

دشمن با این عمل توانست در مدت کوتاهی نیروهای زیادی را به پشت جبهه تخلیه نماید. با مقایسه آمار مجروحین شیمیایی و عادی (در روزهای اول عملیات) متوجه خواهید شد که تأثیر حمله شیمیایی در حد حملات با سلاح عادی، بلکه بیشتر است. جای بسی تأسف است که هنوز ش.م.ر به عنوان یک مطلب فرعی در جنگ، در ذهن مسئولین نظامی جا گرفته است! برخی مسئولین ذکر نموده اند که عده زیادی از مجروحین شیمیایی بی جهت به پشت جبهه تخلیه شده اند و با ناراحتی خفیفی که داشته اند نباید تخلیه می شدند، و بهداری را مورد سوال قرار داده بودند، اما ما قویاً متذکر می شویم که این موضوع اشتباه است و تنها نتیجه آن کوچک انگاشتن حملات شیمیایی دشمن، عدم توانایی ما در پیش بینی های صحیح و برنامه ریزی مناسب جهت عملیات های آینده خواهد گشت.

با توجه به اینکه برخلاف عملیات گذشته، در این عملیات برخی نیروها در غلظت های کم گاز مدت طولانی (یکماه بیشتر) به سر برده اند که این امر قبلاً سابقه نداشته است، لذا در آینده با مشکلات خاصی که آلودگی های مزمن خردل به وجود می آورد (سرطان های دستگاه تنفسی) مواجه خواهیم بود. این مطلب در آلودگی حاد و موقتی با مقادیر بسیار زیاد خردل دیده نمی شود.

مجروحین عادی که از ابتدای عملیات والفجر ۸ (۶۴/۱۱/۲۱) لغایت ۶۴/۱۱/۲۵ به پشت جبهه تخلیه شدند با در نظر گرفتن بیمارستان ها و نقاهتگاه ها جمعاً بالغ بر

شد؛ و نیز مشاهدات مسئولین دفتر تحقیقات که خود از نزدیک نظاره گر حملات شیمیایی و نحوه مجروح شدن برادران بوده اند، در مجموع موارد زیر را مطرح می سازد:

### الف) آموزش

علی رغم تلاش زیاد آموزش، شاید حداقل ۹۰٪ نیروهای مصدوم مشکل آموزشی دارند. (البته مسلم است که عده زیادی از برادرانی که آموزش کافی دیده بودند اساساً آلودگی مهمی پیدا ننموده و مراجعه نکرده اند) شاید اعزام های سریع و زیاد نیروها، کیفیت آموزش آنان را (حداقل در زمینه ش.م.ر) تحت الشعاع قرار داده بود.

دوره های آموزشی غالباً کوتاه و بعضاً چند ساعت بوده و نیز دوره آموزش عملی نیز بسیار کوتاه بوده یا اساساً وجود نداشته است.

برخی برادران، علیرغم داشتن ماسک در محل مأموریت خود، هنوز آن را با خود حمل نمی نمایند. تعدادی از برادران طرز صحیح بستن بند ماسک را نمی دانستند (خصوصاً بند پیشانی) به طوری که گاز شیمیایی وارد ماسک شده است.

برخی برادران علیرغم آموزش، تحمل ماسک را ندارند و پس از مدت کوتاهی آن را از صورت برمی دارند. ضروری است یکی دو شب قبل از عملیات حداقل ۱۲ ساعت راهپیمایی و فعالیت شدید بدنی با ماسک انجام پذیرد تا دستگاه تنفسی به آن عادت کند.

برخی برادران اساساً با ماسک بیگانه اند از این رو به دنبال ماسک گذاری غلط در محیط شیمیایی، لنزهای چشمی ماسک عرق کرده و مجبور به برداشتن ماسک شده بودند!

تعدادی از برادران، به محض وقوع یک بمباران مشکوک، بجای آن که اول ماسک بزنند و بعداً در پی این

۱۳۰۰۰ نفر می شد اما فقط در مدت سه روز (۲۳، ۲۴، ۲۵) که دو حمله شیمیایی وسیع داشتیم متجاوز از ۹۰۰۰ مجروح شیمیایی به پشت جبهه تخلیه شدند. به دلیل نواقصی که در آمارگیری وجود داشته آمارهای بعدی مجروحین عادی را فعلاً مورد بحث قرار نمی دهیم، اما در ۵ روز اول عملیات مشخص می شود که تأثیر سلاح شیمیایی در از کار انداختن نیروها با سلاح عادی رقابت می کند. باید توجه داشت اگر چه بمب شیمیایی تلفات زیادی ندارد اما قدرت از کار انداختگی و ناتوان کردن نیرو توسط آن به مراتب بیشتر از سلاح عادی است؛ صرف نظر از اینها، کار در محیط شیمیایی مسائل روانی خاصی را به وجود می آورد (که این امر مسلم است به اثبات رسیده است) و در آینده بهتر متوجه آن خواهیم شد.

(از تاریخ ۶۴/۱۷/۲۵ لغایت ۶۴/۱۲/۲۰ حداقل ۶/۰۰۰ مصدوم شیمیایی دیگر داشته ایم که جمعاً ۱۵۰۰۰ نفر خواهند شد.)

به طور تقریبی، ۱۵۰۰۰ نیز علاوه بر اینها نیروهایی هستند که در منطقه آلوده علیرغم علائم خفیف (خارش و التهاب پوستی خصوصاً در ناحیه تناسلی و التهاب چشم و حالت ترس از نور- فوتوفوبی) به کار خود ادامه داده اند و مراجعه جدی به بهداری نداشته اند و یا بطور سرپایی دارو گرفته و به منزل خود رفته اند که جزء آمار مجروحین ما محسوب نشده اند.

برای بررسی دقیق علل منجر به مصدوم شدن و یا شهادت ناشی از حملات شیمیایی (با توجه به امکانات ظاهراً مکفی که در اختیار نیروها می باشد) دفتر تحقیقات بهداری با در نظر گرفتن تجربه عملیات خیبر و بدر فرمی تهیه نمود که در منطقه و در تهران براساس مصاحبه با مجروحین شیمیایی تکمیل می گردد (ضمیمه شماره یک).

بررسی این اطلاعات و همچنین مصاحبه هایی که با برادران مسئول در زمینه پدافند و درمان ش.م.ر انجام

**ب) پدافند:**

- از نظر توزیع اقلام انفرادی ش.م.ر. بالنسبه خوب کار شده بود.
- از نظر آشکارسازی: کیت ها بسیار کند جواب می دادند و نمی توانستند پاسخگوی نیاز ما باشند، لذا باید به فکر سیستم های سریع تر و حساس تر باشیم.
- رفع آلودگی: علیرغم تلاش زیاد برادران عزیز، این تیم ها، به علت وسعت آلودگی، به جز رفع آلودگی کانون های انفجار و اطرافش (که آن هم به دلایلی غالباً کم ارزش بود) عملاً نتوانست اقدام موثری در زمینه رفع آلودگی به عمل آورد. با اطمینان کامل می توانیم بگوییم اگر صد برابر امکانات و نیروهای رفع آلودگی پدافند، هم اگر وارد عمل می شد کاری از پیش نمی برد و این لطف الهی و نزول باران رحمت بود که چندین بار به یاری سربازان امام زمان (عج) شتافت. بنابراین از این به بعد باید به فکر طرح های دیگری در این زمینه بود.
- تیم های پدافند در برخی مواقع فوراً در محل انفجار حاضر می شدند؛ اما تعدد این مکان ها گاه به قدری بود که تحت پوشش کامل این تیم ها قرار نمی گرفت.
- به دنبال رفع آلودگی، در موارد زیادی نیروهای پدافند اعلام نموده بودند که منطقه پاک شده و افراد می توانند ماسک خود را بردارند، در حالیکه این رفع آلودگی خصوصاً در مورد خردل تأثیرات سطحی دارد و خردلی که به تدریج بعداً تبخیر شده بود، عده زیادی را مصدوم نموده بود. (در مورد استفاده از گاز خردل، در عملیات بدر شاهد بودیم که تا دو ماه بعد نیز همچنان پایدار و موثر در خاک باقی مانده بود!)
- جالب است که حتی به دنبال بارندگی های شدید نیز برخی مناطق که خود از نزدیک شاهد آن بودیم هنوز آلودگی داشتند.

باشند که آیا این بمب شیمیایی است یا خیر، غالباً در بدو امر شروع به استشمام می نمایند و گاه پیش می آید که بیش از نیم ساعت در محیط آلوده، گاز استشمام کرده بودند.

عدم کوتاه نگاه داشتن موی صورت، برخی برادران را تا حد مرگ تهدید نموده بود، زیرا مقاومت فیلتر در برابر هوا نسبتاً زیاد است و اگر از راه دیگری بتواند هوا به سهولت بیشتر عبور کند طبعاً از آنجا وارد می شود و عملاً فیلتر بی تأثیر خواهد شد.

چنین فردی اگر فقط بخواند ۱۲ ساعت در محیط آلوده انجام وظیفه نماید مانند این است که بیش از نیم ساعت بدون ماسک هوای آلوده تنفس نموده است.

از آنجا که گازهای شیمیایی غالباً اثرات تجمعی نیز دارند پس از مدتی چنین افرادی تدریجاً از پای در می آیند (این موضوع مخصوصاً در مورد گاز خردل و اعصاب مهم است).

از آنجا که برنامه منظمی برای تعویض فیلتر نیروهایی که مدت طولانی در محیط آلوده استقامت کرده اند نبوده (و یا فیلتر بحد کافی در اختیار نداشته ایم)، برخی برادران که شدیداً از نظر تنفسی آلوده شده بودند نقل نموده بودند که علیرغم استفاده صحیح از ماسک، بعد از بیش از یک هفته زندگی در محیط شیمیایی، قدرت تصفیه فیلتر به اتمام می رسد و بوی گاز را در داخل ماسک استشمام می نمایند و مجبور به برداشتن ماسک می گردند.

در مورد قوطی امداد: از پودر رفع آلودگی، شاید یک در هزار نیروها هم استفاده نکرده باشند! (علیرغم اینکه این پودر تأثیر ویژه ای در گازها، خصوصاً گاز خردل دارد).

استفاده از آمپول آتروپین و آمیل نیتريت در میان مجروحین به طور تقریبی ۴۰-۲۰٪ بود که نمی دانیم آیا بطور صحیح استفاده کرده اند یا خیر؟!



## ج) درمان

با توجه به رقم بالای مجروحین، خصوصاً به خاطر اینکه در مدت کوتاهی عده زیادی مراجعه می نمودند، درمان ش.م.ر با کمتر از ۱۲۰ نیروها و امکانات مورد نیاز خصوصاً در چند شب اول حملات شیمیایی کار بسیار زیادی انجام داد که اجر این برادران با خدای شان است و بس.

بسیاری از برادران را مشاهده کردیم که (در نقاهتگاه و نیز اورژانس های جلو) علیرغم آلودگی خودشان که بعضاً شدید بود (پوستشان تاول زده بود و ناراحتی تنفسی و چشمی داشتند) همچنان به کار خود ادامه دادند و برخی تا سر حد بیهوش شدن فعالیت نمودند.

بررسی ها نشان داد غالب کسانی که به پشت جبهه تخلیه شدند واقعاً مجروح شیمیایی بودند! لازم است مسئولین امر (که شبهاتی را در این زمینه طرح کرده بودند)، در جلسه ای کاملاً توجیه گردند که اساساً عوامل شیمیایی چه هستند و به چه صورت به بدن آسیب می رسانند و چرا صرفاً به علت ناراحتی چشمی خفیف، نیرو به پشت جبهه باز می گردد.

موفقیت درمان به این علت بود که (بهداری سپاه) بیشتر تلاش خود را در منطقه گذاشته بود. لذا در فاصله کوتاهی پس از آلودگی، اکثر مصدومین پادزهرهای لازم را دریافت کرده بودند.

از نظر شهدای شیمیایی، به طور تقریبی، وضعیت به شرح زیر است:

از ابتدای عملیات، لغایت ۶۴/۱۱/۲۵ حداکثر ۲۵-۴۰ مورد شهادت در منطقه داشته ایم. از این تعداد، ۴ نفر در بیمارستان گلستان، ۲ نفر در ICU نقاهتگاه گلف بودند که در همان ۴۸-۷۲ ساعت اول آلودگی به شهادت رسیدند که به علت مقادیر زیاد سم جذب شده بود. همچنین در این مدت، ۳ نفر در ساعات اولیه، در اورژانس ش.م.ر بیمارستان صحرایی حضرت فاطمه (س) به شهادت رسیدند.

تعداد شهدایی که در محل بمباران شیمیایی شهید شده بودند ۳۰-۱۵ نفر می باشد که غالباً ناشی از عوامل سیانور و درصد کمتری ناشی از عوامل اعصاب بود.

۵۰ درصد کل شهدای ذکر شده در منطقه، کسانی بودند که به قدری به محل انفجار نزدیک بودند که ترکش بمب شیمیایی وارد بدنشان شده و جراحت ایجاد نموده بود (بنابراین غلظت زیادی نیز از گاز را تنفس نموده اند). همچنین برخی از آنها به علت ترکش ناشی از بمب های عادی (علاوه بر مسمومیت شیمیایی) به شهادت رسیده بودند. تعداد شهدایی که به طور خالص، به علت عامل شیمیایی در منطقه شهید شده اند نصف رقم ذکر شده (بین ۲۰-۱۲ مورد) می باشد.

بررسی دفتر تحقیقات بهداری در بیمارستان ها و نقاهتگاه های تهران و نیز پزشکی قانونی نشان داد تا تاریخ ۶۴/۱۱/۱۶ تعداد کل برادرانی که در داخل و خارج کشور شهید شده اند، ۶۴ نفر بوده است. علت مرگ این برادران عوارض شدید ناشی از گاز خردل و نیز یک نوع گاز خفه کننده (که در ابتدای گزارش به آن اشاره شد) بوده که به نظر می رسد اجتناب ناپذیر بوده است. با توجه به آمار مجروحین شیمیایی، تلفات ما نسبت به آن ۰/۶٪ بوده است که خود بیانگر تلاش برادران بهداری می باشد.

## فعالیت دفتر تحقیقات بهداری:

دفتر تحقیقات بهداری با وجود اینکه ۸۰٪ توان خود را به علت کمبود کادر درمانی ش.م.ر به این امر اختصاص داد اما توانست بررسی های عملی روی مجروحین انجام دهد و حوادث شیمیایی منطقه را پیگیری نماید و نیز با برخی اسرا مصاحبه نماید. همچنین برای هیئت اعزامی سازمان ملل موارد جالبی را که درج آنها در گزارش می توانست ارزش سیاسی زیادی برای ما داشته باشد طرح نماید (بحث علمی روی گازها و آثار آن بر

این دو گاز داشتیم که در صورت عدم درمان سریع، عده زیادی از آنها شهید می شدند. چند روز بعد از بکارگیری عوامل سیانور و اعصاب، گاز خردل را به مقادیر متوسط شروع کرد و سپس برای مدتی حملات شیمیایی قطع شد.

چند هفته بعد که اعلام آماده باش شد (حدود ۶۴/۷۱۸) و قرار بود عملیاتی صورت بگیرد و نقل و انتقالاتی در منطقه انجام شد دشمن قبل از شروع عملیات احتمالی ما، شروع به بمباران وسیع منطقه با گاز خردل نمود. نکته جالب اینکه به جز یک مورد، کلیه بمب های شیمیایی عملیات بدر با موفقیت عمل کرد و این امر خود بیانگر سیستم پویایی است که روی نقایص گذشته کار نموده و دشمن را تغذیه می کند.

در عملیات والفجر ۸ تاکنون علیرغم وسعت بمباران ها و گلوله باران های شیمیایی، هیچ مورد عمل نکرده بر جای نمانده است.

اطلاعاتی که از یک خلبان عراقی (که دوبار بمباران شیمیایی انجام داده بود) و نیز یک افسر مسئول پدافند ش.م.ر تیپ بدست آوردیم موارد زیر را بر ایمان روشن نمود:

- تشکیلات آفندی و پدافندی ش.م.ر در عراق بسیار قوی است (افرادی از بعد تحقیقاتی از اساتید و متخصصین دانشگاهی روی آن کار می کنند).

- قسمت قابل توجهی از گازهای سمی در داخل خود عراق و با کمک مستشاران خارجی تولید می شود.

- تشکیلات آفندی از نظر امنیتی مراقبت خاصی می شود و حتی خلبانان هم نمی دانند که چه نوع بمب شیمیایی حمل می کنند و چه خصوصیاتی دارد. برای امنیت بیشتر، رژیم عراق حتی به این خلبانان ماسک مخصوص ضد گاز و لباس مخصوص و قوطی امدادی نمی دهد.

- هر هواپیما معمولاً ۶ بمب ۲۵۰ کیلویی و یا ۴ بمب ۵۰۰ کیلویی حاوی گاز شیمیایی را حمل می کند.

- از نظر آشکار سازی و هشدار به نیروهای خودی

مجر و حین). ذیلاً، به بررسی برخی نکات آن می پردازیم:

الف) تشخیص عامل ناشناخته خفه کننده و نیز عامل ناشناخته UX

ب) بررسی دقیق روش های جدید درمانی که در این عملیات بکار گرفته شده جهت تکامل درمان در عملیات آتی.

ج) تهیه یک گزارش مصور از فعالیت های بهداشتی (خصوصاً ش.م.ر)، مشکلات آن در عملیات والفجر ۸ که هم اکنون در شرف تکمیل است و تا یک ماه بعد اثناء اله آماده خواهد شد.

د) توضیحاتی در مورد حمله شیمیایی دشمن:

در عملیات والفجر ۲ (حدود ۳ سال قبل) در پادگان حاج عمران، عراق نخستین حمله شیمیایی موثر خود را شروع نمود که البته محدود بود و فقط گاز خردل بکار رفت. در عملیات والفجر ۴ گاز خردل با وسعت بیشتری مصرف شد و نیز گزارشات مشکوکی در مورد عوامل اعصاب و فلج کننده نیروها (موارد بسیار محدود) ارائه می شد.

در عملیات خیبر، گاز خردل در هفته های اول عملیات بسیار وسیع بکار رفت که البته به علت نقایص سیستم های انفجاری، درصد زیادی از بمب ها عمل ننمود. در همین عملیات، دو حمله کوچک تر با گاز اعصاب (منتها چند هفته بعد) صورت گرفت که حدود ۸۰۰ نفر را از کارایی به طور موقت انداخت اما تلفات زیادی نداشت. چند هفته بعد از آن نیز از گاز خفه کننده خاصی استفاده کرد (که مشابه همین گاز خفه کننده این عملیات بود). البته مجروحین این گاز نیز در حد گاز خردل زیاد نبودند. نکته مهم اینکه تا این زمان گازها جدا جدا بکار می رفت.

در عملیات بدر، در شروع عملیات، گاز اعصاب و سپس سیانور و سپس توام مصرف نمود که مقدار آن بسیار زیاد بود و حداقل جمعا ۲۰۰ مورد اغماء ناشی از

## بخش چهارم: اسناد متفرقه

در این بخش، تعدادی از اسناد مربوط به واحد بهداری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را ملاحظه خواهید کرد که شامل مسایل متنوع و گوناگونی می باشند. ویژگی اساسی این اسناد مختصر و متنوع بودن آنها می باشد که با رعایت سیر تاریخی تدوین شده اند. مطالعه این اسناد به خوبی گویای تغییر و تحولات تدریجی واحد بهداری سپاه در طول جنگ هستند.

## ■ سند شماره ۱۳

شماره: ۱۱۲۲-۷-۳۷۹۹

تاریخ: ۵۹/۱۱/۱۱

به: مدیریت کل خدمات اداری (وزارت بهداری)

از: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (تدارکات)

موضوع: آمبولانس

احتراماً به عطف به نامه شماره ۳/۵۱۴۹ مورخه ۵۹/۱۱/۱۶ به اطلاع می رساند، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاکنون برای بهداری سپاه اقدام به تهیه و خرید تعدادی آمبولانس نموده است که آنچه تاکنون رسیده در واحدهای مختلف سپاه بکار گرفته شده و تعداد یکصد دستگاه را از خارج خریده ایم که حدود یک ماه دیگر به ایران می رسد، مقتضی است ضمن تماس با واحد بهداری سپاه، ترتیب همکاری از امکانات موجود بررسی گردد. برای تهیه آمبولانس برای آن مدیریت، آماده هر گونه همکاری هستیم.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

تدارکات- محسن رفیق دوست

## ■ سند شماره ۱۴

شماره: ۲۲-۱۱/۳-۴۵-۷۰۷۹

تاریخ: ۶۲/۱۱/۱۶

از: ستاد مرکزی سپاه بهداری کل

به: ستاد مناطق یازده گانه بهداری

(عراقی)، ارتش عراق تجهیزات مدرنی را در این عملیات وارد منطقه نمود. نمونه آن یک ماشین بیسیم دار «واز» روسی است که کار آشکار سازی و هشدار را به طور اتوماتیک انجام می دهد و تجهیزات حساسی روی آن سوار شده است (که می تواند با توجه به تشخیص غلظت هایی که گاز دارد در تشخیص نوع عامل در مجروحین شیمیایی، و در نتیجه درمان صحیح تر آنان بسیار مفید باشد). از مشخصات دیگر ماشین این است که در کنارش محل شلیک شهاب دارد. تنها ۴ دستگاه از این ماشین وارد منطقه شد که در محل های زیر مستقر شدند:

۱. قرارگاه لشکر ۲۶ (کارخانه نمک)؛

۲. قرارگاه تیپ ۱۱۰؛

۳. قرارگاه تیپ ۱۱۱؛ و

۴. قرارگاه تیپ ۱۰۴ (مأمور به لشکر ۱۵).

از مسئولین خواهشمندیم به هر صورت ممکن این ماشین ها و تجهیزات آنها و نیز تجهیزات دیگر تحقیقاتی ش.م.ر که در محل های فوق به تصرف رزمندگان اسلام در آمده، در اختیار دفتر تحقیقات بهداری ق کربلا قرار گیرد تا انشاء... با بررسی دقیق آنها بتوانیم در صدد تهیه نمونه های مشابه و نیز استفاده از آنها در درمان مجروحین برآیم.

از نظر درمان ش.م.ر، ارتش عراق نقطه ضعف دارد و تشکیلات درمانی (به جز در حد امداد اولیه مصدوم) در منطقه مشابه ما ندارد و لذا بسیار ضربه پذیر می باشد. خلاصه و نتیجه بحث در یک جمله اینکه:

مسئولین باید در اسرع وقت، برنامه ریزی مفصلی در مورد پدافند و آفند شیمیایی ما بنمایند، در غیر این صورت در آتیه، ضربات غافلگیر کننده ای از دشمن خواهیم خورد. البته مسلم است که: وا... من وراثهم محیط

دفتر تحقیقات بهداری رزمی ق.م. ۳. کربلا

سید عباس فروتن

۶۴/۱۱/۲۱

## سلام علیکم

عطف به بند الف تبصره ماده ۳ شرح وظایف  
بهداری مصوب نشست ۴۷۷ مورخ ۶۲/۶/۳۰ شورای  
عالی سپاه که نقل و انتقال و جابجایی نیروهای  
تخصصی بهداری را به عهده بهداری کل گذاشته است  
لذا در ارتباط با طرح ۲/۵ و تأمین نیروهای تخصصی  
بهداری جبهه ها لازم است مسئولین بهداری مناطق،  
علاوه بر تأمین نیروهای مورد نیاز بهداری یگان های  
رزمی وابسته به منطقه خود، مطابق با مأموریت های  
محواله (احداث اورژانس برای هر لشکر و یا تیپ مستقل  
و احداث پست امداد برای هر گردان) مازاد نیروهای  
تخصصی خود را در ارتباط با بکارگیری آنها در  
قرارگاه ها جهت اشتغال در بیمارستان های صحرایی و  
نقاهتگاه و ستاد انتقال مجروحین به بهداری کل معرفی  
نمایند.

بدیهی است در وهله اول آمار کمی و کیفی همه  
نیروهای تخصصی و در وهله دوم، آمار کمی و کیفی  
نیروهای تخصصی که باید به جبهه بروند و رفتن آنها  
اشکال عمده ای در کارهای اورژانسی منطقه ایجاد  
نکند باید سریعاً حداکثر تا تاریخ ۶۲/۱۱/۱۹ به بهداری کل  
اعلام نمایند و نیروهای مازاد یگان های رزمی منطقه را  
برای اعزام به جبهه توجیه کنند تا به محض اعلام ستاد  
مرکزی نیروها به جبهه اعزام گردند.

رییس ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

## ■ سند شماره ۱۵

شماره: ۲۰۸۲۴-۴۰/س

تاریخ: ۱۳۶۲/۶/۵

به: کلیه مناطق یازده گانه و واحدها و دفاتر ستاد مرکزی  
از: رئیس ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

سلام علیکم

پیرو مصوبه ۴۷۷-۶۲/۶/۳۰ شورای عالی سپاه  
پاسداران انقلاب اسلامی و عطف به نامه ۱۹۴۷۹-

۲۲/۴۰-مورخ ۱۳۶۲/۷/۲۶، بهداری کل سپاه، مستقل از  
واحدها و زیر نظر رییس ستاد مرکزی انجام وظیفه  
می نماید لذا مکاتبات با این مراکز همانند سایر واحدها  
در هر یک از رده های مربوطه است. در ضمن، در امور  
زیر مسئول بهداری کل و قائم مقام بهداری که امضا آنها  
ذیلاً معرفی شده از اختیارات رییس ستاد به آنها تفویض  
می شود که از طرف امضا نمایند. حکم مسئول بهداری  
کل طی شماره ۲۰۶۲۰-۳/س مورخ ۶۳/۶/۴ از فرماندهی  
کل صادر شده است.

۱. مکاتبات نقل و انتقال نیروی تخصصی پاسدار و  
غیر پاسدار با مناطق و واحدها و دفاتر ستاد مرکزی؛
۲. ابلاغ مقررات تخصصی به مراکز درمانی مناطق؛
۳. کلیه امور دیگر که جزو اختیارات رییس ستاد است  
به جز بخشنامه و دستورالعمل های غیر تخصصی به  
مناطق یازده گانه.

نمونه امضاء مسئول بهداری کل: سید مسعود خاتمی

نمونه امضاء قائم مقام بهداری کل: احمد شجاعی

رییس ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

علیرضا افشار

## ■ سند شماره ۱۶

شماره: ۲۲۱۴-۱۱/س

تاریخ: ۶۳/۳/۱۷

به: کلیه تیپ ها و لشکر ها

از: فرماندهی قرارگاه کربلا (سپاه)

موضوع: پیوستی

بدینوسیله به پیوست نامه شماره ۱۸۸۹-۴۰-س/۷

مورخه ۶۳/۳/۱۶ که از قرارگاه خاتم (ص) به این فرماندهی  
رسیده جهت اطلاع و هر گونه اقدام ارسال می گردد.

فرماندهی قرارگاه کربلا (سپاه)

احمد غلامپور

شماره: ۸۸۹-۴۰-س/۷

تاریخ: ۶۳/۳/۱۶

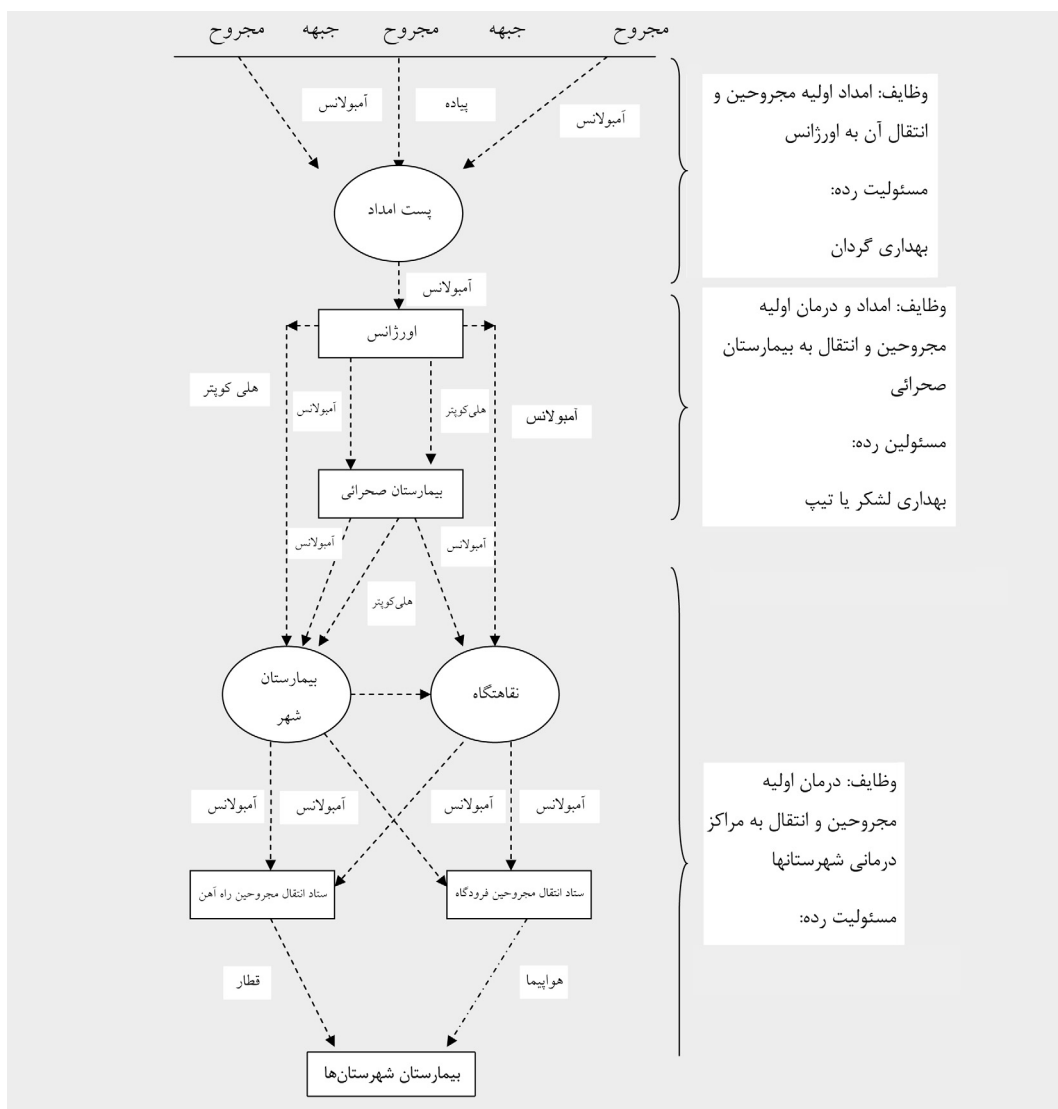
خاتم الانبیاء (ص) ارسال دارید تا انشاء... طرح نهایی  
پس از وصول پیشنهادات برای اجرا به آن یگان ابلاغ شود.  
ومن... التوفیق  
فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص)  
محسن رضایی

به: فرماندهی لشکرها و تیپ ها و یگان های رزمی تحت  
امر  
از: فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) سپاه  
موضوع: طرح ادغام بهداری ارتش و سپاه  
سلام علیکم

به پیوست طرح پیشنهادی ادغام بهداری ارتش  
جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در  
ردیف های مختلف سازمان رزمی ارسال می گردد.  
مقتضی است نظرات و پیشنهادات لازم را ظرف  
مدت ۵ روز از ابلاغ طرح به صورت کتبی به قرارگاه

## ■ سند شماره ۱۷

نمودار انتقال مجروحین از خط مقدم تا مراکز  
درمانی شهر و وظایف هر یک از رده های بهداری در  
سازمان های رزمی. (پایین صفحه)



عملکرد مراکز درمانی بهداری رزمی منطقه جنوب در سال ۱۳۶۵

| عملکرد      | شهید بقایی | امام حسین (ع) | علی ابن ابیطالب (ع) | امام رضا (ع) | فاطمه الزهرا (س) | جمع  |
|-------------|------------|---------------|---------------------|--------------|------------------|------|
| مجروحین     | ۶۰۱۹۴      | ۱۴۱۵۴         | ۲۶۵۹۰               | ۵۵۵۲         | ۱۱۰۷۲            |      |
| اعمال جراحی | ۴۵۰۷       | ۱۰۷۵          | ۱۹۴۲                | ۴۸۲          | ۱۳۲۴             | ۹۳۳۰ |

عملکرد مراکز درمانی بهداری رزمی جنوب در اسفندماه ۱۳۶۵

| عملکرد      | شهید بقایی | امام حسین (ع) | علی ابن ابیطالب (ع) | امام رضا (ع) | فاطمه الزهرا (س) | جمع  |
|-------------|------------|---------------|---------------------|--------------|------------------|------|
| مجروحین     | ۹۷۷۷       | ۳۸۹۶          | ۴۷۵۰                | ۱۹۲          | ۳۰۱              |      |
| اعمال جراحی | ۲۸۷        | ۲۸۳           | ۴۲۵                 | ۳۲           | ۱۳               | ۱۰۴۰ |

برانکاردی: ۳۱۵۳  
جمع اعزام در اسفند ماه: ۵۶۷۹

تعداد پرواز: ۵۷  
سرپایی: ۲۵۲۶

### دستور العمل بهداری سپاه در زمینه اعزام بزرگ یکصد هزار نفری سپاه محمد (ص)

۱. مسئول بهداری هر ناحیه مسئول تأمین و پیگیری امور بهداری اعزام نیروهای لشکر همان ناحیه می باشد.
۲. جلسات هماهنگی با دانشگاههای علوم پزشکی و بهداری استان ها از جهت تأمین پزشک و کادر پیراپزشکی، و آمبولانس، دارو و غیره توسط مسئولین بهداری نواحی برگزار شود.
۳. در نواحی و پایگاهها که اعزام نیروهای آنها بیش از ده گردان است به ازای هر پنج گردان، یک آمبولانس، یک پزشک یار و یک راننده و ۱۰ نفر امداد گر و دو نفر بهداشت یار اعزام نمایند و در پایگاههایی که از این تعداد کمتر باشند نیز یک آمبولانس همراه با پرسنل مربوطه اعزام نمایند.
۴. در مراکز هر ناحیه به ازای هر ۱۵ گردان یک پزشک و دو پزشک یار، به اضافه تعداد آمبولانس ها و تجهیزات یاد شده همراه نیرو اعزام گردند.
۵. دارو و امکانات و آمبولانس و پرسنل مورد نیاز

### ■ سند شماره ۱۸

شماره: سیار

تاریخ: ۶۴/۹/۲۸

(جداول بالای صفحه)

### ■ سند شماره ۱۹

تاریخ: ۶۵/۸/۱۷

به: کلیه نواحی ۲۴ گانه بهداری

از: ستاد سپاه کشوری - بهداری کل

سلام علیکم

به پیوست طرح بهداری سپاه در رابطه با اعزام یکصد هزار نفری سپاه محمد (ص) جهت اطلاع و اقدام هماهنگ با کاروان های اعزامی از هر ناحیه و پایگاه ارسال می گردد.

رییس ستاد سپاه کشوری

عباس محتاج

از طرف حمید چیت چیان

## آمار درمان مجروحین در مراکز بهداری رزمی جنوب از سال ۶۲ لغایت ۶۶/۱۱/۳۰

| ملاحظات      | سال ۶۶ | سال ۶۵ | سال ۶۴ | سال ۶۳ | سال ۶۲ |                                                                      |
|--------------|--------|--------|--------|--------|--------|----------------------------------------------------------------------|
| بسیج         | ۱۶۹۷۰  | ۶۴۲۲۷  | ۲۱۴۶۵  | ۹۶۳۳   | ۱۵۷۶۰  | - سال ۶۳ شامل مجروحین عملیات خیبر و بدر می باشد                      |
| پاسدار وظیفه | ۲۰۸۱۳  | ۱۷۲۴۱  | ۵۱۷۰   |        |        | - سال ۶۴ شامل قسمتی از مجروحین عملیات والفجر ۸ می باشد               |
| پاسدار رسمی  | ۴۱۰۹   | ۱۳۰۱۰  | ۶۱۵۷   | ۵۲۱۵   | ۴۳۵۲   | - سال ۶۵ شامل قسمتی از مجروحین عملیات والفجر ۸ و کربلا ۴ و ۵ می باشد |
| جهاد سازندگی | ۲۳۸۷   | ۲۹۱۱   | ۱۲۵۳   | ۱۰۶۱   | ۳۴۳    | - سال ۶۶ شامل بخشی از مجروحین عملیات کربلا ۵ و ۸ می باشد             |
| ارتش         | ۳۰۳۷   | ۳۹۱۶   | ۶۱۳۳   | ۴۶۴۹   | ۲۹۵۷   |                                                                      |
| سایر نیروها  | ۴۶۳۹   | ۵۳۷۲   | ۵۱۰۰   | ۱۴۷۰   | ۷۵     |                                                                      |
| جمع کل       | ۵۱۹۵۵  | ۱۱۸۴۱۳ | ۴۶۸۷۸  | ۲۲۴۵۰  | ۲۳۵۰۵  |                                                                      |

## ■ سند شماره ۲۱

شماره: ۵۶۸۹

تاریخ: ۶۷/۳/۲۹

به: مسئول محترم ستاد مرکزی امداد و درمان جنگ و

وزیر محترم بهداشت، درمان برادر دکتر مرندي

از: ستاد امداد و درمان منطقه جنگی جنوب

باسلام، همان طور که مستحضر هستيد در سمينار

سال ۶۵، ستاد امداد و درمانی جنوب به دليل کمبود شديد

نیروی تخصصی، مقرر گرديد که نیروهای طرح توزيع

نیروی انسانی طرح، سه ماه به مناطق جنگی اعزام گردند و

با توجه به مشکلات عدیده و تهدیدات دشمن در کلیه

مناطق جنگی و ضرورت آمادگی مراکز درمانی رزمندگان

اسلام، متأسفانه به جای اعزام بیشتر نیروهای تخصصی به

مراکز فوق الذکر، این گونه نیروها که به سازمان منطقه ای

بهداری استان خوزستان اعزام می شوند عمده مراکز

درمانی رزمندگان اسلام از این نیروهای قابل توجه،

محروم گردیده اند؛ لذا مستدعی است بنا به دلایلی که در

سمنار فوق الذکر باعث تصویب این طرح گردید کلیه

برادران شامل طرح را به ستاد امداد و درمان و خواهران را

به سازمان منطقه ای بهداری استان خوزستان اعزام نمایند.

و من ... التوفیق

مسئول ستاد امداد و درمان منطقه جنگی جنوب

نصرا... فتحیان

توسط ناحیه لیست بندی و تأمین شده، در صورت

لزوم از طریق بهداری استان ها تأمین گردد.

۶. نیروهای بهداری اعزامی از هر پایگاه و ناحیه تا تهران

همراه نیروهای همان ناحیه بوده و در تهران در

روزهای برگزاری سمنار با هماهنگی مقر مرکزی

بهداری، در استادیوم انجام وظیفه می نمایند و پس از

اتمام سمنار، همراه کاروان هر ناحیه تا مقصد

جبهه ها همراه کاروان خواهند بود.

۷. امور پیگیری بهداری سمنارها به عهده بهداری کل

بوده و کلیه قسمت های دارویی، تدارکات و درمان

موظف به همکاری می باشند.

۸. دستورالعمل های بهداشتی - درمانی تکمیلی به

ضمیمه و متعاقباً ارسال خواهد شد.

به امید پیروزی رزمندگان اسلام

بهداری کل سپاه

## ■ سند شماره ۲۰

شماره: ۲۸۰/۳۸۴۴۱

تاریخ: ۶۶/۱۲/۲۳

به: فرماندهی نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

از: فرماندهی بهداری رزمی جنوب

به پیوست آمار عملکرد (آمار مجروحین) بهداری رزمی

به تفکیک عضویت از سال ۶۲ لغایت ۶۶ ارسال می گردد.

(جدول بالای صفحه)

## ■ سند شماره ۲۲

شماره: ۴۸۶۰

تاریخ: ۶۸/۱۰/۹

به: معاونت هماهنگ کننده ستاد کل

از: مدیریت بهداری ستاد کل

سلام علیکم

احتراماً بدینوسیله توافقات به عمل آمده در جلسه فیمابین مدیریت بهداری ستاد کل و مدیریت بهداری نیروی زمینی در تاریخ ۶۸/۱۰/۵ به شرح زیر به استحضار می رسد:

۱. کلیه معاونت های بهداری ستاد کل سپاه موظف شدند، معاونت های مشابه خود را راه اندازی کرده و سوابق مکاتباتی و امکانات و راهنمایی های لازم را جهت شروع فعالیت بهداری نیرو، در اختیار آنان قرار بدهند که در این راستا یک نفر از پرسنل هر یک از معاونت های بهداری ستاد کل مأمور اجرای این بند شدند.

۲. بیمارستان های سپاه در تهران در اختیار مرکز بهداری کل و دانشکده پزشکی خواهند بود. بیمارستان های اهواز، باختران، تبریز و مشهد که محل استقرار نیروی زمینی هستند به بهداری نیروی زمینی واگذار می شود. بیمارستان شیراز در اختیار نیروی دریایی باقی می ماند و تصمیم گیری در مورد بیمارستان اصفهان بعد از بررسی و تفحص بیشتر اعلام خواهد شد.

۳. کلیه بیمارستان ها در سراسر کشور موظف به ارائه سرویس خدمات درمانی به تمام نیروهای سپاه طبق ضوابط اعلام شده ستاد کل می باشند و قانون اداره تخصصی بهداری در مورد بیمارستان ها توسط بهداری کل اعمال خواهد شد و هر یک از بیمارستان ها که آموزشی بشوند تابع مقررات آموزشی دانشکده پزشکی قرار می گیرند.

۴. ۴۰٪ از پرسنل مجموعه فعلی بهداری کل، به غیر از نیروهای مأمور به مراکز دیگر، به بهداری نیروی زمینی منتقل می گردد.

۵. ۴۰٪ کلیه خودروها اعم از سواری، موتورسیکلت، و وانت به بهداری نیروی زمینی تحویل می گردند.  
۶. کلیه سوابق مکاتباتی مورد نیاز بهداری نیروی زمینی جهت آنان نسخه برداری خواهد شد.  
۷. ۳۰٪ امکانات تدارکاتی اعم از میز، صندلی، کمد و فایل به بهداری نیروی زمینی تحویل می شود.  
۸. دو خط تلفن مستقیم و یک خط قائم به بهداری نیروی زمینی منتقل می شود.  
۹. تفکیک مأموریت های بهداری نیروی زمینی از ستاد کل ظرف یک هفته توسط معاونت های بهداری ستاد کل انجام و به آنان ارجاع خواهد شد.

## ■ سند شماره ۲۳

به: رئیس محترم ستاد کل سپاه

از: ستاد قرارگاه مقدم سپاه در جنوب - کربلا

سلام علیکم

احتراماً بدینوسیله آخرین گزارش از وضعیت بهداری یگان های مستقر در منطقه جنوب برای اطلاع و اقدامات لازم ارسال می گردد شایان ذکر است مشکلات کلی بهداری یگان ها به شرح ذیل می باشد:

۱. مشکل مدیریت بهداری یگان های رزمی با توجه به عدم کیفی بودن نیروهای فعلی،
۲. کمبود نیروهای تخصصی در کلیه ابعاد پزشکی به خصوص پزشک،
۳. کمبود اقلام دارویی، اورژانسی و مصرفی،
۴. مشکل انتقال و امداد در اکثر یگان های و خرابی آمبولانس ها،
۵. مشکلات بهداشتی و به خصوص بهداشت غذایی و بهداشت محیط،
۶. مشکلات درمانی عقبه یگان ها و ناکافی بودن نیروی متخصص در منطقه، و
۷. کمبود امکانات دفاع انفرادی شیمیایی و امکانات درمانی در محل منطقه.





## نظام دوقطبی و جنگ ایران و عراق

نویسنده: دکتر ابراهیم متقی

معرفی و نقد: دکتر عبدالله قنبرلو\*

ابراهیم متقی، نظام دو قطبی و جنگ عراق و ایران، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۸۸، ۵۷۷ صفحه.



طرح شده که در آنها یک متغیر مستقل اصلی برای بروز جنگ یا تداوم آن در نظر گرفته شده و هر تحلیل گری به شکلی از فرضیه خود دفاع کرده است.

کتاب حاضر آنچنان که از نامش پیداست، سیستم بین الملل را به

مثابه مهم ترین متغیر در جنگ ایران و عراق تلقی کرده و تلاش دارد با استدلال های مختلف از این فرضیه دفاع کند. نویسنده بر آن است که شکاف در ساختار دو قطبی که به شکل گیری جنگ سرد دوم منجر شده باعث ظهور نیروهای گریز از مرکز منطقه ای گردید که جنگ ایران و عراق از برآیندهای آن بود.

### نحوه دفاع از فرضیه اصلی کتاب

نویسنده پس از اشاره به اختلافات دو بلوک شرق و غرب در اواخر دهه ۱۹۷۰ که به جنگ سرد دوم انجامید و نیز یک مرور کلی بر رهیافت های نظری متعدد در باب

### مقدمه

دو پرسش مهم درباره جنگ ایران و عراق این است که:

۱. علل آغاز جنگ ایران و عراق چه بود؟ و

۲. علل تطویل این جنگ چه بوده است؟

از جمله متغیرهایی که در پاسخ به پرسش اول داده شده می توان به تضادهای هویتی دو ملت ایران و عراق، خصلت ماجراجو و جنگ طلب صدام حسین، خط مشی تهاجمی حزب بعث عراق در سیاست خارجی، نابسامانی اوضاع ایران در پی بروز انقلاب اسلامی، داعیه های فراملی ایران به تبع انقلاب اسلامی (موضوع صدور انقلاب)، تحریک دولت عراق توسط اعراب و دخالت قدرت های بزرگ اشاره کرد. در پاسخ به پرسش دوم نیز متغیرهایی نظیر توازن قوای دو طرف جنگ، دخالت قدرت های بزرگ، و فقدان واسطه های فعال مصالحه ساز قابل ذکر می باشند. شاید بسیاری از متغیرهای مذکور را بتوان به نوعی در آغاز و تطویل جنگ مؤثر دانست، اما همچنان این پرسش مطرح است که کدام متغیرها نقش تعیین کننده ای داشته اند. تحلیل گران مختلف تلاش کرده اند مطالعات و بررسی های خود را به سمتی سوق دهند که متغیرهای تعیین کننده در بروز و تداوم جنگ را به یک یا دو متغیر محدود کنند. در این راستا، تا به حال فرضیه های مختلفی

\* عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

بر تحولات سیاسی ایران دست یافته است، زیرا تصور می شد ایران برای مقابله با عراق به حمایت قدرت های بزرگ از جمله اتحاد شوروی نیاز خواهد داشت. اما در عمل چنین اتفاقی نیفتاد. رهبران جمهوری اسلامی همچنان مرزبندی خود را با اتحاد شوروی حفظ کردند و نخواستند خود را نیازمند به مسکو نشان دهند. در این وضعیت، اتحاد شوروی حمایت های تسلیحاتی خود را به عراق ادامه داد. این امر با واکنش ایران مواجه شد، اما حمایت شوروی از عراق همچنان ادامه یافت. مقامات عراق تصور می کردند با عملیات سریع و گسترده می توانند به پیروزی مؤثر در خوزستان نایل شوند و با پیروزی در جنگ، به عنوان یک قدرت منطقه ای مهم نقش ایفا کنند.

امریکایی ها کمترین نتیجه ای که به صورت کوتاه مدت از قبل دخالت در جنگ پیش بینی می کردند آزادسازی گروگان های امریکایی بود. از سوی دیگر تصور می شد با توجه به تجهیز ارتش ایران به سلاح های امریکایی، این کشور در طول جنگ به حمایت های تسلیحاتی امریکا نیاز خواهد داشت و این امر می تواند امریکا را به یک قدرت مؤثر در جهت دهی به تحولات ایران تبدیل کند. در همین راستا، کارتر در روز دوم جنگ اظهار داشت: «جنگ ایران و عراق ممکن است به آزادی گروگان های امریکایی منجر شود، جنگ می تواند ایران را در مورد لزوم اصلاح سیاست های خود و قبول قوانین بین المللی متقاعد نماید. خبرهای رسیده حاکی از تمایل شدید ایرانیان برای حل اختلافات شان با ما می باشد.» قرائن موجود نشان می دهد مقامات امریکا دو اصل مهم را در حمایت خود از عراق مورد توجه قرار دارند: نخست اینکه، قدرت منطقه ای و استراتژیک ایران کنترل شود؛ و دوم اینکه فشار نظامی عراق علیه ایران، اهداف استراتژیک ایران را تعدیل می سازد.

جنگ های منطقه ای در سیستم بین المللی دوقطبی، شرایط بروز و تداوم جنگ را مورد بررسی قرار می دهد. بنا به استدلال نویسنده، مسأله اصلی که باعث شد نظام بین الملل باعث تحریک، بروز و تداوم جنگ شود، پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود. انقلاب اسلامی باعث تحولاتی در شرایط منطقه ای شد. در ایران، دولتی سرکار آمد که نه تنها به دو بلوک شرق و غرب تعلق خاطر نداشت، بلکه موضع خصمانه ای در برابر آنها اتخاذ کرد. رهبران انقلاب، مدل جدیدی را معرفی کردند که ماهیتی کاملاً مجزا و مستقل داشت و در صدد توسعه آن در منطقه بودند. انقلاب اسلامی، باعث شد منطقه خاورمیانه از تعادل سابق خارج گردد و با نوعی بی ثباتی مواجه گردد. خاورمیانه، منطقه ای بود که هر دو ابرقدرت ایالات متحده و اتحاد شوروی در آنجا نفوذ داشتند و تحولات آن را تحت نظر گرفته بودند. آنها در مدیریت بحران های منطقه فعال بودند و مطابق با منافع خود سعی می کردند به بحران ها جهت دهند. انقلاب اسلامی ایران باعث شد دو ابرقدرت بر سر ورود ایران به یک جنگ فرسایشی اشتراک نظر داشته باشند. خط مشی تهاجمی ایران پس از انقلاب همان طور که برای امریکا تهدیدساز بود، برای شوروی نیز تهدید به حساب می آمد. هرچند در پی وقوع حوادثی نظیر اشغال افغانستان توسط شوروی، مناسبات دو ابرقدرت ستیزه جویانه تر شده بود، اما در مواجهه با پدیده هایی چون انقلاب اسلامی ایران، آنها نفع خود را در مهار تحرکات ایران می دیدند. از این رو نوعی هماهنگی استراتژیک در مورد مسأله ایران شکل گرفت. جنگ از سوی عراق که تحت حمایت قدرت های جهانی قرار داشت آغاز شد.

زمانی که انگیزه صدام حسین برای حمله نظامی به ایران برای رهبران اتحاد شوروی روشن شد، این کشور احساس می کرد به فرصت ویژه ای جهت تأثیر گذاری

تعادل امنیتی جدیدی در خاورمیانه برسند. به تبع گرایش امریکا به ایران، شوروی نیز تمایل بیشتری برای مشارکت سیاسی و امنیتی با ایران برای حل مخاطرات امنیتی خود در افغانستان نشان داد. اما توجه ایدئولوژیک ایران در سیاست خارجی که مبتنی بر سیاست نه شرقی نه غربی بود، به اعاده منافع متقارن امریکا شوروی در اعمال فشار بر ایران منجر گردید. این امر را می توان در همکاری های متقابل دو قدرت در اسکورت نفت کش های کشورهای عربی ملاحظه کرد.

مقابله با  
اصول گرایی اسلامی  
موضوعی بود که به  
واکنش مشابه  
قدرت های بزرگ در  
قضیه جنگ ایران و عراق  
منجر گردید. هر دو  
قدرت جهانی،  
اصول گرایی اسلامی را  
عامل تهدید برای بقای  
سیستم دو قطبی  
می دانستند. واشنگتن از

**بنا به استدلال نویسنده،  
مسئله اصلی که باعث شد  
نظام بین الملل باعث  
تحریک، بروز و تداوم  
جنگ شود، پیروزی انقلاب  
اسلامی ایران بود**

اوایل سال ۱۹۸۲ چون بنیادگرایی اسلامی ایران را بسیار خطرناک تر از تهدید ایدئولوژی بعث یا اهداف عراق در منطقه علیه منافع امریکا می دانست با سازوکارهای مختلف؛ همچون کمک های اطلاعاتی مخفیانه و فروش غیرمستقیم مقادیر زیادی سلاح امریکایی، به حمایت از عراق روی آورد. برای شوروی نیز به خصوص با توجه به حضور نیروهای این کشور در افغانستان، تهدید اصول گرایی اسلامی کاملاً جدی بود. در سال های ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۲، دولت ایران در کنار پیروزی هایی که به دست آورد تصمیم به برخورد خشن با حزب توده گرفت. از این رو، مسکو برای حمایت از

در سال های اولیه جنگ، تقارن منافع امریکا و شوروی بسیار بالا بود. اما این مسأله در سال های میانی جنگ متعادل شد و در سال ۱۹۸۶ به پایین ترین حد خود رسید. در این وضعیت بود که زمینه برای سفر مک فارلین به تهران و فروش برخی اقلام تسلیحاتی به ایران فراهم شد. امریکا این مسأله را به اطلاع شوروی نرسانده بود، زیرا دو کشور منافع متقارن محدود و پایینی داشتند. مجدداً در سال های پایانی جنگ، تقارن منافع دو کشور افزایش یافت. از سال ۱۹۸۷ تا زمان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران شاهد منافع متقارن دو ابرقدرت هستیم. حمایت اتحاد شوروی از عراق به شکل فعال و مستقیم بود، اما حمایت امریکایی ها از عراق بیشتر غیرفعال و غیرمستقیم بود. با وجود این، دستاوردهای امریکا بیشتر بود. شوروی نه تنها در عراق به نتایج مطلوبی دست نیافت، بلکه در حوزه های دیگری چون افغانستان نیز با مشکل مواجه گردید.

امریکا و شوروی در جنگ ایران و عراق هیچ گاه در فضای منافع نامتقارن و الگوهای تعارضی قرار نگرفتند. این امر بازتاب شرایط خاص منطقه خاورمیانه و ضرورت کنترل بازیگران انقلابی نظیر ایران بود. یکی از دلایل اصلی افول منافع متقارن امریکا و شوروی را می توان در حساسیت های امنیتی اتحاد شوروی نسبت به نقش سیاسی امریکا در خلیج فارس جستجو کرد. آنچنان که گری سیک اظهار می دارد: سیاست سد نفوذ علیه شوروی در این قضیه مؤثر بود. اصل مهار اتحاد شوروی باعث شد امریکایی ها به تدریج فضای ارتباطی خود را با اتحاد شوروی محدود کنند و از سوی دیگر کوشیدند روابط جداگانه ای با ایران برقرار نمایند. در فضای افول تقارن منافع، جهت گیری سیاست خارجی و امنیتی امریکا و شوروی در مواجهه با ایران تغییر یافت. در این برهه، دو قدرت ترجیح می دادند تا سطح روابط و همکاری های خود را با ایران ارتقا دهند و از این طریق به

در جنگ نقش مهمی داشت، همواره می‌کوشید جلوه‌هایی از توازن را در روابط با طرف‌های جنگ به نمایش بگذارد. آلمانی‌ها مانند دیگر کشورهای اروپایی حمایت‌های نظامی، امنیتی و اقتصادی خود از عراق را در قالب رهیافت موازنه‌گرایی منطقه‌ای توجیه می‌کردند. در سال‌های جنگ، سیاست موازنه‌سازی اروپایی‌ها با تقویت همه‌جانبه توان تسلیحاتی عراق همراه بود. در مقایسه با فرانسه و انگلستان، روابط آلمان با ایران طی جنگ وضع مطلوب‌تری داشت. حمایت‌های فرانسه و انگلیس از عراق در برابر ایران پررنگ‌تر بود.

در مجموع، قدرت‌های بزرگ جهانی و متحدان آنها در پی کنترل مواضع تهاجمی ایران پس از انقلاب اسلامی بودند. موضع‌گیری‌های آنها در طی جنگ نشان داد که از سناریوی پیروزی و تفوق ایران هراسان هستند. از این رو، با حمایت‌های گسترده از عراق تلاش می‌کردند ایران را در موضع ضعف قرار دهند. آنها از جنگ به عنوان فرصتی برای تضعیف ایران استفاده کردند. اگرچه قدرت‌های غرب و شرق در طراحی، سازماندهی، هدایت و اجرای حمله نظامی عراق علیه ایران نقش مستقیم نداشتند، اما در تأثیرگذاری بر فرایند جنگ نقش بسیار فعالی ایفا کردند. برخی تحلیل‌گران در آغاز جنگ بر این نظر بودند که اتحاد شوروی به دلیل روح ضدامپریالیستی انقلاب ایران مخالف هرگونه تهاجم نظامی سازمان‌یافته علیه ایران است. اما در عمل ملاحظه شد که شوروی بدون اهمیت دادن به جهت‌گیری ضدامریکایی انقلاب ایران، در برابر جمهوری اسلامی قرار گرفت، چرا که الگوی سیاست ضدامپریالیستی ایران را در تعارض با الگوی سیاست ضدامپریالیستی شوروی تلقی می‌کرد.

نویسنده کتاب، استدلال می‌کند در سیستم دوقطبی دوره جنگ سرد، اگرچه قدرت‌های بزرگ جهانی در

عراق مصمم‌تر گردید. هنگامی که ایران در موضع تهاجمی قرار گرفت، کمک‌های نظامی شوروی به عراق از سرگرفته شد. سناریوی پیروزی ایران در جنگ برای هر دو ابرقدرت غیرقابل تحمل بود. در اوایل دهه ۱۹۸۰ بین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نوعی توافق به وجود آمد که باید برای تضعیف اسلام سیاسی، قدرت ایران تضعیف گردد. از این رو، علاوه بر امریکا و شوروی شاهد حمایت کشورهایی چون عربستان سعودی و کویت از عراق در برابر ایران هستیم.

کشورهای اروپای غربی نیز مطابق با منافع استراتژیک خود در منطقه در قبال مسأله جنگ موضع‌گیری کردند. در بین آنها فرانسه بیشترین سطح همکاری‌های نظامی و امنیتی را با عراق داشت. فرانسه از سال ۱۹۷۶ توانسته بود روابط استراتژیک و اقتصادی

**پیروزی‌های ایران  
در جنگ علیه عراق  
بیشتر از اینکه محصول  
برتری فیزیکی ایرانی‌ها  
باشد، تابع انگیزه‌های  
انقلابی نیروهای ایرانی بود**

محکم‌تری در مقایسه با دیگر کشورهای اروپایی با عراق برقرار کند. در آغاز جنگ، فرانسوی‌ها ضمن اینکه از عراق حمایت می‌کردند موافق گسترش جنگ نبودند. آنها با افشای خبر ملاقات محرمانه برژینسکی با صدام در مرز عراق و اردن پیش از آغاز جنگ، تلویحاً از سیاست‌های امریکا انتقاد و گلایه می‌کردند. اما به سرعت خود را با واقعیت‌های موجود تطبیق دادند. اگرچه نگرش فرانسه حمایت کامل از عراق بود، اما رهبران این کشور تلاش می‌کردند سطح خاصی از روابط دیپلماتیک و اقتصادی را با ایران پی‌گیری کنند. آلمان غربی که در ایجاد زرادخانه‌های شیمیایی عراق

ساختار نظامی و قابلیت های ابزاری عراق را تقویت کرد. عراق از این طریق توانست بر موازنه منطقه ای غلبه پیدا کند. بنابراین، سیاست ایجاد توازن منطقه ای توسط قدرت های بزرگ، تحت الشعاع مقابله با اصول گرایی اسلامی ایران قرار گرفت و مسیر جنگ به سمتی هدایت شد که با عدم توازن به نفع عراق پایان یافت. در طول جنگ، ایرانی ها در برابر فشارهای بین المللی و قابلیت های فیزیکی عراق به نوع خاصی از سازوکارهای مقاومتی که از جو ایدئولوژیک انقلاب اسلامی متأثر بود، متوسل شدند. پیروزی های ایران در جنگ علیه عراق نیز بیشتر از اینکه محصول برتری فیزیکی ایرانی ها باشد، تابع انگیزه های انقلابی نیروهای ایرانی بود. در سال های پس از جنگ، مطالعات جدیدی درباره تطویل جنگ انجام شد که در آنها بر نقش روحیه انقلابی نیروهای ایرانی تأکید شده است.

جمع بندی نویسنده این است که نتایج حاصل از جنگ ایران و عراق نشان می دهد به کارگیری الگوی مدیریت بحران در وضعیتی که آنان بر عدم توازن منطقه ای تأکید دارند، کار دشوار و پر مخاطره ای است. ایران قواعد سیستم دوقطبی را ناعادلانه می دانست و در برابر آن موضع گرفته بود. قدرت های بزرگ نیز در واکنش به آن از الگوی مبتنی بر عدم توازن بهره گرفتند. این امر توازن و تعادل منطقه ای را تغییر داد و زمینه تبدیل عراق را به نیروی مهاجم منطقه ای را فراهم ساخت. حمایت گسترده و فراگیر امریکا و شوروی از عراق نه تنها به بازگشت ثبات و تعادل به منطقه منجر نشد، بلکه زمینه های بی ثباتی و عدم تعادل را تشدید نمود. همین مسایل از عوامل مهم فرسایش سیستم دو قطبی شد، چرا که با گسترش مداخلات قدرت های بزرگ از یک سو و تداوم عدم موازنه و تعادل در محیط های بحرانی در متزلزل سازی بنیان های ثبات سیستم بین الملل، مؤثر واقع شدند.

رقابت با یکدیگر بودند، اما منافع مشترکی در حفظ قواعد سیستم داشتند. رقابت های منطقه ای و کنش های بین المللی متفاوت آنان به معنای نادیده گرفتن ساختار سیستم بین المللی نبود. این قدرت ها در برابر نیروهای گریز از مرکز و کشورهای که ایدئولوژی انقلابی متعارضی با قواعد سیستم بین الملل داشتند به شکل مشابهی برخورد می کردند. آنها بحران ها و جنگ های منطقه ای را به نحوی هدایت می کردند که به بنیان های سیستم آسیب نرسد. زمانی که عراقی ها به حوزه جغرافیایی ایران تجاوز کردند، مواضع سیاسی قدرت ها و همچنین قطعنامه های شورای امنیت در جهت حمایت از عراق شکل گرفت. زمانی که ایران توانست موقعیت خود را در مرزهای بین المللی تثبیت کند و به تعقیب نیروهای متجاوز مبادرت نماید، باز هم جهت گیری قدرت های بزرگ و قطعنامه های شورای امنیت را به نفع عراق شاهد هستیم. اگرچه پس از تنش های اواخر دهه ۱۹۷۰، موج دیگری از سردی مناسبات در روابط واشنگتن - مسکو حاکم بود و در این فضا نیروی گریز از مرکزی چون جمهوری اسلامی شکل گرفت، اما دو قدرت بر سر مهار و تضعیف آن توافق داشتند. اگرچه سیاست قدرت های بزرگ در قبال جنگ ایران و عراق با عناوینی چون موازنه سازی توجیه می شود، اما حمایت های آنها از طرف های جنگ شکل متوازنی نداشت و بیشتر بر حمایت از عراق و تضعیف ایران تأکید داشت.

در سال های اولیه جنگ، این ذهنیت وجود داشت که احتمالاً شوروی به نفع ایران موضع گرفته و جنگ ایران و عراق به عرصه دیگری برای کشاکش مسکو و واشنگتن تبدیل خواهد شد، اما در عمل الزامات سیستم بین الملل، دو قدرت را به همکاری و هماهنگی در جهت تضعیف ایران سوق داد. تداوم جنگ از یک سو قابلیت های ابزاری ایران را کاهش داد و از سوی دیگر،

## ارزیابی کلی

کتاب معرفی شده، اثر ارزشمندی در زمینه علل آغاز و تطویل جنگ ایران و عراق است. این کتاب به طور مبسوط اثر متغیر سیستم بین الملل بر جنگ ایران و عراق را مورد بررسی قرار داده است. به لحاظ محتوایی، ممکن است پرسش هایی برای خواننده پیش آید که نتواند پاسخ آنها را در کتاب پیدا کند. از جمله اینکه نویسنده چگونه بدون بررسی عمیق سایر متغیرهای دخیل در بروز و تداوم جنگ، بر نقش محوری سیستم دوقطبی تأکید می کند؟ نکته دوم اینکه درست است که قدرت های بزرگ حمایت قاطع و گسترده ای از عراق به عمل آوردند، اما آیا می توان به این جمع بندی رسید که این سیاست نوعی بر هم زدن توازن منطقه ای بود؟ نکته سوال برانگیز سوم اینکه خواننده نمی تواند جمع بندی دقیقی در مورد ارتباط بین ساختار سیستم بین الملل و نیروهای گریز از مرکز ترسیم کند. نکته آخر اینکه در سیستم دوقطبی جنگ سرد، یک از دو ابرقدرت به خاطر تقویت موقعیت قدرت و نیز جهانی سازی ایدئولوژی تحت حمایت خود به یک فرایند رقابتی وارد شده بودند که نهایتاً شوروی در برابر امریکا شکست خورد. نویسنده، توضیح دقیقی در مورد نحوه سازگاری این فرایند رقابتی با تعهد دو ابرقدرت به حفظ قواعد سیستم ارائه نداده و روشن نساخته که چگونه سیاست ابرقدرت ها در قبال جنگ ایران و عراق در فروپاشی سیستم دوقطبی مؤثر بود.

این کتاب به لحاظ شکلی نیز با دو مشکل همراه است، نخست اینکه خواننده با موارد زیادی از مطالب تکراری مواجه می شود، به گونه ای که محتوای کتاب را می توان در حجم بسیار کمتری نیز بیان کرد و نکته دوم برخی از پاراگراف ها انسجام و نظم محتوایی لازم را ندارند، به طوری که آغاز و پایان آنها با هم همخوانی ندارند.

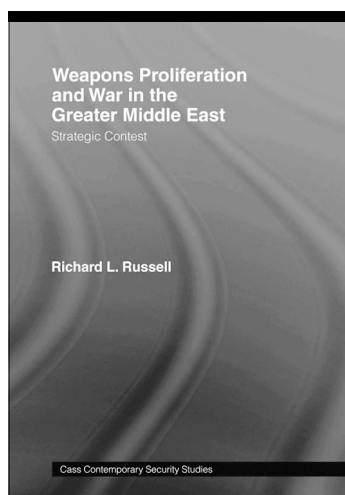
# گسترش سلاح های هسته ای و جنگ در خاورمیانه:

## رقابتی راهبردی

نویسنده: ریچارد ال. راسل

معرفی و نقد: دکتر محمود یزدان فام\*

Richard L. Russell, Weapons proliferation and war in the greater Middle East: strategic contest, London: Routledge, 2005, pp224.



و تمایل به سلاح های هسته ای در خاورمیانه و جنوب آسیا به مراتب بیشتر از سایر مناطق جهان است. از میان کشورهای این منطقه، اسرائیل، پاکستان و هند دارای سلاح های هسته ای هستند و برخی از کشورهای دیگر

### مقدمه

از آغاز پیدایش جوامع انسانی، هر یک از آنها در تلاش بوده اند به سلاح برتر و قدرت مطلق دست یابند. استفاده آمریکا از سلاح اتمی علیه شهرهای هیروشیما و ناکازاکی در سال ۱۹۴۵ و تسلیم شدن بی قید و شرط ژاپن نشان داد که آمریکایی ها پیش از دیگران به آن سلاح افسانه ای دست یافته اند. بعد از آن تاریخ، مسابقه ای نانوشته میان کشورهای جهان به ویژه قدرت های بزرگ برای دست یافتن به این سلاح به وجود آمد و کشورها به صورت آشکار و پنهان درصدد رسیدن به این سلاح برآمدند. در همین حال خطرات گسترده و غیرقابل تحمل این سلاح، جوامع انسانی و سیاستمداران را بر آن داشت تا اقدامات موثری برای جلوگیری از گسترش سلاح های هسته ای به عمل آورند و مانع استفاده کشورهای دارنده این سلاح ها در جنگ ها بشوند.

به رغم تمهیدات و اقدامات گسترده جامعه جهانی و به ویژه قدرت های بزرگ برای حفظ انحصار خود در این زمینه و جلوگیری از گسترش سلاح های هسته ای، گرایش به تولید این سلاح ها از سوی کشورهای دیگر همچنان از جذابیت بالایی برخوردار است. این کشش

فعالیت های قابل توجهی از خود بروز داده اند. جمهوری اسلامی ایران متهم به تلاش برای دستیابی به سلاح هسته ای است؛ لیبی به تلاش های خود پایان داد؛ تأسیسات هسته ای عراق و سوریه از سوی اسرائیل بمباران شد؛ و عربستان، ترکیه، مصر، و امارات متحده عربی علایمی نشان می دهند که نشان دهنده گرایش آنها به برخورداری از سلاح های هسته ای است. کتاب ریچارد راسل به این موضوع می پردازد و می کوشد به این پرسش پاسخ دهد که چرا کشورهای خاورمیانه و جنوب آسیا به شدت علاقمند به داشتن سلاح های هسته ای، شیمیایی، رادیولوژیکی و بیولوژیکی هستند

\*عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

بیان می کند: مطالب این کتاب مواضع رسمی این دو سازمان و دولت آمریکا نیست. وی در مورد ارتباط جنگ با گسترش سلاح های کشتار جمعی، چندین مقاله نوشته و منتشر کرده است.

### معرفی محتوای کتاب

این کتاب به بررسی سیاستمدارانی می پردازد که در خاورمیانه به سلاح های کشتار جمعی و موشک های بالستیک به عنوان ابزارهای راهبردی برای تأمین اهداف سیاسی خود نگاه می کنند. به موازات تأکید بر سیاست قدرتمندانه، تقاضا برای سلاح های کشتار جمعی میان کشورهای این منطقه افزایش می یابد و این تصادفی نیست که به تبع آن، اینجا به منطقه ای تند در زمینه چالش های هسته ای تبدیل می شود. این کتاب به بررسی موشکافانه رقبای راهبردی در خاورمیانه و آسیای جنوبی می پردازد که در پی آزمون استفاده از سلاح های کشتار جمعی و موشک های بالستیک به عنوان ابزاری برای بازدارندگی و جنگیدن هستند. نویسنده به طور خاص بر تلاش ایران در راستای تولید موشک های بالستیک و سلاح های هسته ای و به همین صورت پیامدهای منطقه ای آن تمرکز دارد. همچنین این مطالعه به تحقیق در مورد حمایت و کمک های چین در برنامه کشورهای عربستان، پاکستان و ایران در دستیابی به موشک های بالستیک و سلاح های کشتار جمعی می پردازد.

از نظر نویسنده بعید است که گسترش سلاح های هسته ای در خاورمیانه به ایجاد ثبات راهبردی که ویژگی دوره جنگ سرد بود، منجر شود. زیرا برخی از این کشورها به این سلاح ها به عنوان ابزاری برای استفاده در جنگ نگاه می کنند.

فصل نخست کتاب به مباحث نظری بحث اختصاص دارد و نویسنده می کوشد چارچوبی برای

و می کوشند به این سلاح ها دست پیدا کنند.

کتاب «گسترش سلاح های هسته ای و جنگ در خاورمیانه: رقابتی راهبردی» از ده فصل تشکیل شده است. این کتاب، حاصل چندین سال تلاش و تحقیق در زمینه برنامه کشورهای خاورمیانه در حوزه دستیابی به سلاح های کشتار جمعی است. برخی از مطالب این کتاب قبلاً به صورت مقاله در نشریات دیگر به چاپ رسیده است. گزینه هسته ای عربستان سعودی؟<sup>۱</sup> در تابستان ۲۰۰۱ در نشریه سورویوال<sup>۲</sup>، مقاله «شمشیرها و سپرها: موشک های

بالستیک و دفاع در خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی» در نشریه اوبیس<sup>۳</sup> در تابستان ۲۰۰۲؛ مقاله «سایه های ایران و عراق: نحوه برخورد با برنامه هسته ای تهران» در فصلنامه پارامترز<sup>۴</sup> در پائیز ۲۰۰۴؛ مقاله «سفسطه صلح هسته ای:

چگونه بازدارندگی شکست می خورد» در مجله مطالعات راهبردی که چند بخش مهم این کتاب را تشکیل می دهند، به چاپ رسیده اند.

ریچارد راسل، استاد دانشگاه دفاع ملی است. او استاد مشاور در برنامه مطالعات امنیتی و همکار پژوهشی موسسه مطالعات دیپلماسی در دانشگاه جورج تاون است. نویسنده با سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) و وزارت دفاع این کشور همکاری دارد و تحلیل گر سیاسی و نظامی سازمان اطلاعات می باشد. اطلاعات موجود در این کتاب از منابع اطلاعاتی این دو سازمان آمریکایی متأثر است اما همان گونه که نویسنده

### این کتاب،

### حاصل چندین سال

### تلاش و تحقیق در زمینه

### برنامه کشورهای خاورمیانه

### در حوزه دستیابی به

### سلاح های کشتار جمعی

### است



آمریکا به صدا درآورد که اگر این نوع گروه‌ها به سلاح‌های کشتار جمعی دست یابند، در استفاده از آن علیه اهداف و منافع آمریکا درنگ نخواهند کرد. اگر چه دستیابی به سلاح هسته‌ای و استفاده از آن برای گروه‌های تروισتی راحت نیست، اما دسترسی گروه‌های تروισتی به سلاح‌های شیمیایی، رادیولوژیکی و بیولوژیکی به مراتب ساده‌تر است. ممکن است این گروه‌ها سلاح‌های هسته‌ای را از کشورهای هسته‌ای جدید دریافت کنند و یا در سطح

محدود، آن را از بازار

سیاه تأمین نمایند. به رغم اینکه این گروه‌ها سامانه‌های پرتاب این گونه سلاح‌ها را در اختیار ندارند اما دستیابی آنها به سلاح‌های کشتار جمعی می‌تواند برای امنیت و ثبات بین‌المللی فاجعه‌آمیز باشد. آنها می‌توانند از این گونه

#### از نظر نویسنده

بعید است که گسترش سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه به ایجاد ثبات راهبردی که ویژگی دوره جنگ سرد بود، منجر شود

سلاح‌ها برای ایجاد وحشت عمومی و تحت تأثیر قرار دادن دولت‌ها و باج‌گیری از آنها استفاده کنند.

منطقه خاورمیانه و جنوب آسیا در تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی، سابقه طولانی دارد. سه کشور هند، پاکستان و اسرائیل، قراردادهای بین‌المللی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را امضاء نکرده و به رژیم‌های کنترلی هسته‌ای و موشکی بی‌اعتنا هستند. آنها به صورت پنهان به سلاح‌های هسته‌ای دست یافته و سامانه‌های پرتاب آنها را در اختیار دارند. این منطقه به شدت بحران‌خیز و منازعه‌آمیز است. برخی از سلاح‌های کشتار جمعی در

مسایل و مباحث مطرح در خاورمیانه ارائه دهد. از منظر وی سیاست قدرتمندانه، نکته محوری در بررسی تلاش کشورهای خاورمیانه به سوی دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای است. سیاست قدرتمندانه یکی از اصول محوری نظریه واقع‌گرایی است. نظریه واقع‌گرایی برای سال‌های سال، نظریه غالب در روابط بین‌الملل و مناسبات آمریکا و شوروی در دوره جنگ سرد بود و نظریه‌ای با توان تبیین‌کنندگی بالا در مورد مسایل و سیاست کشورهای موجود در منطقه خاورمیانه است. سیاست قدرتمندانه در دوره جنگ سرد بر مناسبات دو ابرقدرت مسلط بود و هر یک از دو بلوک تلاش می‌کردند با دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای و تسلیحات پرتاب آن، موقعیت برتر خود را حفظ کنند. با فروپاشی شوروی، این دیدگاه و اصل سیاست قدرتمندانه کم‌رنگ شد و این خوش‌بینی در جهان به وجود آمد که سلاح‌های هسته‌ای کنار گذاشته شوند. آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین قدرت هسته‌ای، دیگر از سوی دولت ملی دیگری احساس تهدید نمی‌کرد و این تفکر در دهه ۱۹۹۰ به وجود آمد که آمریکا نیز باید هزینه‌ها و نیروهای نظامی خود را کاهش دهد و این امر تا سال ۱۹۹۸ کم و بیش اتفاق افتاد.

حملات القاعده به آمریکا در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، روند تحولات را دگرگون ساخت و موجب بروز مرحله جدیدی در اقدامات و مطالعات امنیتی در جهان شد. نوع حملات نشان داد دشمنی این گروه با آمریکا بسیار متفاوت از دولت‌های ملی است. القاعده یک گروه فاقد سرزمین مشخص و آسیب‌پذیری اندک در برابر تهدیدات نظامی آمریکا بود. با وجود این، استفاده آنها از هواپیماهای مسافربری در حمله به اهداف مورد نظرشان، نشان داد کشته شدن افراد نظامی و غیرنظامی، زن و مرد و افراد کم‌سن و سال و بزرگ‌سال، تفاوتی برای آنها ندارد. این نوع اقدام، زنگ خطر را برای

بی‌ثبات چه می‌تواند بکند؟

مطالبی که تاکنون در مورد سلاح‌های کشتار جمعی در منطقه خاورمیانه نوشته شده، عموماً به خود این سلاح‌ها و نحوه دستیابی و پیامدهای آن پرداخته‌اند. در این نوشته تلاش شده، بین‌گرایش شدید به این سلاح‌ها و بسترها و نیازهای راهبردی، سیاسی و تحلیلی آن ارتباط برقرار شود و تشریح شود دستیابی به این سلاح‌ها چه پیامدهای راهبردی می‌تواند بر وضعیت منطقه داشته باشد.

از نظر نویسنده کتاب، سیاست قدرتمندانه یا مکتب فکری واقع‌گرایی سیاسی است که بستر لازم را برای گرایش به دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی در منطقه خاورمیانه و جنوب آسیا شکل می‌دهد. در قالب چنین تفکری، افراد چه به صورت فردی و چه در قالب سازمانی و جمعی در یک مبارزه پایدار برای افزایش قدرت در جهت نفوذ، شکل دادن، یا تسلط بر اوضاع و احوال هستند. جستجو برای افزایش قدرت و دستیابی به موقعیت برتر نسبت به ملل دیگر تلاشی بی‌پایان است. رقابت دولت‌های ملی در محیط بین‌المللی نتیجه و مشخصه اصلی نظام بین‌المللی یعنی آنارشی است که در آن هر کشوری برای تأمین امنیت خود به دنبال افزایش توان و قدرت نظامی خود است. کوشش برای افزایش توان نظامی برای امنیت به ناامنی برای کشورهای دیگر منجر شده و متقابلاً آنها نیز برای کاهش خطرات به افزایش قدرت خود می‌پردازند که از این موضوع به عنوان معمای امنیت یاد می‌کنند. نتیجه چنین فرایندی، بروز رقابت تسلیحاتی گسترده میان کشورها است.

از نظر مکتب واقع‌گرایی، یکی دیگر از راه‌های افزایش قدرت در عرصه بین‌المللی ایجاد اتحاد و ائتلاف میان کشورها است. کشورهایی که با تهدید واحدی روبه‌رو هستند به ائتلاف دست می‌زنند و

چند مورد از منازعات خاورمیانه مورد استفاده قرار گرفته است. کشورهای دیگر از اینکه دیگران به چنین سلاح‌هایی دست یافته‌اند، احساس تهدید می‌کنند و نگران امنیت ملی خود می‌باشند. کشورهای خاورمیانه، گام‌های اساسی در دستیابی به فن‌آوری موشکی برداشته‌اند. گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه به معنای این است که همه باید منتظر بروز فاجعه انسانی باشند. گروه‌های تروισتی تندرو، عموماً از این منطقه برخاسته‌اند. خاورمیانه خاستگاه گروه‌های تروισتی جدید از جمله گروه القاعده است که حملات ۱۱ سپتامبر را انجام داد.

خاورمیانه نزدیک به ۷۰ درصد نفت و ۴۰ درصد گاز مورد نیاز جهان را تأمین می‌کند. بروز اختلال در فرایند تولید و ارسال انرژی از این منطقه، جدا از منشاء و عامل تهدید به معنای به خطر افتادن امنیت انرژی در جهان است. امنیت جهان به امنیت خاورمیانه پیوند خورده است. تهدیدات تروισتی، به خطر افتادن جریان انرژی از منطقه، بروز جنگ و درگیری میان کشورهای منطقه می‌تواند به عاملی در بروز ناامنی در جهان تبدیل شود.

پرسش‌های زیادی در مورد ارتباط تحولات خاورمیانه با امنیت جهانی مطرح است. گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در این منطقه با امنیت بین‌المللی چه ارتباطی دارد؟ رقابتی راهبردی این منطقه کدام کشورها هستند که احساس تهدید از هم، به عاملی برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی تبدیل شده است؟ ویژگی‌ها و مشخصات سلاح‌های کشتار جمعی چیست که دولت‌های خاورمیانه در پی دستیابی به آنها هستند؟ این سلاح‌ها، وسیله‌ای برای بازدارندگی، جنگ یا هر دو محسوب می‌شوند؟ ایالات متحده آمریکا در مواجهه با این وضعیت و جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در این منطقه حساس و

است که در فصل اول این کتاب خطوط اصلی آن به اختصار تشریح شده است.

دورنمای رقابت راهبردی در منطقه خاورمیانه در فصل دوم این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. خاورمیانه و جنوب آسیا، منطقه ای است که در آنها تلاش برای دستیابی به سلاح های کشتار جمعی، گرایشی عمیق و گسترده است. تمایلات، سیاست ها و روندهای تحولات در این منطقه را می توان با استفاده از بحث موازنه قدرت واقع گرایی کلاسیک و معمای امنیت توضیح داد. ملل این منطقه در یک رقابت تسلیحاتی و تلاش برای افزایش قدرت خود قرار دارند و در پارادوکس امنیتی گیر کرده اند. تلاش برای افزایش قدرت در میان ملل این منطقه بیش از اینکه به تأمین و تقویت امنیت آن منجر شود به ناامنی و جنگ میان آنها منجر می شود.

کشورهای خاورمیانه و جنوب آسیا در سطح وسیع تر، در پی گسترش و تقویت نیروی نظامی متعارف برای دفاع و مقابله با تهدیدها هستند، اما بسیاری از آنها برای برنامه های نوسازی نظامی متعارف، بیش از حد معمول اصرار دارند. سیستم های تسلیحاتی عمده نظیر تانک ها، توپخانه ها، زرهی و نیروی هوایی برای حمایت و انتقال نیرو، به شدت گران هستند. قیمت این نوع سلاح ها، مدام در حال افزایش است. بودجه نظامی کشورها در منطقه بسیار خطرناک خاورمیانه و جنوب آسیا، بسیار بالا است و سیستم های تسلیحاتی گران قیمت، بخش بزرگی از آن را به خود اختصاص می دهند و حتی دولت ها ثروتمند منطقه خلیج فارس نیز در تأمین این میزان بودجه نظامی با محدودیت هایی روبه رو هستند.

در چنین وضعیتی، بسیاری از کشورهای خاورمیانه و جنوب آسیا، نه تنها اسرائیل را خارج از توان ایجاد موازنه می دانند، بلکه آمریکا را تهدید اصلی برای امنیت

می کوشند از طریق اتحاد با یکدیگر، مانع از تسلط یک قدرت بر دیگران شوند. این تلاش به برقراری نظمی در نظام بین المللی منجر می شود که از آن با عنوان نظم موازنه قدرت یاد می شود.

در نگاه واقع گرایی، گسترش سلاح های هسته ای در میان رقبای منطقه ای و بین المللی صورت می گیرد و هر کدام از آنها در پی کسب برتری در این زمینه هستند و تلاش بیشتر آنها برای دستیابی به سلاح های پیشرفته تر به مسابقه تسلیحاتی میان آنها منجر می شود. در نگاه واقع گرایی کلاسیک، سلاح های کشتار جمعی و موشک های بالستیک ابزاری برای کسب قدرت و اعتبار میان ملت ها و گسترش نفوذ خود در عرصه بین المللی است. هر چند همین رویه موجب بروز معمای امنیت در میان کشورها نیز می باشد.

از نظر واقع گرایی، چیزی که در این مورد باید مد نظر قرار گیرد نوع سلاح هایی است که کشورها در پی دستیابی و استقرار آنها هستند. از نظر آنها، اگر نوع سلاح هایی که کشورها در پی دستیابی به آنها هستند از نوع سلاح های دفاعی باشند معمای امنیت کم رنگ می شود و می تواند به کاهش احساس تهدید از سوی کشورهای دیگر منتهی شود، اما اگر سلاح ها و اقدامات کشورها از نوع تهاجمی باشد، معمای امنیتی تشدید شده و به واکنش کشورهای دیگر منجر می شود و ممکن است به بدتر شدن اوضاع امنیتی منتهی شود.

به رغم بروز انقلاب اطلاعاتی - تکنولوژی که اساس جهان معاصر را تحت تأثیر قرار داده است، در توان تبیین کنندگی واقع گرایی کلاسیک، تغییرات اساسی به وجود نیامده است و این نظریه می تواند در فهم دولت مداری، راهبردها، و پویایی های سیاست جهان و به تبع گسترش سلاح های کشتار جمعی در منطقه خاورمیانه و جنوب آسیا بسیار مفید باشد. واقع گرایی، مبنای نظری این نوشته در مورد خاورمیانه

پرهزینه و کمتر کارآمد است، به سوی سرمایه گذاری گسترده در حوزه توانایی و فن آوری موشکی حرکت کردند. رهبران سیاسی و فرماندهان نظامی در این منطقه، اعتماد اندکی دارند که نیروی هوایی آنها در برابر نیروی نظامی قدرتمند آمریکا و اسرائیل شانس برای موفقیت داشته باشند و بتوانند از مراکز راهبردی آنها در برابر حملات این دو کشور دفاع کنند. متعاقباً آنها به سوی گسترش توان موشکی خود روی می آورند و تلاش می کنند به ظرفیت بیشتر و پیشرفته تری از توان موشکی دست یابند. این کشورها در طیف وسیعی از انواع موشک های بالستیک سرمایه گذاری می کنند و سعی دارند برد این موشک ها را افزایش دهند و بر توان تخریبی آنها بیفزایند. این موشک ها از شانس بالاتری برای نفوذ به سپر دفاعی دشمن و رساندن سلاح های شیمیایی به هدف مورد نظر، برخوردارند. موشک ها به دلیل ظرفیت بالایی که در پرتاب سلاح های شیمیایی دارند، جذابیت بیشتری برای کشورهای خاورمیانه دارند و این کشورها دستیابی به این نوع سلاح ها را بر نیروی هوایی ترجیح می دهند و سرمایه گذاری بیشتری در این مورد می کنند.

فصل چهارم به بررسی روند استفاده و گسترش تمایل به تولید موشک های بالستیک در جنگ های منطقه خاورمیانه می پردازد و نشان می دهد ریشه های گرایش به موشک های بالستیک در منطقه به کجا می رسد و چرا این کشورها علاقه شدیدی به دستیابی به موشک های بالستیک دارند. این کشورها در جنگ ایران و عراق بکارگیری و کارآیی این موشک ها را مشاهده کرده و تأثیرگذاری آنها را در روند جنگ به خوبی فهمیدند. موشک های بالستیک در جنگ ایران و عراق نشان دادند که در قیاس با نیروی هوایی قابل دسترس تر بوده و با هزینه ای اندک، کارآیی بیشتری دارند. تلفات انسانی در سامانه موشکی بسیار پایین و توان تخریبی آن

خود ارزیابی می کنند. آنها نتیجه می گیرند کشورشان در حوزه تسلیحات متعارف، شانس برای رسیدن به سطح توان نظامی اسرائیل و آمریکا ندارند و بنابراین برای ایجاد بازدارندگی در برابر قدرت نظامی این کشورها باید به سمت سلاح های هسته ای برود. همچنین، آنها در صدد دستیابی به سلاح های شیمیایی و بیولوژیکی هستند و به آنها به عنوان چاره موقت برای جبران این شکاف و عامل بازدارندگی در برابر قدرت نظامی اسرائیل و آمریکا، تا دست یافتن به سلاح های هسته ای نگاه می کنند.

از نظر کشورهای مزبور سلاح های شیمیایی و بیولوژیکی، همچنین می توانند به صورت ابزار نامتقارن در جنگ احتمالی با اسرائیل و آمریکا به کار گرفته شوند.

در فصل سوم، استفاده از سلاح های شیمیایی و

محدودیت های آن به عنوان ابزاری برای بازدارندگی یا جنگیدن به ویژه در جنگ هشت ساله عراق با ایران مورد بررسی قرار می گیرد و همچنین نگاهی دارد به جنگ های عراق در سال ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ که در آنها بهره گیری از سلاح های شیمیایی به عنوان آزمونی عملی برای این سلاح ها در خاورمیانه بودند.

بعد از جنگ های فوق و از بین رفتن نیروی هوایی پیشرفته عراق و ناتوانی آن در برابر نیروی پیشرفته تر آمریکا، کشورهای منطقه خاورمیانه سرمایه گذاری در حوزه نیرو را متوقف کردند و بیش از نیروی هوایی که فن آوری آن در اختیار قدرت های بزرگ است و بسیار

**دسترسی به**  
**فناوری موشکی برای**  
**کشورهای خاورمیانه به**  
**مراتب سهل تر از**  
**دسترسی به فناوری**  
**ساخت هواپیما است**

می دهد و این موضوع را که هسته ای شدن ایران چه تأثیری می تواند بر کشورهای حاشیه خلیج فارس و به همان صورت کشورهای شرقی آن، بر جای بگذارد؟ مورد سنجش قرار می دهد. کشورهای عرب به ایران بدبین هستند و از طرف آن احساس تهدید می کنند. مناسبات ایران و کشورهای عربی تحت تأثیر اختلاف تاریخی، تفاوت های زبانی و مذهبی بود و با انقلاب اسلامی، بر مشکلات آنها افزوده شد و در طول هشت سال جنگ، عمق بیشتری یافت. آنها به جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک تهدید می نگرند و با تلاش ایران برای دستیابی به توان هسته ای، این تهدید جدی تر و قوی تر شده است. کشورهای حاشیه جنوبی بیش از کشورهای دیگر در معرض تهدید فعالیت های هسته ای ایران هستند. اما به معنای این نیست که کشورهای دیگر منطقه نسبت به فعالیت های هسته ای ایران بی تفاوت هستند. ترکیه، کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، روسیه، کشورهای عرب به این موضوع حساسیت دارند و در پی جلوگیری از دستیابی ایران به این سلاح ها می باشند. با وجود این، به غیر از اسرائیل، کشورهای منطقه تمایلی به حمله نظامی به تأسیسات هسته ای ایران ندارند.

واکنش کشورهای منطقه در برابر فعالیت های هسته ای ایران در این فصل بررسی شده است. توجه اصلی در مورد گسترش سلاح های هسته ای در منطقه بر کشورهای اسرائیل، عراق، ایران، هند و پاکستان متمرکز است، اما کشور دیگری هست که محافل سیاسی و افکار عمومی از فعالیت های هسته ای آن غافل مانده اند. در فصل هفتم این موضوع مورد بررسی قرار گرفته که سیاست قدرتمندانه و محاسبات قدرتی و منفعتی، انگیزه بسیار زیادی را برای عربستان سعودی در جهت دستیابی به سلاح های هسته ای فراهم آورده است. عربستان، قبلاً به موشک های بالستیک ساخت

بیشتر است. دسترسی به فناوری موشکی برای کشورهای خاورمیانه به مراتب سهل تر از دسترسی به فناوری ساخت هواپیما است. فناوری موشکی، روند تدریجی دارد و کشورها از مرحله ابتدایی شروع کرده و به مرحله نسبتاً پیشرفته دست پیدا می کنند. ویژگی های سامانه موشکی یکی از عوامل مؤثر در گرایش کشورهای خاورمیانه به نوع ابزارهای پرتاب است که در فصل چهارم کتاب تشریح می شود.

در فصل پنجم، موشک های بالستیک در ارتباط با سلاح های هسته ای و به عنوان خط مشی و ابزاری برای پرتاب این سلاح ها مورد بررسی قرار گرفته است. راهبرد و برنامه ایران برای ساخت موشک های بالستیک در این فصل تشریح شده است. به رغم تکذیب مقامات جمهوری اسلامی ایران در مورد اینکه تلاش های هسته ای اش در راستای استفاده غیرنظامی از انرژی هسته ای است، نویسنده کتاب در این فصل فعالیت های هسته ای ایران را در کنار فعالیت های موشکی آن قرار داده و آنها را در راستای استفاده نظامی از سلاح های هسته ای ارزیابی می کند. از نظر نویسنده واقع گرایی حاکم بر ذهنیت سیاستمداران ایرانی آنها را به سوی برنامه هسته ای و موشکی پیش برده و موجب رویارویی ایران و آمریکا شده است. برنامه هسته ای ایران، چالش بزرگی برای منافع امنیتی منطقه و آمریکا به وجود آورده است. این فصل، گزینه هایی را برای آمریکا در برابر برنامه و چالش هسته ای جمهوری اسلامی ایران ارائه می دهد، اما بر این باور است که هرگونه تلاش آمریکا و جامعه بین المللی برای انصراف ایران از ضرورت برخورداری از سلاح های هسته ای و موشکی، ناموفق است. پرسش این است که توان هسته ای ایران در بلند مدت چگونه می تواند بر امنیت منطقه ای تأثیر بگذارد؟

فصل ششم، پرسش فوق را مورد بررسی قرار

حضور و درگیر شدن در منطقه را تشریح می کند. چین با حمایت از برنامه کشورهای منطقه در زمینه سلاح های کشتار جمعی و ارسال سامانه های پرتاب به عربستان، پاکستان و ایران در این منطقه نفوذ می کند.

طعمه سلاح های هسته ای در منطقه، طعمه بسیار جذابی است. برخی از رهبران و مقامات نظامی در خاورمیانه و جنوب آسیا این برداشت را دارند که امکان جنگ بین کشورهای متخاصم مسلح به سلاح های هسته ای در منطقه، خطر اصلی در آینده است و در این جنگ، برخورد هسته ای بسیار محتمل است.

فصل نهم این کتاب با نگاهی انتقادی به بررسی این علاقه و جذابیت ها می پردازد. برداشت نادرست فکری در این زمینه می تواند به اتخاذ راهبرد نادرست و در نتیجه یک تراژدی برای منطقه منجر شود. در این فصل، نویسنده استدلال می کند ثبات هسته ای بدست آمده در دوره جنگ سرد بین آمریکا و شوروی، قیاس مناسبی برای رقابت های منطقه ای در خاورمیانه نیست. با وجود این، دولت های ملی در شرایط راهبردی متعدد ممکن است به صورت عقلانی به بررسی سلاح های هسته ای به عنوان ابزاری قابل استفاده در جنگ بپردازند. این بررسی با تشریح چگونگی کاربست آن برای دولت مردان آمریکا به پایان می رسد.

فصل دهم، نقاط قوت و ضعف قراردادها و هنجارهای بین المللی موجود در زمینه سلاح های کشتار جمعی مانند، کنوانسیون سلاح های شیمیایی، کنوانسیون سلاح های بیولوژیکی، قرارداد منع گسترش سلاح های هسته ای و رژیم کنترل فن آوری موشکی را مورد بحث و بررسی قرار می دهد. این تلاش ها هرچند ممکن است گسترش سلاح های کشتار جمعی را کند سازد، اما شواهد و مدارک محکمی برای متوقف ساختن آن وجود ندارد. بنابراین آمریکا

چین مجهز شده که می توانند به عنوان بنیانی برای نیروی هسته ای این کشور باشند. کشورهای چین و پاکستان در حوزه کلاهک های هسته ای برای موشک های بالستیک عربستان می توانند کمک های راهبردی بکنند که می تواند موجب تأمین کلاهک های هسته ای نیروهای موشکی بالستیک عربستان شود. این نیرو، طرحی برای ایجاد موازنه متقابل موشکی و هسته ای با اسرائیل، ایران و عراق آینده دارد. به همین صورت، ایران درس هایی برای وابستگی این کشور به ایالات متحده در حوزه امنیتی دارد. این مورد اخیر، انگیزه قدرتمندی برای رژیم عربستان است تا با توجه به حملات ۱۱ سپتامبر از سوی القاعده، نگران امنیت داخلی خود باشد. بعد از حملات فوق، عربستان به شدت زیر اتهامات سنگین رسانه های غربی و مقامات آمریکایی بود و روابط این دو کشورها به تیرگی رفت. آنها نگران تهدیدات آمریکا بودند و نگران بودند که این کشور آنها را در برابر تهدیدات منطقه ای رها کند. فشارهای آمریکا زمینه ای بود تا مقامات این کشور در پی شقوق جایگزین باشند. دستیابی به سلاح های پیشرفته و موشک های دوربرد چینی و احتمالاً به همراه کلاهک اتمی یکی از این شقوق است که مقامات عربستان در دستور کار خود دارند.

در پس این احساس مبارزه قدرتمند منطقه ای، سیاست امنیتی چین کمین کرده است. هرچند اغلب نگرانی ها بر نفوذ فن آوری سلاح های کشتار جمعی روسیه متمرکز شده است، به ویژه با این فرض که توان کنترلی روسیه بر زیرساخت سلاح های خود از بین رفته و نیروهای دانشگاهی فعال آن در این حوزه ها با بیکاری و نیاز روبرو هستند، اما سیاست گذاری در این حوزه باید بر پیوندهای چین با کشورهای منطقه متمرکز شود.

فصل هشتم، انگیزه های راهبردی چین برای

رسیده و نظریه ها و مکاتب جدیدی برای درک سیاست کشورها مطرح است که از توان تبیین کنندگی بیشتری برخوردارند و در شناخت واقعیت ها مفیدتر هستند. برخلاف نظر نویسنده و برخی نظرات در مورد توان تبیین کنندگی واقع گرایی در منطقه خاورمیانه، این نظریه از تبیین علل و عوامل موثر در پیدایش نگرش خصمانه میان برخی کشورها و دوستی در میان برخی دیگر از کشورهای خاورمیانه، ناتوان است. خاورمیانه صرفاً دریای خصومت ها و دشمنی ها نیست. اتحادها و

دوستی ها میان کشورهای خاورمیانه اگر بیشتر از دشمنی ها نباشد کمتر از آن نیست. این اتحادها و دوستی ها برخلاف ادعای واقع گرایی، صرفاً بر اساس منافع زودگذر و دیپلماسی شکل نمی گیرد و بیشتر مبتنی بر نوع نگاه و پیوندهای سیاسی، فرهنگی و

**چین با حمایت از برنامه کشورهای منطقه در زمینه سلاح های کشتار جمعی و ارسال سامانه های پرتاب به عربستان، پاکستان و ایران، به تدریج نفوذش را در این منطقه افزایش می دهد**

اجتماعی می باشد. در کنار عوامل مادی، عوامل معنایی در شکل دادن به دوستی ها و دشمنی ها در خاورمیانه، نقش اساسی دارند که جایی در نگاه واقع گرایی ندارد. واقع گرایی سال ها است ناتوانی خود را در تبیین تحولات نظام بین المللی نشان داده و اینکه چرا نویسنده برای تشریح حوادث و رویدادهای این منطقه به چنین نظریه ای توسل جسته جای سوال است.

دوم، جدا از مشکل نظری نویسنده، به نظر می رسد مفروضات نویسنده در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز با مشکلاتی روبرو باشد. نویسنده برخلاف نظر رسمی جمهوری اسلامی ایران در مورد صلح آمیز بودن

ناگزیر است به موازات این قراردادها، تلاش های دیپلماتیک و فکری زیادی را برای کندسازی جریان گسترش سلاح های کشتار جمعی و سامانه های پرتاب آنها انجام دهد و به همین صورت، طرحی برای استفاده پیش دستانه از نیروی نظامی برای متوقف کردن برنامه گسترش سلاح های هسته ای با توجه به هر یک از موارد خاص آماده سازد. این فصل به آمریکا در مورد استفاده از هرگونه سلاح هسته ای براساس اقدام پیش دستانه هشدار می دهد. زیرا بازتاب ها و واکنش های سیاسی به چنین استفاده ای می تواند همه تلاش های آمریکا را در مدیریت مسایل مربوط به گسترش سلاح های هسته ای در قرن بیست و یکم به تحلیل ببرد. نویسنده پیشنهاد می کند آمریکا برای مقابله با گسترش سلاح های هسته ای در منطقه خاورمیانه و جنوب آسیا باید در سه زمینه اطلاعاتی، دیپلماسی و استفاده از نیروی نظامی از آمادگی لازم برخوردار باشد.

### نقد و ارزیابی

کتاب راسل یکی از کتاب های ارزشمند در تبیین گرایش کشورهای خاورمیانه به سلاح های کشتار جمعی است و این کتاب به خوبی تلاش کشورهای منطقه را در دستیابی به این سلاح ها توضیح می دهد. اما طرح چند نکته برای درک مطالب کتاب و نگرش نویسنده می تواند مفید باشد.

نخست، چارچوب نظری کتاب به رغم همه جذابیت هایی که در نزد سیاستمداران و برخی تحلیل گران منطقه دارد و می تواند بخشی از واقعیت های منطقه را تبیین کند، دارای ضعف ها و ناتوانی هایی است که باید به آن توجه کرد. دوره سیطره واقع گرایی بر مراکز دانشگاهی و تحلیلی در تبیین تحولات نظام بین المللی نزدیک به دو دهه است به پایان

جلوگیری از عدم غافل‌گیری در مسابقه تسلیحاتی است که سال‌هاست به راه افتاده است. چنین رویکردی به توجیه حضور نظامی آمریکا در منطقه می‌انجامد و بهترین وضعیت، حفظ وضع موجود است. به رغم تأکید درست نویسنده در غلبه نگرش واقع‌گرایی بر تفکر سیاستمداران این منطقه، راه برون رفت از محصورانه تأکید بر واقع‌گرایی و شناخت واقعیت‌ها از این منظر، بلکه تغییر در نگرش‌ها است. تأکید بر هویت‌های مشترک موجود در منطقه، می‌تواند مبنایی برای برون رفت از این وضعیت خطرناک‌هازی باشد و راه را برای نگرش لاک‌ی و در نتیجه همکاری میان کشورهای منطقه، فراهم آورد.

با وجود همه کاستی‌ها، این کتاب در شناخت وضع موجود در منطقه خاورمیانه و جنوب آسیا و گرایش کشورهای منطقه به دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی، بسیار مفید است و اطلاعات ارزشمندی در زمینه فعالیت هسته‌ای کشورها و تأثیرات آن بر سایر بازیگران منطقه‌ای ارائه می‌دهد.

فعالیت‌های هسته‌ای‌اش، آنها را نظامی فرض کرده و بر اساس آن به تجزیه و تحلیل و آثار و پیامدهای آن بر منطقه پرداخته است.

سوم، نویسنده در ده فصل کتاب هیچ فصلی را به فعالیت‌های هسته‌ای اسرائیل اختصاص نداده است. اسرائیل یکی از کشورهای منطقه خاورمیانه است که بیش و پیش از همه کشورهای منطقه، در زمینه سلاح‌های هسته‌ای فعال بوده و به آنها دست یافته است. این کشور بزرگ‌ترین زرادخانه هسته‌ای منطقه را به خود اختصاص داده است و بدون اینکه پاسخگوی اقدامات غیرقانونی خود باشد، بر فعالیت‌های خود در این زمینه ادامه می‌دهد. نویسنده بدون کمترین توجه به این مسئله اساسی، به بررسی گرایش کشورهای خاورمیانه به سلاح‌های هسته‌ای پرداخته است.

سوم، نویسنده در توصیه به سیاستگذاران آمریکا در مواجهه با این موضوع از یک سو بر دکترین جنگ پیشدستانه تأکید دارد و معتقد است در عصر تروریسم نوین، ایالات متحده آمریکا نمی‌تواند منتظر دستیابی گروه‌های تروریستی به سلاح‌های هسته‌ای و خطر استفاده از آن علیه آمریکا و متحدین منطقه‌ای آن باشد. از سوی دیگر تأکید دارد آمریکا نباید به سیاست‌ها و روش‌هایی متوسل شود که احساس نیاز این کشورها به داشتن چنین سلاحی را تشدید کند. به نظر می‌رسد این دو قابل جمع نیستند و توسل آمریکا به دکترین جنگ پیشدستانه عملاً به تشدید گرایش کشورهای منطقه به سوی دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی، برای دفاع از امنیت ملی و منافع ملی خود منجر خواهد شد.

بالاخره، نویسنده کتاب به دلیل ابتناء محتوای کتاب بر نظریه واقع‌گرایی، راه حلی برای برون رفت از وضع سیاست قدرتمندانه و گرایش به تولید سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه ارائه نمی‌دهد. حداکثر کاری که می‌توان در قالب چنین رویکردی در پیش گرفت



## ویتنام در عراق؛

## تاکتیک‌ها، درس‌ها، میراث و اشباح

نویسنده: جوهان دو مبرل و دیوید دین

معرفی و نقد: دکتر غلامرضا خسروی\*

John Dumberell &amp; David Ryan, Vietnam in Iraq (Tactics, Lessons, Legacies and Ghosts), London, Routledge, 2007, pp257.



می کردند. صرف نظر از صحت و سقم این مساله، جنگ عراق نیز همانند تجربه ویتنام، پیامدهای بلندمدت و کوتاه مدتی برای آمریکا خواهد داشت. جنگ عراق بار دیگر محدودیت قدرت و توان نظامی آمریکا را برای دولتمردان و

## مقدمه

کتاب «ویتنام در عراق» که از سوی انتشارات راتلیج در سال ۲۰۰۷ منتشر شده، دربرگیرنده ۱۱ مقاله و محور اصلی آن مطالعه تطبیقی جنگ ویتنام و عراق است. مقالات از چشم اندازهای گوناگونی به تبیین ابعاد مختلف این دو جنگ به ویژه تأثیر جنگ ویتنام بر سیاست، فرهنگ، دیپلماسی، راهبرد نظامی آمریکا و در نهایت جنگ در عراق می پردازند. جنگ ویتنام که در بستر جنگ سرد به وقوع پیوست و با شکست آمریکا خاتمه یافت، تأثیرات پایداری بر جامعه آمریکا بر جای نهاد. شکاف‌های ایدئولوژیکی و سیاسی آمریکا را فعال ساخت، سبب تقویت جریان انزوا طلب شد، اجماع پیرامون جنگ سرد در آمریکا را فرو ریخت، محدودیت‌های قدرت و توان نظامی آمریکا در عرصه بین‌المللی را آشکار ساخت. شکست در این جنگ، تأثیر منفی بر خاطره و هویت جمعی آمریکا بر جای نهاد و مداخله جویی واشنگتن را در خارج از مرزها محدود کرد. اقدام آمریکا در حمله به عراق و بروز برخی ناکامی‌ها، بار دیگر زنگ خطر بروز یک ویتنام دیگر را برای آمریکایی‌ها به صدا درآورد و مخالفان جنگ همانند ویتنام، شکست این کشور را پیش بینی

محافل تصمیم‌سازی آمریکا یادآور شد. افکار عمومی حاضر به تداوم حمایت از اقدامات نظامی نشد و بار دیگر شکاف‌های سیاسی و فکری در جامعه آمریکا حول عراق فعال گردید. این کتاب با رویکردهای متفاوت این مسائل را به طور دقیق مورد بررسی قرار می دهد.

## معرفی کتاب

گارنر در مقاله اول با عنوان «بخش پایانی؛ جنگ عراق و پایان تاریخ»، ضمن مرور مبانی فکری استراتژی‌ها و دکترین‌های ایالات متحده در دوران جنگ سرد و پس

\*عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

استقرار یک حکومت دموکراتیک به جایی آن شد، چندان بی دلیل نبود. از آن پس، سیاست «تغییر رژیم» به صورت مداوم مطرح و در نهایت جایگزین سیاست مهار گرایید.

به باور نویسنده تا قبل از حملات ۱۱ سپتامبر، دولت بوش تصمیم جدی برای اقدام نظامی علیه عراق نداشت. به عنوان نمونه رایس در چارچوب فکری نئولیبرالیسم به تشدید و تداوم تحریم‌های بین‌المللی می‌اندیشید و پاول به روزآمد کردن آنها باور داشت و صدام را بسیار ضعیف‌تر از آن می‌پنداشت که بخواهد خطری را متوجه منافع آمریکا کند. این نگرش به ناگاه با وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر دگرگون شد. از آن پس، صدام به عنوان دیکتاتوری خطرناک و تهدیدزا معرفی شد که نه تنها در پی دست یافتن به سلاح‌های کشتار جمعی و تهدید متناوب همسایگان خویش بود بلکه به یک معضل امنیتی برای جهان تبدیل شده بود. معضلی که گزینه‌های محدودی برای مقابله با آن وجود داشت.

در حالی که عراق به سرعت در کانون علایق چنی و رامسفلد قرار می‌گرفت، بروز دیدگاه‌های گسترده‌تری با هدف بسط هژمونی آمریکا، اقدام نظامی علیه بغداد را جدی‌تر کرد. به باور مؤلف، سخنرانی رایس در سال ۲۰۰۲ در دانشگاه هاپکینگز که ثبات بین‌المللی را در گرو ترویج ارزش‌های مشترک لیبرالی عنوان کرد، آغازی بر تشدید این روند بود. این ایده به طور کامل با نومحافظه‌کاری همانند نبود اما در یک مسأله با دیدگاه‌های چنی و رامسفلد همخوان بود؛ سیاست مهار نمی‌تواند پاسخگوی چالش‌های امنیتی آمریکا در آغاز قرن بیست و یکم باشد. در چنین چارچوبی بود که رامسفلد مأموریت تازه‌ای برای نیروهای نظامی تعریف کرد و آن هم مداخله در دولت‌های شکست خورده بود. بوش پس از وقایع ۱۱ سپتامبر ضمن تکرار چالش‌های تهدیدزا برای امنیت جهان به ویژه کشورش، خطر دولت‌های ضعیف را برای ثبات جهانی یادآوری کرد و

از آن به ویژه نظر به سیر تحول سیاست آمریکا در قبال عراق در دهه ۹۰ به وجوهی از مبانی نظری نومحافظه‌کاران و سیاست خارجی دولت بوش اشاره می‌کند. یکی از مبانی فکری نومحافظه‌کاری این است که همانند جرج کنان واقع‌گرا، سیاست خارجی کشورها را محصول ساختار درونی دولت‌ها تلقی می‌کند. در واقع این ساخت ماهوی یک رژیم سیاسی و نه شرایط محیط خارجی است که جهت‌گیری سیاست خارجی یک کشور را تعیین می‌کند. در همین چارچوب، محافظه‌کاران همواره نسبت به رویکرد واقع‌گرایی، بدبین و یکی از منتقدان جدی سیاست تنش‌زدایی در دوران جنگ سرد به ابتکار کیسینجر بودند. به نظر آنها سیاست مهار در قالب تنش‌زدایی، همان گونه که توانایی‌های نظامی شوروی را نادیده گرفت، در تداوم موقعیت آن هم در داخل و خارج، برآورد اغراق‌آمیزی داشت و در نتیجه زمینه را برای تداوم رژیمی کهنه فراهم ساخت که در همه عرصه‌ها عقب مانده بود. به نظر نویسنده، سیاست تهاجمی ریگان در قبال شوروی و فروپاشی آن، واقع‌گرایان را در وضعیت دشواری قرار دارد.

همچنین در دهه ۱۹۹۰ در محافل فکری و سیاسی آمریکا، زمزمه‌هایی نسبت به ناکارآمدی سیاست مهار در قبال عراق به گوش رسید. در اواسط همان دهه، محفل فکری پروژه قرن آمریکای جدید طی گزارشی اعلام کرد: هدف اساسی سیاست خارجی آمریکا باید معطوف به سلطه کامل بر خاورمیانه باشد. گروه مذکور، منتقد جدی سیاست کلینتون در قبال عراق بود و سرنگونی رژیم بعث را در عراق خواستار شد. در چنین فضایی بود که برخی از سیاستمداران و روشنفکران آمریکایی با انتشار دو نامه بر سرنگونی رژیم صدام تأکید کردند. لذا اینکه در سال ۱۹۹۸ «قانون آزادسازی عراق» به تصویب دولت رسید و آمریکا ملزم به حمایت از اقدامات لازم جهت سرنگونی صدام و



خواهان اقدام نظامی پیشگیرانه در قبال آن شد. حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ در چنین فضای فکری و تحلیلی صورت گرفت.

در مقاله دوم، یانگ ضمن مرور دو جنگ ویتنام و عراق، تأثیر بلندمدت جنگ ویتنام را بر ارتش، به ویژه فرهنگ آمریکا به بحث می‌گذارد. به نظر او تلاش سیاستمداران آمریکایی برای زدودن سایه چنین شکستی در فرهنگ آمریکا بیهوده بوده و کلیدی‌ترین درسی که از آن گرفته شد که هرگز فراموش نخواهد شد، این است: مهم‌ترین جبهه جنگ، جبهه داخلی است. توفیق در جنگ در خارج از مرزهای کشور، به کنترل و انحصار بر روزنامه‌ها و توانایی دولت در دروغ‌گویی و متقاعد کردن مردم به لزوم تداوم جنگ بستگی دارد. یانگ خاطر نشان می‌کند سربازان آمریکایی در هر جای دنیا که مشغول جنگ باشند، ویتنام و خاطره‌های آن نیز در همان جا حضور دارد. در پندار و خیال سربازان، در گزارش‌های جنگی روزنامه‌نگاران جوان، در تجارب روزانه جنگ در عراق و افغانستان و در خانواده‌های آمریکایی که یا کشته داده و یا وارث یک بدن مجروح است، می‌توان ردپای جنگ ویتنام را دید. تجربه شکست در ویتنام در خاطره جمعی آمریکایی هیچ‌گاه زده نخواهد شد و سایه سنگین و بلند خود را در فرهنگ، سیاست و عرصه خارجی آمریکا حفظ خواهد کرد.

ریچارد میلانسون در مقاله سوم تحت عنوان «فروپاشی اجماع در عرصه سیاستگذاری خارجی» به سه موضوع چگونگی شکل‌گیری اجماع در آمریکا پیرامون جنگ سرد و ۱۱ سپتامبر، تضعیف این دو به دلیل بروز جنگ ویتنام و عراق و در نهایت اقدامات رؤسای جمهوری برای بازسازی اجماع و بازایی حمایت افکار عمومی اشاره می‌کند.

به باور نویسنده، در آمریکا پیرامون جنگ سرد در سه عرصه سیاسی، عملی و فرهنگی اجماعی محکم

صورت گرفت که در چارچوب آن امکان مقابله با خطر شوروی امکان‌پذیر گردید. اجماع در عرصه سیاست خارجی حول اصول زیرسازمان یافت:

- ایالات متحده قدرت مادی و مسئولیت اخلاقی در استقرار یک نظم بین‌المللی پایدار و عادلانه را دارد.
- به دلیل وابستگی فزاینده جهان، منافع امنیتی واشنگتن، جهانی است.
- اتحاد جماهیر شوروی و توسعه طلبی کمونیسم، مهم‌ترین تهدید برای ثبات جهانی است.
- بهترین راه مقابله با تهدید شوروی، سیاست سد نفوذ است.
- داشتن توانایی هسته‌ای برای بازدارندگی دشمن لازم می‌باشد.
- بقای نهادهایی همچون سازمان ملل و پیمان‌هایی نظیر ناتو، رهبری آمریکا را گریزناپذیر می‌سازد.
- ثبات اقتصاد جهان آزاد مشروط به رهبری آمریکا است.

علاوه بر این، در آمریکا اجماع عملی و روشی نیز وجود داشت که در نزدیکی دولت و کنگره تبلور یافته بود. رأی کنگره به پیوستن آمریکا به سازمان ملل و ناتو، طرح مارشال، کمک به ترکیه و یونان و مداخله در بحران کره همه نشانه‌هایی از این اجماع بود. اجماع فرهنگی نیز در جنگ سرد حول مفهوم شیوه زندگی آمریکایی شکل گرفته بود که در پیوند با ارزش‌هایی چون آزادی، برابری، حق تعیین سرنوشت و غیره بود. جنگ ویتنام این اجماع را تضعیف کرد و ضربه جدی بر آن وارد ساخت هرچند که به طور کامل به ویرانی آن نینجامید. پس از جنگ، بدگمانی افکار عمومی و مردم آمریکا نسبت به سیاست سد نفوذ از طریق به کارگیری نیروی نظامی و ارسال کمک‌های مالی به کشورهای متحد بالا گرفت. انزوگرایی و عدم تمایل به مداخله به عنوان یک چشم‌انداز جایگزین در عرصه خارجی، هوادارانی یافت و با استقبال عمومی روبه‌رو گشت.

اطلاعاتی و حمله به افغانستان از جمله این اقدامات بود.

با شروع و تداوم جنگ عراق، به تدریج تردیدهایی در اصول و مؤلفه‌های مورد اجماع رخنه کرد. عدم کشف سلاح‌های کشتار جمعی، عدم پیوند میان رژیم صدام و القاعده، نامناسب و ناکافی بودن برنامه‌های بازسازی عراق، مخالفت مردم این کشور با حضور نیروهای خارجی، افشای ماجرای زندان ابوغریب، تداوم بی‌ثباتی فزاینده در عراق و ناتوانی آمریکا در استقرار ثبات و غیره، همه موجب بروز اختلاف در جامعه آمریکا شد. به این ترتیب، به تدریج انتقادهایی از گوشه و کنار محافل سیاسی، سیاستگذاری، دولتی، دانشگاهی و غیره در مخالفت با جنگ در عراق به گوش می‌رسید که در نهایت به مخالفت گسترده افکار عمومی انجامید.

وقتی انتقادات داخلی از سیاست خارجی جرج بوش افزایش یافت و اوضاع عراق رو به بی‌ثباتی فزاینده نهاد، همانند رؤسای جمهوری سابق آمریکا در جنگ ویتنام، تلاش‌هایی برای کسب مجدد حمایت افکار عمومی و ترمیم اختلاف‌ها انجام شد. یکی از این اقدامات، تسریع روند برگزاری انتخابات و تصویب قانون اساسی در عراق بود. در حالی که انتخابات مجلس در سال ۲۰۰۵ انعکاسی از شکاف‌های فعال و عمیق فرقه‌ای در عراق بود، دولت بوش آن را نشانه پیشرفت و دولت‌سازی قلمداد می‌کرد. در دهه ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ لیندون جانسون نیز با حمایت از برگزاری انتخابات در ویتنام جنوبی، در صدد کسب حمایت مردم آمریکا و مشروع و کارآمد جلوه دادن دولت در ویتنام جنوبی بود. همچنین بوش در سال ۲۰۰۵ با ارائه سند «استراتژی ملی پیروزی در عراق» که هدف آن شکست شورشیان، ایجاد عراق دموکراتیک و در نهایت تدارک شرایط خروج تدریجی بود، در راهبرد خود در عراق تغییراتی را ایجاد کرد. برنامه‌ای که امیدوار بود با ارائه

بین‌المللی گراها که اغلب نیز هوادار مداخله‌جویی و مخالف انزواگرایی آمریکا بودند، پس از جنگ به دو طیف تقسیم شدند. گروهی همچنان بر گزینه اعمال قدرت بیشتر در قبال شوروی پای بند بودند و برخی دیگر گفتگو و تعامل را راهبرد بهتری یافتند. انطباق‌گرایان هم با این استدلال که شرایط دهه ۱۹۷۰ بسیار متفاوت از دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ است، در اندیشه‌بازبینی و تغییر سیاست آمریکا در قبال شوروی برآمدند. این طیف دیگر به سقوط دومینووار کشورها به دامن کمونیسم باور نداشت و اقدامات شوروی را دفاعی و نه تهاجمی قلمداد می‌کرد و در سودمندی و اخلاقی بودن اقدام نظامی تردید داشت.

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و پس از گذشت چهار دهه، بار دیگر جامعه آمریکا شاهد شکل‌گیری یک اجماع گسترده در عرصه سیاستگذاری در داخل و خارج گردید. این اجماع در عرصه سیاست خارجی و امنیتی به اصول زیر متکی بود:

- پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، واشنگتن فرصتی بی‌نظیر یافته تا از طریق اعمال قدرت نظامی و بهره‌گیری از موقعیت معنوی اخلاقی خود، به استقرار یک نظم بین‌المللی پایدار کمک کند.
- منافع آمریکا به موجب وابستگی پیچیده و متقابل عصر کنونی، جهانی است.
- راهبرد نظامی تهاجمی، بهترین راه مقابله با خطر القاعده و تروریسم است.
- چنانچه نهادهای بین‌المللی از منافع و اهداف خارجی آمریکا حمایت کنند، واشنگتن می‌تواند به آنها تکیه و اعتماد کند.

در چنین فضایی، دولتمردان آمریکایی اقدامات گسترده‌ای را انجام دادند که نشانه نزدیکی بین مردم، دولت و کنگره بود. ایجاد دفتر امنیت سرزمینی در کاخ سفید، دستور رئیس‌جمهور برای دستگیری و یا کشتن اعضای القاعده و طالبان، بازبینی در ساختار نهادهای



قاطع و با کمترین تلفات انسانی به یکی از اصول آمریکا در عرصه نظامی تبدیل شد. در جنگ خلیج فارس، واشنگتن یک پیروزی بزرگ، سریع و با کمترین تلفات را تجربه کرد.

۳. جنگ با هدف نیل به پیروزی، سومین درسی بود که آمریکا از جنگ ویتنام آموخت. در ویتنام به نظر نویسندگان، واشنگتن درگیر یک جنگ فرسایشی و تدریجی گردید که در نهایت به شکست آن انجامید. در جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ آمریکا با تمرکز بر نیل به پیروزی، همراه با بیان اهداف جنگ و به کارگیری قاطع و سریع نیروها، در شکست صدام و پیروزی اولیه، خوب عمل کرد.

۴. در هر جنگی یکی از اهداف نظامی و عملیات ها باید ضربه زدن و نابودی نیروهای دشمن باشد.

۵. هم در جنگ ویتنام و هم در جنگ عراق، تکیه بر فن آوری های نظامی کاملاً مشهود بود. به نظر نویسندگان آن چه مایه اصرار دوباره بر فناوری نظامی در جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ شد، پیروزی سریع در جنگ اول خلیج فارس بود. فناوری های مدرن نظامی یکی از علل تضمین کننده پیروزی سریع آمریکا در این جنگ بود. اما رویکرد فناورانه به جنگ، دشواری ها و محدودیت هایی نیز برای آمریکا ایجاد می کند. در حالی که به کارگیری تکنولوژی های پیشرفته نظامی، پیروزی را تسهیل می کند، موجب کاهش تلفات نیروها می شود و در نتیجه تداوم حمایت افکار عمومی در داخل آمریکا را از جنگ میسر می سازد. از آنجا که اقدامات نظامی گسترده فن پایه به تلفات سنگین نیروهای دشمن و شهروندان عادی منجر می شود، امکان مصلحه و آشتی را در کشور درگیر در جنگ از بین می برد و تردیدهایی در اصل قانونی و اخلاقی بودن جنگ ایجاد می کند.

۶. در جنگ های متعارف و مبارزه با شورشیان، همواره نیل به صلح و مصلحه ملی باید مدنظر ارتش و عملیات های نظامی باشد. هر چند مصلحه و نیل به

یک چشم انداز روشن و امیدوار کننده، مردم را به حمایت از تداوم جنگ متقاعد کند.

مقاله «عراق و ویتنام؛ درس ها و میراث های نظامی» به قلم ریچارد لوک پولان، معطوف به درس ها و میراث های نظامی جنگ ویتنام و تأثیر عمیق و پایدار آن بر ارتش به ویژه نیروی زمینی آمریکا و تأثیرپذیری عملیات نظامی در عراق از این میراث است. به باور نویسندگان، جنگ ویتنام، واجد درس آموزی ها و میراث زیر بوده است:

۱. اهداف جنگ باید کاملاً مشخص و در پیوند با منافع ملی کشور باشد. یکی از علل شکست در ویتنام این بود که اهداف جنگ مشخص نبود. در دهه ۱۹۸۰ تلاش های نظری و عملی فراوانی صورت گرفت تا اهداف نظامی با منافع ملی پیوند بخورد. در راهبرد امنیت ملی آمریکا در سال ۱۹۹۵، مجدداً این موضوع مورد تأکید قرار گرفت که در هر اقدام نظامی، اهداف باید به طور دقیقی معین شوند به گونه ای که تأمین کننده منافع ملی کشور باشند. به باور نویسندگان، در جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ برخلاف ویتنام، اهداف جنگ مشخص گردید و آمریکا در نیل به آنها تا حدودی موفق بود. اما همچنان دو اشکال عمده تداوم یافت:

الف. همانند جنگ ویتنام، جنگ عراق نیز فاقد استراتژی بود. آنچه در عراق نمود یافت، اهداف نظامی و نه اهداف استراتژیک بود.

ب. همانند جنگ ویتنام، ابعاد سیاسی و فرهنگی جنگ و مسئله مبارزه با شورشیان و ناآرامی های ناشی از مخالفت با حضور نیروهای بیگانه، مورد غفلت واقع شد. بوش چون چالش تروریسم را صرفاً نظامی می دانست، راه حل نظامی برای آن تجویز کرد، در حالی که تحولات بعدی نشان داد این چالش واجد ابعاد سیاسی و فرهنگی نیز می باشد و صرفاً واکنش نظامی برای مقابله با آن کفایت نمی کند.

۲. پس از تجربه ویتنام، دستیابی به پیروزی سریع،

و پنهان کردن آن انجامید.

در جنگ عراق نیز دولت بوش برای تأمین اهداف خود در این کشور، به همکاری با بخش خصوصی مبادرت ورزید. مشارکت بخش خصوصی در عراق از لحاظ کمی و کیفی و عرصه فعالیت، قابل مقایسه با ویتنام نیست. شرکت‌های خصوصی کارهای متنوعی از نیازهای لجستیکی گرفته تا آموزش، تأمین امنیت، تهیه غذا و ایجاد تأسیسات زیربنایی انجام می‌دهند. برخی از شرکت‌ها فاقد تجربه و کارآمدی لازم هستند، تعدادی نیز چون هالیبرتون در وزارت دفاع آمریکا تجهیزات دارند، گروهی از شرکت‌ها با مراکز تصمیم‌گیر و دارای قدرت، روابط نزدیکی دارند، از این رو سودهای کلانی به جیب می‌زنند، عموماً در پرتو قراردادهای رتبه و سرمایه‌های خود را به شکل معجزه‌آسایی افزایش می‌دهند و به خاطر عدم وجود شرایط رقابتی و فزاینده، فساد، ارتشا، دزدی، اتلاف منابع و کلاهبرداری غوغا می‌کند. این ارتباط وثیق ناسالم میان دولت و شرکت‌های خصوصی، بدون تردید بر افکار عمومی داخل و خارج آمریکا اثرات سوء بر جای می‌گذارد و برای بسیاری ایجاد نگرانی کرده است. طرفداری بخش خصوصی از جنگ به خاطر و سوسه سود از جمله این دغدغه‌ها است.

به نظر نویسنده، در حالی که تجربه ویتنام در زمینه همکاری دولت و بخش خصوصی در بازسازی می‌توانست برای دولت بوش، درس‌های آموزنده‌ای داشته باشد، دولت به بهره‌گیری از این تجارب علاقه‌ای نداشت.

مقاله «ویتنام، فرهنگ پیروزی و عراق» نوشته دیوید دین، بر تأثیر تجربه شکست آمریکا در ویتنام در حوزه سیاستگذاری خارجی و معضل اعتبار آمریکا متمرکز است. به باور این نویسنده، هنوز شکست در ویتنام در حافظه جمعی مردم آمریکا از جمله استراتژیست‌ها، دارای جایگاه مهمی است و یکی از محدودیت‌های

صلح، هدف سیاسی و نه نظامی می‌باشد، اما ارتش درگیر در جنگ باید با تأمین امنیت، چارچوب لازم را برای آغاز گفتگوها فراهم کند. غفلت ارتش از این موضوع می‌تواند مبانی ثبات و صلح پایدار را به کلی نابود کند. بر طبق این اصل، برخی به نگرش رامسفلد به جنگ عراق به خاطر بی‌توجهی به برنامه‌های وزارت امور خارجه آمریکا در بازسازی، ناتوانی در مقابله با غارت اموال عمومی، انحلال ارتش و شکنجه زندانیان انتقاد دارند.

۷. در هر دو جنگ عراق و ویتنام، ارتش نه آمادگی لازم را برای مقابله با شورشیان داشت و نه در روند دولت‌سازی و استقرار امنیت خوب عمل کرد.

۸. در طول و بعد از جنگ ویتنام، همواره مقاومت‌های سنتی در ارتش نسبت به مأموریت غیرمتعارف حفاظت از شهروندان وجود داشته است، حال آن‌که یکی از مسائل کلیدی در روند دولت‌سازی به تأمین امنیت شهروندان و حفاظت از جان آنها است. جیمی ام کارتر در مقاله «سمفونی دزدی، فساد و رشوه خواری» به تبیین تکیه فزاینده آمریکا به بخش خصوصی در تأمین اهداف خارجی به ویژه در دو جنگ ویتنام و عراق می‌پردازد. نقش شرکت‌های خصوصی در تأمین اهداف خارجی آمریکا در دوران پس از جنگ رشد بی‌سابقه‌ای یافته است. در طول سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۳، بیش از ۳ هزار شرکت با سرمایه‌ای بالغ بر ۴۰۰ میلیارد دلار، با آمریکا قرارداد همکاری امضاء کرده‌اند. از لحاظ تاریخی این موضوعی بی‌سابقه در تاریخ خارجی آمریکا نیست و در اواسط دهه ۱۹۶۰ این لپندون جانسون بود که به کنسرسیومی متشکل از چهار شرکت بزرگ اجازه داد در ایجاد یک ارتش مدرن در ویتنام شرکت کنند. هدف او افزایش نقش نظامی آمریکا در ویتنام بود اگرچه فعالیت این کنسرسیوم به بهبود شرایط امنیتی و دفاعی ویتنام کمک کرد اما به زعم کارتر به حل بحران دولت‌سازی کمک چندانی نکرد و تنها به تعویق

کنگره و کسب حمایت افکار عمومی مردم بود. شکست در جنگ به تشدید تلاش هایی منجر شد که هدف آن محدود کردن اختیارات رئیس جمهوری در این زمینه بود که در نهایت به تصویب «قانون اختیارات جنگ» انجامید. لذا پس از آن، دایره قدرت رئیس جمهوری به وسیله کنگره و افکار عمومی تحدید شد. جانشینان نیکسون یعنی فورد، کارتر و ریگان هیچ یک آمریکا را در یک جنگ گسترده و مستقیم در خارج از مرزها درگیر نکردند. با این وجود، جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۰ نشان داد که در شرایط بحران جهانی، کنگره در اعلام حمایت از تصمیمات رئیس جمهور در اعلام جنگ، با فشارهای زیادی روبه روست. وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر، دایره قدرت نمایی رئیس جمهور را گسترده کرد و رئیس جمهور با اعلام دو جنگ، دریافت که می تواند از محدودیت های ناشی از جنگ ویتنام و «قانون اختیارات جنگ» فراتر رود. با این وجود، دو مؤلفه دیگر بر تصمیم رئیس جمهور در تداوم جنگ دخیل است که گریزی از آن نیست: یکی حمایت افکار عمومی مردم آمریکا و جهان و دیگری نتایج و نحوه پیشبرد جنگ.

به باور نویسنده، موضوع اختلاف میان اروپا و آمریکا در خصوص تروریسم و به ویژه جنگ عراق، ریشه در میراث، اصول و برداشت های متفاوت این دو متحد دارد. اصل اساسی مورد تأکید اروپا این است: آمریکا بدون تجویز سازمان ملل به عنوان بالاترین مرجع قانونی در عرصه بین المللی و حمایت افکار عمومی جهان، نمی بایست به اقدام نظامی علیه عراق مبادرت می ورزید.

این برداشت که در تجربه تاریخی و حضور اروپا در خاورمیانه ریشه دارد بیانگر این نکته است که از طریق اعمال قدرت سخت نمی توان معضلات خاورمیانه را حل کرد؛ اگر چنین امری ممکن بود، اروپا در قرن نوزدهم و بیستم، مستعمرات خود را حفظ می کرد. در

پیش روی آمریکا در اعمال قدرت و مداخله خارجی همین موضوع است. در اثر جنگ ویتنام، اعتماد و هویت مردم مخدوش شد و تردیدهایی در اعتبار آمریکا به وجود آمد. به نظر نویسنده، تمام دولت های پس از جنگ ویتنام در آمریکا، همواره یکی از دل مشغولی هایشان چگونگی ترمیم اعتبار آمریکا و فرارفتن از این محدودیت ها بوده است. نارضایتی از شکست، ضربه هولناکی بر پیکره فرهنگی جامعه ای فرود آورد که روایت های غالب تاریخی آن پر از پیروزی و نه شکست است. این خسارت چنان بزرگ بوده که حتی پیروزی در جنگ سرد نیز نتوانسته، آن را جبران کند. این موضوع موجب دودولی و تردید دولت کلینتون در ورود به مسأله بوسنی، سومالی، رواندا و کوزوو شد. هرچند آمریکا، با فروپاشی جنگ سرد، به تنها ابرقدرت و پیروز میدان جنگ تبدیل شد، در جنگ خلیج فارس با رهبری یک ائتلاف بین المللی و حمایت سازمان ملل، ضربه سختی به رژیم صدام وارد ساخت و در کوزوو به یمن فناوری های پیشرفته نظامی، قدرتش را به رخ جهانیان کشید؛ اما هنوز خاطره های جمعی کسل کننده ویتنام، دایره عمل سیاستمداران و استراتژیست ها در عرصه خارجی را محدود می کند. هنوز افکار عمومی نسبت به اعزام نیروهای نظامی به خارج از مرزها بی میل است و هرگونه عدم موفقیت احتمالی می تواند در اعتبار آمریکا به عنوان یک کشور ابرقدرت و پای بند به اصول دموکراسی و لیبرالیسم، تردیدهایی را ایجاد کند.

جانن راپر در مقاله هفتم با عنوان «سندریوم ویتنام؛ اروپا، آمریکا و باتلاق عراق» به واکاوی دو موضوع اساسی می پردازد: یکی جایگاه و اختیارات رئیس جمهوری در اتخاذ تصمیم و اعلام جنگ و دیگری اختلاف اروپا و آمریکا در مورد جنگ عراق. جنگ ویتنام، نشان دهنده موقعیت بلامنازع رئیس جمهوری در روند اعلام جنگ حتی بدون در نظر گرفتن رأی

مانند هم نیست. جنگ در ویتنام در وهله نخست، به سرکوب شورشیان معطوف بود و پس از آن به یک جنگ متعارف تمام عیار تغییر جهت داد. در حالی که جنگ در عراق در گام‌های اولیه، جنگی متعارف بود و اندکی بعد به مبارزه با شورشیان و ناآرامی‌های داخلی متمرکز شد. در ویتنام، واشنگتن به شکل گسترده‌ای از حملات هوایی و نیروهای نظامی استفاده کرد اما در عراق حجم نیروها بسیار کمتر از ویتنام بود و به جز در مقاطع اولیه جنگ، آمریکا چندان از توان هوایی و بمباران مناطق بهره‌ای نگرفت.

۳. ماهیت ناسیونالیسم و شورشیان، سومین نقطه اختلاف این دو جنگ محسوب می‌شود. به رغم اینکه ویتنام از لحاظ قومی و فرهنگی جامعه‌ای چندپاره بود اما کمونیست‌ها با ذکاوت و ارائه یک برنامه اقتصادی سیاسی جذاب توانستند ویتنامی‌ها را علیه آمریکا بسیج کنند و در این چارچوب اهداف تعریف شده‌ای داشتند. اما در عراق، تکرر قومی و مذهبی حادث‌تر بود. گروه‌های موجود در قبال مداخله نظامی آمریکا دارای اهداف و منافع یکسانی نیستند و حتی شورشیان که عمدتاً علیه اشغالگری مبارزه می‌کنند، از لحاظ فکری، ایدئولوژیکی و اهداف، انسجام چندانی با هم ندارند. نگارنده مقاله، شباهت دو جنگ را این گونه ذکر می‌کند:

۱. در هر دو جنگ، مخالفت افکار عمومی با تداوم جنگ کار دولت‌ها را در تداوم مداخله دشوار ساخت. مخالفت مردم آمریکا با جنگ در چند عامل اساسی ریشه دارد: عدم تبیین اهداف آشکار و قابل دسترسی، اتخاذ روندهای غیرقابل قبول و نامعقول در رسیدن به اهداف، افزایش هزینه‌های مالی و انسانی جنگ و در نهایت، اعمال قدرت نظامی در جاهایی که در تعارض آشکار با اصول و مبانی فکری جامعه آمریکا قرار دارد؛ همچون بمباران مناطق غیرنظامی.

۲. در جنگ ویتنام و عراق، مسئله جنگ، تداوم آن،

حقیقت باید گفت، اروپا نسبت به قانونی، مفید و مؤثر بودن جنگ در عراق مشکوک بود و تحولات بعدی نیز این تردیدها را تأیید کرد. بنابراین دو متحد، علی‌رغم این که منافع و اهداف مشترکی در خاورمیانه دارند، تفاوت‌ها و اختلاف‌های مبنایی نیز دارند.

مقاله هشتم با عنوان «ویتنام‌های بیشتر نه» به قلم مک کرسیکن، ناظر بر شباهت‌ها و تفاوت‌های دو جنگ است. به نظری این دو جنگ از چند جهت با هم تفاوت جدی دارند:

۱. شرایط بین‌المللی وقوع دو جنگ متفاوت است. جنگ ویتنام در بستر جنگ سرد، ساختار نظام دو قطبی و با هدف سدنغوذ توسعه طلبی کمونیسم در جهان از جمله در آسیا صورت گرفت. الزام‌های ناشی از رقابت دو قطب، محدودیت‌های را برای آمریکا ایجاد کرده بود. ویتنامی‌های کمونیست به شدت مورد حمایت مالی، سیاسی و نظامی دو کشور شوروی و چین بودند. در حالی که حمایت متحدان آمریکا از جنگ ویتنام بسیار محدود بود. جنگ عراق در شرایط بین‌المللی متفاوتی آغاز شد. در حال حاضر، آمریکا تنها ابرقدرت دنیاست، دیگر با اقدامات محدود کننده رقیب جهانی روبرو نیست، در جنگ عراق از حمایت گسترده بریتانیا برخوردار شده بود و علی‌رغم مخالفت آشکار کشورهای همچون فرانسه، روسیه، آلمان و چین با جنگ عراق، هیچ کدام به حمایت از عراق مبادرت نورزیدند.

۲. دو جنگ از لحاظ اهداف، ابزارها و تاکتیک‌های نیل به اهداف نیز متمایز از یکدیگر هستند. هدف کلیدی واشنگتن در جنگ ویتنام حفظ وضع موجود یعنی مقابله با نفوذ انقلاب کمونیستی از ویتنام شمالی به ویتنام جنوبی بود. آمریکا هیچ گاه در صدد نابودی رژیم کمونیستی برنیامد. در مقابل، هدف اولیه در عراق، سرنگونی صدام و جایگزین کردن یک حکومت دموکراتیک به جای آن بود. ماهیت این دو جنگ نیز



آمدگی های لازم برای مقابله با آنها را نداشت؛ در حالی که آنها گروه هایی کاردان، مصمم و مبتکر بودند. در ویتنام، ایالات متحده از طریق به کارگیری گسترده نیروی نظامی و تنبیه بزرگ، به دنبال نابودی و تضعیف آنها برآمد. استراتژی ای که از کارآمدی لازم برخوردار نبود و در نهایت به شکست آمریکا انجامید. در عین حال چگونگی خروج و پی آمدهای ناشی از آن و مدیریت بحران پس از خروج برای آمریکاییک مسئله دشوار و در عین حال حیاتی در دو جنگ بود. همانند ویتنام، نگرانی در مورد شروع یک جنگ داخلی در عراق، تجزیه آن و افزایش بی ثباتی، جدی است. در حالی که، افکار عمومی به شدت خواستار خروج نیروها و کاهش تعهدات می باشد. به نظر نگارنده همانند ویتنام، خروج از عراق نیز تدریجی و گام به گام خواهد بود و این که چگونه خروج انجام گیرد که منافع و اعتبار آمریکا صدمه نبیند، همچنان دلمشغولی دولتمردان آمریکایی است. جنگ در عراق پیامدهای بلندمدتی بر سیاست خارجی آمریکا بر جای می گذارد که یکی از آنها تردید جدی در مفاهیم و نظریه هایی است که مبنای تهاجم نظامی به عراق شد. همچون؛ جنگ پیش دستانه، جنگ پیشگیرانه، تغییر رژیم، دولت ملت سازی، ترویج دموکراسی از طریق نیروی نظامی و سودمند بودن مداخله، روی آوردن آمریکا به همکاری بین المللی، اجتناب از یکجانبه گرایی و خودداری از اقدام نظامی علیه ایران، سوریه و کره شمالی از دیگر احتمالات ناشی از تجربه جنگ عراق است که آمریکا آنها را در عرصه خارجی به کار خواهد بست.

مقاله «سقوط دومینوها؛ ایالات متحده آمریکا، ویتنام و جنگ در عراق»، بر دو موضوع «نظریه دومینو» و روند «دولت سازی» در دو کشور عراق و ویتنام تمرکز دارد.

به نظر نویسنده، نظریه دومینو یکی از مبانی مفهومی را برای توجیه دو جنگ در عراق و ویتنام فراهم آورد.

پیروزی و چگونگی خارج کردن نیروها، با منافع حیاتی و اعتبار آمریکا پیوند خورد. رؤسای جمهور آمریکا از ترومن تا لیندون جانسون بر مداخله آمریکا در ویتنام پافشاری می کردند و آن را در راستای منافع حیاتی این کشور می دانستند و چگونگی تداوم جنگ را آزمونی برای قدرت و عزم آمریکا در جنگ سرد عنوان می کردند. حتی نیکسون که خواهان پایان جنگ و کاهش تعهدات بود، هیچ علاقه ای به خروج فوری و کاهش تعهدات آمریکا نداشت و بر خروج شرافتمدانه تأکید می کرد. همانند ویتنام، در عراق نیز، جرج بوش مداخله در این کشور را در پیوند با منافع حیاتی آمریکا قلمداد می کرد و آن را آزمونی برای توانایی کشورش در گسترش دموکراسی، آزادی و مبارزه با تروریسم برآورد می کرد و مخالف هرگونه خروج از این کشور به صورت فوری و یا زامانبدی شده بود.

۳. محدودیت های قدرت آمریکا به ویژه در زمینه سودمند بودن گزینه نظامی در نیل به اهداف، سومین و مهم ترین نقطه اشتراک دو جنگ محسوب می شود. در حالی که دولتمردان آمریکا پس از تجربه تلخ ویتنام، به این محدودیت وقوف یافتند و به نحوی با آن کنار آمدند، بوش پسر با اعلام راهبرد جنگ پیش دستانه به صورتی متهورانه در صدد کنار نهادن این محدودیت ها، به فراموشی سپردن کابوس ویتنام و اعلام سودمند بودن قدرت نظامی آمریکا در نیل به اهدافش برآمد. اما جنگ دشوار در عراق بار دیگر این محدودیت ها را به آمریکایی ها یادآوری کرد.

جان مبولر در مقاله نهم با عنوان «ویتنام و عراق؛ استراتژی، خروج و سندرم» به بررسی استراتژی آمریکا در قبال شورشیان، روندهای خروج و نتایج بلندمدت بین المللی جنگ عراق می پردازد.

همانند ویتنام، ایالات متحده در عراق با مخالفت مسلحانه گروه های شورشی روبرو شد. گروه هایی که آمریکا ظهورشان را پیش بینی نکرده بود، ارتش

ویتنام، عراقی‌ها نسبت به اراده و عزم آمریکا در ترویج آزادی بدبین بودند و این یکی از دشواری‌های آمریکا بود. کار دشوار و اشنگتن در عراق، متقاعد کردن عراقی‌هاست که آنچه آمریکا انجام داده و یا خواهد داد، چیزی جز خیر و صلاح آنها نیست و در این زمینه کاملاً صادق است. این مسئله به مراتب دشوارتر از جنگ با شورشیان و شکست آنها است.

### نتیجه‌گیری

در مجموع، کتاب به طور دقیقی به ابعاد گوناگونی از دو جنگ ویتنام و عراق پرداخته و دربرگیرنده داده‌ها، اطلاعات، تحلیل‌ها و یافته‌های ارزنده و متنوعی است. اگرچه چند سالی از انتشار کتاب می‌گذرد اما محتوا و تحلیل‌های آن هنوز خواندنی است و گذر زمان بر اعتبار یافته‌های آن تأثیر منفی بر جای نهماده است. رویکرد تطبیقی تاریخی از نقاط قوت کتاب است که از یک سو شباهت‌ها و تفاوت‌های دو جنگ را یادآوری می‌کند و از سوی دیگر نوعی توالی رفتارها و سیاستگذاری در آمریکا را نشان می‌دهد. همچنین بسیاری از مقالات، ابعاد سیاست خارجی و برخی نیز تأثیر جنگ ویتنام را بر عرصه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و خارجی آمریکا را مدنظر قرار می‌دهند. توجه به پیامدهای بلند مدت و کوتاه مدت جنگ عراق بر سیاست خارجی آمریکا از دیگر نقاط قوت اثر است که نباید از آن غافل بود. در مجموع، مطالعه کتاب به دانشجویان و پژوهش‌گران علاقمند به روابط بین‌الملل، خاورمیانه، سیاست خارجی آمریکا و مطالعات جنگ توصیه می‌شود.

در حالی که در ویتنام، آمریکا سقوط این کشور به دامن بلوک شرق را به منزله توسعه کمونیسم به آسیا تصور می‌کرد و بر پایه آن به لزوم اقدام به جنگ رسید، دولت بوش براساس یک تفسیر خوش بینانه از این نظریه، استدلال می‌کرد با استقرار دموکراسی در عراق، اندیشه دموکراسی و آزادی در خاورمیانه جوانه خواهد زد و به تدریج به دیگر کشورها نیز سرایت خواهد نمود. هواداران جنگ در عراق وقتی از پیدا کردن سلاح‌های کشتار جمعی در عراق و پیوند صدام با القاعده ناکام ماندند، در توجیه جنگ بر اصل «دومینوی دموکراتیک» پافشاری بیشتری کردند. در هر دو جنگ، سیاستمداران و تصمیم‌سازان بر پایه اصل دومینو، به لزوم و قانونی و مشروع بودن جنگ اصرار نمودند و از طریق مداخله نظامی به دنبال استقرار یک نظم دموکراتیک بودند.

در هر دو مورد عراق و ویتنام، آمریکا برای تأمین اهداف خود، به دولت‌سازی اقدام کرد. واشنگتن در اوایل دهه ۱۹۵۰ با هدف ایجاد یک ساختار سیاسی دموکراتیک و متحد، کمک‌های مالی، نظامی و سیاسی گسترده‌ای از ویتنام جنوبی به عمل آورد و وقتی این اقدامات به شکست انجامید، تصمیم به مداخله نظامی گرفت. اما در عراق، روند به گونه‌ای متفاوت پیش رفت. در واقع روند دولت‌سازی پس از اشغال نظامی در دستور کار قرار گرفت. در حالی که در جنگ ویتنام، آمریکا دولت‌سازی را در روند مبارزه با کمونیسم حیاتی می‌دانست، جرج بوش پسر نیم قرن بعد، دولت‌سازی را با استراتژی «مبارزه با تروریسم بین‌المللی» پیوند زد. ترویج ارزش‌های لیبرالی از طریق نهادهای آموزشی، رادیو، تلویزیون، روزنامه، ایجاد نهادهای مدنی و دموکراتیک از مهم‌ترین اقدامات آمریکا در هر دو کشور بود.

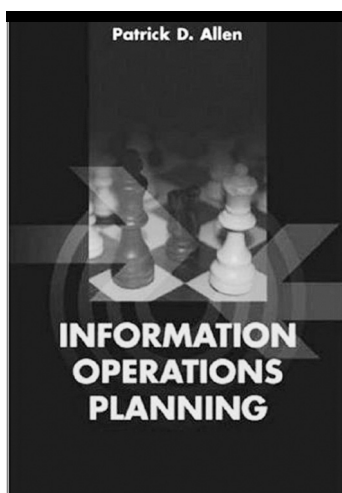
آنچه آمریکایی‌ها در روند ملت‌سازی نسبت به آن غفلت ورزیدند، چالش‌های این روند بود. همانند

## طراحی عملیات های اطلاعاتی

نویسنده: پاتریک د. آلن

معرفی و نقد: دکتر حیدر علی بلوچی\*

Patrick D. Allen, Information Operations Planning (New York: Artech House, 2007) pp. 343.



هماهنگی، تکمیل و همزمانی اقدامات رزمی در صحنه نبرد قادر می سازد به گونه ای که بتوانند از تمامی توان رزمی بالقوه خود استفاده کنند. در شرایط کنونی، هر چه به سمت آینده حرکت می کنیم، نقش و

جایگاه اطلاعات و عملیات های اطلاعاتی و وضوح بیشتری پیدا می کند. به عبارت دیگر، حجم نقل و انتقال اطلاعات با سرعت سرسام آوری رو به افزایش است، به طوری که بنا به پیش بینی های مکرر صاحب نظران تکنولوژی اطلاعات، حجم اطلاعات مبادله شده در دهه آینده ۴۵ برابر بیش از حجم کنونی آن خواهد شد. بر این اساس، می توان گفت که عصر اطلاعات و انقلاب در تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، ادامه انقلاب های قبلی بشر در عرصه کشاورزی و صنعتی محسوب می شود که نتایج و ثمرات آن خیلی زودتر و بیشتر از انقلاب های قبلی به منصه ظهور رسیده و روند

### مقدمه

از همان زمان طرح مفهوم استراتژی توسط سون تزوی چین باستان، اهمیت اطلاعات برای نیل به پیروزی در صحنه جنگ و به خصوص جنگ روانی مورد توجه ویژه ای بوده است. باوجود این، عنصر اطلاعات در جنگ های امروزی، روش های کلاسیک جنگ را دگرگون کرده و در نوع جدیدی از منازعه و نبرد تحت عنوان جنگ اطلاعات متبلور شده است. نگاهی به تحولات سه دهه اخیر به خوبی گواهی بر این مدعاست. به عنوان مثال، در جنگ های اخیر آمریکا در افغانستان و عراق و یا در جنگ های بالکان در اواخر دهه ۱۹۹۰ حجم اطلاعات نظامی منتقل شده توسط نیروهای آمریکایی از طریق ماهواره در هر یک از این جنگ ها در طول چند ماه، بیش از حجم اطلاعات غیر نظامی منتقل شده در کل جهان در طول پنج سال از طریق ماهواره بوده است.

بنابراین، می توان گفت که برتری اطلاعاتی در جنگ ها عامل بسیار موثری برای پیش بینی نتیجه نهایی جنگ و تعیین برنده و بازنده آن می باشد. طبق نظر کارشناسان نظامی، عملیات اطلاعاتی عامل برتری ساز توان رزمی و برتری اطلاعاتی به عنوان هنر جنگ محسوب می شود و عملیات اطلاعاتی فرماندهان را به

\*دکترای روابط بین الملل و کارشناس وزارت امور خارجه

اصول آن را با ذکر مثال هایی از جنگ های اخیر امریکا مورد بررسی قرار می دهد. در این زمینه وی معتقد است که در یک عملیات اطلاعاتی بایستی مشخص شود که هدف نهایی عملیات آیا تهاجمی و حمله به رقیب و یا تدافعی و دفاع در مقابل آن است؟ زیرا بسته به نوع هدف اقدامات متفاوتی باید صورت بگیرد. اما در هر حال باید اطلاعات دقیق و به روز بوده و با تعیین امکان سنجی اهداف، میزان اطمینان از برداشت های مربوط به موضوعات فوق مشخص گردد. همچنین، میزان نفوذ پیام ها و فهم درست آنها توسط طرف مقابل باید مورد توجه قرار گیرد. نویسنده تأکید می کند که عملیات اطلاعاتی یک درگیری با ابزارهای پیشرفته، جنگ الکترونیک و یا عملیات نفوذی نیست.

طبق نظر نویسنده، هرچند در طول تاریخ شاهد دست کاری در اطلاعات و ارائه اطلاعات تحریف شده بوده ایم و نیروهای نظامی در هر اقدامی اعم از دفاعی و یا تهاجمی، همواره متکی به اطلاعات بوده اند، با وجود این، با توجه به این که در حال حاضر در عصر اطلاعات به سر می بریم، اهمیت موضوع دوچندان می شود، زیرا در شرایط جدید و برای هدایت نیروهای صحنه نبرد و انجام هماهنگی لازم بین نیروها و توانمندی های پراکنده، وابستگی به اطلاعات بسیار زیاد شده و این امر در عین مزایایی که دارد، به نوبه خود، آسیب پذیری را نیز افزایش داده است.

ویژگی های عملیات اطلاعاتی که به نوعی آن را از عملیات های سنتی متمایز می سازد، عبارتند از: محدوده عملیاتی گسترده، اعم از تأثیر وسیع و امکانات و توانمندی های بیشتر برای اجرای عملیات؛ محدوده زمانی گسترده که از چند ثانیه تا چند دهه را در برمی گیرد؛ هدف عمده بسیاری از عملیات های اطلاعاتی رسیدن به اهداف غیرمستقیم است تا اهداف مستقیم؛ توجه ماکد به بازخوردها و اعمال اصلاحات

روزافزون نفوذ آن در تمام عرصه های زندگی بشری و به خصوص در عرصه نظامی کاملاً آشکار است. چون برای اداره صحنه جنگ، ابتدا باید دشمن و ماهیت سازمان و برنامه های دشمن را شناخته و سپس اقدام عملیاتی برای مقابله با آن را باید انجام داد. تحقق برنامه و هدفی به اتکای تکنولوژی اطلاعات جدید بسیار آسان گشته و بدین ترتیب اطلاعات و عملیات به دو عامل مکمل برای کسب پیروزی در جنگ تبدیل شده اند.

با توجه به اهمیت فوق العاده این موضوع طبیعی است که آثار متعددی نیز پیرامون آن به طبع و نشر رسیده باشد. کتاب حاضر نیز اثر جامعی است که آقای دکتر پاتریک آلن، نویسنده کتاب، در سه بخش و دوازده فصل و ۳۴۳ صفحه به ماهیت، مراحل و ابزارها و آینده عملیات اطلاعاتی می پردازد.

آقای آلن، استاد دانشگاه دومینیون در ایالت برکلی امریکا و نیز کارشناس مسئول مهندسی سیستم ها در یک موسسه امریکایی است. وی فارغ التحصیل دانشکده جنگ وابسته به ارتش امریکا است که دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته تحقیق عملیات از دانشگاه کالیفرنیا و دکترای همین رشته از دانشگاه کلرادو می باشد. این کتاب حاصل سال ها تحقیق و تجربه کاری نویسنده در زمینه طراحی و اجرای عملیات های اطلاعاتی و جنگ روانی است که ذیلاً با مروری بر خلاصه محتوایی کتاب، به نقد و بررسی آن می پردازیم.

### خلاصه محتوایی

#### بخش اول: زمینه های طراحی عملیات اطلاعاتی

در این بخش که به سه فصل تقسیم می گردد، نویسنده به شرایط و زمینه های طراحی عملیات اطلاعاتی می پردازد. به همین منظور، نویسنده ابتدا با توجه به نقش عملیات اطلاعاتی در جریان منازعه و درگیری ها و سپس تأثیر آن در افزایش و تقویت امنیت، اهداف و

اجرای عملیات، سنجش پشتیبانی ارائه شده و توجه لازم به بازخوردها و بالاخره سهم هر یک از اجزای سیستم در اجرای طرح عملیات.

در ادامه، روش‌ها و تکنولوژی‌های مربوط به اجرای عملیات‌های نفوذی مطرح می‌گردد. در این راستا، ابتدا تفاوت دکترین‌های نیروی هوایی و عملیات‌های مشترک از نظر نحوه اجرای عملیات نفوذی و سپس عوامل دخیل در عملیات‌های اطلاعاتی و ارتباط آنها با عملیات‌های تدافعی و یا نفوذی مورد بحث قرار می‌گیرد. همچنین، با طبقه‌بندی اهداف پیام‌ها، نویسنده کتاب به نقش موثر این اهداف در هدایت عملیات نفوذی و انطباق آن با عملیات اطلاعاتی می‌پردازد. در این رابطه، جنگ ایده‌ها و نیز عرصه مفهومی که پیام‌ها برای مسلط شدن در چارچوب آن به رقابت می‌پردازند، مطرح است. جنگ ایده‌ها با جنگ در یک عملیات نفوذی برابری می‌کند و شرایط اجرای این نوع عملیات را تعیین می‌کند. شیوه‌های رقابت پیام‌ها برای جلب توجه مخاطبین نیز باید مورد توجه قرار گیرد، زیرا در غیر این صورت، پیام‌ها درک و پذیرفته نمی‌شوند. علاوه بر مکانیسم پیام‌رسانی، ترسیم زنجیره علّی بین علت و هدف در موفقیت عملیات اطلاعاتی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند.

برای عملیات‌های تدافعی نیز روش‌ها و تکنولوژی‌های دیگری مطرح است. در طرح‌های این نوع عملیات‌ها که معمولاً ابتکار عمل در دست رقیب می‌باشد، برنامه اصلی، کشف و واکنش در مقابل تهدیدات می‌باشد که نحوه و زمان دفاع را نیز مشخص می‌سازد. یک عنصر مهم طرح‌های تدافعی علم و هنر فریبکاری است که علاوه بر این که بر فریب دادن دشمن تأکید دارد، بر شناسایی و فائق آمدن بر فریب‌های دشمن نیز دلالت می‌کند. بدیهی است که یک شرط مهم توفیق عملیات‌های مزبور، مخفی نگه داشتن طرح‌های

لازم در جریان عملیات؛ انجام عملیات اطلاعاتی مستلزم داشتن مهارت‌های گوناگون از مسائل نظامی و امنیتی گرفته تا موضوعات جزئی عرصه فرهنگ و هنر است؛ انجام پشتیبانی لازم در کل فرایند عملیات اطلاعاتی بسیار حائز اهمیت است؛ لزوم رعایت حیطه‌بندی‌ها، تعداد افراد درگیر در عملیات را کاهش می‌دهد.

## بخش دوم: فرایند طراحی عملیات اطلاعاتی و ابزارهای تحقق آن

در حالی که بخش اول کتاب به تعریف عملیات اطلاعاتی و تفکیک آن از عملیات‌های دیگر می‌پردازد، بخش دوم با نگاهی به تجارب ارتش آمریکا، فرایند طراحی و ابزارهای لازم برای اجرایی کردن عملیات اطلاعاتی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. بررسی تجربه ارتش آمریکا در این خصوص نشان می‌دهد که تعریف و سازمان‌های مسئول هدایت عملیات‌های اطلاعاتی در طول زمان تغییر کرده است. با توجه به رده‌بندی انجام شده از انواع عملیات‌های اطلاعاتی شامل عملیات‌های تهاجمی، عملیات‌های تدافعی و عملیات‌های نفوذی، هرکدام مستلزم طرح‌هایی از پیش تدوین شده، طرح مدیریت بحران و طرح‌های اجرایی، پشتیبانی و نظارتی و بررسی مستمر بازخوردها می‌باشند. همچنین دامنه شمول گسترده محتوا و موضوعات عملیات اطلاعاتی و ابزارهای مختلف برای تحقق آن، مستلزم سازماندهی منسجم و هماهنگ توسط تصمیم‌گیرندگان می‌باشد.

در رابطه با روش‌شناسی عملیات اطلاعاتی، طراحان مربوطه باید موارد زیر را مد نظر قرار دهند: تعداد گزینه‌ها، موانع سیاسی و گزینه‌های اقدام در چارچوب آن محدودیت‌ها، ترسیم ارتباط عوامل با اهداف و نحوه اثرگذاری آنها، احصاء دقیق مراحل

عملکرد سیستم (کسب پیروزی) دارد و اصولاً کسب پیروزی بدون توجه به بازخوردها امکان پذیر نمی باشد. امروزه تکنولوژی اطلاعاتی به قدری پیشرفته است که یک سیستم می تواند حتی بطور اتوماتیک کارکرد فوق را انجام دهد. اعمال اصلاحات، زمانی باید صورت بگیرد که سیستم از هدف اولیه خود فاصله می گیرد. اما در این جایگاه سؤال مطرح است که با توجه به گستره وسیع موضوعات از یک طرف و محدودیت زمانی برای تصمیم گیری در شرایط بحرانی از سوی دیگر، یک سیستم چگونه می تواند از درستی اصلاحات اطمینان حاصل نماید. این عاملی است که بر پیچیدگی انجام عملیات اطلاعات در عصر کنونی می افزاید. برای کاستن از آثار سوء این پیچیدگی، نویسنده کتاب شیوه های نظارت بر عملیات تهاجمی، تدافعی و نفوذی را به صورت متمایز طرح و بررسی می کند.

اما مسئله بعدی عبارت است از اینکه ابزارهای لازم و تکنولوژی های موجود برای طراحی عملیات های اطلاعاتی کدامند؟ پیش فرض پاسخ به این سؤال آن است که در حالی که بسیاری از ابزارهای عملیات اطلاعاتی از قبل تعبیه شده و در عملیات های دیگر نیز کاربرد دارند، برخی ابزارها مخصوص عملیات اطلاعاتی و به تازگی به وجود آمده اند. ابزار کاملاً مطلوب یک کاربر عملیات اطلاعاتی، استفاده از تنها یک کارت در یک نانو ثانیه و رسیدن به نتیجه ای بسیار بزرگ می باشد. این ابزار بایستی به صورت هماهنگ با دیگر اجزا عمل کند. ابزارهای اولیه برای یک عملیات اطلاعاتی برنامه های نرم افزاری و برنامه های دیگری مثل power point, word, excel می باشند که ممکن است به مرور زمان کامل تر شده و استفاده های بهینه تری از آنها صورت بگیرد. یکی از این ابزارهای پیشرفته که در وزارت دفاع امریکا کاربرد دارد،

مربوطه و به عبارت دیگر، امنیت طرح ها در مقابل تلاش های دشمن برای دستیابی به اطلاعات آنها می باشد.

همچنان که در گذشته اسلحه خودکار، توپ، بمب و سلاح هسته ای به دارندگان آنها یک برتری استراتژیک در مقابل کشورهای فاقد آنها به ارمغان آورده است، در عصر حاضر نیز آن طرفی که در عرصه کامپیوتری برتری دارد، می تواند در عملیات های اطلاعاتی به موفقیت بیشتری امیدوار باشد. بنابراین طرف حمله کننده با استفاده از شبکه کامپیوتری، شانس بیشتری برای برنده شدن دارد، زیرا امروزه علاوه بر این که بسیاری از کارها از طریق کامپیوتر انجام می شود، استفاده از کامپیوتر سرعت حمله را نیز به شدت افزایش می دهد، زیرا تنها با اجرای یک برنامه که زمان چندانی طول نمی کشد، آن چنان خساراتی به طرف مقابل می توان تحمیل کرد که کسب آنها با یک جنگ خونین امکان پذیر نمی باشد. برای این که یک کشور در چنین وضعیتی قرار نگیرد باید اصول زیر را رعایت کند: خود را برای رویارویی با سناریوهای مختلف آماده کند؛ برای دفاع در مقابل یک حمله باید نهایت تلاش را به کار بست که آسیب و فشار کمتری به سیستم خودی وارد شود؛ بهره کشی زیاد از سیستم در شرایطی که هم باید به دفاع پردازد و هم کارکرد معمول خود را انجام دهد، در نهایت ممکن است به آسیبی بیش از آن حمله منجر شود؛ رعایت نهایت انعطاف پذیری در پاسخ به حملات؛ تدوین یک طرح خاص برای رویارویی با شرایط غافل گیرانه؛ انعطاف در مشاهده شدن؛ دفاع در عمق؛ و بالاخره شناسایی و سد راه مهاجم.

همان طور که قبلاً نیز اشاره شد، نظارت بر عملکرد اجزای سیستم عملیات اطلاعاتی و اعمال اصلاحات لازم با توجه به بازخوردهای دریافتی از سیستم - طراحی مجدد- نقش بسیار مهمی در ارتقا و بهبود

خواهد بود. به اعتقاد نویسنده، هر چند امریکا در عملیات اطلاعاتی تهاجمی از مزیت‌هایی برخوردار است، در زمینه دفاعی دارای آسیب‌پذیری‌هایی است. همچنین، از نظر وی با توجه به این که ایالات متحده آمریکا در حال حاضر پیشرفته‌ترین قدرت دنیاست، در عملیات‌های اطلاعاتی آینده، نبرد این کشور با دیگران بیش از آن که با ابزار و اطلاعات باشد، بر اساس ایده‌ها خواهد بود. در عین حال نویسنده کتاب، ویژگی عملیات‌های اطلاعاتی آینده را این چنین بر شمرده است:

۱. هر کسی حامل پیامی است؛
۲. هرکسی می‌تواند به سرعت در سطح جهانی معروف شود؛
۳. هر شخصی در جهان مخاطب بالقوه پیامی است که ما ارسال می‌کنیم؛
۴. هر شخصی در جهان در پیام‌های گروه‌های دیگر جایگاه خاص خود را دارد؛
۵. اکثر پیام‌ها درباره گروه ثالث است تا درباره ارتباط مستقیم بین دو گروه؛
۶. در عرصه نبرد ایده‌ها، ابتکار عمل مسئله است؛
۷. وارد کردن اتهام یک شیوه آسان برای بدست گرفتن ابتکار عمل است؛
۸. منازعه در عرصه ایده‌ها به درگیری فیزیکی منتهی خواهد شد؛
۹. برنده نبرد ایده‌ها در عرصه درگیری فیزیکی تعیین نمی‌شود؛
۱۰. هنگام رقابت در چارچوب نبرد ایده‌ها، داشتن متحدین بسیار مهم است؛
۱۱. در نبرد ایده‌ها نه رقبا و نه متحدین، همیشگی نیستند؛
۱۲. برخی گروه‌ها در نبرد ایده‌ها با تقلب به برتری می‌رسند؛

هدایت‌گر عملیات اطلاعاتی<sup>۱</sup> می‌باشد. از جمله سایر ابزارها و تکنولوژی‌های مورد استفاده در عملیات اطلاعاتی می‌توان به وسایلی همچون، تهیه‌کننده، توجیه‌کننده و تحلیل‌گر، ارزیابی‌کننده، پیش‌بینی‌کننده و سناریوساز اطلاعات اشاره کرد. لازم به ذکر است که آن چنان که تجربه نشان می‌دهد یک ابزار نیمه خودکار برای کاربر عملیات اطلاعاتی مطلوب‌تر از ابزار کاملاً اتوماتیک می‌باشد، زیرا به هر حال نقش مؤثر عامل انسانی در هدایت عملیات را نباید فراموش کرد.

بالاخره در پایان این بخش، نویسنده کتاب ملزومات پشتیبانی‌کننده و مسائل لجستیکی عملیات اطلاعاتی را مطرح می‌کند. در واقع، موفقیت یک عملیات اطلاعاتی منوط به تدارکات گسترده در تمام زمینه‌های دخیل در یک عملیات، شامل دکترین، سازماندهی، آموزش، مواد و تجهیزات، رهبری، سیاستگذاری و ارائه تسهیلات است که هر کدام به نوبه خود نیازمند طراحی خاص هستند. در این راستا، عرضه و تقاضا و نیز داشتن اطلاعات درباره هر یک از اقلام فوق و به تبع آن نقش و کارکرد سازمان‌های اطلاعاتی حائز اهمیت است. به نحوی که برای آغاز یک عملیات اطلاعاتی باید آمادگی اطلاعاتی وجود داشته باشد. بدیهی است که اگر هر کدام از این موارد در مسیر تکاملی قرار گرفته و رو به پیشرفت باشند، نقش آن مورد در موفقیت عملیات اطلاعاتی برجسته‌تر می‌شود. و بالاخره در طراحی عملیات اطلاعاتی، باید به مسائل حقوقی مربوطه از مبانی توسل به زور تا موارد مجاز و غیرمجاز توجه داشت.

### بخش سوم: آینده عملیات اطلاعاتی

به اعتقاد برخی از کارشناسان مسائل بین‌المللی بخش عمده منازعات آینده میان کشورها در عرصه اطلاعات







#### 4. The City Bombardment and its Aftermaths in Iran

*Zahra Rahimi Haji Abadi*

Attacks against cities and civilians are discussed in various war texts. This essay tries to investigate the economic, cultural, social, and psychological side effects of city bombardment in Iran. A mixture of cultural, psychological, and sociological approaches is used in this investigation.

Ö Ö Ö

#### 5. Iran-Iraq War and France Position

*Zahra Rabiee*

Separating Iraq from the east camp, controlling its policy and decreasing the USSR domination on it was at the center of the US foreign policy which was often followed by France. The other point affecting France orientation in Iraq was development and preservation of its interests in Iraq. Here, after a short introduction about Iran and Iraq relations with France before the war, the writer has discussed France position during the 8 years of war, selling modern weapons to Iraq, its stance and reactions during the tanker war and the embassy conflict, and its role in bringing the Iran-Iraq war to an end.

Ö Ö Ö

### Document and Reports

#### IRGC Healthcare Center and the Chemical war in present documents

*Mohammad Sadegh Darvishi*

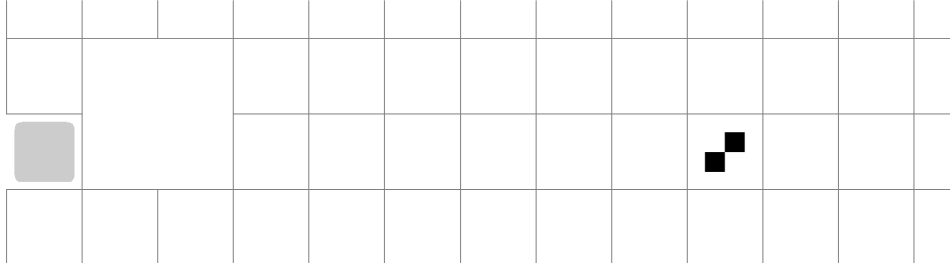
The gradual development of IRGC can be considered as a valuable result of the imposed war. Different units of IRGC, for example its healthcare center was formed and qualified during 8 years of the war. This unit was doing its best in spite of various difficulties specially after the chemical bombardments and was curing the wounded soldiers just behind the combatant forces. Some of its personnel were killed during the war. Here, you can see some documents about the responsibility of IRGC healthcare center and their performance against Iraqi use of chemical weapons.

Ö Ö Ö

### Book Review

In this section, four books are introduced and reviewed one of which is in Farsi and the three others are in English:

1. Mottagi Ebrahim, Bipolar System and the Iran-Iraq War
2. Richard L. Russell, Weapons proliferation and war in the greater Middle East: strategic contest
3. John Dumberell & David Ryan, Vietnam in Iraq (Tactics, Lessons, Legacies and Ghosts )
4. Patrick D. Allen, Information Operations Planning



# Abstracts

## Preface

### Society and War



## Articles

### 1. War Heritage

*Dr. Abdol-Amir Nabavi*

As an important event, each war has a lasting effect on people's life and language for decades. Some war consequences are in direct relation with end result (winning or losing) of the war and some others are the aftermath of the war itself. This essay discusses two points about the period following the war, considering Iran-Iraq war. First, death becomes a routine. It will be internalized in the case of continuation. Second point is the classification of those who are dissatisfied with the logic and process of life in the peace period after the war; especially those who try to recreate the values and ideals of the war period.



### 2. Reconsideration of the Iraq-Iran War from a historical sociological Approach

*Dr. Nabi Ebrahimi*

This essay tries to re-evaluate the Iraq-Iran war based on the historical sociological approach. Historical sociology which is studied in the international relations is a combination of history and sociology. Here, the writer in addition to mentioning the weaknesses of the reductionist theories (main stream) in the international relations has discussed two important topics: State- formation and Identity considering historical sociology.



### 3. Content Analysis of Keyhan Newspaper in Relation to the first three months of the Iran-Iraq War

*Zahra Nazeri*

In this essay, the content and the quantity of different news published in Keyhan Newspaper about the Iran-Iraq war during the first three months of the war are analyzed. The news headlines, news sources, text style and different parties' reaction to the published war news are analyzed to show this newspaper's stance regarding different news and its way of reflecting them.



Editorial Note

Society and War 5

Articles

War Heritage 9 Dr. Abdol-Amir Nabavi

Reconsideration of the Iraq-Iran War from a historical sociological Approach 23 Dr. Nabi Ebrahimi

Content Analysis of Keyhan Newspaper in Relation to the first three months of the Iran-Iraq War 35 Zahra Nazeri

The City Bombardment and its Aftermaths in Iran 53 Zahra Rahimi Haji Abadi

Iran-Iraq War and France Position 71 Zahra Rabiee

Iran-Iraq War Documents and Reports

IRGC Healthcare Center and the Chemical war in present documents 95 Mohammad Sadegh Darvishi

Book Review

Bipolar System and the Iran-Iraq War 141 Dr. Abdollah Ghanbarloo

Weapons proliferation and war in the greater Middle East: strategic contest 147 Dr. Mahmood Yazdanfam

Vietnam in Iraq (Tactics, Lessons, Legacies and Ghosts ) 157 Dr. Gholamreza Khosravi

Information Operations Planning 167 Dr. Heydarali Baloji

**In The Name of God**

**The Quarterly on Sacred Defence**



**NEGIN  
IRAN**



**Vol.8 □ No.31 □ Winter 2010**

**Publisher** IIRG's Sacred Defence Document Center

**Editor in Chief** Major General Mohammad Ali Jafari

**Vice Editor in Chief** Dr. Hossein Ardestani

**Editorial Committee Members** Dr. Hossein Ardestani, Dr. Gholam Ali Rashid, Dr. Hossein Alaei, Dr. Mahmood Yazdanfam, Hamid Aslani

**Internal Manager** Seid Masood Mousavi

**Page Setting & Cover Designer** Seid Abbas Amjad Zanjani

**Type** Zahra Talei

**Publishing Supervisor** Mohammad Behrozi

**Support Affairs** Ahmad Avazabadian

**Address** 8/1 Boromand Alley, Martyre Varkesh St & South Mofatteh Ave, Tehran, Iran.

**Email** neginiran@gmail.com

**Telefax** +98 21 - 88307282

**Price** 12000 R